ژوندون

اطلاعات او کلتور

شنبه ۲۵ حوت ۱۳۵۸

(۱۵) مارچ ۱۹۸۰

شماره (۵۲)

سال (۳۱)

A-P
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
6
APR 7 - 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271y00

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌وصدراعظم‌جمهوری‌دموکراتیك‌افغانستان‌موقعیکه هیات اتحادیه بین‌المللی حقوق‌دانان دموکراتیك را برای ملاقات تعارفی درمقرشورای‌انقلابی پذیرفته وبا آنها صحبت مینمایند.

اختصار وقایع هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ازطرف ببرك كارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان پیامی عنوانی رهبری جبهه وطنپرستان زیمبابوی به مناسبت‌پیروزی در انتخابات پارلمانی به نفع آن جبهه وانتخاب رابرت موگابی بحیث‌صدراعظم زیمبابوی آزاد ومستقل به سالزبری مخابره گردیده است .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد تلگرام جوابیه عنوانی ببرك كارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان از طرف جلالتماب ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهورجمهوری اسلامی ایران به کابل مواصلت نموده‌است.

• • •

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت هیات‌اتحادیه بین‌المللی‌حقوق دانان دموکرات را در مقر شورای انقلابی(ارگ)برای ملاقات پذیرفتند .

• • •

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای‌انقلابی وصدراعظم‌جمهوری دموکراتیك افغانستان ساعت دوی روز ۲۲ حوت در شفاخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ‌پشتون ها عیادت کردند .

• • •

تحت ریاست ببرك كارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان شورای وزیران شام ۱۸ حوت در مقر شورای انقلابی (ارگ) تشکیل جلسه داده و ضمن غور و تصاویب لازم‌بر پیشنهادات وزارت‌ها بخصوص پیشنهاد وزارت امور پلان گذاری را که طبق هدایت که قبلا داده شده بود در مورد امداد برای احیای فعالیت های اقتصادی در مناطق ومحلات آسیب دیده ، منظور وتطبیق آنرا تصویب کرد .

• • •

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در راس هیاتی برای یك مسافرت دوستانه روز ۲۳ حوت وارد مسکو گردید .

در میدان هوایی مسکو ، اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ، شارژدافیر واعضای سفارت کبرای جمهوری دموکراتیك افغانستان مقیم مسکو ویکعده از شخصیت‌های برجسته وزارت امور خارجه آن کشور از شاه محمد دوست وهیات همراهانش استقبال کردند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبر میدهد که شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیك افغانستان ، بنا بدعوت جلالتماب اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درراس هیاتی غرض یك مسافرت رسمی ودوستانه ساعت دوی بعد از ظهر روز ۲۳ حوت عازم مسکو شد .

عبدالرشید آرین وزیر عدلیه ولوی خارنوال قبل از ظهر ۲۳ حوت طی محفل شانداری در سالون بناروالی کندهار باعدهٔ کثیری ازعلما، روحانیون موسفیدان ومردم شریف ولایت کندهار ملاقات نمود .

• • •

ژگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت چار بعداز ظهر ۲٤ حوت در شفاخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح خلق افغانستان از خان عبدالغفارخان رهبر بزرگ پشتون‌عیادت نمود .

همچنان فیض محمد وزیر امور سرحدات به ساعت پنج عصر از خان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون عیادت کرد .

• • •

دکتور اناهیتا راتب زاد عضو بوروی‌سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، عضو شورای انقلابی ووزیر تعلیم وتربیه جمهوری دموکراتیك‌افغانستان۲۱ حوت مسافرت خود را به جمهوری سوسیالستی چکوسلواکیا خاتمه بخشید .

• • •

شیر جان مزدوریار وزیر ترانسپورت و توریزم به ساعت نه قبل از ظهر ۲۲ حوت در دفتر کارش‌با جلالتماب کرافت بومبل سفیر کبیر جمهوری دموکراتیك آلمان‌ملاقات تعارفی نمود .

«توقع میرود تا متخصصین ،ماموران ، موسسات زراعتی ، دهقانان زمینداران و مالداران شریف کشوردر فضای همکاری همه جانبه برای رشدوانکشاف سریع اقتصادضعیف‌مملکت شانه به شانهٔ هم به پیش بروند یك دیگر را کمك کنند برای‌عناصر ضد انقلاب ، رهزنان ، آدمکشان ، خرا بکا ران مفسدین‌اجازه ندهند تاسر مایه ملی مارا بازیچه اهداف شوم وپلید خودسازند» .

«ببرك کارمل»

شنبه ۲۵ حوت ۱۳۵۸ برابر با ۱۵ مارچ ۱۹۸۰

تشکیل گروه های مقاومت ثبوت روحیه آزادمنشی و تسلیم ناپذیری خلق ما

ملت آزا ده وقهر مان افغانستان که‌همواره در برابرمتجا وز ین واستعمار گران چون کو همهای مغر و ر ش ا ز خو د استوا ری و پا یمر د ی نشا ن دا د ه وبز رگتر ین قد رت های اهر یمنی زمانرا بزا نو در آورده ،با پیروزی انقلاب رها یی بخشس ثور ز خم‌کاری دیگری بر پیکر لرزان ارتجاع وامپر یا لیزم وارد آورد.

امپر یالیزم غارتگر که همه امید ها‌یشس را در افغا نستان از دست رفته یافت با تلا شهای مذبو حانه درصدد بر آمد تا مگر بو سیله ارتجاع سیاه دا خلی وهم کیشان منطقوی ومتحد ینشس ، انقلاب ثوررا دگر گون جلوه دهد وا ین آرمان بز رگ خلق افغا نستان رابیاس و نا امیدی مبدل سازد و برای اینکه به آر زوی خبیث و جنا یتبار شس رسیده با شد، چا کر گوش بفرمان ونما ینده ، «سیا» یی خود امین خو نر یز وبا ند جنا‌یتکار شس را مامور غار تگر یها، دست برد ها وکشتار هزا ران وطنپر ست سا خت .

امین تبهکار وبا ندنجا نهای دور بشقابش «باند سیاه وجنا یتکارش» که درلفظ متر قی ودر عمل آدمکشان قرن بیست بود ند ، هم دست اندر کار شدند ، ترور واختناق ، چپاول وتاراج را سیا ست روز قرارداد ند، برنوا میس وعنعنات مردم بیرحمانه تاختند آدمکشی ، فشار ،شکنجه ارعاب وتخو یف را پا یه های اسا‌سی بقای خود پندا شتند چنان بستند وکشتند که در ین مسا بقه ضحاك مار بدو شس را از خا طره هافرا مو شس کرد ند ودستا نشس‌را از پشت سر بستند .

امپریالیزم جها نخوار امر یکا که بر چنین اعمال غیر انسانی اتکاء دارد در ین با زی شیطا نی خود را برنده دانسته ودرحلقه متحدین‌رسوا وبدنا مشس بحیث سر آمد مبتکرجنا‌یات امین در بد نام سا ختن تر قی‌و تکامل بخود می بالید . ولی قیام پیروز مند ششم ثور جدی این غرور کاذب وشیطا نی امر یکای جنا یتکار راکه در روح شیطا نی امین مستکبر نهفته بود یکبار دیگر بخاك یکسان نمود.

اینبار امپر یا لیزم ویرا نگر امر یکا ومتحد ین بد نا مشس که بر گور آرزو های بر باد رفته شان میگریند، دست به جنایات شدید تر وتازه تری زده وبا مسلح سا ختن گروه های او باشس ور هزن، قا تل‌و جانی با کمك ارتجاع نظامی گر پاکستان، شوونیزم چینی ومرتجعین مصری دست تجاوز رابر خاك مقدس ما درازتر ساخته وبه خرابکاریها و کشتار مردم بیگناه ما بشکل نهایت فجیعانه دست اندر کار شده اند. اما غا فل از آنند که انقلا ب ثور خواستهٔ منطقی وتاریخی خلق افغانستان بوده و همانطوریکه در بمیان آوردن وبه پیروزی رساندن آن نقش فعال‌وتعیین کننده داشتند، در حفظ وحراست آن نیز رسالت تاریخی شانرا درك کرده وهرگز نمیگذا رند انقلاب ووطن‌محبوب‌شان دستخوش مرتجعین و امپریالستان گردد ومورد تاخت وتاز اهریمنان و متجاوزین قرار گیرد .

از همینجاست که به صدای انسانی دولت ملی ودموکراتیك شان پاسخ مثبت داده وبطور شعوری و آگاهانه گروه های مقاومت را برضد متجاوزین ودشمنان وطن وانقلاب شان تشکیل دادند .

تشکل گروه های مقاومت که از عناصر آگاه ورسالتمند توده های ملیونی افغانستان بوجود آمده نمایانگر این واقعیت است‌که مرحلهٔ نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور نیز آرمان توده هاست و بر نیروی پرتوان و تسخیر ناپذیر آنها اتکاء دارد .

پس میتوان حکم کرد که انقلابیکه از توده ها برخاسته و از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار باشد «چون کوه استوار و چون چرخ پایدار» بوده و هیچ نیروی اهریمنی وطاغوتی نمیتواند خللی بر آن وارد نماید ، چه هر قدر باد در نهادش تند وویرانگر باشد کوه را نمیتوان جنباند وفقط سر خودش راباسنگهای خاری آن ساییده زوزه و ناله سر میدهد وهرگز فریاد های آن جایی را نمیگیرد .

امپریالیزم جهانی وارتجاع بین المللی نیز که تحت ضربات پیهم گیج کننده ومرگبار نیرو های آزادیبخش ملی، انقلابات ملی و دموکراتیك وانقلابات کارگری قرار گرفته اند ، دیوانه وار سربه سنگ زدن را علاج دردسرمیدانند وهمواره سرشانرابه‌فولادهای آبدیده‌میکوبند، غافل از آنکه نه تنها بهبودی نصیب حال‌شان نخواهد شد بلکه مغز های نابکار شان نیز خورد و خمیر شده ونابود خواهند گشت ، زیرا این حکم تاریخ وجبر زمان است که توده ها پیروز میشوند و دشمنان شان نابود .

مابا شما هستیم ، ما با شما یکجا می‌رزیم.

• • •

عشق، زناشوئی وقانون دوم ترمودینامیك

• • •

گروه هنری بقه ها .

• • •

به کارگری تولنوکی دوریا اواجباری تعلیماتو پراختیا .

• • •

کنترول توبرکلوز در سراسر کشور .

• • •

طفولیت نیکیتا .

• • •

اگر میخواهید ایدیال تان را از دست ندهید .

• • •

تاثیرروانی افزایش لوازم منزل‌بالای‌انسان.

• • •

روی جلد :

گلالی سر تیم ، تیم منتخب والیبال اثاث تعلیم وتربیه که راپور مفصل آن در شماره گذشته به نشر رسیده است .

پشتی آخیر :

آرامگاه احمدشاه بابا واقع کندهار

خلقها ی زحمتکش افغانستان !

عین الدین درویش

ما باشماستیم ، ما باشما یکجامی رزمیم

عصر ما که عصر پیروزی انقلا با ت آزادی بخش ملی و عصر پیروزی رو شنی بر تاریکی و دوران آزادی بشر یت و شکست روزافزون ارتجا ع جها نی وعصر مبارزه بین سوسیالیسم وامپریالیزم است ، این مبارزه بین دوسیستم جها نی در حقیقت به مضمون عمده دوران ما وبه محور زندگی اجتما عی مبد ل گردیده است ، ازآن زمانیکه جهان بدوار دوگاه عظیم ، یعنی جها ن کار و سر ما یه مبد ل گردید به مبا رزه آزادی بخش توده ها ی زحمتکشا ن بخصو ص در کشور ها ی آسیا ، افریقا و امریکا ی لاتین نیز شد ت و حدت بیسا بقه ای بخشیده شد واین مبارزه خلقها ی وسیع و توده ها ی بیشمار زحمتکشا ن را طبعا متحد ین وهوا خوا ها نی در کا ر بود ، هما ن بود که خلقها واکثریت توده ها ی زحمتکش قاره های آسیا ، افریقا وامریکا ی لاتین با سا یر خلقها و گرو هها ی متر قی وانقلابی بابر افراشتن درفش نبرد و پیکا ر بر ضد امپر یالیسم و متحد ینش چنان رز میدند و همچنا ن می رزمند .

وجب بو جب افغانستان انقلابی وقهرمان، دشت و کوه و بیا بان آن ، صحرا ها ی سوزان آن ، گو شه وکنار مختلفه این مرزوبوم مردآفرین آن هر کدام بنوبه خود شا هدایستاد گی وبا یداری و مقا و مت مر دانه خلقها ی زحمتکش این وطن بر ضد دشمنان ورقیبان دون صفت ونابکار خلق ها وشا هد شکست های رقتبار وننگین دشمنان وطن وشاهد ورشکستگی و اضمحلال ارتجاع وامپر یالیسم است ، اکنون امپر یا لیسم در صدد آنست تا با استفاده از سلا حها ی مر گبا ر وآدمکش و در ضمن با تو لید وانبار کرد ن سلاحها ی خطر نا ك وبخصوص تو لید و توریدسلاحها ی تها جمی تهدید دا ئمی را برای کشور ها ی جها ن بخصوص بر ضد کشور ها ی نو به استقلال رسیده بو جود آورده وبا این تولید انواع سلاحها، جنگ و آدمکشی را در گوشه و کنار مختلفه جهان دا من زده و بخاطر آ رزو ها ی شو م و به مقصد اعمال نفوذ دراین کشور هاانسانهای بیشماررا رهسپاردیار عدم نموده وحاکمیت دست نشا ند گان خویش را تامین وتضمین نماید ، دراین بخش با ید گفت که این تا مین و تضمین بقیمت جان هزاران هزارنفر ازبهترین فرزندان پاکنهاد این کشورماتمام شده است ، گروه گروه از هموطنان ما شا مل جوا نان، پیر مردان و پیرزنان ، اطفا ل خرد سا ل تو سط امپر یا لیسم امریکا و نماینده گوش بفرما نش یعنی حفیظ الله امین رهسپار دیار عدم گردیده ، وای چه بسا که بهترین و بر ازنده ترین اشخا ص وافراد جامعه ما بدون کفن در پا ی کو هها ی پلچرخی ویا در دشت ها ی منطقه ذکر شده تیر با ران شده واز جسدش چیز ی با قی نما نده جز استخوا نها ی بی گوشت و پو ست .

امین نا امین وباند فا سدش جنایاتی را مر تکب شدند که قلم از بروی کا غذ آوردن آنهمه جنایات وآدمکشی ها عار دارد ، آن ها ،باند امین نا امین در مد ت زما ن بیش از یك سال ونیم زمامداری خویش کشتند وبستند وگروه گروه از بهتر ین فر زندان این کشور نامور وقهر ما ن را در «پو لیگون »پلچر خی از هستی وزند گی سا قط سا ختند ، آنها حتی از اطفا ل معصوم وبیگناه نیز هراس داشتند ، گرو هها ی بیشماری از اطفال خردسال را در محبس های کا بل از جمله در محبس پلچر خی محبو س سا خته و آن اطفا ل پا کوبیگناه را با ل شکسته و پر شکسته به گو شه زندا ن رها نموده وشما حدس بز نید که آن اطفا لیکه نو نهالا ن جا معه بوده و آن اطفا لیکه در حقیقت آیند گا ن این کشور اند در بند کشیده شده و آن اطفا ل راباهمه سجا یایی که دارند در توقیف نگهداشتند .

خلقها ی زحمتکش و قهرمان وطن بز رگ وقهر مان آفرین ما سو گند یاد کرده اند که تا آخر ین لحظه زندگی و تا آخر ین نفس بر ضد امپریالیسم جهانی و بر ضد کلیه متحد ین نا باکش برزمند و در این راه افتخارات بزرگ وبزرگتری را نصیب شوند ، تاریخ شا هداست که هر زمانی که دشمنا ن وطن و رقیبا ن ناموس وطن مقد س مان افغانستان عزیز اقدا می کرده اند تا برضد این کشور مرد آفرین وقهرمان پرو گرامی طرح ، آن پرو- گرام ضد انسا نی وضد بشری شا ن قبل ازآنکه در زمینهٔ عمل مورد تطبیق قرار گیرد در نطفه خفه شده است ، ما یکبار دیگر با جرات و شها مت وبا امید بفرداهای روشن و شگو فان وطن اعلام میدا ریم که نقشه های شوم امپریالیزم جهانی در افغانستان قهرمان وانقلا بی موا جه به شکست است وباید بپذیرد که در این عرصه به شکست ننگینی دچار شده است .

بیایید با پیوند مشت ها وقلبها چون تن واحد برضد دشمن برزمیم چون اهمیت زندگی ومفهوم واقعی زندگی درمبارزه ورز میدن بر ضد عوا مل نا بکار اجتما عی و طبیعی، رفع عوامل نابکار ومبارزه در راه محو و نا بودی هر آنچه برضد منافع ومصالح خلقها ست ، چه صرف خوردن و خفتن و هیچ نگفتن خا صه حیوانات است اما با ید دانست که انسان بودن وظیفه ایست بس عظیم وبزرگ .

چه زند گی را بشیوه ها ی گونا گون میتوا ن بسر آورد ، میتوان در جا مه تخدیر خزید وجامه مخملین بتن کر د و تا ج افتخا را ت را بسر گذاشت و بدا ن فخرومباهات کرد اما ... بازاما میتوان بهمه ی اینها پشت کرد و بما نند قهرمانان واز خود گذران کاسنی تلخ حقیقت رانوشید وتاج خا را گین عدالت اجتما عی را بسر گذاشت ، انسان میتواند وباید بتوا نند منا فع شخصی و منحصر بفر د خویش را فدا وقربان منافع جمع نماید، انسان با ید تجلی شخصیت خرد را درتجلی شخصیت جمع بداند ،چه باید بداند که این جمع است که خرد در صورت بموجودیت آن جمع میتوا ند تبارز نما ید .

در این مورد و بار تباط مطالب ومسایل گفته آمده با ید گفت که خلقها و توده های زحمتکش افغانستان عزیز وطن محبو ب القلوب ما بامبارزات قهرمانانه وافتخارآمیز خو یش تا ریخ این مرز وبوم قهر ما ن را رنگین سا خته و هر فرد هموطن ما حق دارد بهر سطر تاریخ وبهرکنج وکنار این وطن مرد آفرین فخر کند وبخود بیا لد، چون توده های زحمتکش وطن ما افغانستان عزیز نیرو ها ی عمده و تعیین کننده اند ودر مجمو ع این توده ها و مرد مان قهر ما ن ومبارز افغا نستان عزیز اند که در طول تاریخ این مرز و بو م با مبا رزا ت وفعالیت ها ی قهر مانانه خو یش افتخارات بزرگی را نصیب شدند :

خلقها ی زحمتکش افغانستان عزیز ! شما بدانید که در وجود شما نیروی بزرگی نهفته است ، این نیروی بزرگ را در راه خیر وصلاح وطن وسایر وطنداران ، درراه خوشبختی مردمان وطن ، درراه سر فراز ی این وطن قهرمان ، در مرحم گذاشتن قلبهای داغدیده مادران وپدران درپاك کردن ا شك یتیمان وزنانی که عزیزان خو یش را ازدست داده ، در راه تابناك مبارزه برای آبادی وطن این نیروی بزرگ خویش را بکاراندازید، زحمتکشا ن قهرمان وطن شما خو ب میدانید که شما نیرو مند ترین قدرت امپر یالیستی جهان یعنی امپریالیسم انگلیس را در این وطن مقدس وپاکنهاد محوونابود نمودید، شکست رقتبار وننگینی که توسط خلقها ی زحمتکش وطن به استعمار انگلیس تحمیل گر دید ، در حقیقت خود پیروزمندی حق و عدالت بر ضد جنگ طلبان استعما ر گر وبر ضد دشمنان شرافت وبا کدامنی و طن مقد س افغانستان عزیز بود .

وطنداران قهر مان واز خود گذر که در مدت زمان استیلای امین وباند فا سدش چه قهرمانی ها و فدا کاری ها ئی که از خود نشان ندادید ، واقعا پایداری ، استقا مت و مبارزه و پایمردی شمادر خور ستایش است شما ای هموطنان شرافتمند که چندین بار برضد دشمنان رنگا رنگ وطن قهر ما نانه رزمیده ومردانه وار جنگیدید ، فداکاری شما، از خود گذری و پایداری شما واقعا درخور - ستا یش است ، باری بخاطر خو نها ی پاك قهرمانان وطن عزیز دریك جبهه متحد شد ه وبر ضد رقیبا ن دون صفت ودشمنا ن ناموس وطن برزمید ، برزمید وباز هم برزمید .

توده های زحمتکش وطن محبوب القلوب ما افغا نستان عزیز در حقیقت امر مر کزجوشان نیرو و قو ت وتوان مبارزه برضد امپریالیسم و متحدین آنها بوده و خا نو ا ده بزرگ افغانی کانون گرم مبا رزات ضد امپر یا لیستی و ضد ارتجا عی بوده وهمچنان با نیروی ده چند بر ضد دشمنا ن بشر یت ودشمنا ن آزادی واستقلال خلقها خوا هد رزمیدو نقشه ها ی شوم امپر یالیسم وارتجاع را نقش بر آب خواهد کرد ، تاریخ شاهد است هر آنکسیکه برضد خلق وبر ضد شرا فت وطن ما افغا نستان عزیز به اصطلاح شمشیر کشیده محکوم بمرگ حتمی گردیده است طبعا آنکسیکه بر ضد منافع علیا ی وطن بزرگ ومقد س ما وبرضدخلق زحمتکش وطن ما افغانستان عز یز قد علم نموده به مرگ و نیستی محکوم گردیده است و به یقین که این وطن ارجمند ما افغانستان انقلا بی بارها با ثبات رسا نیده که تا آخر ین نفر می جنگد و لی بد شمن راه نمید هد ، چه درطول مبارزات افتخار آمیز این مرزبوم خلقهای مبارز وزحمتکش وطن همیش شعار داده که مرگ تا آخرین نفر ولی راه ندادن بد شمن واین شعار را در عمل نیز تطبیق نموده است .

خلقهای زحمتکش وطن عزیز ماافغانستان! بخا طر داشته با شید که دشمنان خارجی شما درنتیجه شکست های رقتباری که نصیبش شده سخت هار گردیده واینجا و آنجا تلاشهای مذ بو حانه ای بخر چ میدهد، زیر پای دشمن را خا لی نموده ونقشه هایش را به شکست محکوم نما ئید ، کنون دشمنان

بقیه درصفحه ٥٦

ترجمه سعیدی

عشق، زناشویی و قانون دوم ترمودینامیک

در ممالکی که نفوس نسبتازیاد دارند بطور مثال در شوروی هرروز از دو الی دو نیم ملیون نفر با هم ازدواج میکنند . اگر این محاسبه برای هزار نفر صورت گیرددرجهان یکی از بزرگترین ارقام را در این مورد ارائه خواهد کرد .اما در مقابل تعداد طلاق نیز رو به افزایش است طبق‌احصائیه‌که در دست است روزانه در حدود دو هزارطلاق صورت‌میگیرد یا بعباره دیگر از هر سه فامیل یکی آن بر هم‌میخورد. اشخاص سالخورده ومسن در این قسمت معتقد اند که این همه بی ثباتی های فامیلی از نبودن صبر، حوصله واحساسات زود گذر در جوانان ناشی میشود . اما اگر به احصائیه های نا دقیق وابتدایی رجوع شود . این عقیده را آشکارا ردمینماید .

در جمله‌کسانیکه در سنین‌تا بیست وپنج‌سالگی از هم‌جدامیشوند از هر چار زن‌و از هر هشت مرد یکی آن‌به این عمل مواجه شده اند.بطور عموم در سنین از سی الی پنجاه سالگی طلاق های زیاد صورت میگیرد ومدا ومت زناشویی بطور اوسط به هشت سال میرسد .

بطور عموم طلاق زمانی صورت میگیرد که زندگی مشترك برای‌زن وشوهر غیر قابل تحمل شود. اما اگر متوجه شویم دیده میشود که اغلبا ازدواج ها طبق آرزو وعلاقه دو جانبه صورت میگیرد . پس چرا خانمی که یکسال یادو سال قبل شوهرش را بهترین شخص در جهان وخانمش را عفیف ترین زن جهان به حساب می آوردندامروز حالتی رخ‌داده که نمیتوانند با هم به‌زندگی مشترك بپردازند .

سوسیولوجست ها معتقد ند وقت آن فرا رسیده تا ازین نکات که‌در ازدواج های بی ثبات کدام حادثه خارق العاده نهفته واشخاصی که از همدیگر جدا میشوند وازدیگران متمایزند پرهیزشود. نکته عمده وجالب هم درینجاست اشخاصی که به مفهوم واقعی زندگی پی نبرده اندوتا یك اندازه بی احساس اند زندگی مشترك را با خانم‌های شان‌تا آخرین‌رمق‌زندگی‌حفظ می‌نمایند.امادر مقابل دیده میشود اغلبا اشخاصی از همدیگر جدا میشوند که‌ازاحساسات بهره مندبوده واز مفهوم‌واقعی زناشویی بکلی آگاه اند .

مفهوم موازین اخلاقی درعصر حاضر :

درسابق قسمیکه‌معلوم است‌توافق‌روحی ،تمایلات دو جانبه‌مد نظر گرفته نمیشد تنها عامل تعیین کننده درین قسمت موقعیت اجتماعی آنها بود و موازین اخلاقی را طورذیل خلاصه میکردند: زندگی را باید با هر شخصی که پیش آمد تا آخرین رمق‌زندگی‌ادامه داد. در حال حاضر بطور عموم زنان‌از حقوق مساوی استفاده میکنند. زناشویی بی مفهوم خواهد بوداگر مشکلات فامیلی مشترکا حل نگردد ودرین موارد از همدیگر مصلحت نگیرند .آزادی زنان در حال حاضر یکی از بزرگترین موفقیت های عصر ماست . این استقلال خواهی نخواهی مناسبات مغلق را بین مردان و زنان بار می آورد .

اکنون به ازدواج تقاضای زیاد پیش کش میشود . درین مورد زنان نسبتا قدامت‌دارند . ازگفتار فوق نتیجه ذیل بدست می آید: در حال حاضر حفظ یگانگی خانواده بمراتب مغلق‌تر شده است .

قانون دوم ترمودینامیك :

قانون همه جانبه‌طبیعی که بنام قانون دوم ترمودینامیك یاد می شود موجود است. این قانون بطور خلاصه چنین قرائت میشود :همه اشیا خود بخود حالت وخیم تررا خواهند گرفت اگردر مقابل‌تدابیر لازم اتخاذ نگردد.

. بعباره دیگر برای اینکه‌عمارت، شهر ، خانواده ایجاد شود وتمام کار ها بحالت نورمال پیشرفت نماید لازم است تا سعی بلیغ بخرج داده شود. اینکه میگویند مسأله جدایی زن وشوهر شکل عنعنوی‌را دارا ست مردم رااز مسیر اصلی آنها منحرف میسازد .

عشق روز یکصدو یکم نظربه عشق روز اول از مواد جدید فقیر میبا شد . به این ترتیب آغازمیشود: مرا آنطور دوست ندا ری . این اولین ضربه است که خود بروجود خود وارد می کنیم ونخستین مرحله‌اوقات تلخی را خودایجاد میکنیم . درزندگی مشترك دو تن جلوگیری از جرو بحث های معمولی بسیار مشکل است . به این‌لحاظ اگر یکی ازآنها دو می را به‌کدام گفتار زشت متهم مینماید خود زندگی را برایشان غیر قابل تحمل می نماید .

درین نوع جدایی های استندرد همیشه سه عامل وجود دارد: زن، مردوقانون دوم ترمودینامیك.دو تن اولی که‌در بین تمام مردم‌همدیگر رابرای زندگی مشترك انتخاب‌کردند بالای یکدیگر بدگمان شده‌وهمدیگر را متهم میسازند . بر عکس این دوباید در مقابل عامل سومی‌مبارزه کنند .پس دیده میشود که در این جرو بحث ها هر دو ملزم اند .

از ینجا نتیجه گیری عمده‌بدست می آید : ازدواج های عصری زائیده تحولات اجتماعی پیشرو است ونظر به انکشاف روحی سبقت دارد .

بقیه در صفحه ۵۲

این آغاز زندگی زن وشوهراست که‌به‌امید آینده‌بهتر، حیات‌خانوادگی راشروع میکنند

«لودمیلا ـ سیمین یاکا» هنر پیشهٔ شناخته شده خلق شوروی برنده جایزه لینن به همراهی «میخائیل لاوروسکی» حین اجرای یك پارچه رقص بالت بنام «گسلی»

ترجمه محب حیرت

قسمت اخیر

چشم اندازی بر پهنای برخی از جشنواره‌های بالت

دربالـــه «زیزل» سبکی وبی‌وزنی‌لازم رابرای تجلی آن پارتی رقص مجسم کرد .

قدرت احساس باطنی او را مساعدت کرد تا الفاظ کلاسیك پارتی «دوناآنا» باله لئونید فیگان موسوم به «دون ژوآن» رابا رنگها ی هسپا نوی آن رنگ آمیزی کند این هنر پیشه مستعد طی بیست سال‌زندگی هنر اندود خود روی صحنه ها ی متعددی از آثار کلا سیك ومعا صر رقصیده اســت وی نخستین با رسیمای قهر مانان با لـــه

ملی از بکی مینا تور ها ی رقص را در موضوع مختص ازبکی «چهار گاه» وبا لـه های «سهیل ومهری» از مینا سایا لو یوا» و تا ناور «اثرا لکسی کاز لو فسکی.بخو بی تجسم داده است . موضوع «تا ناور» سرنو شت «نورخان» دو شیزهٔ فر غانه یی را که بخا طر عشق رقص و رقا صه شد ن، جا ن خود را از دست داد، تمثیل میکندو آهنگها ونوا ها یی را که از منا بع‌موسیقی ملی ازبك گرفته‌شده ، بخوبی درك مینماید

بالا خره مو صو فه در سا ل ۱۹۷۳ بحیث هنر پیشه بلشوی تیاتر دولتی اکا د مـــی

جمهوری شوروی سو سیالستی از بکستان بنام «علیشیر نوایی» بدر یافت عنوا ن«هنر پیشه خلقی اتحاد جماهیرشوروی‌سوسیالستی مفتخر شد . همچنان میرمن دلبر عبدالرحمانوا

که‌درسال ۱۹۶۰ وظیفه دایر کتری با لت را عهده دار بود پس از آن موقع در کـــار صحنه سازی تقر یبا سی نما یش او پرایی وبالت وبسیاری از پرو گرام ها ی کنسرتی شر کت و ر ز یـد . موصوفه درسال۱۹۷۳ بخا طر شر کت در کار صحنه آور ی‌باله

«اسپار تا ك» بدر یا فت جایزه دولتی‌جمهوری از بکستان نایل شدو بسال ۱۹۷۷ عالیترین

عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی راکمایی کرد . در پرو گرا مها ی هنری او تنها

نما یشا ت با لت وجود ندارد ، بلکه‌نمایشات او پرا یی نیز شا مل است .

وپیرامون چند باله دیگر :

سال ۱۹۷۳ بمناسبت جشنوا ره هنرهای ملل متحد شوروی ،پاریس‌گروهی از رقصند گـان ازبکستان را پـــذیـرا شد که بیـن

شان میرمن سیاره موسی یوا هنرمند جوان باله تیاتر درآن زمره بود به سال ۱۹۷۵ در صحنه تیاتر موزیکال شهر«لودز» پولینداو پرای خنده آور سلیمان یودا کوف آهنگساز ازبك بنام «نیرنگهای میسره» بامهارت ومو فقیت زیاد جلو چشمان بینند گان گذارده شد و متعا قبا تیاتر موزیکال شهر دیگـــر پولیند بنام «گدینه» به صحنه آوری‌باله‌سلیمان یوداکوف راکه به «جوانی نصر الدین» مو- سوم است تنظیم کرد ومورد نمایش قرار داد که‌همه آن مملو ازپهلو های مسرتبار و سر شاراز لطیفه های ملی ازبکی میبا شددرسال ۱۹۷۷ نمایش باله «میناتورهای هسپا نو ی» متکی برپایه آهنگهای ملی آنکشور درتیاتر بزرگ او پرا وباله «علی شیر نوائی» تاشکند مورد نظرها آمدفولکور موزیکال هسپا نیـه موسیقی، ترانه ها ورقصهای آنکشور الهام بخش هنرمندان وآهنگسازان است ورقصهای هسپـا نـو ی تما شا گـران و شنو ندگـان را گاه در جنوب هسپا نیه (اند لس‌تاریخی) زمانی در سر زمین باسکها ووقتی هـــم در محل «کولیا ن» قرار مید هد . مو لفان و مجر یا ن نما یشنا مه ها ی هسپا نو ی

دادند که شا مل رقص «فلا منکو» باحرکات معنیدار و تا نگوی خو ش آهنگ و«خوتا» که در سراسر هسپا نیه مروج است وبا له «روی جزیرهٔ مالیبور کا ، ما لو گنیا و فا ندا نگوی» بسیار مهیج وباله «پاسادوبل» پرشتاب وپر حرارت میباشد .

همچنا ن در صحنه او پرا بالت «علیشیر- نوایی» باله ها ی‌دارای موضوعات‌ومشخصات هسپانوی بنام «بوله رو» اثرم .راول و«کارمن سو یتا» اثر ژ.بیزه ور. شدیدین موفقا نه اجرا شد که مها رت هنر پیشگان از بکی چون میرمن گالیه اسما عیلوا ومیر من‌برناره قاریوا در نقشها ی زنان وکار روا ییها ی هنر مندا ن دیگر چون ویتا لی واسیلیف، ویا چیسلاو محمدوف، شوکت تور سونو ف ودیگر ان در نقش مردان ماهرا نه ودلپذیر بود .

از با له ها ی دیگر نما یش با لت پتر- چا یکو فسکی بنام «زیبای بخواب رفته» یا «دختر زیبا خفته» در تیا تر اوپرا وباله شهر تا ریخی سمر قند (محل سلا طیـــن مو سس سلاله تیموریان) بمسا عی س. برهانوف هنر پیشه شا یسته از بکستا ن روی صحنه آورده شد که بسیا ر مـــورد استقبال قرار گر فت .

در تاجیکستا ن شوروی :

در جمهوریت سو سیا لستی تاجیکستا ن شوروی (یکی از همسا یگان شمالی‌افغانستان شبکه وسیع تیاتر ها موجود است وفعالیت دارد .از آنجمله تیاتر اوپراوبالت دو شنبه (پایتخت آن)بنام «صدر الدین عینی» نو یسنده وشا عر معروف تاجیك وازبـــك ۱۸۷۸ ـ۱۹۵٤) ،که دارندهٔ نشان لینن‌میباشد بحیث تیاتردولتی تاجیکستان محل نمایشات

مایا ـ پستکایا هنر پیشهٔ خلق شوروی درپارچه بالت «قو در حال غرق شدن»

پروفیسر «یوری- گیرو گروویچ» استاد رهبر تیاتر معروف بالشوی بادوتن از هنر پیشگان معروف خلق شوروی هنگام نمایش بالت .

جالبی است . آهنگسا زان این سر زمین در انکشا ف فر هنگ موز یکا ل و دیعه های بزرگی را از خود ابداع وابتکار کرده اند . در مد ت سا لهای اخیر ، آثا ن آثار زیاد موزیکا ل را از درامها ی کو چک مو زیکال گرفته تا او پرا بالت و سنفو نی ایجاد کردند که از آنجمله میتو ان اوپرای «بغاوت واسع »، «آهنگر کاوه» ، «پولاد وگلرو »، «بختیار ونسا»، «طاهر ذ هراب» «کو مدی وما دان »،«بازگشت »، وبالتهای «لیلی و مجنون »، «دلبر»،«فرزند وطن»وغیره را نا م برد . مصنفان بالت «لیلی و مجنون» به اخذ جایزهٔ دولتی‌مفتخر گشتند.آهنگسازان ملی از قبیل ش . سیف الد ینوف ، ز.شاهدی سا لیبو ف ،ی. بسزانوف ، عبد الطیف، همد موف ودیگران بین مردم محبو بیت‌زیاد دارند .

در مسابقه جهانی بالت بنام چا یکوفسکی که‌بسال ۱۹۶۹ در مسکو بر گزار شد دو- شیزه «ملکه صابر ووا »بالر ین ورقا صه جوا ن با لت تا جیکستا ن جایزه اول‌ومدال طلایی کانکور بین المللی بالت را بد ست آورد .

در جنب با شگاه روستا یی کلخوزموسوم به لینن بخش دیگر اوپرا فعالیت دارد که علاقمندان ترانه ها ی اوپرا یی درین گروه شر کت دارند و از جمله ساز ماند هندگان این گروه یکی هم «و.کر یموف »مسولیت تیا تر او پرا و با له تا جیك بنام«صدرالدین عینی »است که‌پروگرامهایش را آثار او پرایی متعدد مانند چایکو فسکی ، وردی، گو نو وغیره احتوا کرده است .

در قرغیز ستان شوروی :

جمهوریت شوروی سو سیا لستی قرغیز- ستان یکی از جمله پانزده جمهوریت متحد متساوی الحقوق ویکی ازجمهو ریهای‌آسیایی اتحاد جما هیر شوروی سوسیا لستی است که‌در شمال شرقی آسیا ی میا نه شوروی ،آنجا ییکه شا خه ها ی بزرگ سلسله جبا ل تیا نشان وپامیر و آلتا ی صد ها کیلو متر امتداد دارد ، واقع شده است درین سر زمین همدوش با دیگر جها ت زند گا نی عصر ی‌درجهت پدید آوری وغنی سا ختن رشتها ی مختلف فرهنگ ، به هنر ها ی زیبا نیز توجه عمیقی بعمل آمده است . چنا نچه انواع نما یشها ی هنری گروه ها ی متعدد هنر پیشگان و هنر مندان قر غیزی در صحنها ی تیاتر ها ی عمدهٔ کشور یکی ازین بخشها بشمار میرود هنر- مندان این جمهوریت بازحمتکشان ماسکو، کییف ، مینسك ، ریگا، تاشکند ،دوشنبه، نو وکوزنتسك کمر وواور نبورگ و بسیاری از شهر ها ی دیگر سرزمین شورا ها ملا قا تها کردند وبار هادر برابر آنان‌هنر نما یی نموده اند .

همچنان آرتیستها ی‌بر جسته قر غیز در مما لك خا رجی نه تنها کنسر ت مید هند بلکه در مسا بقات سر ایند گا ن،نوازندگان پایکو بان (رقاصان)هم شرکت کرده و میکنند . هنر مندان قرغیز ستان به بعضی‌از کشور ها ی خارجی نیز درراه انکشا ف فرهنگ ملی آنها کمك میکنند . مثلا:میرمن

بقیه درصفحه ۳۷

نمایشی هیجان انگیز از رقص بالت

گوشه یی از فعالیتهای روزانهٔ عضای سازمان زنان دریکی ازکتابخانه های عمومی .

از منابع پولندی

ترجمهٔ : (بشیر ـ احدی)

به هر شخص کتابی

درعصریکه وسایل اطلاعات جمعی انکشاف نموده، ارزش مطالعه کتابها یک امر ضروری پنداشته میشود

پس از ختم جنگ جهانی دوم درست در موقعیکه خسارات وارده ناشی ازجنگ ارزیابی میشد چنین به نظر میرسید که هریك از مکاتب سه گانه قبل از جنگ بایستی ازلحاظ کتب ومواد درسی تحت یك پروگرام علمی ویلان شده مجددا مورد بررسی قرار گیرد اینهم روشن گردید که در طی پنجسال جنگ با نیرو های اشغال گر نازی بیش از چهل فیصد ازغنای فرهنگی وکلتوری جمهوریت خلق پولند معدوم ونابود شده بود .

از همان دقایق اولی رهبران این کشور همزمان بابراه انداختن اصلاحات صنعتی و زراعتی دست به یکسلسله اقدامات فرهنگی زدند که روی همرفته درطی (۵۳) سال نه‌تنها غنای از دست رفته در باره احیا گردید بلکه خطوط اساسی آینده در سکتور تهیهٔ مواد درسی نیز روشن گردید در قدم اول انقلاب فرهنگی روی دست گرفته شد در حالیکه در مرحلهٔ دومی ترمیم آثار وآبدات تاریخی ودر قدم سومی انکشاف طبع کتب تحت شعار (به هر شخص کتابی) آغاز گردید در حال حاضر مراحل سه گانه بصورت دینامیك به پیش میرود یکی از عوامل دیگر که طی انقلاب فرهنگی درآنکشورتامین گردید همانا انکشاف محیرالعقول اطلاعات عامه بوده است که بحیث عامل چهارم نیز پنداشته شده است .

خلق پولند هریك میتوانند ازین چهار رشته یکی آنرا بصورت اختصاصی تعیین وانتخاب نمایند ولی طوریکه احصاییه هانشان میدهد اکثریت خلقهای آنکشور به انقلاب فرهنگی علاقه مند اند . بعد از مرور مدت سی وپنج سال بیش از (شش) فیصد خلق آنکشور از تعلیمات پوهنتون، سی فیصد از تعلیمات ثانوی، وبیش از (شصت) فیصد از تعلیمات ابتدایی مستفید انه هکذا در حال حاضر از هرده نفر جوانیکه مصروف بیش برد تعلیم اختصاصی میباشد (نه) نفر آن برای چندین سال به تعلیمات عالی خو یش می پردازد. در طی ده سال اخیر علی الرغم آنکه در ساحات کلتور وفرهنگ مشکلات متعددی به ظهور رسید معهذا دور نمای تعلیمات عالی واختصاصی روشن تربه نظر میخورد .

برطبق پالیسی کلتوری خلق پولند هدف اینستکه تا آثار وآبدات تاریخی و مفاخر ملی آنکشوراحیا گردد . بخصوص‌آن عده آثاریکه در شهر وارسا، پوزنان ویکعده شهر های دیگر موقعیت دارد دو باره احیا و ترمیم گردد . این کار ها درقدم اول حایز اهمیت تاریخی میباشد .

در قدم دوم، احیای کلتور و فرهنگ و فولکلوریك در محلات وقصبات در نظر میباشد . در قدم سوم مساله تامینات و بلند بردن سطح دانش محصلین در کتابخانه ها وایجاد علاقه ودلچسپی به مطالعه در ایشان یکی از مسایل دیگری‌انقلاب فرهنگی‌محسوب میگردد .

همانطوریکه یکی از دانشمندان آنکشور گفته است مطالعه از یك شروع میشود و بهتر است که هر شخصی باخودکتابی داشته داشته باشد .

در عصریکه وسایل اطلاعات عامه تااندازهٔ زیادی انکشاف نموده ارزش مطالعه در کتابخانه ها یك امر ضروری پنداشته میشود به عقیدهٔ دانشمندان پولند جنبش انقلابات اجتماعی وکلتوری باچاپ خانه ها، رادیو تلویزیون، فلم وسایر وسایط اطلاعات عامه ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد .

کتاب به ذات خودش در میان اطلاعات عامه یك مقام بخصوصی داشته است که روی ـ همرفته پالیسی فرهنگی خلق پولند از همان آغاز کار روی همین پرنسیب قرار داشته است حقیقت امر اینستکه تمام اهداف انقلاب فرهنگی را فعالیتهای چاپ کردن خواندن و نوشتن تشکیل میدهند . مشکل عمده‌اینستکه چگونه بتوان بطور انفرادی صرف ازیك کتاب مستفید شد ویا اینکه برای حل مطلب کلیه ذخایر یك کتابخانه را مورد استفاده وارزیابی قرار داد برخی ترجیح میدهند که کتب باید بطور چند جانبه برای انکشاف اجتماعی بکار رود ولی پس از مطالعات عمیق تجویز گردید تا از کتب بصورت انفرادی وهمه جانبه ویاشکل مرکب آن استفاده بعمل آید .

برطبق یکی از احصائیه های اخیر درسال اول پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی (۱۹۴۶) حجم مجموعی کتب که در پولند به نظر میرسید ده میلون جلد بیشتر از کتب سال (۱۹۳۷) بود .

بهر حال برای توضیح مطلب بایستی به انکشاف کتابخانه ها نیز برگشت تعداد مجموعی کتابخانه هاییکه قبل از جنگ در آنکشور مورد استفادهٔ محصلان قرار داشت به‌کلی محو گردیده ولی در حال حاضر به ملاحظه میرسد که در پولند بیش از ده هزار کتابخانه حاوی (هشتاد) ملیون جلد کتاب موجود میباشد .

بعد از متعلمین ساکنین دهات و محلات بزرگترین گروه استفاده کنندگان کتب را در کتابخانه ها تشکیل میدهد که البته در قدم سوم کارگران ومتصدیان فابریکه ها، کارگران زراعتی دانشمندان فارغان پوهنتون ها ومحققین از جملهٔ مشترکین متداوم کتابخانه هابشمارمیروند در حال حاضر گروه سومی بیش از (نود) فیصد مشتریان کتب را در بازار هایی فروش تشکیل میدهندویابه عبارهٔ دیگر قسمت اعظم علاقه مندان کتاب پس از متعلمین دانشمندان ومحققین میباشند.

اخیرا یك معضلهٔ دیگر در ساحه کتب عرض اندام نموده وآن اینکه اگر چه سالیانه برای هر نفر طور وسط پنج جلد کتاب‌تولید میگردد مع‌الوصف صنایع طبع کتب آنطوریکه جوابگوی روز افزون خوانندگان شده بتواند انکشاف ننموده است که روی این اصل مقامات فرهنگی پولند میکوشند با طرح یك ستراتیژی مودرن این معضله را نیز حل نمایند .

مخترع با گروه هنری‌اش

ترجمه عبداله

گروه هنری بقه‌ها

بایس رفتن برده تیاترکوچك اطفال شش بقه بازست های مخصوص روی ستیج ظاهر شدند وهر کدام در جاهای معین خود ایستادند . با تغییر روشنی لمپ ستیج صدای نرم موزیك بلند شد . این گروه که بنام گروه هنری «ستاره های سبز» متمهور است به اجرای برنامه شان آغاز کردند. هنرمندان همزمان با نواختن موسیقی ستارهٔ گروه را همراهی میکردند . همه اعضا منجمله گیتاریست ، بیانیست وجازبند نواز به بسیار ذوق وعلاقه در حال فعالیت بودند .

مخترع این گروه میناتور «ستاره ها ی سبز» جوانی به اسم معصوم علاوالدین اف است بگذارید در قسمت ساختمان اناتومی هنرمندان نکتهٔ چند خدمت تان معلومات ارائه کنم . ساختمان عضویت بقه ها فلزی بوده واز سر پوش بوتل ها ساخته شده‌اند. الکترو مقناطیس هایی که در بطن شان‌نهفته است فعالیت وحرکات شان را کنترول می نمایند . ساحه فعالیت الکترو مقناطیس ها توسط ساختمان الکترونیکی تنظیم میشود .

نکته قابل تو جه وضمنا مغلق تا میں هماهنگی حرکات بقه هابانوای موزیك است. غرض ایجاد هماهنگی نخست چندین مرتبه موزیك پخش شده وسپس حرکات بقه هارا باشیمای اداره کنترول تنظیم مینمایند .

موسیقی که تصور میشود هنرمندان می نوازند در حقیقت از طریق رادیو کست‌پخش میشود . برای ساختمان وجود یك هنرمند به شش الی ده سر پوش فلزی بوتل ضرورت است . چشم های شان فنر مانند ورابری است . چوکی هایی که هنرمندان از آن استفاده مینمایند نیز از سرپوش بوتل ها و سیم ساخته شده است . در ساختمان سامان وآلات موسیقی آنها ازقوطی های خالی‌کنسرو استفاده شده دبامدل های اصلی شباهت تام دارد .

تماشای هنری این گروه با خنده های پیهم وهیجان تماشاچی همراست. برای بوجود آوردن گروه جالب وخنده آور «ستاره های سبز» دانش تخنیکی تنها کفایت نمی کرد بلکه به استعداد خاص در قسمت نقاشی و رنگ آمیزی نیز ضرورت بود .

مخترع گروه «ستاره های سبز» خود به کنسرت های هنرمندان رفته حرکات وژست های آنها را به خاطر سپرده وحالات مذکوررا بالای گروه هنری خود تطبیق میکرد تااینکه به واقعیت نزدیکی تام پیدا کند .

معصوم علاوالدین اف هنوز سی سال دارد اما در قطار همکارانش ازمقام خاصی برخوردار است وهمه اورا بنام «استادکل» مینامند .

مخترع اصلا بسته کار رادیوست اما در حرفه آهنگری نیز سر رشته دارد . دراوایل‌جوانی به اتوماتیزه کردن عملیات الکترونیك علاقه خاص داشت .

درمرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشتی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد . سپس به فعالیت‌های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد . به این ترتیب گروه هنری بقه ها بوجود آمد .

ترجمه : احسان

معضله رودیشاو پالیسی های امپریالستی

چندی قبل‌مقامات نظامی‌رودیشا بایروپاکند های وسیعی اعلام نمودند که انتخابات پارلمانی در آنکشور انکشاف می‌نماید . مطبوعات‌محلی نیز به نوبه خود برای متاثر نمودن ابعاد نفوذ اتحادیه ملی افریقایی زیمبابوی (زانو) که توسط رابرت موگابی رهبری می گردد شایعات دروغین را براه انداخت این‌مطبوعات از سخنان خصمانه وتحریك آمیز دولت رودیشیا، حتی سخنی هم ذکر ننموده است. رهبران اتحادیه موصوف تمام این تلاش های محیلانه زمامداران مستبد رودیشا را نقش بر آب نمود رابرت موگابی پروگرام سیاسی جانب داران خود را تدوین نمود ، و کار های مقدماتی خود را برای آماده‌گی انتخابات بتاریخ بیست وششم جنوری انتشار داد .

به هر حال چیزی که مسلم است ، این خواهد بود که مطبوعات رودیشیایی با تمام قوای خود سعی‌می ورزد تا نیرو های وطنپرست را تضعیف نماید . سیل از اکاذیب و دروغ ها یکی پی دیگری از زراد خانه تبعیض‌طلبان بیرون می‌جهد . این دروغ ها طوری توجیه می‌گردد که‌گویا وطنپرستان زیمبابوی‌متمایل اند تابمانند راهبان تمام جامعه زیمبابوی را ویران نماید . راستیست ها بدین طریق شیفتگان واقعی آزادی زمبابوی را بیادانتقاد می‌گیرند .

رویداد های جاری سیاسی رودیشا نشان می‌دهد که دو جبهه وطنپرستان رودیشا که توسط جوشیوانکومو ورابرت موگابی رهبری می‌گردد در شرایط فوق العاده دشواری قرار دارند. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا سمت خطر ناك چاکر نشانه امپریالیزم را عهده دار است تا در مقابل جبهه وطنپرستان زیمبابوی سدهایی ایجاد نماید . در حقیقت پالیسی حکومت تبعیض طلب رودیشا که از طرف حکومت محافظه کار انگلیس طرح گردیده است ، گورنر جنرال مذکور را متقاعد ساخته است تا درا نتخابات ماه فبروی آنکشور برای جلو گیری ازپیروزی وطنپرستان از هر گونه وسایل وامکانات استفاده نماید . نماینده رویتر از رودیشیا راپورمیدهد که قوای نظامی سالزبری پیوسته قصباتی راکه در موافقت نامه اوربند برای، وطنپرستان تعین گردیده است کنترول وحتی مورد تهدید قرار می‌دهد . طیارات جنگی رودیشا از فراز این مراکز همواره بپرواز می‌نمایند . رهبران نیرو های وطنپرست رودیشا چندین بار از عدول موافقت نامه لندن احتجاج نمود که توسط دارو دسته‌خونین سمیت وموزوایوا عملی می‌گردد. قوای نظامی دیگری که تحت نا م «قوای مدادی» در قصبات مذکور متمرکز گردیده وتعداد شان با نزده الی بیست هزار نفر می رسد مطابق دستور گورنر جنرال انگلیس عملیات تخریبی وتهدید آمیزی را انجام میدهند. دریکی از اسناد مهمی که از طرف وطنپرستان به‌انتشار رسیده است گفته می‌شود که واحد های‌قوای نظامی رودیشا وعساکر اجیر موزوریواقصبات دیگری را نیز اشغال نموده اند ودر آنجااز رفتن گوریلا های وطنپرست رودیشیا ممانعت می نمایند . ساکنین این قصبات اصلا نمی دانند که نتایج کنفرانس لندن بکجا انجامیده است . وتوسط دارودسته تبعیض طلبان به آنها جزوه ها ی شکست جبهه وطنپرستان رودیشیا را توزیع می نمایند . قوای نظامی رودیشیا با قشون به اصطلاح «امدادی» د ر عشا یررود یشیارژیم ترور وارعاب رااستقرار داده است . آنها به قطاع الطریقی می‌پردازند مکاتب را به بارك های نظامی مبدل می سازند واز گرفتار ی گروه های مردم سیاه پوست نیز احتراز نمی‌کنند .

پرابلم اخراج عساکر افریقای جنوبی از رودیشیا تا هنوز کاملا لاینحل مانده است . مقامات افریقای جنوبی اعلام می نماید که قوای محدود آنکشور برای محافظت اماکن وشاهراه های رودیشیا اعزام گردیده است . ولی درین اواخر رابرت موگابی در یك اجتماع درسالزبری اعلام داشت که هماکنون بیش از سه هزار عسکر افریقای جنوبی در رودیشیا برای مقاصد تجاوزی در نواحی سوق الجیشی متمرکز شده اند .

به قول راپور فرانسپرس که از سالزبری راپور میدهد . لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشیا عساکربیشتری راازحکومت تبعیض پسند افریقای جنوبی مطالبه نمو د ه است . وی ریاکارانه اظهارداشته‌که ازدیاد قوای افریقای جنوبی در آنکشور بر خلا ف موافقت نامه لندن نمیباشد .

آیامی توان لارد سوماس (داماد رینستون چرچیل) سیاستمداری مجر بی را با ا ین اظهارات محیلانه اش ساده لوح‌قلمداد کرد؟ در حالیکه این موضوع چون آفتاب روشن است که ازدیاد حتی واحد کوچکی ازعساکر رودیشیا مستقیما رای دهندگان را تهدید خواهند نمود . این پالیسی های تقلب آ میز وملیتارئیستی موج از نگرانی ها واعتراضات خلق های افریقا ی وسراسرجهان‌رابرانگیخته است .

ا . کوجیا منشی عمومی موسسه اتحاد افریقا در دارالسلام مرکز تانزانیا به تمام کشور های در حال رشد اعلام نمود تا باتمام قوای خود بر ضد نقشه های تهاجمی بریتانیا وحکومت تبعیض طلب رودیشیا اقدام فوری بنمایند . به اثر تقاضای برخی کشور های افریقایی شورای امنیت موسسه ملل متحد پیرامون بررسی اوضاع رودیشیا که بعد از موافقت نامه لندن در اثر عملیات تخریب - کارانه انگلستان ، وافریقای جنوبی وخیم شده است دایر گردید .

مبارزه بخاطرآینده رودیشیاکماکان ادامه دارد. جبهه وطنپرستان با استفاده از تجر به های تلخ گذشته خود هوشیارانه برضدقوای تبعیض طلب وامپریالیزم مبارزه می کنند .

په کارګری ټولنو کی دوړیااو اجباری تعلیماتو پر اختیا

دماموریت په ترڅ کی تحصیل اجتماعی او اقتصادی فعالیتونه چټکوی

په کارګری ټولنو کی دوړیااو اجباری زده کړوله سیستمونو څخه ډیری ښی‌اوپـــه‌زړه پوری نتیجی تر ګوتو شویدی • دکوریا دخلکو دموکراتیك جمهوریت رئیس (کم ال سونګ) په دی وروستیو وختونو کی دوړیااواجـباری تعلیماتو دښیګڼو په باب یوه وینا خپـــره‌کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو •

په کارګری ټولنوکی وړیا او اجباری‌تعلیمات دټولنی دټولو پر ګنواو خواکونو افکارروښانوی کارګری تعلیمات دهغو تعلیماتو څخه شمیرل کیږی چی یوازی یو فرد اویا یوی پرګنی ته منحصر نه پاتی کیږی بلکه دیوی کارګری‌ټولنی ټول وګړی او خواکونه ور څخه مستفید کیږی، په کارګری او سوسیالستی ټولنوکی ټول‌خلك حـــق لری چی ښوونه او روزنه ترسره کړی دکوریا د خلکو په دموکراتیك جمهوریت کی ټولی تعلمی پالیسی (ټولوته تعلیم او زده کړه) په پرنسیپونو باندی اتکالری • په وړیاټول داجباری زده کړو بنسټ په اساس کی پـــه ښوونځیو باندی ولاړدی • دخپلواکی له ګټلو څخه وروسته په یوه خورا لنډه موده کی‌ددغه هیواد په بیلابیلو برخوکی‌یوزیات شمیرلومړنی ښوونځی ، کالجونه او انستیټوتو نه جوړاوپرا- نسل شمول • همدا رنګه په‌دغه لنډه مـــوده‌کی په هیواد کی دانقلابی هدفونو په سرته رسیدلو اوداقتصادی او ټولنیزو سکتورونو په پیاوړتیا سره دهغه هیواد دلومړنیو او ثانوی ښوونځیو کالجونو اوپوهنتونونو په شمیر کی دلیدووړ زیاتوالی راغی •

دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی دوړیا لومړنیو اجباری زده‌کړوپروګرام دلومړی ځل دپاره په (۱۹۵٦) کال کی تر اجرا لاندی ونیول شو • ددغه پروګرام په تعقیب کی په (۱۹۵۸) کال کی دثانوی دوری دښوونځیو دپاره دوړیا اجباری تعلیماتو پروګرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شول • په (۱۹۷۲) کال کی دتیرو پروګرامونو خخه د لاس ته‌راغلو نتیجو له مخی پریکړه وشوه چی دثانوی دوری اوله هغی‌څخه پورته په لوړ وتعلیمی کدرونو کی تر (۱۱) ټولګیو پوری دوړیا زده کړو تعلیمی نصاب ته ځای ورکړشی • په دغه پروګرام کی دټولوهغو شاګردنو او زده کوونکو دپاره چی په فابریکو کی دکار کولو شرایط ولری دزده کړو امکانات په نظر کی نیول شویدی • دښوونی او روزنی چاری په دغه هیواد کی په علمی اصولو باندی

دمسلکی او تخنیکی زده کړو په‌یوه ښوونځی‌کی‌دزده کوونکو دعلمی کارونو یوه ګـو ښه

اتکا لری اوپه حقیقت کی دعلمی او تخنیکی تعلیماتو یو ګټور او په‌زړه پوری سیستم‌ګټل کیږی • خرنګه چی دغه پروګرامونه ټول پـــه وړیاټول تنظیم اونافذشویدی خوانان چـی‌په ثانوی دوروکی دزده کړو ددوام دپاره لازم شرایط ولری ددغه راز پروګرامونو څخه پوره ګټه اخستلای شی • لکه چی تجربو خرګنده کړیده نوموړی پروګرامونه دزده‌کوونکو دعمومی اطلاعاتو دسطحی دلوړولو اوتربیوی کـدرو نو دروزنو په برخه کی دښوونی او روزنی مربوطو مقاماتو ته زیاتی اسانتیاوی برابروی . په‌ضمن کی ددغه راز پروګرامونو په تعقیبولوسره‌پـه تخنیکی اوحرفوی رشتو کی دشاګردانو استعداد اولیاقت ترزیاتی اندازی پوری‌پیاوړی کـیږی• په‌اوسنیو وختونو کی له رسمی‌وخت‌خـــخه وروسته شاګردانو او خوانانو دپاره‌دکارکولواو تحصیل غوره شرایط رامنځ‌ته‌شـــوی•کارګران اوکسب ګران هم کولای شی‌چی درسمی وخت خخه وروسته دښوونی او روزنی له پروګرامونو خخه ګټه‌واخلی ، ددغه پیغام داهـــدافو سره سم اوس او دغه راز په راتلو نکو کلونو کی‌به زده کوونکی وکولای شی د(فول تایـم په صورت کی په یوه تخنیکی او یا حـــرفوی ښوونځی کی خپلوزده کړوته دوام ورکـــړی• دکوریا دخلکو ددموکراتیك دښوونی او روزنی مقامات اوس په یولړ داسی فعالیتونو لاس‌پوری کول غواړی چی دهغوپه سیوری کی نه یوازی په‌ښوونځیو اووړکتونو نوکی‌دشمول‌وړکو چنیان بلکی دفابریکو او صنعتی‌تاسیساتو کارګران‌هم تحصیل کولای شی • دحرفوی اومسلکی‌زده- کړو د نویو روشونو او طریقوله‌مخی پـه‌خو وروستیو کلونو کی دهغه هیواد ټول وګړی په تخنیکی او او مسلکی منځینو ښوونځیوکی د ښوونی او روزنی له پروګرامونو څخه ګټـــه اخستی شی هیله ده په نژدی وخت کی د(۱۱) کلنو تعلیمی پروګرامونو سره دتعلیمی نصاب دنورو پروګرامونو دهم آهنګ کولو دپاره په ښوونځیوکی د(۱۲) ټولګیو خخه پورته تعلیمی ریفارم تطبیق لاندی ونیول شـــی . همدارنګه دفیزیکی اوفکری فعالیتونو خخه دراپیدا شوی تشی دډک کولوله پاره له‌یوی خوا اودشاګردانو دایدیالوژی دمعیار اوپوهی دلوړولو دپاره لـه بلی خوا ټاکل شویده چی دهغه هیوادپه ټولو ښارونو اوکلیو کی دخوانانو او کار ګرانـو د تخنیکی او افاقی اطلاعاتو ستندرد په یوشان او مساوی ډول لوړ کړی‌شی• دغه هیله به هغه وخت ترسره شی چی دهغه هیواد ټول وګړی هرو مرو دلوړو تحصلاتو په یوه انستیټوت کی خپل درسونه تعقیب کاندی اودغه راز تعلیمات هم ښایی چی په وړیاټول تراجرالاندی ونیول شی • لکه چی تجربو خرګنده کړیده دانستیټوت په سویه د کارګرانو او خوانانو ټول‌تعلیمی پروګرامونه بایدداجباری تعلیماتوپه چوکات کی تطبیق شی •

دتیروشلو کلونو دنتیجوله مخی دښوونی‌او روزنی هغه پروګرامونه چی‌دفیس په‌ورکولوسره تراجرالاندی نیول کیږ ی هیڅکله غوره اوپه زړه پوری نتیجه نه ورکوی • په پانګه والواو کارګری ټولنوکی دتعلیمی‌اوتربیوی پروګرامونو دتوپیر په‌پوهیدو لوسره کولای شودی نتیجی‌ته ورسیږو چی‌په کارګری او سوسیالستی هیواد- ونوکی دښوونی اورونی ټول‌بیساری لګښتو نه ددولت له‌خوا تادیه کیږی په داسی حال کی چی په پانګه والو هیوادونوکی مساله بر عکس ده • لکه چی ټولوته خرګنده ده له دی کبله چی په‌کارګری اوسوسیالیستی‌ټولنوکی ګټه‌اوتاوان دواړه ددولت اوافراد وتر منځ شریك دی‌نوځکه دهرډول وړیا او اجباری تعلمیی پروګرامونو څخه ښی اوپه زړه پوری نتیجی ترګوتو کیدای شی • دپورتنی اصل له مخی دکوریا دخلکو په‌دموکراتیك جمهوریت کی‌دښوونی‌اورونی ښی دپروګرامونو ټول مسوولیت او لګښتونه ددولت په غاړه دی) او باید وویل شی چی‌دتیرو دیر- شوکلونو په اړدوکی‌ددغه راز ریفارمونو څخه ګټوری نتیجی تر ګوتو شویدی • دکوریـــاد دموکراتیك‌جمهوریت له آزادی نه وروسته چی دهغه هیوادد اقتصادی او اجتماعی حالت په ډیر وناوړو شرایطو کی موقعیت درلود دکوریا ددموکراتیك‌جمهوریت دولتی مقاماتوتجویز ونیو چی دهغه هیواد بیوزلی کورنی‌دښوونی اوروزنی له‌فیس اولګښت څخه معاف کـړی او ددغـــه راز کورنیو او لادونه په وړیا ډول ددولت په لګښت په ښوونځیو ،کالجونو او پوهنتونو- نوکی جذب کړی •

دلویا دټاپووز میله جګړی څخه په‌وروستیو کلونوکی دهغه هیواد په ښوونځیو اوبیلابیلو تعلیمی موسسو او تربیوی مرکز ونوکی ددولت په‌لګښت دوړیا ښوونی او روزنی پروګرامونه او تعلیمی سیستمونه تر اجرا لاندی ونیول‌شو•

په (۱۹۵۹) کال کـی دهغه هیواد په ټولو تربیوی مرکزونو کی لومړنیواو اوثـــانوی‌زده- کړو تعلیمات په‌وړیا توګه ترسره کیده •

دپورتنیو تعلیمی ریفار مونو نتیجـــه‌داده‌چی اوس دهغه هیواد په ټولو تعلیمی سازمانونو

ددرپیونګ یانګ دوړکتونو ماشومان، وړکتونونوته دتګ په حال کی

اوموسسوکی دوړکتون څخه نیولی تر پوهنتونونو اودډیرو لوړو تعلیماتو ترکدرونو پوری دښوونی اوروزنی اجباری فعالیتونه تر(۱۱) ټولګیوپوری اودهغه څخه تر پورتنیو پوړ یو پوری په وړیا ډول ترسره کیږی • دیادو لوو ړ خبره دادهچی دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی نه یوازی په ښوونځیوکی دښوونی او روزنی چاری تعلیمات هم په وړیا ډول صورت نیسی •همدا- رنګه دلویانو دپاره ښوونه او روزنه اودکارګرانو تعلیمی چاری ددولت په لګښت په وړیاتوګه ترسره کیږی• په داسی حال کی چی په دغه عیواد کی دژوندانه دنورو اړخونو په پرتله دښوونی اوروزنی دلګښتونواندازه خوچنده زیاته اولوړه ده دهغه هیواد په دولتی بودجه کی دتعلیمی پروګرامونو بودجه کال په کال مخ په زیاتیدوده دکار کولو په ترڅ کی دښوونی او روزنی چاری :

دکارکولو په ضمن کی دښوونی او روزنی ترسره کول او دداسی پروګرامونو تعقیبول دزده کړی یو ډیر ښه اوغوره سیستم ګڼل کیږی• ددغه رازیوه سیستم په تعقیبولو سره کارګره ډ له کولای شی چی داجتماعی او اقتصادی بیلابیلو چارو دتر سره کولو په ترڅ کی دښوونی اوروزنی په یو انستیټوت اویا کالج کی خپل درسونه تعقیب کاندی •

ددغه کار یوه بله ګټه او ښیګنه داده چی کارګران بی لدی څخه چی ددوی تولیداتی او ساختمانی کارونه وخنډیږی دلوړوزده کړو څخه برخورداره کیږی دکوریا دخلکو ددموکراتیك جمهوریت کی یوازی هیواد دی چی دکار کولو په ضمن کی کار ګرانو ته ددرسی کتابونو دلوستلو په برخه زیاتی اسانتیاوی برابر وی • په اوسینو وختونو کی په عادی تعلیمی سیستم علاوه درسمی وخت څخه وروسته تعلیم) په نامه چی په عین حال کی دفالتو وختونو دتعلیم په نامه هم یا دیری دښوونی او روزنی یونوی سیستم جوړ اورامنځ ته شویدی ددغه نوی سیستم په مرسته نه یوازی دکوچنیانو او خوانانو دپاره دښوونی او روزنی چانس برابر- یږی بلکه دکارګرانو، بزګرانواوزیارایستو نکو دپاره هم دتعلیماتو دښپړ ولو امکانات او په زړه پوری شرایط تر ګوتو کیږی• ددغه رازیو سیستم څخه ټول خلك دهر ډول توپیر څخه پرته په تکاملی توګه استفاده کوی په داسی توګه چی ددوی تعلیمی پروګرامونه دعصر اوزمانی غوښتنوته مثبت ځواب وویلای شی• اوس اوس په دغه تعلیمی سیستم کی یوشمیر ریفارمو نه رامنځ ته شویدی چی دهغو په جمله کی دکار- ګرانو دپاره دمنځنیو ښوونځیو ،دفابریکودلوړو مسلکی اواختصاصی مرکزونو ، کالجونو،دشپی لیسودمکاتبی په ذریعه دکالجونو او درسمی وخت څخه وروسته دتعلیمی کورسونو نومونه دذکرور بولو • لکه چی دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی دخو کلنو تجربو نتیجو څرګنده کړیده دښوونی اوروزنی دپور- تنیو روشونو او تاسیاتو څخه په ګټی اخستلو سره دفابریکو ، صنعتی ،ساختمانی اوتولیداتی موسسو کارګران ددی توان اوقدرت پیدا کوی چی دخپلو ورځنیو کارونو دپریښود لوڅخه برته دسوسیالستی تعلیما تو نوی معیارونه چی دیوی سوسیالیستی ټولنی داجتماعی او اقتصاد ی ودی له پاره مهم ګڼل کیږی د علمی اصولو سره سم تعقیب کاندی • لکه چی دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی خو کلنو تجربو ثابته کړیده یوازی عادی ښوونځی نه شی کولای چی دیوی ټولنی دټولو خلکو دپاره دښوونی او روزنی لاره اواره کړی او داځکه چی امکان لری دفابریکو او تولیداتی موسسو یوزیات شمیر کار ګران دتیرو استعماری او استثماری رژیمونو دشته والی له کبله بریالی شوی نه وی چی خپلی زده کړی تعقیبی کړی

بله دلید ووړخبره داده چی په عادی ډول دمنظمو ښوونځیو حجم او عمومی ظرفیت دزده کوونکو دشمیر دجذب له نظره ډیر کوچنی او محدودګڼل کیږی• خرنګه چی دعصراوزمانی غوښتنو ثابته کړیده په اوسینو وختونو کی د سوسیالستی ټولنی دودانو لوله پاره زیاتو تعلیمی اوتربیوی کدرونوته ضرورت شته او ددغه مقصد ترسره کولو په برخه کی یوازی عادی مکتبونه کفایت نه کوی دکار په ترڅ کی دزده کړی سیستم دمروجو او عادی زده کړو دسیستم سره جوخت دټولو خلکو دپاره دښوونی او روزنی فر صت برابروی اوددغه کارپه نتیجه کی یوه ټولنه ددی قدرت پیداکوی چی ډیرزر په تولیداتی اوساختمانی چاروکی لوړوپړا وونو ته ورسیږی• دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی اوس اوس یوتن اوسیدونکی هم نه موندل کیږی چی بیسواده وی اویاخپلی زده کړی یی نیم کړی پری ایښی وی •ددغه هیوادهریو اوسیدونکی خپلی زده کړی ترپایه پوری رسوی او کوښښ کوی چی په خپل ټول ژوندکی درس ووایی او تعلیمی پروګرامونه تعقیب کاندی •دښوونی او روزنی دمروجو ښوونځیو تر څنګ د(فالتووخت) دښوونی او روزنی له تعلیمی تاسیساتو څخه ډیری ښی اوپه زړه پوری نتیجی تر ګوتو شویدی دتیرولسو کلونو له تجربو څخه په ګټی اخستلو سره په ډاګه سره ویل کیدای شی چی دکارپه ترڅ کی دزده کړی ددغه نوی سیستم په مرسته په یو وخت کی یوزیات شمیر زده کوونکی ، مامورین ، کارګران او نورعلاقه لرونکی دانقلابی ایدیالوژی دروحیی په در لود لو سره تربیه اوروزل کیدای شی• ددغه خواګونو په روز- لوسره نه یوازی په تولیداتی او ساختمانی چاروکی بدلون رامنځ ته کیږی بلکی تریوی زیاتی اندازی پوری کارګران او مامورین دجهان بینی او علمی ایدیالوژی په معنی او افاقیت باندی هم ښه پوهیږی •کوم کسان چی د(فالتووخت)په تربیوی اوتعلیمی ښوونځیو کی درس وانی دتولیداتو دسکتور زده کوونکی اویا داچی ددولتی ځانګو رسمی مامورین دی • دغه کارګران او مامورین په واقعیت کی په یولړ علمی کارونو بوخت دی او دخپل وخت یوه زیاته برخه په تولیداتی، ساختمانی او عمرانی فعالیتونو تیروی •نوموړی کارګران او مامورین هڅه کوی چی دخپلی ټولنی دانقلابی فعالیتونو داړتیا وو دپه نظرکی نیولو سره تعلیم وکړی او خپل ځانونه دهر ډول کتورو کارونو دپاره اعیار او چمتو کاندی •

یکتن ازمریضان درحال معاینه دیده‌می‌شود

کنترول توبرکلوز در سراسر کشور

در پرتو مرحله نوین انقلاب ثور تجویز اتخاذ گردیده که در تمام افغانستان مریضان توبرکلوز بصورت‌مجانی‌معاینه وتداوی‌گردند.

یک منبع انستیتوت ملی کنترول توبرکلوز در مصاحبه ای که باخبرنگار مجله ژوندون بعمل آورد گفت:

بصورت عمومی‌درپروگرام کنترول‌توبرکلوز تغییر وتحول ارزنده صورت گرفته‌بدینمعنی که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان حق اولیه فعالیت های صحی را در کنترول توبرکلوز داده است . بدین معنی که تمام فعالیت های ضد توبرکلوز بصورت مجانی میباشد ازقبیل تشخیص، لابراتوار، اکسریز، وقایه ذریعه بی‌سی جی ویکدوره مکمل تداوی،

دولت فعالیت وکنترول توبرکلوز رابصورت مطلق تقویه میدارد یعنی از نگاه معیاراداری، بودجوی ومراقبت های دوامدار که بصورت اختصاصی شامل :

۱ـ تربیه پرسونل پروگرام توبرکلوز در داخل و خارج

۲ـتحقیقات اختصاصی ازنگاه اپیدمولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان وارزیابی پروگرام کنترول توبرکلوز .

۳ـ سروی ملی توبرکلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه باشتراك تیم وترنری که‌ازنگاه کشف وا قعات تو بر کلوز در گاوها وارتباط بانواع توبرکلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اکمال ونتایج آن بعداً صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطقوی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد.

٤ـ تعلیمات صحی برای مریضان و تمام مردم و فامیل های مریضان از نظر کنترول و وقایه توبرکلوز ، که این تغیرات توصیفی بوده وتغیرات جدی آن قبلا توضیح می گردد:

در سال ۱۹۷۹ در حدود بیشتر از چهل هزار نفر تحت تداوی قرار گرفت که ازجمله ششهزار نفر دوره تداوی یك ساله راتکمیل نموده اند .

در سال ۱۹۷٤ در حدود ۱۹٦۰۰ نفر از نگاه کشف واقعات توبرکلوز ذریعه معا ینه مستقیم بلغم معاینه شدند ودر ۱۹۷۹ معاینه اضافه از ٦۵۰۰۰ نفر بصورت مجانی صورت گرفت ناگفته نماند که پرو گرام کنترول توبرکلوز در آینده نزدیك در سراسر کشور عزیز تزئید خواهد یافت .

منبع در مورد این سوال که اساس پرو گرام توبر کلوز در افغانستان کدام سال گذاشته شده و فعالیت درین ساحه قبل از انقلاب ثور چگونه بود وفعلا تاچه حد تحول و انکشاف نموده چنین توضیحات داد :

باید گفت که اساس پروگرام کنترول توبرکلوز در افغانستان سی سال قبل‌گذاشته شده بود که این کنترول تنها محدود بخود موسسه توبرکلوز (درچمن) بوده بعدافعالیت مذکور قسما در دیگر ولایات نیز انکشاف داده شد که بیشتر شکل فورمولیتی داشت .

وفعالیت تداوی تو برکلوز از نگاه کیفیت، پروگرام کاملا محدود وتداوی مریضان در سناتوریم های اناث وذکور بصورت اجرتی بود که مریضان توبرکلوز از ین رهگذر بمشکلات زیاد مواجه بودند زیرا مریضان بوضع بسیار عاجل وخراب از مناطق دوردست مملکت جهت بستر شدن بمرکز مراجعه می کردند که اکثریت شان قدرت توان برداخت فیس را نداشتند وجهت بستر شدن از یك دروزاه بدروازه دیگر مراجعه و سرگردان میشدند وبندرت ودشواری امر بستر شد ن مجانی را از شخص وزیر دریافت میکردند .

بعداز انقلاب شکوهمند ثور سنگ تهداب انستیتوت ملی توبرکلوز گذاشته شد که بعداز یك سال به فعالیت خود مستقیما به صورت فعال آغازنمودودرپهلوی آن درولایات کشور حوزه های توبرکلوز هم بصورت فعال وموثر تنظیم گردیده که عبارت اند از : حوزه توبرکلوز ننگرهار حوزه توبرکلوز کندهار، حوزه توبرکلوز هرات، حوزه توبرکلوز بلخ وحوزه توبرکلوز کندز که شعبات‌حوزه‌های مذکوربصورت‌فعالانه ازکنترول توبرکلوز ولایات مربوط خویش وارسی مینماید . برعلاوه در تمام مراکز صحی اساسی ومراکزفرعی فعالیت‌کنترول توبرکلوز درپهلوی دیگر پرابلم‌های‌صحی‌مراکز مربوط ازطرف داکتر وپرسونل آن بصورت ادغام شده انجام می گیرد .

که‌درهرحوزه یك داکتر بحیث آمر حوزه متخصص توبرکلوز یك داکتر داخله که در پروگرام توبرکلوز همکاری میکند، دو نرس، دوروغتیاپال، دو واکسیناتور، یکنفر تکنیشن لابراتوار ویك نفرتکنیشن اکسریز.

ودستگاه مکمل اکسریز، شعبه لابراتوار مجهز برای معاینه مستقیم بلغم و بعضا بالوازم کلچر سامان ولوازم شعبات کنترول توبرکلوز میباشد ، همچنان یکعراده موتر، یکعراده موتر سایکل و یکعراده بایسکل مجهز میباشند .

تمام حوزه ها ی مربوط ا قلا

بقیه در صفحه ۵۱

وحالا مریضان توبرکلوز بصورت مجانی بستر وتداوی می‌شوند

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیروهای

پیشرو جهانی

و جنبش‌های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

غفار «عریف»

اگر بطور پیگیر نقش جهانی نهضت های آزادی بخش ملی معاصر را ، دقیق وهمهٔ جانبه در مقایسهٔ با جنبش های ملی پیشین، مورد مطالعه وارزیابی قرار دهیم ،نتایج علمی که درین زمینه حاصل میشود و ضع را بطور کلی چنین میرساند که :

جنبش های آزادی بخش در گذشته‌تمایل بیشتر جانب مسایل خارجی داشت، ولی در شرایط کنونی نهضت های رهایی بخش‌متوجه مسایل داخلی میباشد ودر دست اول اهمیت انجام رسالت خویش، محو کامل استعما ر و از بین بر د ن ر یشه های اقتصادی نفوذ امپریالیزم، حل پرابلم های اجتماعی‌واقتصادی را قرار میدهد .

آرایش قوا درمیثاق بین المللی خصوصیت عمده دوران کنونی را چنین میرساند :

مبارزات رهایی بخش ورشد وسیع آن ، تقریبا سرنوشت نیمهٔ بشریت را در جها ن تعیین میدارد وساحه فعالیت آن ده ها ملت را احتوا میکند و سیستم استعماری درهم می پیچید . خلقهای کشور ها ی آسیا ، افریقا وامریکا لاتین از طریق تحکیم وپیوند روابطخودباجهان سوسیالیستی وطبقه کار گر کشور های سرمایه داری به همه اشکا ل ستم اجتماعی خاتمه میدهند وراه شگوفان ترقی اجتماعی رادر پیش میگیرند .

شکست ودر هم پیچید ن سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات پیهم و هماهنگ مبارزات رهایی بخش ملی انکشافیست که از لحاظ اهمیت تاریخی خویش بعد از ا یجا د سیستم جهانی سوسیالیسم در درجه دوم‌قرار میگیرد .

مشخصات جنبش های ملی رادر گذ شته حصول استقلال سیاسی ملت ها در برمیگرفت که مقصد عنعنوی آنرا از میان برداشتن تسلط اجنبی، ایجاد دولت ملی وتحقق‌بخشیدن به حق داشتن موقف مستقل سیاسی تشکیل میداد .

مبارزات رهایی بخش معاصربنابرخصوصیت عمیقا ضد امپریالیستی ومحتوی جدیداجتماعی خویش، بنابر نقش بزرگی راکه توده های خلق درین مبارزه بجامی آورند، زنجیر های اسارات بار امپریالیسم را در حساس تر ین موقعیت آن جدا تضعیف میکند وسر انجام در مراحل اخیر کاملا ازهم میگسلد .

یکی از خصایل جنبش آزادی بخش ملی را این مسئله تشکیل میدهد که در نتیجه آن سرزمین های مستعمره ونیمه مستعمره راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفتند و مبارزات مستعمرات باقی مانده ، پشتیبانی کامل نیرو های انقلابی کشور های نو بنیاد وحمایت همه جانبه کشور های پیشرو جهانی راکمایی نمود .

همانطوریکه جنبش های رهایی بخش‌معاصر مولود زمان ماست ، بدین لحاظ طرد رژیم های هوا دار امپریالیسم ، تبدیل استقلال سیاسی صوری‌به استقلال واقعی گذار ا ز سرمایه داری به مرحله عالیتر تکامل اجتماعی مشخصات این جنبش را در بر میگیرد . در عین حال اینکه مناسبات فرهنگی ومعنوی آن در خدمت با فرهنگ ومعنویات پیشرفتهٔ ومترقی پیوند حاصل میکند . بادر نظرداشت شرایط پیروز مند مبارزه با روابط فرسوده فیودالی وما قبل فیودالی ، درجدال‌است

علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را در گذشته ،تابعیت سیاسی آنها رادر مقابل‌کشور های استعمار گر تشکیل میداد، ولی بنا بر تغییر عمیقا به‌سودنیروهای‌مترقی‌که درسیمای جهان رونما گردیده (جنبش های آزادی بخش ملی زمان ماجنبش های دمو کراتیک ضدامپر- یالیستی طراز نوین میباشد.)

بدین سان مبارزه درراه حصول استقلال اقتصادی خصلت عمیق ضد امپریالیستی دارد. نیازمندی های عینی آزادی اقتصادی واز میان برداشتن زمینه های استقرار مجدد تسلط استعماری امپریالیسم، خصو صیت جنبش‌های آزادی بخش ملی راتعین‌میکند.

درشرایط کنونی بنابر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم، همبستگی بین‌ا لملـلی کارگری ، فشار خلقها برژیم های‌استعماری روز تارو کسب قوت بیشتر میکند، نیرو های انقلابی ووطنپرست کشورهای وابسته‌دربرابر عملیات‌وتجاوز استعمار گران‌به قیام‌های پیروز مند مسلحانهٔ میپردازند.

انحلال سیستم استعماری ازنظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظیمی دارد و جریان است غیرقابل بازگشت ،نادیده انگاشتن آن‌به مفهوم خط بطلان کشیدن بر پیروزی های تاریخی جنبش های آزادی بخش ملی، کم شمردن اهمیت شکست‌وزوال استعمار، ناچیز دانستن نقش استقلال سیاسی وعدم اعتقاد به پیروزی ملتهای تازه به استقلال رسیده است که به‌یقین‌توانایی آنرادارند تابا پشتیبانی‌عام وتام کشور های مترقی جهان ضربات پیهم و خرد کننده به‌دسایس وتوطئه های‌امپریالیسم واستعمار نوین واردآورد.

نباید اشتباه کردکه : باانحلال سیستم مستعمراتی ، استعمار کاملا ازبین رفته‌ومبارزه خلقها برعلیه آن پایان پذیرفته است ماهیت سیستم جهان خوار امپریالیسم بادرنظرداشت شرایط خود، استعمار رادرقالب دیگری ریخته (استعمارنوین) وچهره زشت خودرا باین‌شیوه ماست مالی‌میکند .استعمارنوین (نیوکلونالیسم) به‌مفاد ارتجاع بین المللی،اهداف ووظایف مشخص رادر زمینهٔ اقتصادی وسیاسی تعقیب مینماید.

ارتجاع جهانی به سردمداری محافل تجاوز کارامپریالستی مذبوحانه تلاش به خرج‌میدهدتا به‌اشکال وشیوه های گوناگون سدعمده در برابر پیشرفت های اجتماعی گردد ویا حداقل کندی ومتوقف شدن آنرا باعث‌شود. بطورکلی اقدامات بیشر مانه گروه های امپریالیستی متوجه مبارزات آزادی بخش بوده که سا حه گسترده آن پیش از شکست فاشیسم هتلری وملیتاریسم جاپان (انقراض جنگ‌جهانی دوم) بعداز بجا گذاشتن ویرانی های بیشمار آن موجب ازهم پاشیدگی کامل‌سیستم استعماری امپریالیستی گردید، نیزمیباشد.

پیدایش دهها کشور مستقل وتازه به‌استقلال رسیده که‌بحق مدافع پیگیر وتکیه‌گاه طبیعی‌خود کشور های سوسیالیستی رامیدانند، از جمله نتایج حاصلهٔ پیشرفت روند جهانی وازاجزای متشکل آنست . کشور های سوسیالیستی بطرز برادرانه و دوستانهٔ بدون درنظرداشت منافع‌ازمبارزات عادلانهٔ آنهادرراه آزادی‌ملی بطوردایم وهمه‌جانبه پشتیبانی‌بعمل می‌آورد ، پیش ازحصول استقلال سیاسی آنها، فرا هم آوری زمینه های امداد مادی ومعنوی را همه جانبه درنظر میگیرد.

همانطوریکه مبارزات رهایی بخش ملی رابه حقانیت تمام، جنبشی میتوان توصیف کردکه: درآخرین تحلیل منفعت عامه خلق‌رادربرمیگیرد. وظیفه جنبش درمرحله‌جدید آن عبارتست‌از: حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیسم، بدست آوردن استقلال اقتصادی و تحکیم حاکمیت ملی.

نیرو های وطنپرست درون جنبش‌ازتجارب حاصله خویش می آموزند که : رسیدن به این هدف تنها از طریق تغییرات عمومی دموکراتیک، از میان برداشتن ریشه ها ی اقتصادی وبقایای نفوذ سیاسی امپریالیسم ، انکشاف‌پر دامنهٔصنایع شامل‌صنایع سنگینی وسبک ، حل‌مساله دموکراتیک ارضی ، دموکراتیزه کردن حیات‌اجتماعی، ارتقاءسطح زندگی، پیروزی از یك سیاست خارجی‌فعال ضد امپریالیستی امکان پذیر است .

بایددر نظرگرفت که هستهٔ ومرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی را مبارزه در راه‌ترقی اجتماعی تشکیل میدهد . بناء تعیین راه پیشرفت در کشور های وابسته و مستعمره سابق در جریان پیروزی وغلبه جنبش آزادی بخش ملی بر مناسبات کهنهٔ نشان داده می شود وبدین‌گونه‌برای جنبش، محتوی‌اجتماعی تازه می بخشد .

در برابر جنبش های پیشین انتخاب راه پیشرفت قرار نداشت وهم نمیتوانست داشته باشد، زیرا جنبش های سابق محض راه انکشاف را برای رشد سرمایه داری باز می نمود . در شرایط واوضاع معاصر بنابر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش همبستگی بین المللی کارگری، نیرومندی مبارزات رهایی بخش ملی، در فضای کا مل همزیستی مسالمت آمیز دولت های دارای سیستم های اجتماعی مختلف، کشور هاییکه تازه از وابستگی رهایی یافته اند و استقلال سیاسی خویش راحاصل کرده‌اند در تحت شرایط اتخاذسیاست عدم الحاق به پیمان‌های تجاوزکار امپریالیستی وتعقیب راه تر قی اجتماعی واقعا مستقل باشند .

موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش ارزنده وفعال را در ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت زمینه های ترقی اجتماعی د ر کشور های کم رشد واتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های جهان سو م بازی میکند ودر حدود امکان وشرایط لازم صدور ضد انقلاب را برای کشور های نوبنیاد محدود مینماید .

احزاب انقلابی کشور های روبانکشاف در مرحله جدید رشد مبارزات رهایی بخش ملی باین موضوع توجه فراوان مبذول میدارندکه جلب رشته های امداد مادی ومعنوی کشور های پیشرو ومترقی جهان به گسترش و پیشرفت مناسبات مختلف کمك مینماید .

در دوران حاضر روابط وهمکاری های متقابله میان مبارزات رهایی بخش ملی‌دولت های نوبنیاد ونیرو های سوسیالیسم جهانی اهمیت خاص دارد .

تا تمام

سگ های شیر خور بدین گو نه‌سایر حیوانات را از پا می افگند.

تر جمه‌ی داود زهدی

از :لائف چکو سلوا کیا

سگهای شیر خور جلگه های سبز افریقا

در قسمت های بی در خت جلگه های سبز تا نزا نیا، حیوا نات‌وحشی «زبرا» این سو و آ ن سو ، آ وا ر ه و سر گر دا ن می گشتند که بعتتا با سگهای در نده افریقا یی رو برو گرد ید ند .

زبرا هابرای حفظ جان شان وبه خاطر زنده ما ندن خوا ستندراه‌فرار را در پیش گیر ند وخود را از شر آن حیوا نات بیر حم نجات بد هند.

سگهای در نده اطراف تا نزا نیا هموا ره سا یر حیوا نات آن منطقه را شکار میکنند واکثر او قات گله های «زبرا» ودیگر حیوانات‌ازآسیب آنها در امان نمی‌مانند زیرابمجردیکه سگهای در نده افر یقا یی سا یر حیوانات را بنگر ند به تعقیب آنها می پردا زند وبا لای آنها حمله می نمایند وتا لحظا تی که آنها را ازپا نیندا زند آرام نمیگیرند .

خوك‌های «زگیل» نیزهمین‌که‌ازدور- دستها این سگهای در نده را کـه بصو رت دسته جمعی با لای سا یر حیوانات حمله میکنند می بینند می گر یز ند وفرار میکنند وفا صله ای را می پیما یند اماسر انجام تسلیم میشو ند زیرا سر عت آنها باسرعت سگهای ستمگر وخون‌آشام برابری شده نمیتوا ند .

از جمله سا یر حیوا نات خوك های زگیل وخو کهای زبرا که بصو- رت‌گله ای زند گی وگرد شس میکنند زود تر بچنگ این سگهای در نده‌می افتند زیرا این خو کها تنبل هستند وحوصله دو یدن زیاد را ندا رند.

این سگها که بنام گر گ هـای افر یقایی شهرت زیاد دا رند بـا بیر حمی تمام از گو شت وخون‌سایر زنده جا نها تغـذ یه وزند گی مـی نمایند .

گر گهای افر یقا یی از همان‌ماه های نخست زند گی وآوان کود کی به صید وشکار عا دت پیدا نموده‌واز ما دران شان طرزصید وشکار رامی آمو زند .

این گرگها ی‌معروف‌امروزازجمله فعا لتر ین وظا لمتر ین‌حیوا نات جهان پندا شته میشو ند . چندین کیلو متررا‌ه رادر یك سا عت طی مینما یند وبا سر عت عجیبی صید خود را دنبال میکنند وبچنگ می - آورند .

تا امروز هیچ حیوا نی دیده نشده که مورد شکار این حیوا ن قرارگر- فته باشد وجان بسلا مت برده‌باشد.

اینها ،هرحیوان وزنده جا نی را که‌بنگر ندشکار مینما یندوشکارآنها مشخص بیك ویا چند نوع حیوان‌نمی باشد .

تر س وو حشتی‌که از موجودیت این گر گها ،بدل حیوا نات میفتد خیلی عجیب وتعجب آور است.زیرا گر گهای مو صوف سی میل فـی سا عت میدو ند وحتی اگر شیری در مقا بل شان قرار گیرد آنرا از هم‌مید رند ومیخور ند .

چون این سگهای عجیب سا لانه یك تعداد زیاد حیوا نات را از بیـن میبر ند ونا بود می سا زند تو جه زیاد علمای زو لو جی را بخود جلب نموده وآنها را وا داشته تا درباره خصو صیات وعا دات این سگهـا مصروف یك سلسله تحقیقات‌علمـی مو ثـر را انجام بد هند.

در ین اوا خر زو لوجست‌دانشمند وباتجربه‌ای‌بنام (سچالر) عضـو کمیته زو لو جست های نیو یا رك همراه با یك تعداد علمای سا یـر کشور ها ،با ثـرتحقیقا تی که در مورد سگهای یاد شده انجام داده اند با ین نتیجه رسیده اند که مو- جود یت این سگهای‌وحشی برای‌حفظ بیلانس سا یر حیوا نات گیتی‌خیلی مو ثـر بوده است .

طی سه سال‌مطالعه وتحقیق‌عمیق وهمه جا نبه علما ودا نشمندان مذکور دریا فته اند که ایـن سگهای گر گ ما نند با سا یـر سگهای جهان هیچگو نه قرا بـت نداشته بلکه با نسلهای ،حیواناتی از قبیل گرگ ورو با پیو نـد و ار تباطدارند .

سچا لر این زو لو جست دا نشمند طـی تحقیـق خـو یش حقیقت سحر آمیزی را نیز کشف کرده وآنرابرای دیگران فا شس‌گر-

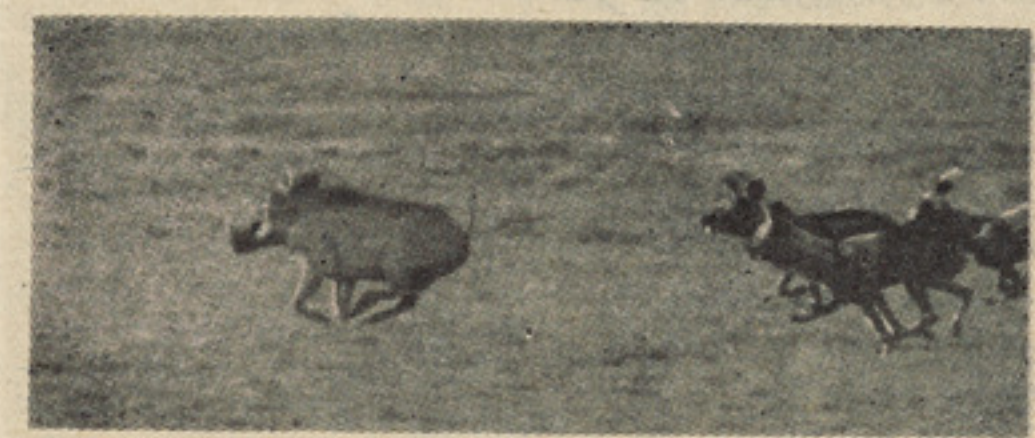

سگهای شیر خور جلگه هـا ی‌سبز در حا لیکه حیوا نی را تعقیب می نما ید .

یکی از سگهای شیر خور جلگـه‌های سبز نیز میتواند گلـه ای از حیوانات رادلیرانه تعقیب نماید .

مترجم غلام معروف

نویسنده داکتر میخائیل بودی کو مبصر عضو اکادمی ساینس اتحاد جماهیر شوروی

اقلیم آینده چگونه خواهد بود؟

تانیمه قرن بیستم نظم وترتیب اقلیم‌جوی بصورت کامل‌اززیراداره‌انسان وقدرت‌اقتصادی آنها خارج وبشکل آزاد آن وجود داشت. بعدا به یك تغییر ناگهانی مواجه گردید. احتراق انواع مختلف مواد سوخت بصورت‌منظم یك تزئید درمقدار ماده مضر کاربن دای اکساید رادر فضا همراه بانتایج تاثیرات گرین‌هوزویك تزئید در مقداردرجه حرارت سطح‌زمین‌راباعث گردید.

درممالك مختلف‌محققین ،میتودهای‌مختلف را ترجیح میدهند، تحقیقات‌میکنند ومحاسبه‌مینمایند تادریابند که به‌کدام سرعت کتله کاربن دای اکساید درفضاء تزئید می‌یابد وچطور همین‌کتله میتواند درسطح‌روی زمین نفوذوتماس‌حاصل نماید . در یافت گردیده است که‌اگراین‌کتله کاربن دای اکساید دوچند گردد، بصورت‌مجموع درجه حرارت طبقه پائین‌زمین‌شایدبه سه درجه بلند برود. این واقعیت هاامکان‌آن‌را میدهد که ما بتوانیم درآینده‌نزدیك‌درجه‌حرارت رابصورت مجموع محاسبه ودریافت نمایم.

طبق محاسبات روی‌دست‌داشته یخبندان‌ها قسمت قطب شمال ،درجه حرارت‌آن قسمت‌را پائین می‌آوردالبته‌درحدود پنج‌درجه درتابستان و۲۰درجه‌درزمستان. حالت یخ‌بندانهابه‌تشعشع قوی‌وهمچنان بدرجه حرارت فضا در مواسم‌گرم وسرد سال ارتباط میگیرد . معلومات درقسمت تغییر ناگهانی درجه حرارت مخصوصادروقت گرمی یاگرم شدن نیم کره بصورت وا ضح ماراکمك مینماید. یخبندان های دایمی ساحه مرکزی قطب شمال در ابتداء یا اوایل‌زمستان کاهش می‌یابد وبعدا بصورت مکمل از این‌حالت خود گذشته‌وذوب میگردد. ساینس‌دانان‌معتقداند که یخبندان های ساحه‌قطب شمالی وقتیکه‌درجه حرارت‌نیم کره شمالی بصورت‌کامل به‌دودرجه بلند برود کاملا ذوب میگردد.

نظربه جدول دست داشته ذیل ساحه یخبدانها درساحل قطب شمال در سال ۲۰۰۰ کاملا برهم خورده خردمیشوند بعدآن‌قسمت درسال ۲۰۲۵ کاملا ذوب میگردد.

تغییر درغلظت کاربن دای‌کساید و در جه حرارت فضا :

سال	۱۹۷٤	۲۰۰۰	۲۰۲۵
غلظت کاربن دای اکساید	۰٫۰۳۳	۰٫۰۳۸-۰٫۰٤۱	۰٫۰۵۲-۰٫۰٦٤
(فیصدی حجم و اتمو سفیر)			

تزئید در مجموع درجه حرارت

۰٫۰ ۱٫۰-۱٫۵ ۲٫۰-۲٫۵

(مقیاسه با ۱۹٦۰)

اگر گرمی تمام کره ادامه پیداکند ، تزئید دردرجه‌حرارت درمساحه ها وارتفاعات مختلف قابل درك نخواهد بود زیرا اگر تاسال۲۰۲۵ مجموع درجه حرارت درنیم کره شمالی‌تا۲٫۵-۳٫۵ درجه سانتی گراد بلند برود ، درساحه های بلند ، درجه حرارت تابستان تابه ۱۰-۷مثبت بلند خواهد رفت ودرجه حرارت زمستان آن از۱۰-۵درجه پائین نخواهد آمد.

چنین تغییرات در رژیم‌حرارتی‌یك واقعه‌در- اماتیك را مخصوصا درمسافه های‌بلند وپائین درحالت طبیعی نشان میدهد . بسیار دلایل قانع کننده مبنی برذوب شدن تمام یخبندانهای دایمی ساحه قطب شمالی وجود دارد که‌دیگر حتی درزمستان هم‌یخبند انها درساحه، قطب شمال وجود نخواهد داشت.

چطور گرمی عمومی‌تاختم‌قرن‌بیست ربع اول قرن ۲۱ انکشاف وپیشرفت خواهدکرد.

بصورت آشکار ا، این مساله بصورت ناظم یکی پی دیگر تعقیب میگردد البته در ابتدا بصورت آهسته بعدا (درا ثنای ذوب شدن قسمت اعظم سواحل یخبندانها) بسیار به‌زودی صورت میگیرد وبعدا وقتیکه سر عت گرم‌شدن بصورت عمومی خود بخود به شکل آزاد عرض وجود نماید دوباره آزاد گردیده البته تاپیشرفت وتزئید کتله کاربن دای- اکساید مرحل دوباره بطی‌میگردد.

درآینده نزدیك این حادثه یك تغییرفوری رادراین رژیم حرارتی می‌آورد. در نتیجه‌گرمی عمومی منجربه تبخیر عظیم آب از سطح تمام سواحل وتزئید درمقدار یامجموع مواد جا مد درسطح زمین میگردد. طبق احصائیه ها ی دست داشته تزئید درکتله کاربن دای‌اکساید درفضا باعث تزئید درمقدار مجموعی تبخیرو ترسب میگردد.

گرمی عمومی یك تاثیر رادرقسمت تقسیم‌و ترسب نشان‌میدهد. مقدار آن درمسافه ها وارتفاعات متوسط خرد وکوچك میگردد. در اثنای گرمی عمومی، که‌قبلا اشاره گردیده، درجه حرارت درمسافه‌های بلند نسبت‌به‌مسافه های پائین بلند میرود تفاوت در درجه‌حرارت دربین مسافه یاساحه های بلند و پائین‌تنقیص میابد، دوران بسیار قوی اتموسفیر پا ئین خواهد بود. اقلیم یا اوضاع جوی از حالت فعلی بسیار متغیر خواهدبود.

بصورت آشکارا وقتیکه یخبندان ها ی دایمی ساحه قطب شمال نابود شوندوقله‌های بزرگ یخ ادامه خواهند داشت (آنهای‌که‌در گرین لند وآنتار کتیك هستند) یك اقلیم مشابه دوره ترژری (پلیوسین) درسیاره ما جاگزین خواهدشد. درشروع دوره پلیوسین (تقریبا دوتاهفت ملیون سال قبل)ساختمان وموقعیت قاره زمین وسواحل آن عینا مانند شکل فعلی بوده. این دوره توسط قله های بزرگ یخبندان دوره انتار کتیك‌اشاره‌گردیده است، ،همچنان ساختمان آن‌ومقدار آن بسیار کوچك نسبت به‌حالت فعلی بوده وهیچ یخبندانهای ساحه سواحل قطب شمالی وجود نداشت.

تضاد ریشه یی در بین حالت دورهٔ پیوسین وزمان فعلی ما موجود یت مقدار عظیم‌کاربن دای اکساید در فضا وهم چنان فکتور که تاثیرات گرین هوز را نشان ویا وا نمود ساخته است، می باشد .

واقعیت های پلیوکلاسمتیك نشان میدهد که در وسط دوره پلیوسین مجموع درجه حرارت در قسمت نیم کره شمالی ۳-٤ درجه بلندتر نسبت به حالت فعلی بوده درجه‌حرارت در سردترین ماه سال هیچ وقت کمتر از(۵) درجه سانتی گراد در اروپای شمالی وپایینتر از منفی پانزده درجه سانتی گراد در شمال شرق آسیا نبوده است این درجه حرارت بلندتر از درجه حرارت فعلی میباشد .

کیفیت وحالت درجه حرارت ،مواسم گرم سال در دوره پلیوسین همنوا با تنوعات مختلف کمتر نسبت به حالت فعلی بوده، بسیار بلند بوده است . مخصوصا در خط یا ساحه قطب شمال .

تقسیمات وترسبات در اروپا وآسیا در دوره پلیوین تقریبا مانند حالت فعلی‌بوده واقعا در مسافه های یاساحه های بلندتر سبات به مقدار اضافی وجود داشت . این نشان میدهد که اقلیم جوی دورهٔ پلیوسین چندان بدنبوده است. تغییر بسیار کم‌به‌چنین اقلیم جوی که‌فرن ها رادر بر میگیرد، تقریبا برای تمام مردم وفعالیت های اقتصادی شان خوب است .

بسیار مشکل خواهد بود که محاسبه یا نشان بدهیم که تغیرات جوی که‌اهمیت‌اقتصادی رادر قبال دارد. اگر بصورت فوری هم تعقیب گردد ، تقریبا چند سده رادربر میگیرد .

ساحه های یخبندان شاید خورد شوند و خاك های یخبندان دایمی ممکن ذوب شوند خطوط طبیعی شاید به ارتفاعات بلند تر با در نظر داشت تغیرات در میتود های زراعت وشعبات یا شاخه های دیگر اقتصادی تقسیم شوند . گرمی‌عمومی‌همنوای وبرابری سواحل جهان را چطور متاثیر ساخته میتوانند ؟

بصورت عموم تعهد گردیده است که‌ذوب شدن نهایی سواحل یخبندان ساحه قطب شمال (اگر درگرین لند و ، تاهنوز قابل اهمیت است ، بزرگترین قله های یخبندان آنتارکتیك سرچپه یا سر نگون شده ویااگر بصورت آهسته ذوب گردد) شاید بصورت عملی نشان داده شود که‌هیچ تاثیر سهو بالای نظم همنوا ی‌وبرابری سواحل جهان ندارد . با آنهم طبق نظر یکه درین اواخر پخش گردیده ، قسمت دفاعی یخبندانهای غربی آنتارکتیك قابل تغییراند وشاید بصورت پارچه خرد البته درچند سده تقسیم گردند (در موجودیت گرمی عمومی بصورت فوری). این تغییر درحدود پنج متر سطح ابحار را بلند تر خواهد ساخت .

چنین نوع معلومات ها در باره اقلیم جوی آینده توسط ساینس دانان اتحاد شوروی

بقیه در صفحه ۵۲

نویسنده: الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

مترجم: دوکتور خدایداد بشرمل

ـنزدیك بیا نید، ازما سرما و ر یزش خواهید گرفت، باید بگویم که جاده های شما خیلی گنده اند . این صدای انا ایولوسوفنا خواهر خواندهٔ مامی بود که در سامارا زندگی می کرد ، مامی دخترك خواب رفته را ازگادی ران گرفت ، روپوش پوستی اش رابرداشت از زیر آن زلفان طلائی ودرخشانش نمایان گشت وآنرا بوسید وگفت :

ـ «لیلچکا ! رسیدی ؟ ـ»

دخترك آهی کشید ، چشم های بزرگ‌آبی اش را باز کرد وموقعی که بیدار شد بار دیگر آهی کشید .

وکتور ولیلیا ...

نیکیتا ووکتور پسر انا ایولوسوفنا فردا صبح هردو ـ دراطاق نیکیتا از خواب بیدار شدند در حالیکه بر روی بستر شان نشسته بودند باابرو های کشیده بسوی همد یگر می‌دیدند .

ـ «من شما رابیاد آوردم .»نیکیتا گفت .

ـ «من هم شما را خیلی خوب بیاد دارم ،» وکتور بصورت فوری جواب داد ـ«زمانی شما به‌ساما را آمدید تامارا ببینید آنقدر مرغابی خوردی که‌خودت بالتهاب‌روده‌ها دچارشدی.»

«این رابیاد ندارم .» نیکیتا گفت .

«امامن بیاد دارم» » وکتور جواب داد:

همه آرام‌نشستند ـ وکتوربیباکانه فازه‌کشید.

ـ «من‌یك معلم خصوصی دارم ـ ارکادی ایوا نوویـچ!» نیکیتا مغرورانه‌گفت :

ـ او بسیار گیر است ـ او مرا علم می آموزاند ـ او هرنوع کتابی رادر مدت نیم ساعت می خواند .»

وکتور خندهٔ استهزا آمیزی کرد.

ـ «من به جمنازیوم می روم، صنف دوم ـ آنها آنقدر جدی اند که مرا تمام وقت بدون نان چاشت نگه می دارند .»

ـ«پس‌چه؟»ـ نیکیتا گفت:

ـ «این معنی دارد . اینکه اگر بخواهم یکهزار روز هم بدون صرف نان دوام داده می توانم .»

ـ«هو!» نیکیتا گفت ـ «آیاگاهی با ین کار مبادرت نموده ای ؟»

ـ «من به این کار اقدام نکرده‌ام، مادر مرا اجازه نمی دهد .»

نیکیتا فازه کشید ودراز افتاد .

ـ «پریروز من سیتوپکارا شکست دادم .»

«وسیتوپکا کرنوشکین کیست ؟»

ـ«قوی ترین پنجه درده: اورا چنان یك ضربه‌زدم که بزمین افتاد . من باو چاقوی قلمی‌ام رابا چار تیغش دادم واومرایك دست‌بند داد. بعدتر ترانشان خواهم داد.»

نیکیتا از بسترش برخاست و به آ هستگی به لباس پوشیدن آغاز نمود .

ـ «ومن دکشنری ماکاروف را با یك‌دستم بلند کرده می توانم .»

وکتور با صد ا ئیکه لرزان بود غرید ـ امافهمیده می شد که او قبلا تسلیم شده بود. نیکیتا به بخاری دیواری نزدیك شد بدون اینکه از دست هایش‌کمك گیرد یك پایش را بلند کرد وباپای دیگرش بزمین خیز زد .

ـ «اگر پاهایت را بسرعت کافی حرکت داده بتوانی خواهی پرید .» او در حالیکه با توجه بسوی وکتور می دید گفت :

«مشکل نیست، عده زیادی در صنف ما می‌توانند بپرند.»

بچه ها لباس هایشان را پوشیدند وباطاق نان رفتند که در آنجا بوی نان گرم و نان شیرین استشمام می شد و از سماواریکه جلادار بود بخار بهوابالامی شد وبطرف‌سقف می رفت، طوریکه کلکین هارا بخار گرفته بود مامی، ارکادی ودختر دیروز ، لیلی‌ـ جوانك نه ساله وخواهر وکتور، دور میز نشسته بودند ، از اطاق مجاور صدای بم‌آسای اناپولوسوفنا شنیده می شد :

ـ «لطفا یك دستمال بدهید .»

لیلیایك نیم تنهٔ سفید، با کمربندآبی‌کمال که برتن داشت ویك بوبرکمر بندش نصب بود وهم در موهای مجعدش یك بوی دیگری که آنهم رنگ آبی کمال داشت بشکل پروانه دیده می شد .

نیکیتا نزدش رفت وباو احترام کرد.

لیلیا برچوکی اش دور خورد ، دستش را دراز کرد وبا جدیت گفت :

ـ«صحبت خوش، پسر !»

وقتیکه او این کلمات را ادا کرد لب بالائی اش را بلند نمود .

به‌نیکیتا چنین معلوم می‌شد که او یك دختر حقیقی نبود ـ باوجودی که بسیار زیبا بود مخصوصا چشم های آبی وجلادارش و مژگان ابریشمین آن دلربایی خاص داشت ، لیلیا دیگر به‌نیکیتا توجه نکرد یك پیالهٔ چای کلانی را بادو دستش گرفت ورویش را درآن فرو برد، بچه‌ها باهم نشستند وکتور اینطور معلوم می‌شد که‌مانند یك طفل چا ی می نوشد ـ اوبالای پیاله خم شد وبالب‌های درازش چای را شب کرد ـ او مخفیا نه آنقدر بوره بچایش ریخت که چایش غلیظ شد وبعدا باآواز ضعیف خواست تا آب به آن علاوه شود .

ـ «آیا توخواهرم را دوست داری ؟» در حالیکه نیکیتا را بازانویش شور می داد به‌آهستگی گفت : نیکیتا جوابی نداد اماتنها سرخ شد .

«توبا او محتاط باش» وکتوربه آهستگی ادامه داد، «طفلك همیشه بمادر شکا یت میکند .»

در عین زمان لیلیا چایش را تمام کرد، دهنش را با دستمال کاغذی پاك کرد و ز چوکی اش پایین شد ـ اوپیش الکزاندر ـ لیوتیفنا رفت .

«خاله جان، تشکر ..» او این جمله را با کمال احترام گفت . بعدا به کلکین رفت، در یك چوکی کلان بازودار نشست ، یك قطی سوزن وتار را از کدام جایی گرفت وبدوختن شروع کرد .

افکار نیکیتا نامیدانه پراگنده بود ـ او خواست به وکتور نشان دهد که چطور از پشت یك چوکی خیز بزند » اما لیلیا رویش را دور نداد ـ مادر گفت :

«بچه ها ! اگرمی خواهید غال مغال نمایید لطفا به خیابان بروید .»

بچه ها لباس پوشیدند و بیرون شدند ـ این یك روز غبار آلود وگرم بود ـ آفتاب گلگون بالای طبقات دراز توده های ابر ، که مانند خیابان های پربرف معلوم می شد شعاع خودرا می‌تابید . بوته های گلاب که باشبنم یخزده پوشیده بودند در باغ نظرربایی داشتند . معمولا خاموشی همه جارا فرا گرفته بود ـ یگانه صدایکه بگوش می رسید صدای دوسگ بود : شاروك وکاتوك، که نزدیك دالان عقبی کنار هم ایستاده بودند ، سرشان بطرف یکدیگر دورمی خوردو عوعو می کردند، ناگاه خاموش شدند وهر طرف می دویدند تا زمانی که یکی از کارگران آمد ودستکش خودرا بسوی شان پرتاب کرد، بعدا با غضب سرفه کردند ، به پای عقبی شان ایستادند وتاوقتی جنگیدند که یکدیگر رازخمی ساختند ، از سگ های دیگر می ـ ترسیدند وگدا هارابدمی دیدند وشب‌هنگام در عوض اینکه از خانه نگهبانی کنند در گاراج می خوابیدند .

« چه میکنی ؟» وکتور پرسید :

نیکیتا بسوی یك زاغ ناراضی د ید که ازانبار علف بالای طویله پرواز کرد ـ نیکیتا نمی خواست بازی کند وغمگین بود . اومی خواست پیشنهاد کند که باطاق پذیرایی بروند وچیزی بخوانند، اما وکتور گفت : «هو، من فهمیدم که توتنها با دختر ها می توانی بازی کنی .»

«چرا؟»نیکیتا ،درحالیکه سرخ شده بود پرسید .

«زیرا ـ توخودت میدانی که چرا ؟»

«تومرا آزارنده ، نمیدانم راجع به چه گپ می زنی ، بیاکه بسوی چاه برویم .»

بچه ها طرف چاه رفتند در مسافهٔ دورتر ، ملیشکا کوریا یك چوب رامی شکستا ند .

«بیان، بیان،» اودفعتا صدا کرد «ببین نیکیتا» نیکیتا به عقبش دید آنجا یك گاونر خاکی رنگ باشاخ های کوتاه خود بطرف بچه ها می دوید در حالیکه موهای مجعد بر پیشانی آویخته بود .

« مع‌ـع‌ـع‌ـع،» بیان بصورت متنا و ب می غرید ودمش رابه پهلوهایش جاروب می کرد .

«وکتور بدو!» نیکیتا فریاد زد واورا از آستین هایش گرفت وبطرف خانه دوید .

«گاودوان دوان در عقب بچه هارفت . «مع‌ـع‌ـع.»

وکتور به عقب دید، چیغ زد ودر برف افتاد وسرش رابا بازوهایش پوشید، بیان از اوبیشتر ازپنج قد فاصله نداشت ـ نیکیتا ایستاد ـ ناگهان از قهر یك تکه آتش شد، کلاهش را کشیده بسوی گاودید ودررویش بزدن آغاز کرد .

«دور شو، دورشو !»

گاوخاموش ایستاد وشاخ هایش را پایین آورد ـ ملیشکا کوریا شونوك که چوب می شکستاند از آنسو دوید ـ بیان به آهستگی ام بع کرد، دور خورد وبطرف چاه رفت، لب های نیکیتا ازهیجان می‌لر زید ـ کلا هش رابر سرکرد ودور خورد ـ وکتور نزدیك خانه رسیده بود واز آنجا با دستش به ا و اشاره کرد .....

نیکیتا تصادفا بطرف کلکین به بالادید، از دالان کلکین سوم سمت چپ، دو چشم آ بی حیران کننده توجه آنرا بخود جلب کرد، این لیلیا بود که بسوی نیکیتا می دید و ناگهان خندید ، ناگهان بعقب بر گشت وباخشنودی فریاد زد :

ـ «وکتور، بیاکه ازتپه پایین شو یم ، عجله کن، »

تاوقت نان چاشت آنها را تپه هارا مرور کردند ، می خندیدند وجست وخیز میزدند.

نیکیتا دردل خود سودای دیگری داشت باخود می گفت :

ـ «وقتیکه خانه بروم واز برابر کلکین بگذرم، آیا بالا بطرف او ببینم‌ویا اینکه بسمت دیگری متوجه‌شوم ؟» مقصودش لیلیای جوان وزیبا بود .... «نی، هرگز من بسوی او نخواهم دید .»

صندوق درخت عید مسیح ...

دروقت نان چاشت، نیکیتا کوشید بسوی لیلیانه بیند واگر هم می خواست به بیند موفق شده نمی توانست زیرا ـ اناایولو سوفنا بین او وآن دختر دلر با باجاکت سرخ مخملی اش حایل بود، در حالیکه بازو هایش راحرکت می داد با صدای عمیق چنان بلند حرف می زدکه تمام اشیای شیشه ای که تحت چراغ قرار داشت جرنگ جرنگ می کردند .

«نی، نی، الکزاندرا لیوتیفنا،» او گفت ، «بسرت رادر خانه تدریس کن .. زیرا د ر ورزشگاه چنان بی نظمی نفرت آوری وجود دارد که آمر شان را با دست های خود می توانم بگیرم ویکطرف پرتاب‌کنم... وکتور!» او ناگهان گفت : «تو باید به چیز ها ییکه مادرت راجع به بزرگان چیزی می گوید توجه نکنی وبه آمرین خوداحترام بگذاری،

معلمین ما، الکزاندرالیوتیفنا، احمق ها ی زمخت اند. هریکی آنها از دیگری احمق تراند ، ومعلم جغرافیای آنها ؟ وکتور! نام او چیست ؟!

«سینیشکن»

« برایت گفته ام که سینیشکن نیست‌بلکه سینیا فکین است، این معلم آ نقدر ا حمق است که یك روز در دهلیز، بعد از ینکه مارا ملاقات کرد ومصافحه نمود، عوض اینکه کلاهش را برسر بگذارد او پشکی مرا که بالای چوکی خوابیده بود برداشت وبر سر گذاشت...

وکتور ! تو چرا این چاقو وپنجه را در دست گرفته‌ای ؟ چپ چپ نکن .... چوکی‌ات رابمیزنزدیك کن ... چه می خواستم بشما بگویم، الکزاندرالیوتیفنا ! اوه، بلی، من‌یك خریطه پراز اشیای اضافی وملحقات (درخت عید) را با خود آورده ام ... فردا باید ما بچه هارا مصروف چسپاندن آنها نماییم .»

«من فکر می کنم که آنها باید همین امروز شروع کنند، » مامی گفت : « ورنه آنها آماده نخواهند شد .»

«خوب، همانطور که می دانی اجراآت‌کن. من‌می خواهم مکاتیبی بنویسم، تشکر رفیق! از نان چاشت .»

انا ایولو سوفنا لب های خودرا با دستمال کاغذی پاك کرد، چوکی اش را حرکت داد وباطاق خوابش بعزم نوشتن نامه ها رفت ، اما لحظهٔ بعد فنر های چرکت چنان بشدت صدا کرد که گویی فیلی بران بالا شده ، بعداز ینکه سر میزی میزکلان پاك شد، مامی چار جوره قیچی آورد و به تهیه کردن (سریش) پرداخت ، او (سریش) را چنین تهیه کرد: ازصندو قچهٔ که در کنج خا نه گذاشته شده بودوادویهٔ فامیلی درآن‌نگهداری می شد یك مرتبان نشایسته بیرون کرد وباندازهٔ یك قاشق چای نشایسته در یك شیشه ریخت، دو قاشق آب سرد هم در آن ریخت وآن را خوب شورداد تا سر یشناك شود، بعدا او آب جوش از سماوار در آن ریخت وتاوقتی آن را شورداد که به جلی صاف مبدل گشت واز آن یك سریش بسیار عالی بدست آمد .

بچه ها خریطهٔ چرمی انا ایولو سوفنارا آوردند وبر میز گذاشتند ، مامی آنرا باز کرد ومحتویات آنرا بر روی میز ریخت : ورقه های کاغذ طلایی، نازك وگلدار، ورقه های نقره ، آبی، سبز، نارنجی، تخته های برستول، قطی های شمع وشمع دان ها ی درخت عید، قطی های ماهی های طلایی، و خروسك های رنگه، قطی های پر ازتوپ های شیشه ای میان خالی که در تار آویخته بودند، قطی هادارای توپ های شیشه ای که چنگك های نقره یی با خود داشتند ویکتعداد قطی های دیگری که در میان آن فیته های طلایی ونقره ای پراز زرق وبرق دیده میشد وفانوس هاییکه دارای کلکین ها بوده واز شیشه های معدنی ساخته شده بودند ویك ستارهٔ بزرگ درآن نصب بود وهم یکعده قطی های کاغذی مدور معطر که باکش‌نمودن عطر ازخود پخش میکرد دربین آن خریطه‌چرمی جای داشت. اطفال بادیدن هر شی جدید از خوشی فریاد می کشیدند و خیر می زدند ....

«چیز های خوب دیگری نیز هست ..» مامی گفت ودستش را در خریطه فرو می برد . اماتمام آنها را فعلا بیرون نمی آ و ر یم . بیایید که به سریش کردن شروع کنیم .

وکتور بساختن زنجیر ها پرداخت ،نیکیتا کاغذ های مخروطی برای شیرینی تهیه نمود درحالیکه مامی شخصا کاغذ ومقوا رامی‌برید.

«خاله زاشما! ، اجازه دارم صندوق کوچکی بسازم ؟» لیلیا احترام کارانه پرسید :

عزیزم! هرچه دلت می‌خواهد بساز. »

اطفال در خاموشی شروع به کار کردند ، از بینی های شان نفس های عمیقی کشیده ودست های نشایسته آلود شان را در لباس های شان خشك می کردند، در حالیکه همه مصروف کار بودند مامی گفت‌که (در زمانه های قدیم مواد زینتی برای (درخت عید) وجود نداشت وهمه چیز را مجبور بودند با دست شان بسازند ، بعضی ها بسیار ماهر بودند وآنها یك قصر کامل را با برج های آن وزینه های پیچاپیچ وپل های متحرك می ساختند ، من خودم آنها را دیده ام .)

لیلیا در حالیکه مصروف‌کاربود باخاموشی گوش می داد وسخنان مامی رامی شنید . گاه‌گاه با نوك زبانش خودرا کمك می کرد.

نیکیتا کاغذ های مخروطی اش رابرداشت وبطرف او دید، مامی درین لحظه بیرون رفته بود ، وکتور تقریبا ده مترزنجیر های کاغذی راکه از رنگ های مختلف تهیه شده بود بر چوکی ها آویخته بود .

نیکیتا پرسید: «خودت چی می سازی ؟»

بدون اینکه لیلیا سرش را بالا کندتبسم کرد ویك ستاره را از کاغذ طلایی برید و آنرا بر سر پوش آبی صندوقچه نصب کرد .

«برای چه این بکس راجورمی‌کنی؟»

نیکیتا به‌نرمی پرسید:

«صندوقچه برای دستکش های گودی هاست ؟» لیلیا باجدیت جواب داد. «تویك بچه هستی واینطور چیز های را نمی دانی.» اوسرش را با لاکرد وبا چشمان آبی اش بسوی نیکیتا دید. او سرخ‌شد، سرخ و داغ ترشد تا وقتیکه سراپایش مانند گل قرمز گردید .

تو چقدر سرخ هستی؟، لیلیا گفت:

«مانند یك لبلبو.» .

او دوباره بر صندوقچه اش خمید . در چهره اش یك تبسم شیطنت آمیزی نمایان بود .

نیکیتا چنان نشسته بود که‌گویی برچوکی سریش شده باشد. او نمی توانست چیز دیگری بگوید وهر قدر که کوشید اطاق را ترك گفته نتوانست . دختر او را مسخره می کرد اما او نرنجید وقهر نبود تنها با و خیره شده بود. ناگهان لیلیا دو باره با او حرف زد . این بار با آواز متفاوت وبدون اینکه چشمانش رابالا نماید، چنانکه رازی میان هردو وجود داشته باشد .

«صندوقچه را دوست داری ؟» او گفت : «بلی ازاو خوشم می‌آید، » نیکیتا جوابداد .

من هم دوستش دارم، بسیار خو شم می آید،» اوگفت : در حالیکه سر خود را به جلووعقب حرکت می داد وبوزلف هایش در اهتزاز بود .. اومی خواست چیزی اضافه‌کند اما وکتور آمد وبین نیکیتا ولیلیا مخل واقع شد .

«کدام صندوق، کجاست صندوق ؟» ا و پرسید «هر چند یکه می خواهی برایت می سازم» .

«وکتور، جریان رابه مامی خواهم گفت‌که تومرابه کارم نمی گذاری،» لیلیا با آواز لرزان گفت : او کاغذ وسریش خود راگرفته بگوشهٔ دیگر میز رفت .

وکتور به نیکیتا چشمك زد .

من ترا گفتم که‌باید بااو محتاط با شی، اوهمه چیز را برای ما در میگوید .»

ناوقت همان شب، هنگامیکه آنها دربستر، دراطاق تاریك دراز کشیدند نیکیتا در حالیکه روپوش برسرش بود، با آواز بلند از زیر روپوش بسخن گفتن پرداخت .

«وکتور، آیا خوابیده ای ؟»

«تاحال نی ... من نمی دانم .... چه ؟»

«گوش کن .... وکتور!.... من باید یك راز بزرگ را بتو بگویم .. وکتور ..... نخواب .... وکتور .... گوش کن ..

جواب داد :

پیشکش عجیب ومرموز ...

همینکه روز شد نیکیتا دید شخصی در بخاری ها مصروف کار است بعدا یك دروازه در آخر راه رو با صدا بسته شد .

آن شخص بود که ازبخاری ها وارسی می‌کرد ودسته های چوب سوخت را باپارچه های کود حیوانی می‌آورد . نیکیتا با یك‌دل خوش بیدارشد ، صبح درخشان‌و سردی‌بود. کلکین هارا ـ یخ‌بندان بایك منظره قشنگ گلدار پوشانیده بود ـ وکتور هنوز هم در خواب بود ـ نیکیتا پشتی را بسویش انداخت اما اوتنها ناله کرد وروجایی رابرسر خود کشید ـ نیکیتا بزودی از بستر بر خاست ، لباس پوشید ودر تشویش بود که کجابرود؟ ـاونخست نزد ارکادی رفت.

ارکادی ایوانوویچ بیدار شده بود وعمان نامه‌ای را که زیاده از سی بار مطالعه کرده بود باز می خواند ـ وقتیکه چشمش به‌نیکیتا افتاد پاهایش را باروجائی برسرش بالا برد وبشدت بر چهرکت کوبید وگفت :

«چطور غیر معمول ؟» اوصدا زد ،«تواولین کسی هستی که‌بیدار شده‌ای !.»

«ارکادی ! امروز بسیار روز خوبی‌است. » نیکیتا گفت .

«بلی پسرم ، این روز خوبی است ..»

«ارکادی ! چیزی رامی خواهم از شما بپرسم .» نیکیتا انگشتش را بامتداددروازه حرکت داد .

«آیا شما بابکن ها رابسیار زیاد دوست دارید ؟»

«مقصودت کدام یك ازبابکن هاست ؟!»

«اطفال را ..»

«کدام یك ازاطفال رامی‌خواهی دوست‌داشته باشم ؟»

بااینکه ار کادی ایوانوویچ این جمله را با صدای عادی گفت اما بسرعت گفت . اوآرنج هایش را برمتکا گذاشت وبدون خنده‌متوجه نیکیتا شد . این حقیقت دارد ، اما با توجه نام . معلوم‌بود که‌او همه چیز ی را میدانست نیکیتا آنا دور خورد وبدویدن از اطاق خارج گردید، کمی تامل کرد و سپس بحو یلی رفت .

ستون های دود آبی از خانهٔ کارگران ، از حمام که در راهرو آب واقع بود بالامی‌شد. شب هنگام : شبنم یخ زده بردرخت ها هنوز هم ضخیم ترشده بود وشاخچه های بید که بر کنار حوض روئیده بودند ازوزن برف مانند (مجنون بید) خمیده شده بودند . برف جلا داشت وسردی بینی‌اش را می‌گزید ...

برتودهٔ خاکستر که هنوز هم بصورت‌خفیف دود ازآن بالا می‌شد شاروك وکاتوك ، آن‌دو سگ بریکدیگر می‌غریدند ـ ملیتکا کور یا شونوك باعصای ضخیم خود خیزان وغلطان‌بر روی برف مستقیما بسوی نیکیتا آمد ـ اویك نوع بازی هاکی رابا توپ های برفی بازی‌می کرد . در همین لحظه یك قطار تخته های‌برفی که توسط اسپ هاکشیده می‌شد از جانب راست ده پدیدار گشت ، یك یك از مجرای آب گذشتند ، این سو و آنسو در مقابل برف می‌جنبیدند ، از تالاب پائین بطرف بند عبور کردند .

ملیشکا کوریا باانگشت کلان دستکش خود بینی اش را فشار داد .

«تخته برفی ها این‌است که ازشهر باتحفه ها باز گشتند .» او گفت .

تخته برفی ها از زیر کمان های بید پر برف در حال عبور بودند وبچه ها آواز میده شدن برف واشپلاق های رانندگان تخته‌برفی ها وتنفس عمیق اسپ ها را می‌توانستند بشنوند .

اولین شخصی که طور معمول ، قطار تخته برفی ها را رهنمائی می‌کرد وبه خیابان داخل شد کارگر سال خورده بود که بریك مادیان سرخ بزرگ «وبستانام» سوار بود. این کارگر پیر در کنار تخته برفی ها پابوت های نمدی‌اش بسهولت‌راه می‌رفت ، پوستینی برتن داشت ، یخن پشمی‌اش بطرف بالادور خورده بود ، کلاه وریشش از یخ سفید تر بود ـ وبستا با مادیان او سراپا در عرق تر شده بود ـ کارگر سال خورده درینوقت با آواز بلندی گفت :

«هی ، بسوی طویله ها دور بخورید وتخته برفی آخری باید داخل خانه شود .»

قطار از شانزده تخته برفی ترتیب یافته بود، اسپ‌هابا هوشیاری ومتانت‌آنها رامی‌کشیدند. بوی عرق اسپ بمشام می‌رسید ـ صدای شلاق ها شنیده می‌شد ، زمانیکه آخرین تخته برفی از بندعبور کرد نیکیتا نمی‌توانست در اول بفهمد که برآن چه قرار دارد . چیز عجیبی بودـکلان وسبز ویك‌نوار سرخ داشت ضربه های قلب نیکیتا سریعتر شدبرتخته‌برفی، یك کشتی دو چمچه‌یی بانوك های تیز می‌جنبیدوآواز می‌کشید ـ درپهلوی‌کشتی دوچمچهٔ سبز ویك دیرك که یك قبهٔ مسی در آخر خود داشت بنظر می‌رسید . پس همین بود تحفه ایکه‌در نامهٔ مرموزش وعده داده بود ...

ناتمام

مردم ما داوطلبانه از انقلاب و دولت انقلابی خود دفاع می کنند

مردم انقلا بی‌وزحمتکش افغا- نستان با در نظر دا شت گذا شته های تلخ وپر ز درد یکه از طرف سلطنت، عمال آن وطبقات حا کمه‌ای مر تجع برا یشان تحمیل‌شده‌است حالا دیگر کا ملا درك کرده اند که نباید آزموده هارا آزمود ودرمقا بل دولت ، حزب وانقلاب بلا تفا وت نشست ودست روی دست گذاشت.

انسان رنجبر وانقلا بی این وطن می داند که امروز ما مور به انجام رسا نیدن رسا لت تا ریخی خود است این‌آرمان یك آرمان بحق‌وروا می‌باشد. این آرمان آئینه دار آینده تابناك انسان‌امیدوار وزحمتکش‌این سر زمین‌است این آرمان دیگرآسوده خاطر سا ختن مشتی مفت خو ارو استثمار گر نه، بلکه آرمان همه‌ای کسا نی است که‌به‌سرنوشت خود، وطن خود ومردم خود علاقمند است.

مردم‌وطن‌مادیگر اینك به نیکی‌درك کرده اند که پیرو زی وسر بلندی نظام نو ین‌کشور پیرو زی وسر- بلندی آنهاست .

اگر در گذ شته ی‌نه چندان دور امین این فر زند دلبند امپر یالیزم امریکا، امیدمردم مارا با اعمال‌سفا- کانه وبی‌بند بار خود به یاس‌تبدیل نموده‌بود . اگر امین این حافظمنا فع امپر یا لیزم وار تجاع، توطئه آمیز انقلاب را ماسمت ما لی نمود وچون طو طی دست پر ور د ه دشمنان وطن‌ومردم ما یعنی امپریا- لیزم امر یکا واژه های علما پر- مفهوم وپذ یرفته شده را بیجا وبی مورد ودر حا لیکه در پشت این الفاظ مکر، حیله، ترور، اختناق،مصیبت‌و بد بختی وغل وزنجیر را پنهان کرده بود ومی کرد استعمال می نمودبرای آن‌نبود که‌وی‌معتقدبه آن‌بود ویاازدل وجان درراه تحقق آن مبا رزه می کرد بلکه بر عکس با داران امپر- یالیستی او برای بد نام سا ختن‌و قلب جلوه دادن آن واژه به این نوکر خود یعنی امین دستور می داد که در پشت تربیوی ها، بیا نیه خود را لفظا یك‌انقلا بی پرو پا- قرص معر فی نماید ولی در اصل عمل خود خلق را از همه انواع‌و امکا نات‌زند گی محروم سازدمملکت را به یك وحشتگاه بی نظیر تبدیل نماید تابا این اعمال خود دو خدمت عمده به‌بادار ادا کرده با شد یکی قلب وبد نام سا ختن ایده های مترقی وا نقلا بی ودیگری منکو ب وسر کوب سا ختن مردم افغانستان تااز مبا رزات ضد امپر یا لیستی وضد ارتجا عی باز ما نند واین دو غول همچنان به تبهکا ریها ومظالم خود دوام دهند .

ولی هما نطو ریکه دید یم این نقشه های شوم وآز مندانه‌ی‌امپریا- لیزم وار تجاع به ارا ده‌ی مردم‌آزاده وسربلند افغا نستان نقشی بر آب شدوبا یور شی‌بی نظیری که ازطرف اردوی آزا دیبخش افغا نستان به تاریخ ششم جدی پنجاو هشت صورت گر فت امین وبا ند فا سدو غلام منش وی به زبا له دان تاریخ سپرده شدندومرد م ما شانه ها ی خودرا از زیر بار گران سلطه‌ی امین وامینی های جنا یت پیشه‌سبك کردند.

اینك مردم ما دیگر آزاد وتعیین کننده ی سر نو شت خویش، خود شان هستند. اینك افغا نستان‌وطن عزیز ما، مردم شر یف وآزا دی‌پسند ماباپیروزی قیام ششم جدی وا رد مرحله‌ی نو ینی شده اندو انقلاب‌ثور نیز وارد مر حله‌ی تکا ملی ونو ین خود شده است هیچ نیرو یی وهیچ کسی نمی توا ندبر مردم شر یف وبلاکشیده ی ما بتازد وبنا حق‌آنها را بیازارد هیچکس حق ندا رد که بااعتقادات مذ هبی مردم ماخیره سرانه‌برخورد نمایدویاآنرا تجدید نماید .

آری انقلاب ثور با دا خل شدن بمر حله نو ین وتکا ملی خود همه روزنه های امیدو آرا می وآزا دی‌را بروی خلق ما کشود و با اطمینان گفته میتوا نیم :با وجود آنکه‌کشور ومردم ما مراحل بسیار وحشتبا ری راپشت سر گذا شته اند .حکمرایی نادر ودود ما نش ومظا لم وسیاه- کاری های امین وبا ند شس . ولی بااین همه‌امید وآرزوی کامل موجود است که خلق ما ازین‌همه مشکلات ناشی ازین حکمرا نی های سفاکانه ازسر راه پیروزی خود دور خواهند کردوبه سر منزل مقصود خوا هند رسید. چنانچه درین مورد ببرك- کارمل منشی عمومی کمیته‌ی‌مر کزی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان، رئیس شو رای‌انقلا بی وصدر اعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان طی‌بیانیه ی‌ملی‌و تاریخی خو یش که بتاریخ ششم جدی انتشار یا فت منجمله چنین می‌فر مایند: «اکنون‌ما ایمان راسخ داریم که انقلاب ما از عهده‌ی دشوار یهای عظیم فعلی‌بر خواهدآمد . تا ریخ مردم ما در ین لحظات یکی از بزرگترین وشگفت انگیز تر ین چرخشی را انجام‌میدهد که برای احراز آزا دی وزند گی مستقل مردم ما اهمیت عظیم و بی پایان دارد .این چر خشی است از ظلم ووحشت بسوی خو شبختی، کار وزند گی صلح آمیز ،این چر خشی است از مصا ئب‌وآلام‌بی پایان . از استبداد ستمگران در نده خوی‌واستثمار گران خون خوار، از جامعه‌ی‌مصیبت زده‌ی طراز استبداد آسیا یی، بسوی آینده ی‌تا بناك‌دمو- کراسی وا قعی،آزا دی وبرا بری، ترقی وعدا لت وایجاد جا معه‌ی‌واقعا دمو کرا تیك،چر خشی‌است ازجنگ ونفاق داخلی بسوی صلح، بسوی اعتلای وحدت ملی‌و برا دری ملیت ها،اقوام وصا حبان مذا هب مختلف خلقهای ما، اعم از پښتون، تاجك ،هزا ره ،از بك، تر کمن، بلوچ ،نور ستا نی وغیره ومذا هب ما، اعم از اهل تسنن وتشیع‌ودیگر مذا هب وقبا یل دلیر ما ....

بهمین اسا س است که نسل امروز ماباید سازند گان آگاه زمان آینده‌باشند ونگذار ند که‌دشمنان مردم ،انقلاب ووطن ما که ناجو - انمردانه در کمین تو طئه ودسیسه نشسته اند این آئینه را مکدر سازد وفردای بهرو زی وبهز یستی ما را اخلال نماید .

بلی حالا که مر حله ی نو ین انقلاب شکو همند ثور ما را به آینده به فردای تا بناك‌وامیدبخش امید وار ومطمئن سا خته است دشمنان رنگا رنگ مردم ، انقلاب‌و وطن ما باحیل‌ونیر نگ‌های‌گوناگون توطئه ودسیسه می کنند ومی خوا - هند که فضای صلح وآرامش مرد م مارابااخلال گر یها، چور وچپاول، کار شکنی هاو ایجاد تر س ووحشت بر هم زند تا بااین اعمال خود از گل آلود سا ختن آب ما هی بگیرد. چنا نچه‌حادثه اسفناك وتا ثر آور روز های سوم وچارم حوت بیا نگر این حقیقت است که دشمنان وطن وانقلاب ما سخت در این کو شش است تا مانع رشد سا لم وصلح- آمیز جا معه ومردم ما شو ند. این دشمنان سو گند خو رده‌ی خلق‌ما یکبار دیگر در عمل نشان داد ند‌که برای رسیدن به اهداف‌شوم وکثیف خود از وسا یل‌شوم وکثیف استفاده می کنند .

همه مردم وطن مابخصو ص باشند گان‌وهمشهر یان کا بل‌به خو بی شا هد تبهکا ریها واخلال گر یهای دشمنان انقلاب‌نجات‌بخش ثور بودند، آنها دید ند که چگو نه این‌او با شان حتی از کشت وکشتار مردم بی گناه‌وشر یف وحتی اطفال صغیر ومعصوم در یغ نکرد ندو خوشنماتر اینکه برای پیاده‌سا ختن این اعمال‌خود به اغوا وفر یب همو طنان ساده‌ی ما پر دا ختند وبه گفته‌ی خود این اخلال گران، ایشان اطفال رابزور وا دار می سا ختندتا درجلو صفوف شان قرار گیر ندوبه اعمال‌دهشت افگنی دست بز نند.

بقیه در صفحه ۵۳

ویتامین‌ها

... تنهاباخوردن ویتامین‌ها،زندگی را نمیتوان پیش‌برد

اگرمیخواهیدزیادعمرکنید وهمیشه جوان بمانید ، و یتامین ب را در برنامهٔ غذایی تان جا بدهید ؛

کمبود و یتامین (٦ ب) در بدن باعث نا توانی و بیخوابی وتنقیص وزن در اطفال میگردد ...

نخست با ید بدانیم که ویتا مین چیست ؟

ویتا مین ها مرکبات عضوی هستند که مو جودیت شان به اندازهٔ معین در جسم حیوان و یا نباتات ضروری بوده واز عدم موجودیت آنها عوارض و اختلالات نا - مطلو بی در جسم زنده بار می آید . فکر وجود ویتا مینها زمانی شروع شد که‌ملاحظه کردند اشخا صیکه مد ت ها ی طولانی‌غذای پخته و یکنوا خت صرف میکردند بـه عوارض دچار شدند که هر گاه به آنها غذای تا زه یی داده میشد آن نوا قص رفع میگردید ، موضوع دیگری راکه بایددانست

اینست که ویتا مین هم مانند سا یر مواد ضروری بدن مثل آب- املاح ، نشایسته وغیره مورد احتیا ج بدن می با شد و لـی هیچگاه به تنها یی خود سبب نمو وتقویه

جسما نی شده نمی تواند و نمیتوا ن تنها با ویتا مین ها زند گانی را به پیش برد.

ویتا مین ها نظر به حل شدن خود در آب وچر بی بدو دسته تقسیم می گر دنـد دسته اول ویتا مین ها ی که در آب حل میشو ند و عبارت انداز : ویتا مین (ث) و و یتـا مین ها ی مر بو ط به فامیل ویتا مین (ب) .

گروه دوم ویتا مین ها ی هستند که در چربی منحل می‌با شند ما نند : ویتا ، ویتامین «دی» ، ویتامین «کا» وویتامین «ای» .

برخی از ویتا مین های که برای انسانها لازم است در ذیل ذکر می گردند :

ویتـامین « آ » : وجود ایـن ویتامین در غـذای روزانه کـا مـلا ضـروریست چـه کمبودی این ویتا مین دربدن مو جب‌بیماری نر می قر نیه چشم گردیده ودر حا لا ت و خیم باعث کوری چشم می گردد، همچنا ن فقدان فن باعث شب کـوری و امـراض جلدی شده واز قدرت وتوا نا یی و دفا ع بدن درمقابل بیماریهای عفـو نی میکا هـد.

منـابـع مهـم ویتـامین «آ» جگر، شیر، زردی تخم ، پنیر ، روغن ما هی ، زردك زردآلو سبز یجات تازه می با شد.

اگر در صورت تا ن دانه ها ی سیاه‌می با شد که دور آنرا بر جستگی ها ی سرخ رنگی احا طه کرده است و گا هی دانه های سفید رنگی که چرك دارند و در سینه‌وپشت شماهم ازاین بثورات (دانه های خردی کـه در پو ست بدن ظاهر میشود) دیده میشود، باید بیشتر از ویتامین «آ» استفـاده کنید در وقت پختن غذا برای نگهداری ویتا مین «آ» لازم است‌که غذا در ظـروف سر بسته پخته شود زیرا در اثر عمل او کسید ی ، این ویتا مین از بین می رود .

احتیا ج روزانه بدن به ویتا مین بیش از ۳۰۰۰ واحد است .

و یتـــا مـــین کمپلکس

از جمله تمام انواع ویتامیـن «ب» تنهـا پنج عدد آن برای انسا نها اهمیت دارد که عبا رتند از (ویتا مین ها ی ۱ب، ۲ب،٦ب، ۱۲ب، (پپ) .این ویتا مین ها در آب‌منحل بوده و تما م شان بنام ویتا مین بـــی کمپلکس یاد میشود .

اگر میخو اهید که زیاد عمر کنید و همیشه جوا ن بما نید این ویتا مین را

(ویتامین ب) از یاد نبرید و اگرمسیر شود بیشتر آنرا به شکل طبیعی اش مصر ف کنید .

شما برای اینکه یك قلب قوی دا شتـه با شید ، برای اینکه دستگاه ها ضمه تان بصورت در ست کا ر کند و با لاخره‌برای اینکه اعصاب تا ن آرام با شد ، با یستی ویتا مین «ب» مصرف کنید .

دستجاب ویتا مین ب قرار ذیل تشر یح می شود :

ویتا مین اب : چون این ویتا مین در جسم انسا نها سا خته شده نمی توا نـد باید بیشتر از طریق‌خوردن غذا وارد جسم گردد ، فقدان این ویتامین بموجب التهـاب و توا م وبا عث مرض اعصا ب بنا م بر ی بری می شود ، موجودیت ویتا مین اب‌دربدن میتـوانید فعالیت قلب، کنترو ل اعـصاب و عضلات را خوبتر انجام دهید .

خرا بی اعصا ب ، نفس کو تا هی وحس ما ند گی و ضعف نسبت به قلت ویتا مین اب است قشر برنج ، حبو با ت مخصو صا لـو بیـا ، جگر ، کچا لـو ، نخود وگوشت دارای مقدار زیادی ویتامین ا ب است .

ویتا مین ۲ب : عدم مو جودیت ایـن ویتا مین در بد ن با عث کم شد ن وزن و پیدایش زخمهای جلدی مخصوصـا به اطراف گو شها و دهن می گردد و نیـز نوعی مرضـی را بار می آورد کـه عـلایم آن التها ب پو ست ، اسها ل و کو د نی می با شد پس برای اینکه نواقص‌بالارااز وجود خود دور کرده با شید بیشتر از ماهی خمیرمایه ، گوشت ، لوبیا ، تخم مـرغ ، ترکاری وشیر استفاده کنید .

ویتا مین ٦ب : این ویتا مین اهمیـت زیادی برای اشخا ص مضطرب ، عصبا نی‌و بیخوا ب دارد و با عث نموی حجرا ت می گر دد کمبودی ویتا مین ٦ب در بد ن‌باعث و مو جب به تعو یق افتا دن نمو یی جسمانی نا توا نی و بیخوا بی تنقیص وزن دراطفال میگردد اغذیه هـا ی که این و یتـا مین را در خود دارند عبا رتند از : جگر ، تخم مر غ ، کا هو ، ما هی گندم وشیر .

ویتا مین ۱۲ب : منا بع مهم این ویتامین جگر ، گو شت گاو و خمیر ما یه است اگر میخوا هید به کم خونی دچا رنشوید در بر نا مه غذایی تـان ایـن و یتـا مین را درج نما ئید و هم برای جلو گیری از مرض اسپرو (یکنو ع اسها ل کف دارباکم خو نی) همیش ویتا مین ۱۲ب مصر ف نما ئید .

و یتا مین پ پ : کـاستی این ویتـامین مرض پلا گرا را با عث می شود که این مرض در کشور ها ی فقیر و اشخاصیکه جوا ری جزء عمدهٔ غذایی شانرا تشکیل مید هد بیشتر بروز می کند وعلا یم عمده این مرض عبارت از ضعف ، سؤ هاضمـه ، اسها ل ، کم وزنی و دانه ها ی جلـدی می با شد . در جگر ، شیر ، تخم مر غ و ما هی بیشتر این ویتا مین یا فت مـی شود .

ویتامین «ث» بـرای اینکـه جسـم تان جوا نی وزیبا یی داشته با شد هر روز به اندازهٔ ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ واحد از ویتا مین ث مصرف کنید ، اگر میخوا هید و یروس ها و میکرو ب ها به وجود تا ن تها جـم نکنند روزانه تقر یبا ۲ملی گرا م ویتا مین ث‌بخورید با وجودیکه ویتا مین ث‌در غذای روزانه ما موجود است اما مقدار آن کا فی نمی با شد پس لازم است با خوردن لیمو، نا ریج ، ما لته ، جگر گو سا له ،سبزیجات تازه و شیر گاو این خلا را پر کنیم ،ولی اگر مقدار بیشتر و زیاده تر صرف‌نما ئیم

تشو شا تی چو ن عصبا نیت ، بیخوا بـی و تشنجات عضلا تی ایجاد می کند .سبزیجات و میوه جا ت و قتی پخته می شوند مقداری از ویتامین آنها در آب شـان حل می شود که لازم است آب آن نیز مورد استفاده‌قرار گیرد قلت ویتا مین ، با عث امراض ذیـل می گردد :

مرض سکو روی که علایم آن خستگی، پر ید گی رنگ و آما س دست و پا می با شد خو ن شد ن بیره ها ی دندا ن‌ولق شدن دندا نها -پیر شدن قبل از و قت گریپ وسرما خوردگی - خونریزی لثه ها و وزیر جلد - سستی وخستگی در فصل بهار

بقیه در صفحه ۵۳

از شگفتی های رنگارنگ جهان

موتر رانی بدون کمك دست

موتر رانی حتی بدون کمك دستها ممکن است . صنعت موتر سازی برای معیوبان موتر های به دیزاین های مخصوص ساخته است . تصور کنید موتری راکه میتوان بدون دست راهنمایی کرد، وقتی بواسطه زانو دکمهٔ را فشار دهیددروازه های موتر باز میشود ، در حالیکه راننده به صورت اتوماتیك باکمربندی به چوکی بسته میشود .

این یك اختراع برای دریوران تنبل‌نبوده، بلکه یك ضرورت غم انگیز برای گروهی از مردمان شدیدا معیوب است که از طفو لیت بدون بازو ها یا پاها زندگی میکنند .

این اشخاص جوان که دستهای شان به شانه های آنهاوصل اند یاپاهای شان مستقیما از لگن خاصره نمو کرده، قربانیان مصیبت صنعت دوا سازی هستند که یکی ازبزرگترین تکانهای عصبی بیست سال اخیر است اینها اطفال «تالید امید» هستند .

در جمهوری فدرالی آلمان بیش از پنجهزار طفل کانترگان وجود دارد اینها بعد از فروشی دوایی تحت نام تجارتی «تالیدامید» شناخته شده اند ودر دیگر نقاط جهان تقریبا یکهزار نفر ازین قربانیان وجود دارد .

بعضی از آنها فعلا به حد اقل عمر موتر رانی رسیده اند وفقط فرصت دارند که حر کت قابل ملاحظه در آنها بوجود آید .

صنعت موتر سازی آنها را با دیزاین های مخصوص که به نوع معیوبیت آنها تطابق داده شده اماده ساخته اند .

بکار بردن طریقه های میخانیکی عملی، چیز هایی اند که این موتر هارا از مودلهای عادی امتیاز میدهد . برای یك دریور بیدست طور مثال یك استوانه را در جای پا ید ل عوض اشترنگ معمول قرار داده اند .

موتر با گیر های اتوماتیك مجهز شده به این ترتیب که وقتی پای راست طور معمول مصروف برك واکسلیتر میشود پا ی چپ راهنمایی موتر را با دوردادن وفشار دادن آلهٔ که بجای اشترنگ است عملی میکند . «کانترگان» مثل دیگر «تالید امید»هادرسال ۱۹۵۷ به بازار آمد وبزودی منحیث یك مسکن محبوبیت پیدا کرد .

تا چند سال اخیر معلوم نبود که این دوا برای جوانان نتیجه بد میدهد درین سالهای اخیر یقین حاصل شد که استعمال آن‌سیستم اعصاب را تخریب میکند .

مادرانی که در موقع حاملگی مخصوصادر وقت حساس که اعضاء طفل در داخل رحم در حال نمو میبودند از تالیدامیدها استفاده کرده بودند اطفال شان ناقص و معیو ب تولد شدند .

عدهٔ زیادی ازین نوع اطفال بزودی بعد از تولد وفات یافتند، تعدا دزیاد دیگر آنها فقط انتظار زندگی محدود را داشتند . درحالیکه یکتعداد قابل ملاحظه از آنها باقی میمانند که برای ادامه حیات خود به کمك دیگران احتیاج دارند .

در دهم مارچ ۱۹۶۷ بعد از شش سال تحقیق نمایندگی های عمده ومهم کمپنی «گرویین تال» که دوا را تولید کرده بود مجبور به پرداخت جریمه شدند که در اثر دوا های تالیدامید ها یکعده انسانهاکشته شدند .

در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۰ این اقدامات از نگاه شرایط مغلق طبی به تعویق افتاده بود چه علی الرغم یکتعداد راپور های متخصصین به میان آوردن سوال گناه در اینجا نا ممکن بود .

کمپنی گریننتال و حکومت فدرالی آلمان هریك صد ملیون مارك را بدسترس قربانیان این حادثه قرار دادند علاوتا یکصدو پنجاه ملیون مارك بالای آنها مصرف شده تابسیاری از آنها کمك شده وبه زندگی نسبتا نزدیك به زندگی طبیعی خود ادامه دهند .

سلسله تولید تالیدامید ها توجه تمام جهان را بخود جلب نمود وبر پیمانه های بیشتر سخت گیری کنترول بیمه بین‌المللی رابر صنایع دوا سازی مخصوصا به منا فع مادرها خواستار شدند .

این قربانی دوای تالیدامیه ها باوجودنداشتن دستها میتواند مثل هر همسن و سالش موتر خودرا «ترایی» کند . موترش یك نوع مخصوص فلکس واگون گلف است .

ماهی ایکه در حال نابود یست

اگر مقر رات قوی بین المللی اتخاذ نشود . این حیوا نات زیبا که در سراسر هفت بحر جهان‌مورد شکار انسانها قرار دارد شاید به زودی از صفحهٔ گیتی نیست ونابود گردد .

ماهی گیرانیکه تو سط چنگك به گرفتن این نوع ما هیان می پر دازند اظهار میدارند که این ماهی یعنی ما هی (تونا) یك ماهی خیلی زیبا ، شجاع و سپور تی میبا شد .

تونا شا هپر آبی دارد و در اقیانو سها پیدا میشود و از نظر جسامت از همه ما هیان بزر گتر بوده و بیشس از یك هزار و چهار- صد پوند وزن دارد .

ماهی مذکور شصت میل فی ساعت در میان بحر حرکت میکند و ازین نگاه در میان همه ماهیان‌ابحار ممتاز میباشد .

این ما هیان بزرگ در تمام ابحار با همنو عان شان به گردش می پردازند و از آن دسته ماهی ها محسوب میشو ند که بصورت‌خیلی وسیع و زیاد از طرف ماهی‌گیران جهان شکار میشو ند و در بازارها بفروش میر سند .

اما شاید شکار ماهی تونا بزودی انجام پذیردز یرا ما هیگیران و متخصصین حیوان شناسی ابحار اقتصا دیون و تجار همه متفقا میگویند که جمعیت ماهی تونا نوع بلوفن (دارای شهپر آبی) به‌سرعت

رو به نابودی میروند و اگراقدامی در این مورد صورت نگیرد دامن زندگی ما هی مو صوف بکلی از میان آبهای جهان چیده میشود .

به مشکل میتوان اخطار نابودی این نوع ماهی بزرگ را قبول کرد زیرا در امریکا اعلانات ماهی تونا، به شدت پخش و خیلی زیاد درهمه جا دیده میشود و در بازار ها به پیمانه زیاد به فروش میر سد و مردم فکر میکنند که ماهی تونا تمامی نخواهد داشت .

شعبات تجار تی امریکا باساس ارقام قابل قبول سال (۱۹۷۵) وانمود می سازند که مقدار (۵٦۸) ملیون ماهی تونا در امریکا بدست آمده و ازین مقدار چهار و نیم بلیون ساند ویچ ماهی نوع تونا، تهیه گردیده است .

در سال (۱۹۷٤) طبق احصا نیه ساز مان خورا که و زراعت جهان بیش از سه و نیم بلیون پوند ماهی نوع بلوفن ، در تمام جهان توسط ماهی گیران شکار و به بازار ها عرضه گردیده است ، که زاید از چهل فیصد رقم مذکور از طرف ماهی گیران امریکا و جاپان بدست آمده است .

با وجود یکه ماهی گیران از یك قرن قبل باین طرف ما هیان عظیم‌الجثه بلوفن، را، در خلیج مینن شکار میکنند و بیش از هزار سال است که برای گرفتن ماهیان یاد شده در سواحل اسپا نیه

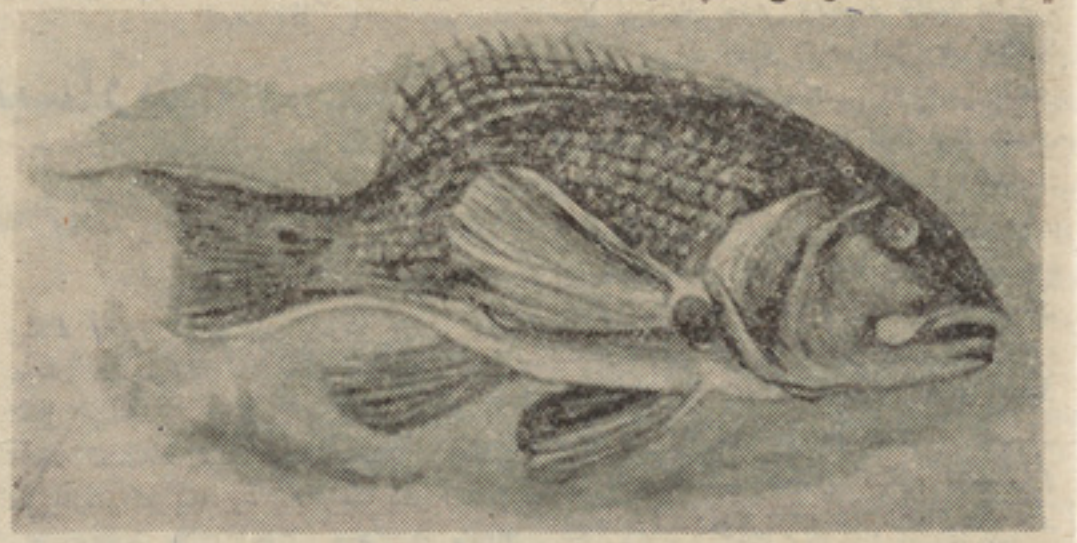

این ما هی ها شا هپر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیا نو س پیدا میشد .

بداخل ابحار ، دامهای گستر ده شده است ، اما صرف طی یك ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلو فن به پیمانهٔ رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و مو سسات اقتصا دی و تجارتی به صدا در اورده است .

بعد از جنگ جهانی دوم باثر رشد تکنا لوژی جدید کشتار ماهی تونا در حصص مختلف ابحار گسترش یافت . امروز کشتی های ماهی گیری مجهز با وسایل الکترونیکی می‌باشندکه‌در هر نقطهٔاز بحر که لنگر اندازد میتواند دسته های ما هی توا نا را، در عمق پنجاه میل بحری نشان دهد .

در اواخر سال (۱۹۵۰) جا پانی اوقیانوس آرام فرستا دند وتاسال ها کشتی های خود را به بحر ۱۹٦۰ تلاش جهانی برای شکار ماهی بخصو ص ماهی تونا آغاز گردید .

شکار ماهی تونا به چندین طریقه امکان پذیر میباشد . یکی ازین طریقه ها که جا پانی ها ازآن استفا ده مینما یند عبارت ازقرار دادن ریسما نیست که در روی آب بحر به طول پنجاه میل کشیده می شود و ریسمان مذکور که در هر قسمت‌آن یکهزار وپنجصد چنکك طعمه دار وجود دارد به عمق دوصد فیت بداخل بحر فرو میرود وبدین تر تیب شکار ما هیان صو رت میگیرد .

ماهی گیران امر یکایی ماهی تونا را بادام های قسم عمو دی بدست می اورند و کشتی های بزرگ ماهی گیری که قیمت هریك آن بیش از پنج ملیون دالر می باشد ، بعضا ظر فیت گرفتن ، دو هزار تن ماهی تونا را دارند ، و دام های عمودی این کشتی هاکه از نیلون تیار میشود تقریبا یك میل طول داشته و به اطراف‌گروپی ازما هیان تونا، اندا خته‌میشو د و بدین ترتیب شکار ماهی صو رت میگیرد .

در شکار ماهی از طیاره وکشتی های موتر دار نیز کار گرفته میشود ، باین ترتیب که توسط آنها ما هیان تونا بصورت دسته های بزرگ جمع گردیده و به طرف دام رانده میشو ند .

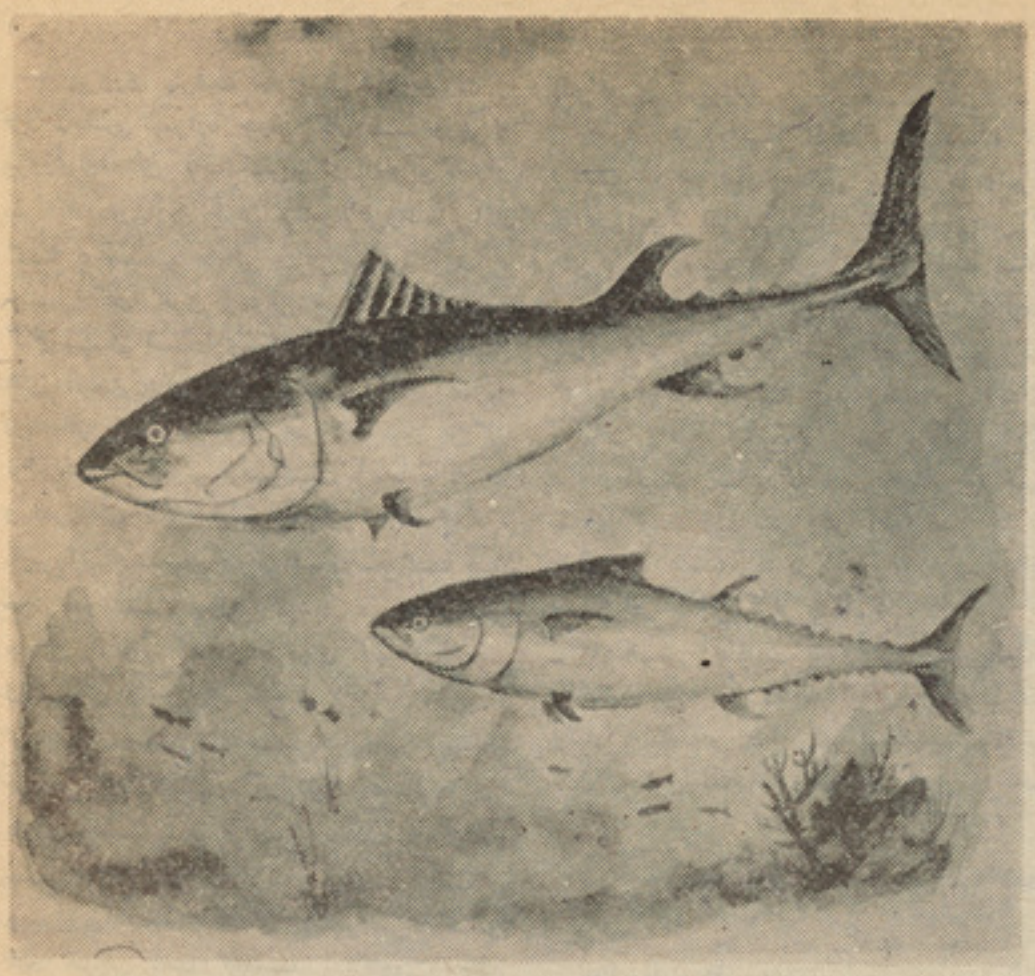

میگوند که جمعیت ما هی ها ی‌تو نا روبه انقرا ض رفته است .

طبق معلو مات دفتر ماهی گیری ملی در سال (۱۹۷۵) در حدود دو صد ماهی گیر امر یکائی مجهز با دام های فوق الذکر در بحر اقیا نوس و بحر الکاهل به ماهی گیری مصروف بوده و از معلوماتی که بدست آمده آنها با ارزش تخمینی یکصدو پنجاه ملیون دالر ماهی بدست اورده اند که البته قیمت آن بعد از طی مراحل پاك کاری، سورت ور سا ندن به سوپر مار کیت ها تا ر سید ن به دست مصرف کننده پنج چندقیمت متذکره بوده که باین صو رت ارزش سا لا نه آن به بیش از یك بلیون دالر میرسد .

وقتی این ار قام را ، در پهلوی تقا ضای روز افزون ، برای ماهی تونا در نظر بگیریم فشاری که ،از جانب انسانها ، بر این نوع ماهی بخصو ص به نوع شا هپر آبی آن ، وارد میگردد خیلی پر تشو یش خواهد بود کشور های که به شکار انواع مختلف ماهی تونا ، مصروف اند شامل کشور های شرق بحر الکا هل الی غرب اقیا نوس بوده تقر یبا تمام اعضای کشور های ملل متحد را در بر میگیرد و از نگاه تقسیمات جغرافیوی میتوان از کشرر های مانند گو ستا ریکا ، سینگال ، کوریا پیرو و هالند نام برد .

همچنا نکه دسته های کشتی‌های که ما هیگیری ، بادام های جدید و مدرن روز به روز زیاد می شوند ساحه شکار ماهی های مذکور نیز فراخ و فراخ تر شده میرود وتمام قسمت های ابحار را فرا میگیرد . متخصصین پیشگو یی میکنند که تقا ضای مردم جهان برای خریدن ماهی تونا ، در سال (۱۹۹۰) به مقدار ده بلیون پوند خواهد رسید. همچنان متخصصین مذکور اظهار میدارند که تا سال (۱۹۸۰) منابع ماهی نوع‌تونا ، خیلی محدودخواهد گردید و حتی بسوی نا بودی‌پیش خواهد رفت .

این نوع ماهی در پنجاه سالگی به مرحلهٔ جوانی میرسد و یك‌ماهی ماده آن در حدود پنج ملیون تخم گذاشته میتواند ، باروری تخم‌های ماده توسط نطفه ما هی نر چندان روشن نیست اما اینقدر معلوم است که فعالیت های تجدید نسل بدو ساحل بحر او قیانوس وبحر د یترانه وجود دارد .

باو جو دیکه نوع ماهی تو نای بلو فن قسما باثر موا فقات بین المللی و مقر رات دولتی ، حمایه میشو ند اما این خیلی روشن است که تعداد نفوس آن رو به کم شدن است .

یکی از متخصصین این رشته میگو ید که شکار ماهی های بزرگ

بقیه درصفحه ۵۷

افتضاح امپریالیسم امریکا و متحدین

چپ‌نمای آن بیش از پیش چهره دوستان دروغین خلقها را برملا میسازد

عطا راد مرد

با پیروزی مترقیت در اوایل قرن بیست و فرو ریختن شیرازه جهان کار مزدوری و پیروزی‌توده‌های زحمتکش، دوران‌نوین‌گذاراز سرمایه داری به جهان رفاه‌وترقی‌وانسانی‌آغاز گشته ، سیستم جهانی مترقی بوجود آمده ، جنبش کار گری ومترقی جهانگیر شده ، کاخ سیستم استعماری کهن فرو ریخته‌وجنبش های آزادی بخش ملی وسعت واوج بیسابقه ای یافته است ، درین پیروزی های بزرگ توده های میلیونی زحمتکشان آسیا ، افریقا و امریکای لاتین نقش عظیمی داشته اند ، باپیروزی جنبشهای مترقی‌مفهوم‌وسیع‌کلمه جهان خود بدو قسمت مجزا گردید ، سیستم‌مترقی جهانی بوجود آمده، خلقهای آسیا، افریقا، وامریکای لاتین به تشکیل احزاب مترقی و گروههای سیاسی‌پرداختندوبامبارزات قهرمانانه خویش امپریالیسم را باکلیه متحدین آن‌به مقیاس جهانی به‌لب گور رسانده به اعمار جامعه خویش در جهت خوشکامی وبهروزی توده های میلیونی کشور های خویش همت گماشتند ، اکنون د یگر مبارزه بین جهان مترقی وجهان جنگ وظلمت به محور زندگی اجتماعی مبدل گردیده‌است، جنبش های آزادی خواهانه ومترقی در کشور های مختلف جهان بیش از پیش به جمع‌آوری قوا پرداخته وبا تجمع دریك جبهه مقدس بردز سرمایه یورش برده وکاخهای سرمایه‌داران قصر نشین را یکسره ویران نموده بالای خرابه های‌آن اساس وبنیاد زندگی نو، مترقی وانسانی را میگذارند جهان درمجموع چنین میگردد .

در وضع کنونی که مبارزه بین دو سیستم جهانی، مبارزه ونبرد بین کار وسرمایه و مبارزه بین خلقهای کشور های در بندکشیده شده وامپریالیسم به مضمون عمده دوران ما مبدل گردیده است ، هر روز بیش از هروقت دیگر جنبش های آزادی بخش ملی درکشور های جهان سوم، جنبش طبقه کارگر درکشور های سرمایه داری وجنبش مترقی جهانی به پیروزی های شگرفی نایل گردیده و قدم بقدم امپریالیستان مرتجع را بـه شکست های پیهمی دچار میسازد ، امپریالیسم جهانی دیگر در حالت نزع است ، در هیچ عرصه ای اززندگی کاری را از پیش برده نخواهد توانست .

تشکل وتکامل پدیده ها بصورت فوری صورت نمیگیرد بلکه رشد کمی پدیده ها ، رشد ازمراحل سافل به‌مراحل عالی ومتکامل است ، سیرتکاملی پدیده هامسیریست مار-پیچی‌ومملوازموانع، بافرازونشیب، سیریست‌که نو وپدیده های مترقی باانواع موانع برمیخورد، به شکست مواجه میگردد . دوستان ومتحدین خویش را از دست میدهد اما باید گفت که این شکست هاهمه و همه گذرا وموقتی بوده وسر انجام پیروزی وفتح وظفر نصیب امر نو وهرآنچه مترقی ورشد یابنده است میگردد، پیروزی مرحله‌نوین تکامل‌انقلاب‌شکوهمندثور یکبار دیگر عملا باثبات رسانید که دشمنان ومدعیان سوگند خوردهٔ مترقیت وانسانیت به مفهوم وسیع کلمه بهر اندازه ایکه تلاشهای مذبوحانه بخرج دهند، جلو رشد پیروزمند امرنو ومترقی موانع ایجاد نمایند ، از رشد روزافزون پدیده های مترقی ورشد یابنده جلوگیری نمیتوانند .

چه در هر جاییکه ارتجاع در صدد آن برآمده تا در قبال تکامل پدیده ها وامرنو موانع ایجاد نماید، رسوا گردیده وبیش از پیش چهره سیاه خویش را افشا نموده است، رسوایی هاییکه در این اواخر نصیب ارتجاع جهانی ودر راس آن نصیب امپریالیسم‌امریکا گردیده است ماهیت پلید ومنحوس آنرا بهمگان واضح وآشکارا نمود ویکبار دیگر عملا باثبات رسانیدکه امپریالیسم جهانی متجاوز است وغارتگر وهر آنچه مهر ترقی وارتقا را داشته باشد دشمن درجه اول غارتگران جهانی قرار میگیرد .

باشکست وناکامی نقشه های امپریالیستی وافشای جواسیس معلوم الحال چون امین یکبار دیگر عملا امپریالیسم مفتضح گردید، این افتضاح ورسوایی امین و باند جنایتکارش به آتش خشم وغضب امپریالیستان ودر راس آن خشم وغضب سرمایه داران ستمگر امریکایی افزوده وبیش از پیش‌متوجه افغانستان انقلابی‌گردیدند(!) وعملا ازحاکمیت امین وباند آدمکش وی دفاع کردند و ...

این باصطلاح سیاستمداران نمیدانند که در مقابل نیروی پرتوان وبزرگ توده های زحمتکش قرار دارند ودر قبال آنها یعنی در مقابل خلقهای‌رزمنده وقهرمان افغانستان‌انقلابی قرار گرفته اند ، آنها فراموش کرده اند که

این وسیع ترین توده های رنجبر وزحمتکش افغانستان بودکه سه بار امپریالیسم‌انگلیس رابه شکست مواجه نموده واز این وطن قهرمان الی لندن فراری ساخت ، مگر آنها نمیدانند که از بیست هزار عسکر مهاجم در خاك افغانستان صرف یکنفر داکتر بنام‌برایدن نیمه جان از این وطن جان بسلامت برد ، مگر فراموش کرده اند ، هرگاه در طول تاریخ کسی بخاك سرزمین مقدس ماافغانستان چشم طمع دوخته چشمانش را از حدقه درآورده‌ایم ، مگربخاطر ندارندکه امپریالیسم جهانی چندین بار به قصد عملی کردن نقشه های شوم خویش اقدام نموده اما این نقشه های شوم‌وشیطانی همه درنطفه خنثی گردیده است وقبل ازاینکه در عمل مورد تطبیق قرار گیرد رسوا و بد نام گردید .

امپریالیسم امریکا در مقابله ومبارزه بر ضد کشور های جدیدا به استقلال رسیده متحد دیگری نیز سراغ نموده وهردو باوحدت در یك جبهه نا مقدس بر ضد ترقی و آزادی توده های زحمتکش جها ن جنایات بزرگی را مرتکب میشوند ، ماشین جنگی آدمکشان امپریالیستی در گوشه و کنار مختلف جهان کشتگان بیشماری از خود بجا گذاشته است ، خلقهای زحمتکش جهان‌شاهد بوده وخوب بخاطر دارند که این امپریالیسم بودکه در طول تاریخ به سرزمین کشورهای بیگانه تجاوز کرده وزن ومرد، جوان، پیر-مردان وپیره زنان را بخاك و خون کشید، اطفال بیگناه را زنده زنده بگور نموده واز اجساد کشتگان پشته ها ساختند ، این امپریالیسم امریکا بود که قریب بیش از سی سال جنگ، ماشین جنگی خودرا در ویتنام قهرمان بحرکت درآورد، آبادی هارا ویران نموده وزنده هارا از زندگی وحیات محروم ساخت. این امپریالیسم امریکا نبود که‌خلق عرب فلسطین را از سرزمین پدری شان رانده وآنهارا آواره ساخت واین امپریالیسم امریکا نیست که از آسیا گرفته تا افریقا وامریکای لاتین زحمتکشان را به خاك وخون کشیده و از منابع سرشار طبیعی منا طق متذکره استفاده می برد، در جواب اینهمه سوالات مطرح شده باید گفت که بلی این‌امپریالیسم امریکا ست‌که آنهمه جنایات ر ا بر ضد بشریت و انسانیت و بر ضد ترقی انجام میدهد، این ارتجاع جهانی است که دو بار در اروپا جنگهای اول ودوم جهانی رابرخلقهای قاره ذکر شده تحمیل کرد که در نتیجه‌بیش ازبیست میلیون از انسان ها صرف در جنگ جهانگیر دوم فدای هوا وهوس وخواهشات شیطانی امپریالیسم جنگ افروز گردیدند .

همین اکنون ما شاهد فرو ریختن سیستم سیطره استعماری وپیروزی جنبش های رهایی-بخش ضد امپریالیستی بوده وناظر ایجاد حکومات ملی ودموکراتیك هستیم، ما عملا مشاهده مینماییم که با اتحاد سه نیروی‌عمده دوران یعنی جنبش جهانی مترقی ، جنبش‌طبقه کارگری درکشور های سرمایه داری وجنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم جبهه وسیع ضد امپریالیستی ایجاد شده وباضربات پیهمی که بر پیکره نیمه جان امپریالیسم جهانی وارد می آورند بیش ازهر وقت دیگر زمینهٔ شکست قطعی تجاوز گران امپریالیستی وزمینه پیروزی مترقیت را فراهم نموده وبا نیروی پرتوان وظفر آفرین موج به موج واز یك پیروزی به پیروزی دیگرگذشته وبرپیکرهٔ بی جان ارتجاع نفرین می فرستند.

نفرین برمتجاوزین وستمگران امپریالیستی!

افغانستان قهرمان وانقلابی وخلق پیروزمند این وطن گرانمایه چندین بار عملا باثبات رسانیده اند که هیچوقت و در هیچنوع‌شرایطی تحت اسارت وبندگی حیات بسر نبرده و هر آنکسیکه اقدام به اسارت آنها نموده ودست اندرکار شده تا خلقهای آزاده مارا در بند کشدمحو ونابود گردیده است وبحکم تاریخ وبه اراده رزمنده خلقها وتوده های زحمتکش جامعه خویش باغرور وسر بلندی اعلام می - نماییم که هیچ قدرت اهریمنی ارتجاع جهانی توانایی آنرا ندارد تا در قبال اراده توده های میلیونی زحمتکشان ما اقدام نماید واصلا هیچ قدرت شیطانی واهریمنی جهان نیروی پایداری ومقاومت را در قبال پیشروی ها ی سیل خروشان جنبش ونهضت خلقها ندارد .

مابه جرئت اظهار کرده ایم وبار دیگربا صراحت لهجه اعلام میکنیم که باسر بلندی در جاده نبرد اجتماعی وبه امید فردا های روشنتر وفروزان‌تر ، زندگی‌وطن و وطنداران عزیز خویش تا آخرین دقایق زندگی مبارز هوشیار وسرباز فداکار بوده و در این راه دشوار از هیچنوع فداکاری وقربانی های بیشمار دریغ ننماییم . این وعده ای بود ، سوگندی بود که فر د فرد اعضای صادق حزب دموکراتیك خلق افغانستان در همان روز های نخستین تشکیل کنگره موسس و ایجاد حزب دموکراتیك خلق افغانستان د ر مقابل خلق غیور وبا شهامت خویش اظهار کرده بودند وتاآخرین لحظه حیات خویش بدان وفادار وصادق اند، این وعده ، یعنی وعده آشتی ناپذیری با ارتجاع ومبارزه با اشکال وانواع ارتجاع در عمل تحقق پذیرفت . حزب دموکراتیك خلق افغانستان فشرده با خلقهای قهرمان ومردم زحمتکش افغانستان عزیز برمواضع ارتجاع، استعمار وامپریالیسم یورش برده وخوشکامی و آزادگی را با خود به ارمغان آوردند ، زندگی آزاد وسر بلند که ما اکنون بدان فخر نموده وبخود میبالیم تحفه وهدیه نیست بلکه محصول مبارزات قهرمانانه وشجاعانه خلق زحمتکش افغانستان است .

در این او اخر امپریالیسم با استفاده از حیل گوناگون در صدد آن برآمده تا با بکار بستن نقشه های شوم خویش بطرزملایم وظریفانه وبطور نامریی خلقها را د ر بند کشیده ومانع جنبش ونهضت آنها گردد، سردمداران امپریالیسم جهانی بکمك وهمکاری بیدریغ شوونیستان چینی در این بخش مشترکا وظایف خویش را انجام میدهند، از جمله آنها با فرستادن نمایندگان وجواسیس خریده شده به پوند ودالر امریکایی ورسوخ دادن آنها در دولت وپستهای مهموعمده حکومتداری وبدین وسیله سرهم بندی کردن کودتا های ضدملی و ضد دموکراتیك امپریالیستی وارتجاعی از جمله اهم وظایف آنهارا تشکیل میدهد ، اما باید گفت که باتشکیل سیستم‌جهانی‌مترقی‌که‌تکیه‌گاه‌مطمئنی برای سایر نیروهای انقلابی ومترقی بوده ودر هرلحظه ودر سایر شرایط وهروضع با نیرو های انقلابی ، مترقی ووطنپرست بوده است وخواهد بود ، چه سیستم جهانی مترقی در جهان پاسدار صلح است ویگانه مدافع آزادی، انسانیت وشرف انسان وهر آنکسیکه برضد آزادی، انسانیت وشرف انسان قد علم نموده ویاصف آرایی نماید به شکست رفتباری محکوم میگردد، اینست قانون حتمی وعینی زندگی اجتماعی .

زندگی اجتماعی ومبارزه اجتماعی خوددارای عرصه ها وبخشهای مختلف وگوناگون است وطبعا در اینهمه عرصه های زندگی فاکت ها وحقایق بیشماری وجود دارند، آ نهمه فاکت هارا باید بشمار گرفته وموشگافانه آنهمه را مطالعه باید نمود، مطالعه وبررسی پدیده ها وفاکت ها نباید بشکل تجریدی صورت گیرد، قانون همیشگی وقبول شده برای مطالعه و بررسی فاکت ها وپدیده های اجتماعی چنین است که :

مجموع فاکت ها وپدیده هارا باید جمع ـ آوری نموده، بعد از جمع آوری آنهمه‌پدیده های جمع آوری شده را دسته بندی نموده، فاکت هاوپدیده های نامساعد را مساعدساخته وبه نفع روند تکامل از آنها استفاده برده وفاکت ها وپدیده های زشت، نابکار و ضد ترقی را یکی بعد دیگر از صحنه هستی نیست ونابود کرد .

مابار ها گفته ایم وباردیگر با صراحت لهجه اعلام میداریم که سبب اصلی همه‌آلام وبدبختی خلقهای زحمتکش در منطقه و جهان امپریالیسم ونوکران چاکر صفت آنها بوده واین امپریالیستان غارتگر انگلیریزی و امریکایی بودند که سرمایه های وطن راغارت کرده ودسترنج خلق زحمتکش مارا دزدیدند ودر بانکهای امریکا واروپا برای خود ویاران جنایتکار شان به امانت گذاشتند ، خلقهای زحمتکش وقهرمان جهان زحمه تمیکشند و عرق میریزند اما حاصل دسترنج آنان را دزدان جنایتکار امریکایی و انگریزی به جیب می ریزند ، کشور های آسیایی و افریقایی را تحت استیلا قرار میدهند اما از جهان آزاد دم میزنند ، هرروز هزاران نفر ازخلق های دربند کشیده شده را بطرز فجیعی بقتل میرسانند اما از انسانیت ودموکراسی د م میزنند، ثروت های مادی و معنوی خلقها را غارت میکنند امااز شرف وآزادی و مصونیت دم می زنند وجنبش بحق وعادلانه خلقها وتوده های زحمتکش را خائنانه وبنام های مختلف عنوان مینمایند جنگهای تجاوزکارانه ایکه در طول تاریخ ، امپریالیسم بر خلقها تحمیل ودر اثر آن هزاران ومیلیونها انسان بخاك وخون کشیده شده است، لکه های ننگیست بردامن امپریالیسم جهانی ودر راس بردامن امپریالیسم امریکا . اگربه مبارزات وتلاشهای مذبوحانه امپریالیسم امریکا ومتحدین چهره نمای چینی آن نظری انداخته شود وپس منظر آن موشگافانه بررسی ومطالعه‌گردد ، بخودی خود می رساند که امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری در حال احتضار. چه شکست امپریالیسم امریکا در آسیا ونقش برآب گردیدن آنهمه نقشه های تهیه شده در زراد خانه پنتاگون و دست یابی کشور های قاره ذکر شده به استقلال ملی وتشکیل حکومات مستقل ملی ودموکراتیك تعیین وانتخاب راه رشدو گسستن پیوند هابا‌ارتجاع وتشدید مبارزه این کشور ها بر ضد امپریالیسم و اشکال واانواع استعمار وتشکیل جبهه واحد ملی ، دموکراتیك وضد امپریالیستی در این کشور ها وتشکل خلقها وتوده های زحمتکش و در ضمن مبارزه بی امان، وسیع و گسترده ای به منظور دست یابی و حصول استقلال اقتصادی، جدو جهد ومبارزه بر ضد انواع واشکال فرهنگ استعماری و... همه و همه دال بر شکست امپریالیسم واستعمار بهر شکلی که باشد ، بوده وهیچ نیرویی ر ا قدرت وتوانایی فرار از این قانون عینی و جبری تکامل نیست .

اکنون که کشور های چندی بخصوص در آسیا وافریقا از قید ستم استعماری رها یی یافته اند با سوالهای زیرین مواجه اند، از کدام راه باید رفت ؟ باچه کسان متحد باید شد ؟ باچه نیرو های باید جنگید ... ویك سلسله سوالات متعدد دیگری که در قبال مبارزه وجنبش خلقها بعد از پیروزی عرض اندام مینماید، طرز قابل قبول وارزنده ارائه جواب به سوالات مطرح شده است که میتوان گفت‌باارائه جواب به‌آنهمه‌سوالات مطرح شده ، آنهم ارائه جواب قابل قبول و منطبق با واقعیات است که میتوان با انتخاب راه‌رشد قابل قبول شکل ارزنده در این بخش به‌ایفای رسالت واجرای وظایف بشکل ارزنده آن پرداخت ، در وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم وکلیه اشکال استعمار بایدگفت که در وضع کنونی با در نظر داشت خصوصیات وضع کنونی اهداف و در ضمن وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم جدا باید در نظرداشت که با استفاده از پیروزی های پی اندرپی مترقیت به مفهوم وسیع کلمه وشکست رقتبار امپریالیسم‌وارتجاع جهانی وتغییر توازن قوا بسویه جهانی بنفع ترقی‌و برضد ارتجاع ونیرو های امپریالیستی‌باید بیش از پیش رزمندگان راه حق وعدالت وضد امپریالیسم را تقویت نمود وبهم فشرد وفشرده ومتحد باهم بر دژ دشمنا ن یورش برده ویکی بعد دیگر آنها را از صحنه زندگی وهستی معدوم ساخت .

سیر حوادث وطرز وتشکل تکامل وسیع‌شدن نیرو های مترقی و انقلابی وشکست و اضمحلال سیستم استعماری و فنای هر آن چیزی که کهنه است بخودی خود می رساند که نیرو های ضد انقلابی وضد ترقی اجتماعی گر نعره سر دهند، زوزه کشند ، گلوپاره نمایند ودر این زمینه عرق افشانی نمایند که کاری را از پیش برده نخواهند توانست وبرخلاف امر تکامل وپیشروی ودر مقابل سیر رشد یابنده تکامل اقدام به عملی خود به فناومرگ مدعیان سوگندخورده امرتکامل اجتماعی تمام میشود واین روندیست که هیچ نیرویی را توان فرار وگریز ازآن نیست وهر آنکسیکه بر خلاف این مسیر پیروزمند وقانونمند اقدام نماید، در این راه گردن‌خود را خواهد شکستاند

وطنداران گرانقدر افغانستان عزیز !

بیش از پیش به محو نیروهای‌دشمن پرداخته ویکی پی دیگر شکست های پیهمی به آنها وارد نمایید !

امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا در نتیجه شکست های بزرگی که به وی تحمیل شده در این اواخر هار گردیده و بیش از پیش وحشی ودر اینجا وآنجا فعالیت های خرابکارانه و دور از انسانیت را انجام میدهد ، جدا توجه داشته باشیدکه امپریالیستان زیرکانه در صدد تخریب همه‌ی تان کمر همت بسته وتلاشهای مذبوحانه وتب آلودی در این زمینه انجام میدهد .

امپریالیسم جهانی محکوم به شکست است .

پیروزی و خوشکامی خلقها آینده جنبش را تشکیل میدهد !

از سپوتنیك

ترجمه نصیر (ابوی)

یکبار دیگر کاربن فعال درخدمت انسان

از کاربن فعال درعمل‌پیونداعضاء وسم زدایی خون استفاده میشود .

زمانی که‌در اپریل ۱۹۱۵ مصادف‌باجنگ‌اول جهانی گاز های سمی مورد استفاده قرار گرفت تنها شش هزار نفر را به دیار عدم فرستاد. وبالین ابدی شان را احجار سیاه و سخت ـ گزید. گواینکه دانشمندان بعدها درهرکشوری باتب وتاب زیاد مصرانه در صدد بودند راهی بیابند تابدین روال یك ممانعت محافظه‌یی‌مقابل گازات سمی به میان آزند و وسایلی‌را انکشاف بدهند که‌بوسیله آن بتوانند سم هارا بزدایند طی‌مدت هااین درگیری وهمه پرسی در حلقه های علمی برای زدودن گازات سمی دربین کار ـ شناسان جریان‌داشت‌تااینکه‌یکتن‌از پروفیسران اتحاد شوروی نیکولای ولنسکی طرح وسیله‌ی‌را ریخت تابتوان‌حداقل بابکاربری آن‌سیم بالا ـ خص گازات سمی رازدوده اووسیله‌ای‌رابکاربرد که‌درآن تیوپ باماسك‌رابری جاسازی شده بود وکاربن فعال منحیث‌فلترخشك‌درآن‌عمل می کرد. نظیر وسایل بالابعد ها همه‌گیرترشدو حتی از داخل آزمایشگاه راهی به جوامع‌وحتی پیاده نمایی درشفاخانه ها بازکرد.

وبالاخره رل‌ارزنده این‌عنصرراه‌نورا برای پیشرفت درازمنه سال کشود. درانکشاف تندوسریع صنعت کیمیایی‌وصنعت فلزی‌ایکه استواری به‌خدمت گیری موادخام سلفر دار داشت منتج به یك افزا یش قابل توجه مقدار دای سلفاید دربرخی کشور ها گردید . و این مساله سلامتی جهانیان را به مخاطره وهوا را آلوده میساخت وقدمی‌بود در جهت آلودگی محیط ومیرفت زدایی وی رسیده تابا استعمال کاربن فعال تاجان عده ای را بگیرد. ولی امروز نوبت سم منحیث جاذب بتوان موادسمی‌رادفع‌ومهارکرد.

این سری فعالیت های کیمیایی استواری به تنظیر مواد با استفاده از کاربن فعال منحیث‌جاذب دارد جاذب های کره‌ای‌بیشتردرین راه‌مورد استعمال‌دارد. یك‌روش‌برای‌تصفیه‌نمایی دود مناطق صنعتی بوسیله‌ی دانشمندان وکار آگاهان انستیتوت منرال شناسی اتحادشوروی انکشاف دادمشده‌است‌ویك‌چنین‌استفاده‌دیگراز کاربن فعال در تصفیه آب مشروب و آبجاری میبا شد.

درین تازگی ها جایش رادر کنار مسایل طبی یافته است . دریك یادداشتی‌چنین‌گفته شده است . (مادری برای ربع ساعت کودك پنج

بقیه در صفحه ۳۷

پیانو ږغونکی اشمب (بیزو)

په انسا نی نړی کی دبیزوغوندی بل دا سی مخلوق نشته چی موږ ته دیدو مره زیات ور ته. او په کړو او وړوکی دی مو کټ مټ پیښی وکړی. هغه وخت چی سړی دوا- لنتین ایوانوف او وانداد شوروی- اتحاد دسرکس هنر مندانو له خوادشمپا زیا نو دتر بیه شوی ډلی ننداره له نژدی څخه وو ینی، رښتیا هم‌یو څل بیا هغه پخوا نی او لر- غونی حقیقت ور ته دا په زړه کوی.

نو هغه وخته چی ایوا نوف په ۱۹۶۰ کی دسرکس په ساحه کی بیزو،لوبغاړوته‌تشکل ورکړ،دانترو- پاید اپز دنورو روزل شوو حیواناتو په ګډوډلو کی دا څر ګندی شوی له‌هغه نه راورو سته ایوا نوف او شمپانو یی په سرا سر رو سیه کی سفر وکړ او په بلغا ریا، فنلیند ، آستر لیا او جا پان کی یی دمهمانی په‌زړه پو ری نندا ری ور ته تمثیل کړی .

داسی ښکا ری چی ګوا کی شمپانزی کټ مټ دسر کس دننداروله‌پاره پیدا شوی وی . هو مره خیرك، ګړندی او فعا لیتو نو ته چمتو وی . دحیوا نا تو متمرکزول یوسا ده او آسا نه کار نه دی، ځکه له شاو ډوا څخه یی یوخورا خفیف آواز هم ددوی تو جه ګډ و ډ وی او دتربیه کوونکی امر ته غوږ نه‌ږدی نا ری ور با ندی وهل او یا سر- زنش ور کول کو مه ګټه ور ته نه لری. شمپ خوراژر خپه کیږی چی‌په دی ډول دکار کو لو څخه مخ اړ وی او تښتی .

البته دا پیښه تصا د فی نه ده‌چی یوازی نن دی تر کار لاندی نیول شوی‌وی. او سر کس همیشه ددو ډولو حیوا ناتو سره چلند کوی . چی‌یو ډول یی دژوند کو لو سره په اړخ کی کار هم کوی . خو بله ډله یی بیا دکار سره دومره علاقه نه‌ښیی او یوازی دژوندی پا تی کیدو دپاره لاس او پښی وهی . چی په‌پای کی تر بیه کوو نکی دحیواناتو څخه خورا لږ هغه خپل حیوا نی‌خوی اوبوی له منځه وړی دی خو په هر ځای او هر نندا ر تون کی چی نو مو ړی حیو نات عملا کار کوی واقعا ډیر په زړه پوری وی سا ری په‌توګه :هغه وخت چی یو فیل پرغت توب (ګیند باندی خپله موازنه سا تی ، یو ایږ دلمر دوړا نګی سره سم کتیږی او یا یو زمری ویوی لوړی نه یو ددو موا زی دسیا نو باندی خیژی .

دایوا نوف شیمپو نه هم (خولی تریوی او سخت کار کوی) په یوه وحشی سر گر می سره دجاز په باند کی مو سیقی آلات ږ غو ی.ډول وهو نکی یی خپل غیر بشری پاك احسا سات څرګند وی. سکسوفون سلو یست دمو سیقی آ لاتو دږغو نو هم‌آهنګی ساتی.ډبل ،باس‌بیاتارونه ږغوی. په داسی حال کی‌چی پیا نو- یست زړه وړو نکو نغمو ته لوړوالی او ټیت وا لی ور کوی . نندا ره‌چیان ددی وینښتان لرو نکو مو سیقی‌پو- هانو هیجان را وړو نکی کنسرت له کبله په لوړو خندا او چکچکو یوزوږ جوړ کړی وی . بیانو څلور بیزو ګانی ، ویتا ، شاپا او کپتا او یکور کا دا کرو با تیك‌نندا ری پیل کړی . واړه آسان څغلوی، پر- خادو با ندی لاسو نه ټینګوی، پر- کړیو سر کندی وهی مو ترسا یکل، بایسکل او موتر ان چلوی ....

It would seem the chimpanzee

ټولی شا مپیا نی دخپلو پر لـــه پسی لو بو ته پا یښت ور کوی. خو په مها رت با ندی دهغوی دزده شوو لوبوڅخه څر گند یږی چی د هغوی دهری لو بی په زړه کړه باندی څومره کو ښښس ، زیار، او حوصله سر ته رسید لی دی . څکه نا آرا می شمپانی باید دلو مړی خورا آسا نه اوورته شیان زده کړی . دا هـــم دو ی ته ډیره وی چی یـــوا زی د لس ، پنځلس دقیقو پو ری په‌چوکی باندی آرا می کښینی دسر کســ درسایی څخه دباندی شمپانی دیـو وړو ما شو ما نو په څیر وی.بایـد ترښی‌څار نی لاندی ونیول شی یعنی یه‌یوه داسی هوا کی وسا تل‌شی‌چی ډیروچ او تیز بد لون پکښی نه‌راځی. او معمولا د اته لس‌او شل‌سانتی گرادو در جو په شا وخوا کی وی. چی حتی په دو بی کی لاهم ، دشپی له‌خوا په‌ځینو تودو شړ یا نـــو وپو ښل شی . وتا زه میوی ،سا بو توتو ته‌دکال په هر موسم کی اړ تیا لری. خپله اشتها دنورو ما شو مانو غوندی وخت ناو خته سو یی. له دی کبله تر بیه کوو نکی یی بایـــد ډول،ډول‌چلونه‌زده‌کړی څو هغو ی‌په خوراك را وړی . خود شکل څخـــه چی یی تیر شو په خوی کی کت مت وماشو ما نو ته ور ته دی.شاپاچی یی شپیته کیلو څخه زیات وزن‌نه‌لری جگوا لی یی‌و ۱۳۰ سا نتی مترو ته رسیږی نو مو ړی (ماشو مان) دخپلو کپسو نو سیمان ماتوی ، خو واندا- او والنتین اوا نوف ، له دی سره‌بیا هم‌ښه چال‌چلند کوی . اودیاد شوو شمپ ، هنرمندانو هره لوبه‌دننداره چیانو له خوا په خورا زیات‌تودوالی او چکچکو سره سر ته رسیږی.

اسمعیل صخره

دانگلستان دنولسمی پیړی نامتو لیکواله‌ښځه :

اتل لیلیان وینیچ او دهغی نامتو انقلابی رمان گدفلای (خرمگس)

اتل لیلیان واینچ دانگلستان دستر بـــوه (جرج بول) په کورنی کی د ۱۸۸٤ کال‌دمی دمیاشتی په یوولسمه نیټه وزیږیده، د هغی پلار دریاضیاتو پروفیسور و او مور یـــی د ټولنیزو موضوعاتو په شاوخـواکـی مقا لـی لیکلی. دهغی دمورآکا (جرجی ایورست) ډیر نامتو جغرافیا پوه وه او دنړی ډیره جگه قله دهمالیا دغرونو ۸۸۸۰ متریزه قله دده ته خوا ځ او نوم یی پر هغی باندی ایښودل شوی دی .

(اتل) دکوچنیوالی څخه اړتیا او بی وزلـی سره آشنا شوه ، لا یونیم کلنه شوی و ، چی پلاریی مړشو . پس له دی نه چی پلاریی جهان څخه ستر کی‌پټی کړی ددی اونوروڅلور خو پند و پا لنه او روزنـه د مـــور بـه غاړه ولویده . موریی هم دغه لویه کورنی دریاضیاتودښوونکی په توگه په مشکل سره پالله . خو دراتلونکی ستره لیکواله ځلانده استعداد ډیرژر وځلید، هغی دفلسفی، ادبیاتو ژبو او موسیقی زده کولو باندی بوخته شوه.

داددغو هولو علومو په منځ کی یی موسیقـی سره ډیره مینه ښودله اوخپل زیات وخت‌یی موسیقی په زده کړه تیروله په ادبیاتو کی لومړی دانگلیسی ستر شاعر (ویلیام بلیك) اشعارو سره مینه پیداکړه او وروسته بیاد انگلستان دستر لیکوال (ویلیام شکسپیر) او چارلز دیکنز) له آثارو سره آشنا شوه .

په کال ۱۸۸۲ کی ډیره لږ ه ارثیه ورته رسیده او هغی ددغی ارثیی په اخستلو سره په بیړه برلین ته لاړه او ددریو کلونو زده کړی څخه وروسته یی د پیانو څانگـه کـی بری لیك تر لاسه کړ ، په همدغو کلونوکی وه چی دادبیاتو او ټولنیزو علومو سره مینه پیدا کړه ، او ددی په زړه‌کی دهغو انسانانو مبارزی چی دخلکو او خپلواکی په لاره کی یی کولی ستر شور او زوږ پیدا کـړ . او وروسته له دی نه دامریکـــی دستر شاعر (والت ویتمن) شعرونه به یی تل ژبه باندی وه : والت ویتمن دآزادی تر عنوان لانـدی داسی وایی : (ای خپلواکی ! پریږده چـی نورکسان تاته ایمان ونلری !

خوزه تر وروستی سلگی پوری په تاایمان لرم اووبه یی لرم ...)

اتل لیلیان وینیچ د ۱۸۸۷ کال په پسرلی کی روسیی ته سفر وکړ او هیواد ته د بیرته راستنیدو په وخت کی یی د (میخائیل‌وینیچ) سره چی دلهستان یوسترانقلابی و اوانگلستان ته تښتیدلی و، واده وکړ . په‌کال ۱۸۹۳ کی دکاشین، گوگول داستایوسکی، سچدرین، اوسپنسکی او نورو روسی لیکوالو دآثاروپه ژباړولو لاس پوری کړه .

په کال ۱۸۹۷ کی یی دگدفلای (لوی‌مچ) نامتو اثر ولیکه او خپور یی کړ دا داتـــل لیلیان‌لومړی زمان و. دگدفلالی دمتو اثرڅخه دری کاله وروسته دوهم رمان یی چی (جك- دیموند) نومیږی ولیکل شواو خپور شـو . اتل لیلیان بخپله دغه زمان کی هم دکلیسا دخادمانو قساوت او ریا کاری څرگندوی اوپه گوته کوی او دغـه دانسانـانـو صـادق !؟ خدمت گاران رسوا کوی .

په کال ۱۹۰٤ کـی (الیویالتام) نومـی اثریی‌له چاپ څخه ووت . داد اتل لیلیان‌دریم نامتو کتاب دی . په کال ۱۹۱۰ کی یی د (شلیدلی مینی) تر عنوان لاندی رمان ولیکه او خپور یی کړ ، دغه رمان په‌جنوبی امریکه کی دگدفلای دژوندانه په باره کی دی ، په کال ۱۹۱۱ او وروسته کلونو کی داوکرائینی ستر شاعر(لرمانتوف) شعرونه‌یی په‌انگلیسی ژبه واړوله او خپاره یی کړه .

اتل لیلیان وینیچ دموسیقی څخه هم غافله پاتی نشوه او څو سمفونی گانی یی تصنیف کړی ده چی دهغی (بابیلون) نومی‌اوراتوریو ډیره په‌زړه پوری ده. دلهستان دسترموسیقی پوه شوپن (لیکونه)، دهغی دنورو کارونوڅخه شمیرل کیږی .

په کال ۱۹٤٤ کی چی اتل لیلیان وینیچ اتیاکلنه وه خپل بل رمان چی (بوټونه دی وباسه) نومیږی ولیکله او خپره یی کړه . پدغه اثرکی هم یو ځل بیا د (گـــدفلای) فعالیتونه او مبارزی ښیئی . د غـــه رمـان دگدفلای دمورنی کورنی په شاوخوا بانـدی لیکل شویدی . او اوس راځو د (گدفلای) (لوی مچ) نامتو رمان باندی :

گد فلای چی ددغی انگلیسی لیکوالی ډیر پیاوړی اثردی دلومړی ځل لپاره په کـــال ۱۹۸۷ په انگلستان او امریکه‌کی خپـــو ر شو .

پس له هغه نه هرڅوك چی دکتاب سـره مینه لرله دارمان به یی لوستل، اوبیالوستل اوبیا ... څنی کسان به ډیری شپی ددغه اثر دلوستلو څخه وروسته په زوره زوره ژړل او سهار له خونړیو سترگو اوپه ډیرزړه ورتیا سره پداسی حال‌کی چی دخپل هیواد اوملت دآزادی په لاره کی هررازسرښندنی ته چمتو وو، په ورځنی ژوندانه به بوختیدی .

د (گدفلای) په رمان کی دنولسمی پیړی ددریم او څلور مولسیزو به په اوږدو کـــی د (ځوان ایطالیا) دسازمان وطن پالونکـــی فعالیتونه ښودل شوی دی .

پدغه وخت کی دایطالیا دولت دناپلئـون دپوځونو دډړی وړی کیدلو نه وروسته په‌اتو بیلوبیلو ایالتونو باندی ویشل شوی و اود اتریش دپوځ په لاس کـی و. دروم د پاپ (دکاتولیکی کلیسارئیس) داتریشی یرغلگرو پلوی‌کوله . دایطالیاملت هم ددغو دووغلیمانو تر فشا ر لاندی ژوند کـــاوه او کـــړیدل . دایطالیی پرمختلونکی قوتونه او خلك ددغو اته گونو هیوادونو په یووالی او دیو واحـــد دولت دتاسیس ضرورت باندی ټینگار کـول اوداطریشی فرمانروا یانو پر ضد د مـــلی خپلواکی لپاره مبارزه روانه وه .

(ژوزف مازینی) دایطالیی نامتو انقلابی چی دخپل هیواد څخه شړل شوی وپه‌کال ۱۸۳۱ د (ځوان ایطالیا) دپټ سازمان بنست‌کیښود. (ځوان ایطالیا) چی هیڅکله دپولیسو دتعقیب څخه خوندی نه‌وه دایطالیی دملت په مبارزاتو کی یی ډیره ونډه درلوده اوپه پای کـــی همدغه جنگیالی سازمان بریالی شو چی‌هیواد یوموټی او متحد کړی . درمان پیل د ۱۸۳۳ کال پوری اړه لری . پدغه کال کی خلـك دایطالیی په بیلوبیلوسیمو کی په وسله‌والو قیامونولاس پوری‌کول او اطریشیان دکورنیو مرتجعینو په مرسته دغه قیامونه په کلکه‌سره ټکول . پدغو ټکـونو کـــی به غلیم ډیـره بیرحمانه کارونه سرته رسول .

د (گدفلای) په نامتو اثر کی موږ د ټـــول ملت په قیامونو او وسله والو پاڅونونو پـه شاوخوا کی ډیر مطالب نه مینده کوو . سره له دی چی دایطالیی دتاریخ دغه‌مرحله دسترو پاڅونونو اووسله والو مقاومتونو څخه ډکـه وه .

دلیکوال ټوله څیرتیا درمان داتل داتل‌والیو اودهغه د کرکتر دتصویرلو په شاوخوا کی څرخی . او لیکوال دیوفرد اتل والی تشریح کوی .

دکتاب داتل (گدفلای) ستره اتل والی‌هغه وخت ښه ښکاری چی دی دژاندارمو سـره مخامخ کیږی . دلته لیکوال په ډیر ښه شان دهغه فرد اتل والی چی یواځی پاته دی او د خپلو ملگرو دمرستی څخه محروم پاتی شوی دی، ښیئی . دغه اتل فرد نورهیڅوك او هیڅ شی نلری پرته له ایمان څخه کله چی یو مبارز دمبارزی په اوږدوکی دخپلو ملگـرو مرسته احساسوی دغه احساس دهغه د عمل اوزړه ورتیا باندی اغیزه اچوی اوهغه مبارزی ته هڅوی خوکله چی یو مبارز یوازی پاتی شی اویاپه‌جیل‌کی واچول‌شی دهغه دآزموینی ډیره ښه وسیله ده اوهلته ده چی ددغه مبارز زړه ورتیا او د ځـــان څخه تیریدنه ښـــه معلومیدلای شی، پدغه وخت‌کی دی چی مبارز بی له دی څخه چی پاداش وغواړی او دهغه زړه ورتیا اوسر ښندنی څو ك ووینی پدغو اتل والیو لاس پوری کوی او له خپل ایمان څخه دفاع کوی .

اتل لیلیان وینیچ په ډیر مهـــارت سره دهمداسی یواتل مبارز څیره ترسیموی اوپه عین حال‌کی‌دکلیسا ددرواغجنو خادمینـــو د څیری څخه نقاب بیرته کوی . د (گدفلای) درمان لیکوال خپل دغه نامتو رمان دجرایدو او خبرونو پر بنست نه جوړوی بلکی دځلاندو او ژوندیو څیرو په خلقـول لاس پـــوری کوی . رمان دسر نه تر پایه پوری انسان‌ته د عشق او ډیری ژوری مینی څخه ډکه ده .

د مبارز (گدفلای) څیره د نړی په ادبیاتـــو کی ترټولونه ځلانده‌مبارزه څیره‌ده اوهمداسی هم یو رښتینی څیره ده اتل لیلیان وینیچ د یوی پوهی ښځی په‌توگه او همدا رنگه دیوی ستری لیکوالی په توگه ۹٦ کاله ژوند وکړه او په کال ۱۹٦۰ دژوئیی په ۲۸ نیټه دنړی څخه ستر کی پټی کړه .

د (گدفلای) رمان تر اوسه پوری د نړی په دیرشو ژوندی ژبواړول شوی دی او پـه هره ژبه کی څو څو ځلی بیا چاپ شوی اوبیا هم له بازار څخه ورك شوی دی . دا څکه چی دغه ستر اثر ډیر مینه وال درلود او اوس هم لری اوپه راتلونکی کی به هم ولری .

ستوری

په کلتوری انقلاب کی دځوانانو ونډه

زموږ عصر چی د کار گری جنبشونو او انقلابی نهضتونو دوران او پانگوالو نظامونو څخه سوسیالیستی ټولنو ته دودی او تکامل زمانه ده او دغیری پانگوالی ودی له لاری دبی طبقاتو ټولنو دجوړښت محتوی لری نو دغه حالت دبل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراوږو باندی یولی درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایږدی چی موږ یی اوس یوازی دکلتوری انقلاب په برخه کی عدوی په رسالت او مسئولیت باندی ږغیږو :

منور ځوانان دټولنی هغه روښانه قشر او ستر قوت دی چی دنورو طبقو او قشرونو په برتله ډیر ژر کو لی شی چی کارگری ایدیالوژی زده کړی . لکه دشوروی اتحاد دعلومو داکاډمی رئیس چه په ۱۹۳۶ کال په دغه هکله ویلی دی :

«زموږ منورین دسوسیالیستی انقلاب د ټولسو کلونو په اوږدو کی په بشپړه توگه نوی نړی ته راغله ... اوس موږ نوی خلاق او زحمتکش منورین لرو چی دبشپړه نوی لرو حیاتو لرونکی او دنړی سره نوی اړیکی لری داهغه منورین دی چی دکارگری طبقی دایدیالوژی الرژی څخه پیچکاری گوی» .

ځوانان له یوازی دټولنی دمادی نعمتونو تولیدونکی قوت دی بلکی معنوی او فرهنگی پانگه هم ده له همدی امله دسوسیالیستی فرهنگ دودی په برخه کی دځوانانو فرهنگی او هنری روزنه هم دخاص ارزښت وړ د ه . چی دغه مسئله په ښوونځیو کورنیو دځوانانو په مخکښه سازمانونو دهنرمندانو په اتحادیو او تو لو اجتماعی قوتونو پوری اړه لری سوسیا لیستی مضمون لرونکی هنر کولی شی چی په ځوانانو کی دسوسیالیستی وطنپالنی روحیه پیاوړی کړی او ځوانانو ته د ټولنی او ژوند په برخه کی دعلمی نړی لیدځلانده اصول ور زده کړی . شك نشته چی دسوسیالیستی ټولنی ودانول برته دکلتوری بدلون څخه امکان نه لری اولکه څنگه چی دزیر بنا او روبنا دمتقابلو اغیزو او دروبنا دنسبی استقلال څخه پوهیږو په ټولنه کی داجتماعی ژوربدلون دمینځ ته راتگ سره سم دهغی ټولنی زړه روبنا په بشپړه توگه بدلون په مومی بلکی دغه روبنا دخپل نسبی استقلال له مخی یولړهغه مسایل چی دنوی ټولنی سره سمون ولری پرخپل حال پریږدی اوهغه موضوعات چی دنوی مترقی ټولنی سره په تضاد او ټکر کی وی له مینځه وړی او دخلکو دنوی کلتوریه پروسه کی پرولتاریا دبورژوازی کلتور په بشپړه توگه نه ردوی . دغه راز سوسیالیستی کلتور هم دمینځ څخه منځ ته نه راځی بلکی دهغو ټولو شیانو چی استثماری ټولنو په شرایطو کی منځ ته راغلی وی رښتنی ادامه لکه داکتوبر دستر ا نقلاب مؤسس چی په دغه هکله ویلی دی :

«موږ باید هغه ټول کلتور چی کپیتالیزم راپری ایښی دی واخلو اوسو سیالیزم ورڅخه ودان کړو. موږ باید ټول سایئنس تکنالوژی معرفت او هنر واخلو . پی له دغه څخه موږ په کمونیستی ټولنه کی ژوند نشوودانولای» .

دنړی دکارگرانو دغه ستر لارښود به تل دهغه نظریاتو په ضد مبارزه کوله چی ویل به یی پرولتری کلتور باید دنوی سره جوړ شی او دتیرکلتور سره هیڅ ډول اړیکی ونه لری . ده ددی موضوع په ارتباط څرگنده کړی ده چی :

«پرولتری کلتور باید دهغی ذ خیری منطقی تکامل وی چی بشریت دکپیتالیست ملاك او بیرو کراتیکی ټولنی ږغ لاندی ټول کړی دی » .

رښتیا هم دفن ورځی ځوانان باید دی تکی ته جدی پاملرنه راواړوی چی کلتوری انقلاب بدی مفهوم نه دی چی دسوسیالیستی ټولنی دجوړښت په مقصد تیرکلتور په بشپړه توگه ردشی او دله مینځه وړلو لپاره یی کار وشی بلکی حقیقت دادی چی دنوی مترقی ټولنی دجوړښت لپاره داسی کلتوری انقلاب لازم دی چی دتیر کلتوری زیرمی څخه تر هغه و خته استفاده وشی چی دنوی سوسیالیستی ټولنی دودی اوانکشاف په مخ کی یی څنډاو څنډ نه وی راوستلی تاریخ ثابته کړی ده چی حتی دطبقاتی ټولنو یو لړ کلتوری اړخونه دبی طبقو ټولنو داجتماعی، اقتصادی جوړښت سره نه یوازی تطابق کوی بلکی دهغه په نوره وده کی اغیزه ناکه رول لوبوی .

شك نشته چی په طبقاتی ټولنو کی دکلتوری انقلاب ضرورت ډیر زیات احساس دی ځکه چی په دغه راز ټولنو کی زحمتکښان دمعنوی او ذهنی کارونو څخه محروم اوبی برخی وی او اکثریت زیار ایستونکی ددرندو جسمی کارونو سره سرو کارلری چی دغه کار په خپل ذات کی ددی سبب کیږی چی ددوی کلتوری برخه محدوده پاتی شی. دلته داخبره دیادولوړو ده چی کلتوری انقلاب هم یوفوری عمل نه دی بلکی دایوه تدریجی داوم لرونکی پروسه ده او دبشپړه عملی کیدو امکان یی هغه وخت موجود دی چی خلك هغه ته اړتیا پیدا کوی اویوازی فرمانونه او الفاظ نشی کړای چی په ټولنه کی کلتوری ژوز بدلون منځ ته راوړی لاکن ددغه اړتیا بنسټ هم باید دخلکو پرمادی ضرورت باندی تکیه وی زموږ زیار یستونکی ځوانان باید دادرك کړی چی په کلتوری انقلاب کی باید دهر څخه لومړی دټولو کلتوری موسسو لکه تلویزیون راډیو سینما موزیمونه مطبوعات او نورو دملی کولو او زحمت کښانو په واك کی ورکولو لپاره هڅه وکړی څو ددغو وسایلو په مرسته دکلتوری انقلاب دبشپړ تطبیق لپاره اصولی کامونه واخلی .

په فلسفی ډکشنری کی کلتوری انقلاب داسی تعریف شوی دی : «کلتوری انقلاب دسوسیالیستی انقلاب یوماهیوی عنصر د ی چی په یوه معقول لنډوخت کی دلته دپو هنی او روزنی دټول سیستم دبیا ودانولو ضرورت ښیی او دخلکو دپرگنو لپاره دکلتور ترټولو عالی موفقیتونه مسیر کوی له دی لاری داقتصادی ، اجتماعی او سیاسی ژوندانه په تنظیمولو کی دخلکو دپرگنو مستقیم گډون تامینوی سوسیالیستی انتیلجینسیا راپیداکوی اویونوی سوسیالیستی کلتور جوړوی» .

کهڅه هم ددوهم انترناسیونال اپورتونیستانو په تل په دی خبره ټینگار کاوه چی کارگره طبقه باید ترهغه وخته پوری دقدرت دترلاسه کولو لپاره هڅه ونه کړی چی کلتوری سطحه یی نه وی پیا وړی شوی اوپه کافی اندازه منورین ونه لری . لاکن داکتوبردستر انقلاب مؤسس دنوموړی نظریی او ادعا پوچ والی ثبوت کړ اوپه ډاگه یی اعلام کړه چی کارگره طبقه باید دهرڅه نه لومړی سیاسی قدرت ترلاسه کړی او بیا ددغه قدرت په مرسته دخلکو دکلتوری ودی په برخه کی نه ستړی کیدونکی مبارزی وکړی . لکه دشوروی اتحاد اونورو هیوادو کار گرانو چی همداسی وکړه رښتیا هم که دوی دپورتنیو اپرچونستانو دنظر له مخی دنامعلو می مودی لپاره دکارگرانو دفرهنگی سطحی دلوړیدو په انتظار پاته شوی وای نوبه کارگری انقلابونه کلونه شاته لویدلی وای ځکه چی استثمارچیان او دطبقاتی ټولنی حا کمه طبقات هیڅ وخت نه غواړی چی دزحمتکښانو ذهنونه روښانه او کلتوری سطحه یی جگه شی داهم په دی خاطر چی دلوست لیك څخه دمحرو مو کسانو استثمارول ډ یر اسانه کاردی .

له نیکه مرغه چی دفن ورځی انقلابی ځوانانو دعلمی نړی لید داصولو له مخی دغه حقا یق درك کړی او دزحمتکښانو دقدرت دتر لاسه کولو سره سم دخلکو دمادی اړتیاو د پوره کولو ترڅنگ دهغوی فرهنگی ودی ته هم نه یوازی خاص ارزښت ورکوی بلکی عملا دخپلو ټولنو دعینی او ذهنی شرایطو د په نظرکی نیوپه اساس یی دفرهنگی ژوربدلون لپاره په نه ستړی کیدونکو مبارزو لاس پوری کړ دی .

جوانان وطن پرست :

از تاریخ باید آموخت

مبارزه میان خلق وباطل ، اهریمن هاوآهورا مزداها، ضحاك هاوکاوه ها وبالاخره سیاهی و سپیدی درطول تاریخ جریان داشته و تاریخ بشری مشحون ازین مبارزات‌ورنگین از ین حماسه آفرینی هاست .

مردم قهرمان افغانستان بحیث جزء جامعه‌ی بشری واما بمثابه انسان های سلحشور وحق طلب درین حماسه آفرینی وسپیدی آفرینی سهم بسزا وقابل ستایش ادا کرده‌است و می‌کند.

بر جو ا نان ما ست تا تاریخ کشور خویش ومردم خویش را بدقت مطالعه نمایندو این مطالعه ی دقیق وژرف تاریخ‌نه‌تنها آنها ا ز چگو نگی تا ر یخ وطن ومردم آگاه می‌سازد بلکه بحیث‌غنی‌ترین وآموزنده ترین منبع وعبرت وآموزش نیزاست.

جوانان بااین مطالعه‌ی خود به‌نیکی درك‌خواهند کردکه چگونه اسلاف شان ازسرزمین قهرمان یعنی وطن محبوب شان دفاع کرده است، چگونه تجاوز گران رابرجایشان نشانده اندو هکذا بااین مطالعه می‌توان به‌نیکی درك‌نمود که‌در گذشته مردم ماچگونه می‌زیستند چگونه علیه ظلم واستبداد واستعمار وبی عدالتی می‌جنگیدند .

درزمانه های بسیار قدیم آوانیکه اسکندر مقدونی باتجاوز خودآرام مردم مارا بر هم‌زدو برحریم خاك مقدس ماتجاوز نمود بخوبی می‌بینیم که‌همه مردم ازتمام اقشار و طبقات وازتمام ملیت هاونقاط کشور یکدست شد ند وبرعلیه متجاوز جنگیدند واین متجاوز که‌امیدو خیال تسخیر آسان کشور مارا حدس زده بود

بقیه‌در صفحه ۳۴

اقتصاد اصل مهم زندگی خانواده

اگریك روز همسرتان معاش را که‌باهزاررنج ومشکل ت وزحمت بدست می آورید خـــرج مصارف بی جانماید چه خواهید کرد؟

آیا جاروجنجال رابرپا خواهید کرد، یاهیچ چیز نمی گوئید وهمینطور دست روی دست میگذارید وبه رویش می‌خندید؟

فکر میکنم وقتی که‌یك ماه زحمت‌میکشیدتـا پولی بغرض‌خرج و خوراك خود وخانه‌تـــان بدست می آورید اگرآن راهمسرتان یاشخص دیگر که‌مسوو لیت پیشبرد امور منز لتان را بعهده دارد بیهوده مصرف نماید زیادهم‌برایتان خـوش آیند نخواهد بود وشاید هم‌عصبانـی شویدو..

امابهتر است قبل ازاین که‌عصبانی شویدویا جاروجانجال رابرپا دارید موضوع مصارف و خرج‌منزل راکنترول کنید. البته این امروقتی امکان پذیر وقابل تطبیق است که‌زن وشوهر ویاهرکس که‌مسوولیت پیشبرد امور منزل را بعهده دارد تا اندازه به اقتصادواردوآشنـــا باشد. ضرور نیست که هرزن وشوهر حتمـا مقتصد باشندواین‌علـــم‌رادرفاکولته ویامدرسه فرا گرفته باشند . بلکه برعکس بهتر یـــن مدرسه دراین زمینه خود خانواده وخانه‌است. اگر زن وشوهر بتوانند خر چ‌ودخل خانواده را منظم سازند وبین این دو توازن و بیـلانسی بوجود بیاورند بدون شك آن خانواده ، ازنظر اقتصادی به‌مشکلاتی روبرو نخواهند شدواین امر گفتگو هاوجاروجنجال های خانوادگی‌راکـه بیشتر آن ناشی ازعدم اقتصاد ناسالم بـروز میکند پدید نخواهد شد. وقتیکه بیـــن زن وشوهر دراین زمینه تفاهم وجود داشته باشد هریك بنوبه خود میتوانند وظایف محوله رابه بهترین شکل آن ایفانمایند.

یك نکته راباید یاد آورشد که اقتصادیـك مملکت و یك ملت بستگی به اقتصادخانواده‌ها دارد. وهمین اقتصاد خانوده هاست که‌اقتصاد ملت‌ومملکت رامیسازد.

صرفه جویی در امورمنزل‌یکی از خصوصیات ویژهٔ است که اقتصاد خانواده را استحکـــام می‌بخشد وباعث پیشرفت‌آن میگردد.خانواده‌یکه ازاین امر استفاده می‌برند بدون شك زندگی ایده‌آلی خواهند داشت.

متاسفانه یك عده خانواد ه ها ازروی بـی توجهی ویا ازروی بی تفاوتی کمتر در مسایل اقتصاد خانواده فکر میکنند وهمین امر باعث میگردد که‌این خانواده ها بامشکلات مسا یـل اقتصادی دست وگریبان باشند وکمتر مو فق به زندگی‌خانواده گـــی گردند. اقتصادکـه رکن اساسی زندگی امروزی راتشکیل میدهـد بایك سلسله تدابیر میشود این پدیدهٔ مهـم زندگی وحیات خانوادگی را بصورت درست و معقول آن پی‌ریزی کردوتطبیق‌نمود.

مهمترین اصل دراین زمینه حساب نمودن عاید ومصرف است. وقتیکه یك خانواده بین مصرف وعاید شان نوع توازن رابرقرارسازند بدون شك اقتصاد شان متضرر ومتزلزل‌نخواهد شد.

امروز اقتصاد دانان بزرگ به‌این عقیـــده هستند که‌هسته اقتصاد عمومی را اقتصادفردی وخانوادگـی میسازد حقیقت هـــم‌همین است. بنابر این ملحوظ توجه کردن به اموراقتصادی وظیفه‌هر فرد خانواده بوده وهریك از اعضای خانواده درراه پیشبرد این هدف وظیفه عمده‌و خطیری رابعهده دارد. زیاده روی در مصارف منزل‌هیچ نوع مزیت وبرتری رانشان نمیدهد، آنانیکه باخرج کردن بی جاوبی مورد و بـــه اصطلاح‌سیالی وشریکی نمودن ها اقتصـــاد خانوادهٔ خودرا متـزلزل وضعیف میسازنـــد در حقیقت اقـتصاد عمـومـی را صد مـــه مـی ز نـنـد.

بنابراین برجوانان است تابافهم و درایتی که دارند نگذارند کدااقتصاد خانواده های‌شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی داردصدمه ببینند واین مامول وقتی برآورده می‌شود که‌از مصارف بی‌جاجلوگیری بعمل آید وتوازنی‌معقول بین عاید ومصرف ایجاد گردد.

سخنی چند باخوانندگان این صفحه

خوانندگان ارجمند وگرا می این صفحه بارها خواهش ما از شما این بوده که بامجله خود بامجله خانواده ها ومخصوص به صفحه مورد علاقه تان همکاری نمایید . یك عـده دوستان این خواهش مارا پذیرفته اند وبـا نبشته های با ارزش وزیبای شان منت بر ما گذاشته اند . ولی یکعده دیگر کمتر علاقه گرفته واگر هم دلچسپی نشان داده‌اند ومطالبی فرستاده اند که کمتر بدرد بخور مجله و مخصوص این صفحه بوده است .

توقع ما از خوانندگان این صفحه اینستکه باارسال مطالب متنوع دلچسپ وخواندنی بیشتر مارا در این راه یاری دهند .

مطالب خواندنی وانقلابی، ترجمه‌های دلچسپ وجالب از جمله مطالبی است که بیشترجوانان مابه آن علاقه مندی نشان میدهند حالا کـه باختم همین شماره پادر آستانه سال نـــو میگذاریم ونشرات تازه سال ۱۳۵۹ را آغاز میکنیم با مجله محبوب تان همکاری بیشتر وپر ثمر تر نمایید .

در ایـن جـای شکـی نیست‌که دراثر ظلم او استبداد امین وباند فاشیست‌وی یکعده‌زیاد از جوانان ماقلم برزمین گذاشتند اما امروز مخصوصا پس از تحول مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور زمینه های پیشرفت و تبـــارز استعداد ها در همه ساحات زندگی فراهـم گردیده است بااستفاده از موقـع و آزادی های که داده شده‌است دوباره قلم بگیریـــد وآنچه راکه مردم واجتماع مابدان نیاز دارند بنویسید .

زیرا این آثار کتبی است که میتوانـد اذهان راروشن بسازد وازحقایق زندگی آگاهی لازم حاصل بدارند . پس در خواست ما و خواهش ما از شما جوانان بادرد اینستکه بافرستادن مطالب متنوع بیشتر با مجله‌تان همکاری نمایید تا از این راه بتوانیم مجله‌که بتواند ذوق خوانندگان ارجمند را ارضـــاء نماید تقدیم آنها بداریم بامیدهمکـاری های تان .

آیا تلفون برای رفع مشکلات است یاقصه گویی و پرحرفی؟

عصری‌که ما زندگی میکنیم عصرتکنالوژی وماشین‌است وانسان این عصرتوانسته ماشین رادر خدمت خویش قرار بدهد واز آن استفاده برد . امابعضی هااین وسایل طوری استفاده می‌برند بجای اینکه سهو لت های را فراهـم سازد برعکس باعث آزار واذیت یکعـــده میشود . مثلا یکی از این وسایل تیلفـو ن است . این وسیله ارتباطی که سالها مورد استفاده عام وخاص قرار گرفته و میگیرد و شکل معقول و مثبت آن اینستکه تا از این وسیله در مواقع عاجل، وزمانیکه دسترسی وتماس باطرف مقابل وقت وزمان زیادی را میگیرد به زودترین فرصت ارتباط قایم‌گردد ومشکلات انسان ها ازاین راه مرفوع گردد.

اما بدبختانه یکعده آگاه وناخود آ گـــاه از این وسیله بشکل نا معقول آن استفاده می برند . که بیشتر باعث ناراحتی و مزاحمت دیگران میگردد .

طبق آمار واحصائیه های بدست آمـــده بیشترکسانیکـه به تیلفون صحبت میکنند و

زیاد پرحرفی می نمایند زنان اند . ولی این شکل عمومیت ندارد هستند مردانیکه تیلفون را گرفتند دیگر خدا میداند که چه وقت آنرا سرجایش میگذارند امـا بصورت نسبی مـی گویند که زنها بیشتر پر حرف قراند تـا مردان . وعلت این پر حرفی هم بخاطر یست که زنها نسبت به مردان کمتر مصروفیـت دارند .

بقیه در صفحه ۳۷

فاطمه .د .نیرو

امین جاسوس بازنان شرافتمند وپیکارجوی کشورما خصومت میورزید

وقتیکه بیانات تفننی ، عوام فریبانه و به ظا هر انقلابی امین جلاد را از نظربگذرانیم ملاحظه خواهیم کردکه‌اودر هیچ‌بیانیه خودسخنی در بارهٔ زن وتلش آن در حیات اجتما عی وبخصوص در باب کار وپیکار زنان رزمجو ووطن پرست ما در جر یان پانزده سال مبا رزات طبقاتی حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ، برزبان نیاورده است • این امر خود موید آنست که امین عمیقا بازنان آگاه وپیکار جوی ما خصو مت ورزیده‌وبااین هم اکتفا نکرد، او ودستیاران جنایتکار او هر روز زنان را جوقه جوقه به سوی‌زندان پل چرخی میکشا ئید . زیرا امین از تشکل ونیرو ی رزمنده زنان آگاه کشور هرا س داشت تامبادا همانند مردان ودیگراقشار زحمتکش جا معه ، روزی پرده از جنا یات‌او بر داشته و به زعم این جاسو س زنان نیز برای او وباند تروریستی او درد سر گردند .

بلی : امین هما نطوریکه باوطن ، خلق وانقلاب ما دشمنی عمیق داشت زنان را نیز نمیگذاشت که در راه اعتلای وطن و سر فرازی خلق وتکامل انقلاب شان متحدا نه برزمند •امااین ادعای‌خاص من‌نیست که‌در مورد امین وامینیان خاین می کنم، بلکه اعمال ضد ملی وضد دموکرا تیك او ، بخصو ص اعما ل وحشیا نه او در برابرزنان نجیب کشور ما است که در آئینه قضاو ت تا ریخ وتوده های زحمتکش افغانستان عزیز برین ادعای من صحه میزند . امین ازتبعید وشکنجه ولت وکوب وزندانی سا ختن زنان هد فمند و چیز فهم جامعه ما هیچگو نه‌دریغ نکرده است . هرروز می دید یم که زنان را از خانه ومحل کار وحتی از روی سرکها جوقه جوقه سوی شکنجه گاه‌ها وزندان ها قرون وسطا ئی خود می فرستاد .

هم و طنان شریف مابا وجود یکه هر یك خود در بساط سو گ‌نشسته وبیاد یکی‌از وابستگا ن خو یش اشك می ریزند،قضاوت کنند که در کدام دوره یی از جبارترین امراء وسلاطین کشور ما چنین عمل‌وحشیانه صورت گرفته‌ا ست که کودکان و زنا ن با خشم وخشو نت باشکنجه وتهد یدبا تحو یق وتحقیر با توهین وناسزا ازکانون های گرم خانواده های آنان به‌صوب شکنجه گاه های حیات سوز وزندان های هستی افگن کشانیده شده باشد • کدام امیرو سلطان جابر وخونریز مانند سلطان امین جلاد ،تا این حدو حشیانه ،زنان شریف،پیکار جو ووطن پرست راکه تازه پادر عرصه کار زار زندگی سیاسی نهاده بودند تبعیدوزندانی سا خته اند باید به صراحت گفت : که امین در شکنجه وتهدید وتوهین وتبعید و زندانی سا ختن زنان روی همه جلا دان و دشمنان صلح و آزادی رابه اصطلاح‌شستشو کرده و سفید ساخت .

زنان شرا فتمند ماچه گناه داشتند که‌هر روز در چنگال خون آشام‌امین‌قرارمیگرفتند؟ بجواب باید گفت : که گناه این زنان‌جز مبارزه در راه نجات کامل خلق ما ازانواع اسارت مادی ومعنوی جزوطن پرستی ، جز وفا داری وعشق ورزیدن به وطن و مرد م بالا خره جز پیکار علیه نظام فیو دالیزم و بقا یا ی آن وعلیه استعمار وامپر یالیز م دیگر هیچ گنا هی ندا شتند . امین نیز از آن جهت بازنان شریف کشور خصوصت می‌ورزیدکه فرزندان صد یق، پیکار جووطن پرست‌وانقلابی به جامعه خویش تقدیم‌کرده بودند واز دیرزمان به این طرف درفش‌کا رو پیکار انقلابی را برافراشته بودند . این بود گناه زنان مبارز ووطن پر ست کشورما که امین بنابر همین گناه شان آنها را از آغوش‌گرم خانواده‌ها واطفال شان‌دردخمه های زندان می فرستاد .

امین گر چه به ظا هر از خلق وانقلاب سخن می زد اما اوبه هیچ وجه به خلق وانقلاب ایمان نداشت او از سنگر انقلا ب واز تحت‌درفش اید یالوژی انقلاب‌علیه‌انقلاب وآرمانهای انقلاب ما خصمانه مبا رزه میکرد آیا میتوان او راحتی در لفظ هم انقلا بی خواند؟نه هر گز !زیرا امین هر کجاکه انقلابی را سراغ میکرد به زندان می‌انداخت وترور میکرد • لکه ننگین ترور هزاران انقلابی وحتی‌کسی‌راکه‌خودهمواره بهترین‌آموزگار انقلا بی می گفت به شکل فجیعانه به شهادت رسانید میتواند ازدامن سبا وخون آلود امین پاك شود ؟ آیا خاطرات دوران کشت و خون بی‌سا بقه امین ازیاد خلق زدوده خواهد شد هرگز:

بلی امین از جلادان دوران بردگی واز خونخوار قرون و سطی واز تروریستان دوران امپر یالیزم کاملا پیشی گرفته وپا فرا تر نهاده بود. او روی همه‌جلادان‌راسفید ساخت .شما برادران وخواهران قضاوت‌کنید، در عصر یکه هرکجادر فش استقلال ملی ، دموکرا سی، صلح وعدالت اجتما عی در اهتزاز است ودر هرگو شه جها ن زنان در راه حقوق وآزادی خویش می رزمند .

اما در افغانستان در دوران امین جلاد اسیر وزندانی میگر دیدند . زنان از راه مبارزه ساقط میشد ند . وبالاخره زنان‌دربرابر بدترین فحش‌و دشنام،تو هین وتحقیربا ند امین قرار میگر فتند ،نفر ین‌برامین‌وامینیان خاین .

امین غافل از آن بودکه نمیتوان خلق ، منجمله زنان رابرای همیش در بند اسارت نگهدا شت بخصو ص در دوران ماکه عصر رهایی خلق عنوان گر فته است • اما امین چنان دروفاداری به فرمان‌واوامر امپر یالیزم امریکا وسازمان خرابکار سی‌آی ای غرق شده بود که‌از هرگونه اندیشه و تفکر در مورد انسا نهای بلا کشیده‌جامعه ما دست گر فته وفقط دلش بسته به دا لر وچشمش به امریکا وگو شش به‌فر ما ن کار تر بود .

امین درطول رژیم فاشیستی خود ملیون ها افراد واشخا ص زحمتکش جامعهٔ ما را از هستی ساقط کرد، از وطن تبعید و فرار نمود . ملیون ها خانواده را سرد وماتمزده سا خت اند یشه های انقلابی را دراذها ن توده ها جلوهٔ منتعی داد ، مبارزه ووطن‌پرستی را قلب ماهیت دا د وسر انجام در نتیجه اعمال خاینا نه امین بود که هم اکنون‌دهل تبلیغا تی امپر یالیزم علیه افغانستا ن‌انقلابی و دوستان صلح پسند آن بیش از حدبصدا در آمده است .

ارزش های حیاتی شیرمادر در زندگی و صحت اطفال

شیر مادر یگانه مخلوط غذای‌عالی و مکمل است که دارای همه ای موادضروری زند گی و عوامل مقاومت دهنده بوده رایگان بد سترس مادران است ، پاك عاری از مکروب و مفید است لطفا به‌همه مادران دنیا بخصو ص در کشور های عقب نگهدا شته شده ابلاغ فر مائید که هیچگاه طفلك زیبا ودو ست داشتنی از شیر خود محروم نما زند چه بزرگتر ین وظیفه مادر و شرط اصلی واسا سی مادر بودن هما نا شیر دادن اوست مادر یکه به طفل خود شیر خود را نمی دهد ممکن خا نم خوب ،عضو خوب اجتما ع وبانوی باسلیقه با شد اما بهیچو جه نمی توان آنرا مادر خو بی‌نامید

بقیه‌درصفحه۵۸

ترجمه : ع، س

چرا زنها رسمل میزنند؟

بعضی ها مزاح کنان میگویند : آرا یش‌از روز اول بد نیا آمدن‌انسان بوجود آمده است . اما اگر بـــه واقعیت بر گرد یم دیده میشود کـه زنها از زمان های بسیارقد یم بـــه آرا یش‌تو جه خا صی را مبذ ول میداشتند وتا ریخچه آن بسیارطو- لانی‌میبا شد .

درحال حاضر لوا زم‌آرا یشـــس کشف شده است کـــه بـــــه زمان بسیار قد یم تعلق داردبا این میله کو چك زنها برای آرا یشـــس لبهای شان استفاده‌میکرد ندهمچنین مردم در مصر قد یم ویو نان از آرا یشس بدور نمیر فتند وازوسایل دست داشته استفا ده‌میکرد ند. این نکته نیز اتفا قی نیست که درمجسمه های که‌سا بقه چند ین هزار سا له دارند الفاظ (اگر مقبول هستـــــی خو شس باشس) حك شده است .

در حال حا ضر روان شنا سان بد ین‌معتقد ند زنها بعداز ینکه از خواب‌بر خا ستند در مقا بل‌آیینـــه می ایستند وبه آرا یشس سروصورت شان آغاز میکنند . این عمل برای زنها یکنوع تمر ین است که‌اعصاب آنها را نور مال میسا زد .

همینکه زن به صو رتشس درآیینه نگاه کرد ومتو جه شد که هنـــوز جـذا بیت را از دست ندا ده‌یکنوع احسا سس روا نی نموده که این‌حادثه در کار های روز مره اش کمك فرا- وانی مینماید .

یکتعداد زنها حتی اعتراف مـــی کنند که‌تا و قتی ریمل نز نند نمـــی توا نند به کارروز مره آغاز نما یند. بطور مثال متو جه شده با شیـــــد همینکه زنی عصبی شد بکس دستی اشس را باز کرده وازپود ر وغیره‌مواد در دست داشته استفا ده‌مینما یـد. بعد از ینکه به سوی آیینه نگاه‌کرد در فکر شس سوال خطور میکند : «چطور است!» وبا خود جواب میگو- ید(همه‌در جا یشس قرار دارد) .

- فقط این مرد ها ست که‌به ایـــن اسرار پی نمیبر ند وگا هی سوال میکنند «چرا زنها آرا یشس میکنند؟»

امروز در جهان آرایش بسیا ر مروج است . این هم اتفا قی نیست زما نی‌که مسا بقات در ین قسمت‌بر گزار میشود صالون از علاقمنـــدان مملو میبا شد . این مسا بقات‌عـــلاوه از داشتن جنبه کـــلام‌نشان دهنده هنر فن مـــذکور میبا شد.

بطور مثال زما نی که مسا بقـــه جریان دارد تما شا چی فکر میکندکه شخص مورد نظر شس حتما نمره‌عالی را تصا حب خوا هد کرد اما برعکس حکم مسا بقه آنرا نا چیز ار زیا بی میکند .

در یکی ازاین نوع نما یشات که در مسکو صو رت گر فت حکم‌قضا- وت دقیـــق وعا دلانه خود را به تماـ شاچیان به اثبات‌رسا نید . قسمیکه تما شا چیان بعدا متو جه شدندواقعا در بعضی قسمت ها نقا یص آشکار وجود داشت . طور مثال آرا یشس بطر یقی صو رت گر فته بود فکر میشد که یك چشم نظر به چشم‌دومی بز رگتر به نظر میر سد .

این مسا بقات بسیار جدی ومشکل اند. حکم مجبور است تا تمام‌نقایص راآشکار سا خته وطو ری که خود شان مزاح کنان میگویند : مژه ها باید محاسبه‌شوند .این نوع‌مسابقات توجه یکتعداد زیاد مردم را جلب می نماید وهمگان به ذوق وعلاقه در آن اشتراك می ورزند .

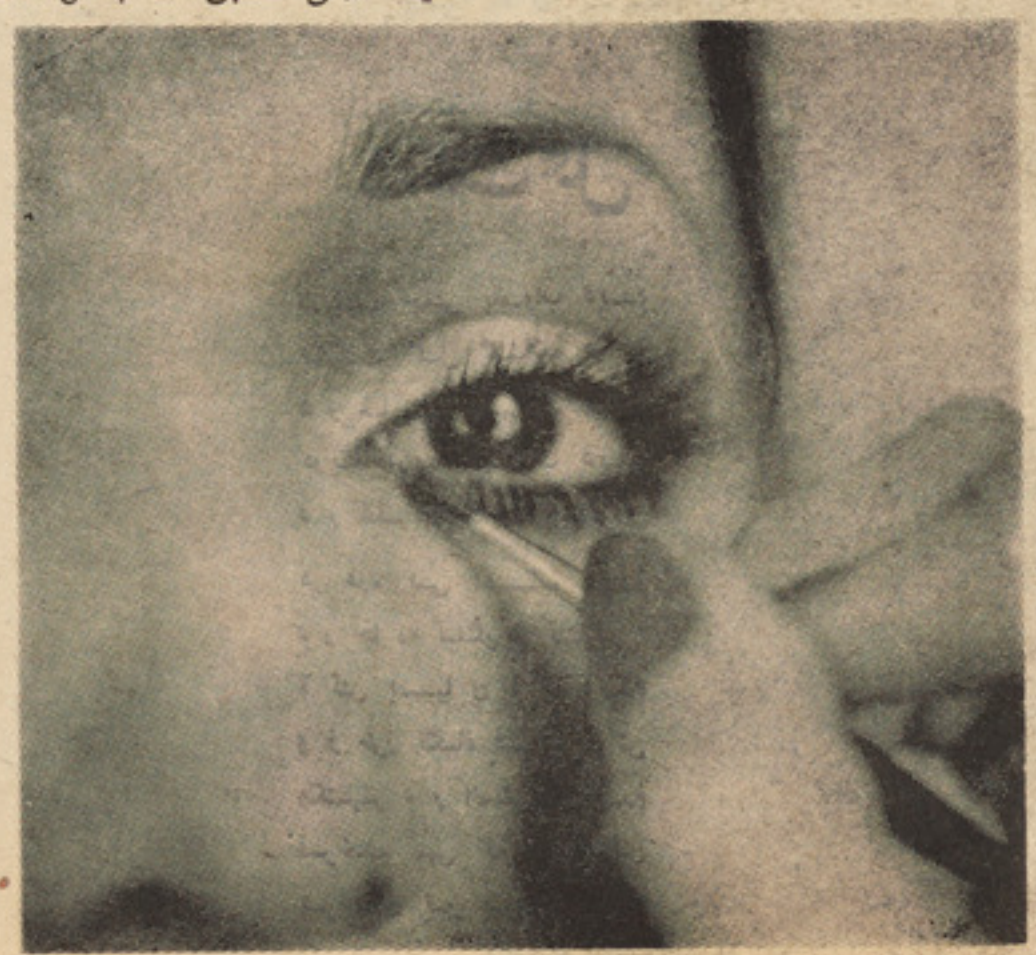

مقام‌زن

۱ـ زدن زن با شا خه گلی هـــم‌سزا وار نیست .

مانو

۲ـ وظیفه یك زن درست نمودن اخلاق وتهذ یب شو هرش‌می‌باشد.

نا پلیـــون

۳ـ زن نیمی از پیکر اجتمـــاع است ...

«...»

٤ـ عشق مر ض است ولی زن پرستار این مر ض .

«...»

٥ـ تمام افکار وتعلیمات یك مردبه محبت وصدا قت زن نمی ارزد.

ولتـــر

فر ستنده : عبدالملك شرف

شعر زیرین ، بنام «وصیت خزانی» رابزرگترین شاعر عصرما پابلونرودا سروده ولوئی آرا گو ن شاعر ونویسند ۀبزرگ‌معا صر فرانسوی ، دو ستش ، پس ازمرگ غم انگیز نرودا، چند ماه بعد از فا جعه‌کودتای چلی ، درباره آن «سو گنا مه‌نرودا» را تحت عنوان «محبت شعر» ساخته است‌که هر دو از شهرت فرا وانی بر خور دارند . زندگی نرودا ، زندگی‌شا عری در دوران درد ونبرد بود. به گفته خود او :

بعد پهناوری نیست جز رنج ، جهانی نیست‌جز خون
هر اندازه هم که دورتر بروی ، چیزی‌تغییر نمی کند .

ترجمه ومقدمه از احسان طبری

وصیت‌خزانی

بین مردن ونمردن
من بر گزیده ام سازرا
ودر این چرخهٔ پرگار

دلم را درنگی نیست
زیرا ، آنجا که کمتر چشم براه منند
من با گروه خو یش فرا میر سم
برای درو نخستین شراب
در کلاههای سبدین پائیز

بدرون میروم ، حتی اگر در رابه بندند
ولی اگر نپذیر ندم ، دور میشوم
من از آن دریا پیما یان نیستم
که در بیابان یخین گم می شوند

مانند باد، ساز گارم
با زرد ترین برگها
بافصل های منسو خ
چشمان تند پس ها

واگر هم‌گوشه ای بیارمم
در درون گر دوی آتش است
در آنچه متشنج و منفجر است
وسپس بی سرنوشت سفر می کنم

در در ازنای این سطور
تو بایدکه نام خویش را بیا بی
تاسف اندکی دارم

مطلب دیگری در میان نبود
اگر نه از بسیاری چیز ها
از آنجا که «هستی» واز آنجا که «نیستی»
واین برای همه روی میدهد
احدی نیست که‌از همه چیز سردر آورد
وزما نیکه اعداد را جمع می بند ند
همه ما دولتمندان دروغین بودیم
واینك مستمندان نوین هستیم

اموال زمینی خویش را بخشوده ام
به میهن خود و مردم خویش
اکنون مطالب دیگری در میا ن است
چنان تیره وچنان روشن
که با اینهمه یکی هستند

آنسان که کار انگور هاست
و دو فرزند توانا یش
شراب سفید و شراب سرخ
هر روشنی تیره است
وهمه چیز خاك وآجر نیست

در مرده ریگ من سایه هاورو یاهاست
به کینه واگذاشته ام

نعل های خود را
جا مه کشتیبا نی خود را
کفش ها ی سفر خود را
قلب درود گری خود را
آنچه که میتوانستم بکنم
وآنچه بمن یاری رساند که رنج ببرم
وآنچه که سر سخت وتاب‌داشته ام
حل ناشدنی وهجرت ناپذیر
تادر جهان بیا موزند
که آنچه می نوشتند آب روان ،
میتوا ند ببرد و سیر و سفر کند
میتوا ند برود وباز گردد
میتوا ند رنج ببرد ودوست بدارد
میتوا ند با شد ویا دوام یا بد
میتوا ند فرو شکندیا بمیرد
میتواند بسیط وتا ریك باشد
میتواند بدون گوشی باشد
میتوا ند شور بختی را تحمل کند .
میتوا ند چشم براه یاری باشد
گرچه گروهی از قلتبانان
زندگی ما را نبسند ند .
سر انجام ، مامی توانیم وجودداشته باشیم
ای چه بسیار بارکه زاده شدم
تا همچون آفر یده ای در پی

آزمونی نمکسود گرد آورم
بسوی رجعت های لاهو تی
بسوی منازل ناسوتی
وبد ینسان منتقل میشوم بی آنکه‌بما نم
بکدام جهان باز میگردم
واگر به زیستن ادامه مید هم
در حالیکه امور حل میشو ند
من گوا هی خود را اینجا با قی گذاشتم
سر گشتگی سر گردان خویش را
تا بابسیار خواندن
کس نتواند چیز دیگر بیا موزد
مگر جنبش جا ودانه را
از کسی که روشن است و گمراه
وبا را نی است و شا دان
وکوشا ست وخزان زده
واکنون در پس این برگ
میروم ونا پدید میشوم
جهشی در شفا فیت
مانند شنا وری آسمانی
وسپس باردیگر به بزرگ شدن می‌آغازم
تا آنکه روزی چنان کوچك شوم
که‌باد مرا بروید
ودیگر آنکس نخوا هم بود که نام‌دارم
وآنکس نیستم که هر با مداد بیدارمیشوم
وآن زمان نغمه را در خمو شی میخوانم

دشت گل

د یشب چمنی بخواب دیدم
یکدشت گل گلاب دیدم
د ر سا غر چشم نیم مستی
دریا دریا شراب دیدم
د ر قطر ه محیط بیکرانی
در ذره یی آفتاب دیدم
د ر جا مه نیلگو ن تنش ر ا
آ تش بمیا ن آ ب دیدم
و ز طرز نگاه فتنه با ر ش
یکشهر د ر اضطراب دیدم
فرخنده مهی که شامگاهان
بر روی تو ماهتاب دیدم

(حیدری پنجشیری)

از گلستان برچیده ایم

★

شلغم پخته

هرگز از دور زمان ننالیده بودم وروی ازگردش آسمان درهم نکشیده مگر وقتی که پایم برهنه مانده بود واستطاعت پای پوشی نداشتم ، بجامع کوفه درآمدم دلتنگ، یکی را دیدم که پای نداشت ، سپاس نعمت حق بجای آوردم وبر بی کفشی صبر کردم .

مرغ بریان بچشم مردم سیر
کمتر از برگ تره بر خوانست
و آنکه را دستگاه و قوت نیست
شلغم پخته ، مرغ بریانست

چشم دنیادار

بازرگانی را شنیدم که صدوپنجاه شتر ،بارداشت وچهل بندهٔ خدمتگار . شبی در جزیرهٔ کیش مرا به حجرهٔ خویش درآورد .همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن، که فلان انبارم به ترکستان وفلان بضاعت بهندوستانست و این قبالهٔ فلان زمینست وفلان چیزرا فلان، ضمین ، گاه گفتی :خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوشست . باز گفتی : نه،که دریای مغرب مشوشست .سعدیا ، سفری دیگرم در پیشست ، اگر آن کرده شود بقیمت عمر خویش بگوشه بنشینم.گفتم : آن کدام سفراست ؟ گفت : گوگرد پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد واز آنجا کاسهٔ چینی بروم آرم ودیبای رومی بهند وفولاد هندی بحلب وآبگینهٔ حلبی بیمن وبردیمانی بپارس وزان پس ترك تجارت کنم وبدکانی بنشینم .انصاف، ازاین ماخولیا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند . گفت : ای سعدی،توهم سخنی بگوی از آنها که دیده ای و شنیده . گفتم :

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سالاری بیفتاد ز ستور
گفت : چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت پر کند یا خاك گور

گربهٔ بوهریره

مالداری را شنیدم که ببخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم . ظاهر حالش بنعمت دنیا آراسته وخست نفس جبلی دروی همچنان متمکن، تابجایی که نانی بجائی ازدست ندادی وگربهٔ بوهریره را بلقمه یی ننواختی وسگ اصحاب الکهف را استخوانی نینداختی. فی الجمله ، خانهٔ او را کس ندیدی درگشاده وسفرهٔ اورا سر گشاده .

درویش بجز بوی طعامش نشنیدی
مرغ ازپس نان خوردن او ، ریزه نچیدی

شنیدم که بدریای مغرب اندر ، راه مصر بر گرفته بود وخیال فرعونی در سر ، حتی اذا ادرکه الغرق ، بادی مخالف کشتی برآمد.

با طبع ملولت چکند ، هرکه نسازد
شرطه همه وقتی نبود لایق کشتی

دست دعا برآورد وفریاد بی فایده خواندن گرفت ،واذار کبوا فی الفلك دعوالله مخلصین له الدین .

دست تضرع چسود بندهٔ محتاج را
وقت دعا برخدای ، وقت کرم در بغل؟
از زرو سیم ، را حتی بر سمان
خویشتن هم تمتعی بر گیر
وآنکه این خانه کزتو خواهد ماند
خشتی ازسیم وخشتی از زر گیر

آورده اند که در مصر اقارب درویش داشت ، ببقیت مال او توانگر شدند وجامهای کهن بمرگ او بدریدند وخزود میاطی بریدند.هم در آن هفته یکی را دیدم از ایشان برباد پایی روان ، غلامی در پی دوان .

وه که گر مرده باز گردیدی
بمیان قبیله و پیوند
رد میراث سخت تر بودی
وار ثان را ز مرگ خویشاوند

بسابقهٔ معرفتی که میان ما بود ، آستینش گرفتم و گفتم :

بخور ، ای نیك سیرت سره مرد
کان نگون بخت گرد کرد ونخورد

سعدی

✦

شعر د: زرغون سحر

دافغان بچی

ای بچیه دافغانه ! قهرمان دمعر کونی
چه بچی ئی ددی خا ور ی، کلك مین په دنگو غرولی

ای بچیه دافغانه! ته دخپل بابا بچی ئی
ته ترتیرو هم لاکسلك ئی،چه لوی شوی په میرو ئی
ته عقاب ئی ته شا هین ئی،داوطن دی زالکی ده
په پرواز شه ای عقابه ، چه بچی دجگو غرو ئی
ته سیلاب ئی یو تو فا ن ئی،نك له قهره اوله زوره
کلك منگول لری زړه وریی ته بچی دشنوزمرو ئی
سمندر دغیر توئی تا خوك نشی گر خولی
تامات کړی قفسونه، سترمرگی دزنخیرو ئی
ته لوی شوی ئی آزاده ،اسارت نشی منلی
ته قفس نشی منلی ، چه بچی دسر دروئی
ته بچی دخپل وطن ئی، کانی،بو ټی ئی واره ستا دی
ته دخپلو شتو واکدار ئی،نه خا وند دسپینو سروئی

ته روان شه خپلو ورونو سره جوړ افغانستان کړه .
تور قصرونه دستماو استثمارله سره وران کړه

از منابع سازمان صحی جهان

ترجمهٔ : دوکتور عبدالسبحان هاتفی

مراقبت بهتر طفل

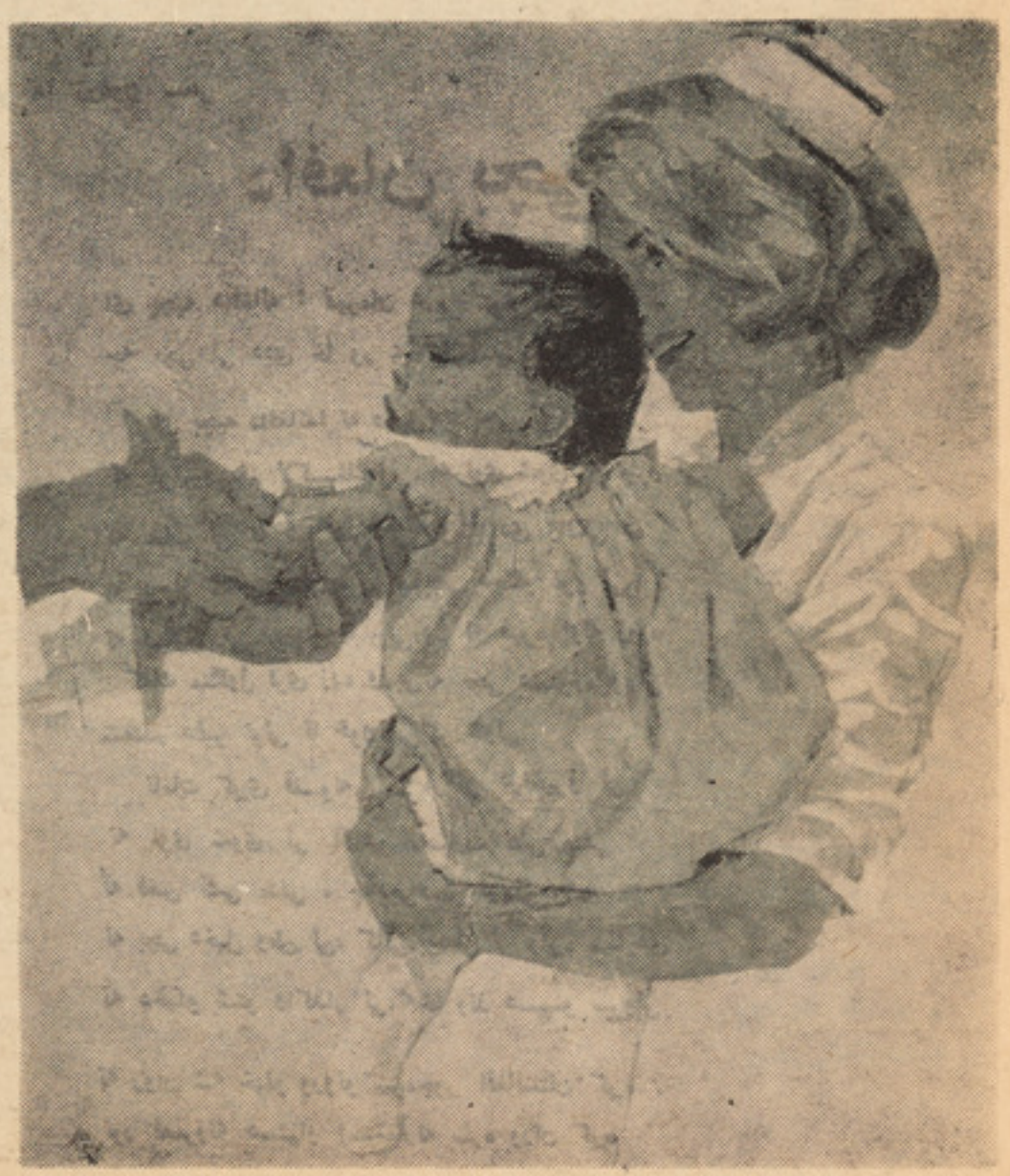

مراقبت های صحی واکسیناسیون های به موقع طفل را از بسیاری امراض وقایه میکند .

در جهان مترقی امروز تسهیلات وقایوی درمقابل امراض برای اطفال فراهم گردیده زیرا آنها می دانند که یگانه کلید محو امراض وقایه آنست در پهلوی آن دردنیای رو به انکشاف عصر حاضر سالانه در حدود پنج ملیون اطفال توسط امراض انتانی که وقایه از آنها میسر می باشد از بین میروند در حالیکه میلیون هاافراد دیگر توسط امراض از قبیل ملاریا امراض معده معایی که میتوان امکانات وقایه آنها را از طریق غیر از معافیت (واکسینا سیون) میسر گردانید جان خویش را از دست میدهند حتی انقلاب تکنالوژجی عصر حاضر که ساحه مخابرات ووسایل تفاهم با ظهور دوره استفاده از تلویزیون یکجا با تسهیلات رادیویی و مستندفلمی وحکایات متصور مجلات نتوانسته است این واقعیت مسلم را به سمع همگان . درحالی می رسانند در صورتیکه صحت اطفال از طریقه های مختلف مخصوصا واکسین وقایه می گردد . ملیون ها اطفال که همه ساله جانشانرا بشکل درد ناکی از دست میدهند حفظ شده میتوانست .

تقریبا در حدود هشتاد ملیون اطفال در نقاط فقیر تر جهان همه ساله چشم بدینا می گشایند که حتی ده فیصد ازین اطفال ازخدمات یك نفر کارمند صحی به منظور حصول مصوونیت در مقابل یکی ازین امراض مهلك دوره طفولیت برخوردار شده نمیتوانند درحالی که بر عکس نود فیصد اطفال دنیای مترقی در مقابل امراض مانند دفتری ، سیاه سرفه ، تیتانوس فلج و سرخکان و قایه می گردند .

با تعجب باید یاد آور گردید که موفقیت پروگرامهای وقایوی در ممالك مترقی جهان در ظرف بیست سال اخیر بعضا هراس یا ترس وقایه اطفال را در مقابل امراض آنقدر از میان برداشته است که حتی اسما و علایم شان اغلبا از خاطره ها فراموش گردیده و یا با امراض دیگری در محل مورد اشتباه قرار گرفته است .

مشکل واقعی را میتوان در جای دیگر سراغ نمود باین معنی که ارقام دردناك نود و هفت فیصد کلید وفیات اطفال دارای سنین کمتر از پنجسالگی را در ممالکت رو به انکشاف وانمود میسازد در

کمبود مواد غذایی وبعضی از مراض کوک رابه چنین حالتی سرد چار میسازد .

اسباب سؤ تغذی اطفال و تدابیر جلو گیری از آن

خوانندگان گرامی وخا نواده ها ی‌محترم‌چنا نکه میدا نند غذا و چگو نگی صر ف آن در نمو و پرورش اطفال‌و همچنان درتامین‌صحت انسان تاثیر بـه سزا داردبـرای اینکه اهمیت این موضوع راخوبتر روشـن‌وتوضیح نموده باشیم مصاحبه یـی‌را باپوهنمل دوکتورسید حسام‌مل رئیس شفاخانه حمایه‌طفل‌ومادر انجام داده ایم که ذیلا تقـدیم میشود :

سوال‌ـآیا سو تغذی اطفال یك پـرابلم عمدهٔ صحی مملکت عزیز ما محسو ب‌میشود و یا خیر ؟

جواب: سوء تغذی‌نه تنهاپرابلم عمده‌صحی اطفال مملکت عزیز ما محسو ب میشود ،بلکه پرابلم مهم اکثر ممالك جهان روبه‌انـکـشاف می با شد ، یعنی بیشتر در آسیا ـ افریقا و امر یکا ی لاتین مشکل فوق العاده‌عمده بشمار میرود . و همه ساله اطفا ل مصا ب به‌سوء تغذی‌یافقرمواد غذایی به شفاخـانه ها مرا جعه می نما یند .

نا گفته نما ند که اکثریت اطفا ل که به امراض متعدد وگوناگـون بـه شفاخانـه ها و یا مراکز صحی چه در مملکت‌عزیـز ما و یا در کشور ها ی روبه انکشا ف‌مراجعه می نما یند، ضمنا مصا ب درجا ت مختلفه سوء تغذی‌نیز می باشند . و طـوری‌کـه تخمین گـردیده است، ٤٠فـیصدواقعات مرگ‌ومـیر اطـفال با آنکه شاید ظاهـرا سبب‌عمده مریضی‌شان توضیح‌نکردیده باشد مربوط سوء تغذی می باشد . بایـد عـلاوه کرد که اطفال مصا ب به سو تغذی برعلاوه که پرابلم صحی یك کشور روبه انکـشاف محسو ب میگر دد ، پرا بلم های اجتما عی، اقتصادی وسیا سی را نیز بوجود می آورد که‌اگر با لای هر کدام آن بحث و مشاجره صورت گیرد سا عت ها را در بر خواهد گر فت . آنچه را که با ید یاد آور شد اینست ،که اولا شاید اطفال مصا ب بـه سو تغذی اگر در جا ت پیشر فته آن قرار داشته باشند بمیرند ویا اگـر درائـر کمك ها ی به موقع مراکز صحی وتعلیمات صحی شفایاب گردنـد بازهـم مانندیك طفل سالم نشوو نما کرده نـتوانسته ،بطائت وتوقف ، گاه در نشو ونمای او بـوجـود می آید ویا اینکه وجود ایـن طـفـل برای تها جم مکرو ب ها فوق العاده‌مساعد می باشد که اگر این موضوع رابصورت‌مفصل تحت مطالعه خویش قرار دهیم وقت زیادما را در بر خواهد گرفت ، بنا لازم نمیدا نیم که موضوع متذکره فوق رابصورت مفصل‌مورد ارزیابی ومشاجره قراربدهیم بهتر است این موضـوع‌را کار کنان مـراکـز صـحی ودوکـتوران جـوان اطفـال بصـورت مفصل بـخاطر داشتـه باشنـدوبـرای حل قطعی این پرابلم عمدهٔ صحی مملکت عزیز خود راه ها ی در ست واقتصادی‌آنرا جستجو نمایند . وآرزوی جمهوری دموکراتیك افغانستان نیز در برآورده شدن حل این‌پرابلم میبا شد .

سوال‌ـگفته می توانـیـد کـه‌سوء تـغـذی بیشتر در کدا م سنین اطفال دیده میشود؟

جواب:بیشتر در سنین کمتر از (٥)سالـگی واقعات آن تصادف میکند . کـه٣٤،٥فیصد در سینن ٢سالگی و٩ر١٧فیصد درسینـن٣ سا لـگی تثبیت گـر د یـده است لاکن نا گفته نباید گذاشت که سن مساعد درجوامع‌مختلفه نظر به تغذی اطفال متفاوت می با شد . مثلا در بعضی از فا میل ها ما درا ن طفل شا ن را زود تر از شیر جدا میساز ند ، و یا اینکه اگر جدا نمی سازند غـذ ا هـا ی متممه ضـر و ر ی را برای طفل شان نمید هند و با داد ن‌شیر اکتفا می ورزند ، ویا اگر غذاها ی متممه را بـه طفل شان میدهند وقت دادن غـذا را نمیدا نند ،این فکتور ها ویك عده فکتور های دیگر جمعا با عث میشود که طفل شان مصا ب سو تغذی گر دد . برای انکه‌چنین اطفال مصاب سو تغذ ی نشو ند بهتر است به مادران تعلیما ت صحی داده شود تا در مورد شیر مادر و غذاها ی متممه و منا بع پـروتینی اطـلاعات لازم داشـه‌باشنـد بـه‌یاد آوری اسـت کـه‌شیرمادر غذایی مکمل ودارای مواد غذایی بهتری‌است ولی صرف برای سه ویاچهار ماه طفل را اقناع میتوا ند به همین منظور که بعد از سن‌چهار ماهگی برعلاوه شیر مادر غـذاهـای متممه دیگر نـیز به طفـل‌داده شود. اگـر ما در مورد فواید شیر مادر وغذا ها ی متممه دیگر وشروع بموقـع این غذاها صحبت‌نماییم سا عت ها را در برخواهد گر فت و مارا از مو ضو ع‌مشخص فعلی ما به طرف دیگر خواهد بـرد، لا زم میدانم که این مـوضوع رابه قسم یك پروگـرام جدا گـانه‌دروقت دیگرمورد بحث‌ومشاجـره قرار داد. تـا ما درا ن بصورت مشخص تنو یر گر دیده ومراقبت سلامت طفل شان باشند.

سوال :لطفا اگر درمورد ایـنکه چطـور یك طفل مصاب به سوء تـغذی میـشود تشـریـحات بـدهید ، بهـتر میشود

جـواب: باید گـفت که سوء تـغذی دو علت مشخص نداشته بلکه نتیجه عوامل مختلفه می با شد که عبارت انداز :

١ـکمبود مواد غذائی ویا عدم دسترسی‌به آن .

٢ـتشوش در جذب وامتصاص موادغذائی در طفل

٣ـضرورت نسبتا بیشتر اطفال به مـواد غـذائـی چون در حـالت نشوونمای سر یع می با شند .

لاکن باید گفت که ازجمله عوامل فـو ق تنها فکتور اول به سو یه مملکتی مهم بـوده وپرابلم صحی اطفال جهان سوم را تشکیـل داده که‌در خور توجه باید قرار گیرد. ز یـرا کمبود مواد غذائی ویاعـدم دسترسی‌به‌آن باحقایق آن استوار می باشد .

اول: شرا یط اقتصادی : مثلا :

١ـفقر:

٢ـقحطی:

٣ـصعود قیم موادغذا ئی مخصوصا پروتیـن حیوا نی (گوشت) .

٤ـ مادرانیکه برای‌تامین اقتصادخانواده اجبارا به‌انجام‌کارهای‌شاقه‌دوامدار خارج ازخانه مصروف اند مثلا در (فابریکه ـ مزرعه‌ـاعمار منازل وغیره).

٥ـ تعداد اطـفال واعضای فامیل.

دوم :شرایط اجتما عی :ـ مثلا

١ـعنعنات مختلفه مضـر در خانواده هـا، و محدودیت در دادن بعضی غذا ها مثلا بعضی از فا میل ها به اطفال شان تخم نمید هند وچنین وانمود می سا زند که اگر تخم به طفل داده شود ، طفلش زود حرف نمیزندیا بعضی از فا میل های اند که اصلا ازنظر مذهبی گوشت نمی خورند وغیره.

٢ـ شرایط جداکردن از شیر مادر:بعضی از مادران وقتی که طفل شا نرا از شیر جدا کردند او را یا غذائی درست نمیدهند ویااگر میدهند یکنواخت بوده و یا اینکـه او را قبلا به خوردن غذا عادت نداده اندویا اینکه او را بخانه والده کلان ، خا له،ویا عمه اش اعزام میدارند ، تا ازنظر مادر دور باشد وبه‌این تـرتیب او دیگـر آ رزوی شیر مادر را نکند . در حالیکه هـمه‌ایـن فکتور ها بذات خود هر کدام آن در جدائی طفل ازشیر مادر جدی تلقی شود . وبـه مادران تعلیما ت و تلقیا ت صحی داده شود تا در هنگا م جدا ئی طفل شان در شیر اورا به خانه اقارب اعـزام ندارند . زیراوقتی چشم او از مادر دور گردد دریك‌فـضایی قرارمیگیرد که محروم از عواطف مـادری گردیده اشتهای اوسقوط کـرده ودر نتیجـه یك سلسله فکتور های دیگـر نیز بـان علاوه شده طفل را مصـاب سـوء تغذی میسازد .

٤ نوعیت غذا : اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خو یش تر جیح‌میدهند وآنراحتی علامه پرستیژ وحیثیت میـدا نند، لاکن شرا یط تهیه شیر ، توان خر ید ،و مقدا ریکه باید به طفل داده شود ، درچنین جوا مع مشکل بوده و هم چنا ن شرا یط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نـیست خلاصه یك آب سفید رنگ است که به طفلش میـدهد . وتدریجا تراژیدی‌سوء تغذی را بار می‌آورد .

٥ـ عدم آگاهی والدین از ارزش های‌مواد معدنی مثلا آهن واملاح وغیره .

٦ـ ولادت های شیر به شیر : کـه‌صحت مادروطفل را متضرر میسازد.

سوال‌ـ لطفا اگر در مـورد اینکـه‌سو تغـذی در اطفال چه نوع اعراض‌وعـلایم‌را با ر می آورد معلو ما ت بد هید ؟

جواب: اعراض سوء تـغـذی‌نظربه شـدت وپیشرفت حادثه متفاوت بـوده و اشکـال مختلفه را از کمبود خالـص کـالـوری کمبود کا لوری و پرو تین که دو حاد ثه مشخص وجدا گا نه است بو جود می آورد واز هم تفاوت دارند .

با نهم بصورت کل گفته می توا نیم که اعراض اساسی و غـیر اسـاسـی ذیـل در نـزد اطـفال‌مصاب سوءتغذی دیـده میشود که عبارت انداز:

١ـتوقف وبطائت نشو ونما ی‌فـزیـکی، یعنی کمبود وزن وقا مت .

٢ـازبین رفتن وکمبود مـواد شحمی‌تحت الجلدی

٣ـ ذوب شدن عضلات نواحی مختلفه.

٤ـتغییر رنگ موهاوریـختن‌آن.

٥ـتجمع مایـعات وپندید گی‌درنهایـات ووجیه

٦ـیك‌حالت بی تفاوتی روحـی‌بدین‌معنی که طفل لاقید بوده وبامحیط خـود آمیزش ندارد .

٧ـتغییرات جلدی : یعنی پیداشدن بعضی لکه ها در جلد ویا تراکم صبا غا ت درجلد ویاتغییر رنگ‌جلد.

٨ـسقوط اشتها :

٩ـاعراض متراقمه مثلا وقوعـات زیـاد اسها ل .

در سوال ٥شمااز اعراض متراقمه‌مخصوصا اسهال یاد آورشد ید لطفااگـر این‌موضـوع را کمی بیشتر تو ضیح دهید ؟

جواب : مر یضان مصاب سوء تغذی بـه حملات بیشتر وشدید اسهال معمولا مواجـه میبا شند که حتی از اعرا ض آن شمرده میشود. وهرزمانیکه حالت سوء تغذی بهبود کسب نماید ، وقوعات وحملات اسـهال نیز کمتر میگردد علت مساعد بـودن‌چـنین اطفا ل به اسها ل عبارت انداز :

١ـتناقص قوای مدافـعوی مقابل‌امراض گو نا گون در چنین اطفا ل .

٢ـخمو دو خـرابی غشای مـخاطی‌امعا که درجذب وامتصاص مواد غـذائـی‌رول دارد .

٣ـزمینه مساعد نشو ونمای میـکروبی درامعای چنین اطفال.

سوال‌ـلطفا اگر در موردسر نـوشـت وعواقب اطفال مصاب به سوء تغذی کمـی معلو ما ت بدهید ؟

جواب : مرگ ومیر در اطفا ل مصا ب به سو تغذی مخصو صا در دو سا ل‌اول

بقیه‌درصفحه ٥٧

ترجمه‌ی میرمن پښتون

نویسنده ماری کویك

آیینـــهٔ آینده

قیافه شما آیینه آینده شما است و باید از همین اکنون متوجه چهره خویش باشید. دانستن چگونگـــی آرایش صورت، بـــرای دختران و زنـان جوان‌خیلی پراهمیت است‌زیرا اگر او روش نیکو وعلمی آراستن قیافـــه خود را بداند همیشه دارای چهره ای، روشن، پاکیزه وبی چین وچروك خواهد بود .

بعضی از دوشیزگان جوان، تصورمینمایند که آرایش چهره وسیله‌ای است که میتوان باآن، لکه های صورت را پنهان کـــر د . اما آنها اشتباه میکنند هیچکس بخصوص

دخترتازه جوان ، نباید درحالی‌بی تجربگی وندانستن شیوه علمی آراستن قیافه، بزیب وزینت قیافه خویش بپردازند .

همچنین نبایست صورت خودرا در حـــال ناپاك بودن جلد آرایش نماید . یك دختر تازه جوان شاید از طرف مادر خود بشنودکه

نباید به آرایش صورت خویش بپردازد زیرا هنوز او برای این کار خیلی جوان است . این دختر باید طبق دستور مادرش عمل کند زیرا دستور مادر درین موضوع به سود دختر است ودختر تازه جوانی، که خود بخود از

شادابی وجذابیت صورت و جلد، برخوردار میباشد . اگر قیافه اش را آرایش مینماید جزآنکه صدمه‌ی بزیبایی صورتش واردنماید، کارسودمندی را انجام نخواهد داد .

یك دختر، شاید برای استعمال لبسرین خیلی جوان باشد اما برای آراستن موی سر

جوان نباشد . واگر این دختر از همین‌اکنون طوری‌عمل کند که در جـــستجـــوی شکل‌دادن بهتر موهای خود میباشد ، هرگز در آینده

ازاین ناحیه بمشکلی مواجه نخواهد شـــد و همیشه موهایش طوری مرتب خواهد بود که قیافه‌اش را زیبا ودل انگیز بنمایاند .

پس باید ازهمین امروز عادت بگیرید که چهره تان را «بشمول گردن» طوری که لازم است، ستره وشاداب نگهدارید و این ر ا فراموش نکنید وحتما در نظر داشته باشیدکه اقـــلا روز دو بار روی را بـــا آ ب گـــرم شستشو بدهید ودر هنگام شستن کـو شش کنید کـه با انگشتان دست تان، صابون را، بروی پوست صورت تان مالش دهـــید . حرکت انگشتان تان در این مالش دادن باید دورانی باشد. بکوشید حصص مختلف‌صورت خویش‌را، صابون بزنید وهیچ جای آنرابدون زدن نگذارید وآن قسمت های قیافه تان را که بیشتر چربی دارد «مانند زیرلب واطراف

بینی» مورد توجـــه خـــاصی قرار دهید . بعداز آنکه روی تان راخوب باآب شستید، بادستمال آنرا محتاطانه خشك کنید .

برعلاوه شستن روی، در موقع صبح وشب، بکوشید ، در طول روز نیز باری آنرابشویید وپاکیزه گردانید بخصوص اگر چهره شما چربی دارد .

در رخسار اکثر از دوشیزگان همسن و سال شما، دانه های پیدا میشود اگر شمانیز یکی از همین دسته دختران جوان میباشید

باید درین مورد، برخی از حقایق را بدانید . بعضی دوکتورن بدرستی حقیقت پیدایش این دانه ها را نمیدانند . امـــا رهنمایی ها ی مناسبی در قسمت تحت کنترول قرار دادن آنها، نموده میتوانند . سپس درین فرصت مراجعه بـه دو کـتوران بـاتجـربه عـملی خوب است .

عموما، زمانی‌که ، شما به سن بیســـت سالگی می رسید این دانه ها، خود بخود از بین میروند ولی، اقداماتی وجود دارند کـــه باعملی نمودن آنها میتوانید حتی در سن‌پیش از رسیدن به بیست سالگی، از بروز آنهـا جلوگیری نمایید .

نخستین اقدامی که میتوانید درین مـــورد انجام بدهید این است که دستهای خویش‌را، از صورت خود، دور نگهدارید وجدا متو جه این نکته باشید که کندن دانه های صورت منجربه لکه های همیشگی می‌شود وبایدهرگز صورت خویش را، در حالیکه دارای دانه ها میباشد نخاراند .

توصیه ما این است که چهره خـــود را همیشه پاك وستره نگهدارید، آنرا خـــوب بشویید وبرای این کار از صابون های طبی ویامحلول های تجویز شده استفاده و برای خشك نمودن آن، از دستمال های پاك ونرم کار بگیرید. موهای خود را ، از قیافه تا ن دور نگهدارید وبخاطر داشته باشید که مو های شما نیز باید پاك ومرتب باشد وسبوسك سرومو های چرب فایده ای به دانه های روی نمی رسانند .

غذای شما، نقش مهمی در زیبایی صورت شما، بازی میکند واین مذکوره که باید از خوردن زیاد چاکلیت ، شیرینی باب، مغزباب وغذا های چرب صرف نظرکردیك فکر خیلی خوب است .

خوردن سبزیجات پربرگ ونوشیدن آ ب زیاد وسایر مایعات خیلی مفیـــد اســـت . این یك مساله روشن است که هر اندازه‌ای که صرف غذای شما بهتر وخوبتر باشد به همان اندازه جلد شما پر درخشش و شاداب خواهد بود .

هنگامیکه ، بمرحله ای رسیدید که‌چهره تان را باید آرایش نمایید بایداز آرایش‌های ساده استفاده نمایید واکثر اوقات تنها ا ز لبسرین کار بگیرید وبس .

استعمال زیاد مواد کیمیاوی وآرایش قبل ازسن بیست سالگی از یکطرف مسامات جلد تان را مسدود ودر اضافه شدن دانه های روی شما کمك میکند از جانبی شخصیت شما را درانظار، کوچك جلوه میدهد .

نکته دیگری که باید بخاطر داشته باشید عبارت از استراحت است . البته شما باید بدانیدکه‌شستن زیاد،هرگز لکه‌های اطـراف چشمهای‌شمارا ، دور نـــــموده‌نمیـــتواند خودرا عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید .

تطبیق دستور های، داشتن یك قیافه جذاب وپاکیزه وشادب خیلی ساده وآسان میبا شد

وهرگاه خویش را به آن عادت بدهید ازنتیجه آن خیلی مسرور وشادمان خواهید گـــردید وازداشتن یك جلـــد زیبا ودوستداشتنی و صورتی قشنگ وجذاب، در طول زندگـــی، مباهات خواهید نمود .

بلی !

ازهمین اکنون متوجه چهره تان باشـــیدو فراموش نکنید که قیافه شما، آئینه، آینده تان است .

بقیه صفحه ۳۶

از تاریخ باید...

درعمل ودرنتیجه‌ی پایمردی مردم افغا نستان دید که غلط حدس زده‌بود واین کشور قهرمان تسخیر ناپـذ یر است. مردم غیور وسلحشور افغانستان این کشور گشای نامدار را چارسال

تمام درکشور خـویش به اصطلاح به‌کاسه‌ی سرآب دادوحتی خودش ویك قوماندانش بنام بطلیموس زخم برداشتند.

این رویداد کلاسیك تاریخی درس بزرگـی برای جوانان وطن پرافتخار مامی‌آموزد کـــه چگونه اتحاد ویکپارچگی آنان کشور ومردم‌مارا ازچنگال متجاوزین واستعمار گـــران رهایـی می‌بخشد.

بازهم تاریـخ افـــغانستان باستان راورق می‌زنیم درقرن دوازدهم میلادی هنگامیکه بـر سرزمین ما امیربی تدبیروترسوئی حکمر وایی

می‌کرد ودرپهلوی سرحدات کشور ما(البته‌در همان زمان) صاعقه‌ی بوقوع پیوسته بـــود

درکنار سرحدات شرقی وجنوبی ما چنگیزاین سفاك ترین موجود بشری بقدرت رسیده بـود وباوجود آنکه عظمت وقدرت کشور مـا اورا واداشته بود تااز دردوستی پیش آید ولـی

خیره سری هیات حاکمه ((کـــه‌سوا مـــردم زحمتکش بودند)) این پلنگ خونخـــوار را بخشم آورد. این امیر (سلطان‌محمدخوارزم‌شاه) باوجود آنکه سرزمین وسیعی را ازسیحون تا

عراق اداره می‌کرد وچهار صدهزار سوارمجهز

داشت وتمام راههای تجارتی رانیز در دست داشت یعنی همه راههای تجارتی آنوقت تـــا

سواحل مدیترانه ازقلمرو خوارزمشاه‌میگذشت. وهنگامیکه هیات حسن نیت چنگیز خان ازطرف

این امیر خیره سرودرباریان‌همانندش بابرخورد

غیر دوستانه استقبال گردید وتارومارشدنـــد، چنگیز خان به‌همین بهانه وبرای اخذ انتقام‌بـا عساکر خویش به‌کشور ما یورش بردند. امیر ترسوویی مقدار بعوض اینکه بانیروی عظیمی

که‌داشت بادشمن بمقابله برخیزد راه فـــرار درپیش گرفت وهرقدر وطن پرستان اورا بـه مقاومت ترغیب کردند، کم شنید وسر انجام

کشور را درمعرض تباهی قرار داده خودفرار نمود. همه میدانند که چنگیز واخلافش چـــه

تبهکار تیها وویرا نگریهایی در افغـــانستان کردند وچقدر هموطن مارا ازتیغ‌کشیدندوشهرها وقصبات معمور وطن مارا باخاك یکسان‌کردند.

با وجود آنکه مردم افغانستان بدون پادشاهو سرپرست بزرگترین حماسه هارا درین حادثه

ثبت تاریخ نمودندولی ویرانگری و سفاکـی دشمن بی اندازه بود.

ازین حادثه ی المناك چنین باید آموخت‌که این مردم وزحمتکشان اند که‌ازمام‌وطن و از

حیثیت آن دفاع می‌کنند وهروقت که سلاطین ومفت خواران اندکترین خطری را متوجه خـود

دیده اندوطن رادر معرض بلا گذاشته وخودرا ازمرگ نجات داده اند درمقابل وطن پرستان

ومردم افغانستان ازهمه امکانات وسر بازی‌های امکانات وسربازی های خود برای دفع‌دشمـن استفاده کرده اند وجان ومال خودرا در مقابل

وطن قیمت نداده اند وهکذا درطول تاریخ‌این مردم افغانستان بوده که‌وطن خودرا از چنگ

دشمن نجات داده وویرانی های ناشی از کینه توزی دشمنان وطن را باعرق ریزی وفداکاری

جبران کرده اند.

سلطان فلزات

نویسنده : ارنست هورز
ترجمه‌ی : داود «زهدی»

طلا این ماده گرانبها وپرارزش از شش هزار سال قبل باینطرف افکار انسان را، به سوی خود جذب نموده است .

طلاماده عجیبی است که زمینه‌سعادت‌و خورسندی بشر را مساعد میگرداند .

طلا بحیث معیار ارزش، مقامی والا دارد واین فلز نجیب با زیبایی مختص بخود ، در سراسر جهان ، بصورت میله های زردرنگ ولشم در جریان قرار دارد . قیمت رسمی هر اونس آن در گذشته سی وپنج دالر بود و چند سال قبل فی اونس به سی وهشت دالر بفروش می رسید اما این نرخ نیز بسر عت تغییر کرد ،وامروز هر انس آن به بیش از شش صد دالر ارزش پیدا نموده است .

درامریکا وبرخی از کشور های دیگرجهان طی چندین سال قونونا نگهداری طلا بصورت انفرادی ، باستثنای استفاده آن بصورت جواهرات زینتی ، ممنوع بوده است .

طلا

بانکهای مرکزی ممالك، طلا رادر سیف های خویش بحیث‌ذخیره وپشتوانه نگهداری می نمایند و کشور ها در معا ملا ت امور حسابی خویش از آن استفاده میتمایند.

طلا زمانی بحیث اساس پولی ما واکنون بصفت ستون سیستم صندوق پولی‌بین‌المللی نزد اکثر کشور های جهان ما، حیثیت‌یگانه فلز محبوب را دارد .

اما طلا چیز دیگری هم است . یعنی این فلز سلطان فلزات بوده وبدون آن تمد ن ماشکل موجود را نخواهد داشت .

سمبول علمی طلا که شاخص عشق وعلاقه که ما در ینجا حرف از آنها مختصرتذکری انسانها با این فلزاست از قرن ها باین‌طرف، همانا، تصویر آفتاب بود اما اکنون سمبول آن (ای . یو) می باشد .

طلانه از گذشت زمان متاثر می شود ونه ازهوای نامساعدضرری می بیند. آبواکثر محلول های مخرب نیز، روی آن تاثیری ندارند از این روست که تصاویر و مجسمه طلایی جاودان باقی می مانند .

طلا را آب کرده واز آن قالب گرفته اند واین کار در طول زمان بقدری تکرارگردیده است که شاید انگشتر کلك شما، روز ی گردنبند ملکه ای «شیوا» بوده باشد .

استعمال طلا مورد زیاد داشته از نوك قلم گرفته تاه طلاانودن بشقاب ها وریسمان‌های کیهان نوردان، از طلامی باشد .

طلا رنگ روشن دارد، زیاد سنگین است وقدرت سیم ساختن وورق گردانیدن آن از همه فلزات زیاد تر می باشد . در ورق‌سازی میتوان ، یك ورق طلا را، یك بردوصدوپنجاه هزار یك انچ نازك ساخت واز یك اونس طلا سیمی بطول سی وپنج میل بدون آنکه بشکند ساخت .

اگر طلا با سایر فلزات مخلوط گردد سخت تر می شود وخواص ظاهری خودرا تغییر میدهد . مخلوط کردن نقره باطلا رنگ آنرا مایل به سفید میسازداما مخلوطمس آنرا سرخ میگرداند . رنگ های زیبای دیگر مانند سبز، نارنجی، یاقوتی و غیره را نیز میتوان بدین ترتیب یعنی با مخلوط نمودن طلا با سایر فلزات بدست آورد .

حینیکه که شما زیورات طلایی را خریداری مینمایید اگر بخواهید که اندازه‌طلای‌خالص آنرا معلوم کنید میتوانید آنرا به محك بزنید . وبدانید که چقدر طلا درآن بکار رفته است . حصه ای طلای خالص، در هر چیز، به قیراط تعیین میشود، بیست و چهار قیراط بمفهوم طلای خالص است . پس یك انگشتر هجده قیراط عبارت است از هجده حصه طلا وشش حصه مخلوط فلز دیگر .

زرگرهای عصر جدید، معلومات تخنیکی زیادی از زرگر های سابق در مورد طلاکسب نکرده اند .

از شاهان گذشته، گلدنها، وتاج ها ی طلایی بری ما باقی مانده است . همچنان از «ترس کن ها» که شاید زرگر های ماهر زمان باستان بوده باشند کاسه کوچکی بدست ما رسیده که درآن یکصدوسی وهفت هزار نگین کوچك ومدور طلایی، بکار رفته وباصطلاح دانه نشان گردیده‌است و این دانه نشانی طوری صورت گرفته که شکل شگوفه ای را نشان میدهد .

طلا از نگاه فشرده بودن ذخیره معقولی را بار می آورد . زیرا یك «کیوبك» فت‌طلا، یعنی یك توته طلابطول، عرض وبلندی یك فت بیش ازنیم تن وزن ودرحدود هفت - صدوچهل هزار دالر باساس نرخ قدیم، ارزش دارد . هرگاه تمام ذخایر طلای روی زمین را، آب کنیم، ارزش آن نودوشش بلیون دالر شده وعبارت ازیك خشت طلا ی عظیم باندازه یك خانه بزرگ خواهد شد .

طلا رادر همه موارد از اشیای ناچیزگرفته تا اشیای گرانبها بکار برده اند. یك تزار روسی بایك مجسمه طلایی بازی وساعت‌تیری می کرد .

شهر با عظمت آتن در زمان «اکوپولیس» مجسمه بزرگ وطویل، «آتینا» راکه لباس آن، بیش از یك تن وزن داشت حایز گردید .

اکثر از عجایب طلایی جهان باستان اکنون نابود گردیده اند اما موزیم های قاهره هنوز هم تابوت های پادشاهان قدیم خودرا که ا ز طلای خالص ساخته شده اند در خود دارند. هریك از این تابوت هاشش فت ودو انچ‌طول ودو هزار وچهار صدو پنجاه پوند وزن دارد.

در سال ٦٥٠ قبل از میلاد پادشاه «لیدیا» بنام «گی‌گز» نخستین سکه طلایی را ضرب زدکه دارای نشان شاهی همان زمان بود . از سکه پادشاه مذکور همین امروز نیز چند سکه، موجود است که هرسکه آن به بیش از سی وهشت هزار دالر خرید و فروش میشود .

دربین تحایف ونمونه های که کرستوف کلمبوس در اولین مسافرت خود از امریکابه هسپانیا، فرستاد چند پارچه طلاهم موجودبود. حینی که هسپانوی ها وارد دنیاجدیدگردیدند این حقیقت برای آنها روشن گردید که آنها به «الدورادو» رسیده اند .

«ارناندوکارتس» وقتی که در مکسیکوپیاده شد کمربند خویش رابه هندی های بو می آنجا داد تا آنرا باخاکه طلا آغشته سازند .

«فرانسکوپیزارو» با یکصدو هشتاد نفر از همراهانش وارد دنیای طلایی «پیرو گردیدند زیرادر آن زمان در این سرزمین بقدری طلا فراوان بودکه اکثر اشیا را از طلا سا خته شده بود .

چشمان این هسپانوی هااز نگریستن آن همه طلا خیره گردید و تا امکانش برای‌آنها میسر بود ، خودرا صاحب طلا ساختند .

این بیگانگان تا یك صد سال بطور منظموارد امریکا شده و کشتی های مملو ازطلاونقره ربه اروپا رسانیدند . همین ثروت سرشار در اروپا منجر به انقلابی گردید که سیستم تبادله جنس به جنس را واقتصاد تبادله جنس به پول را در صنایع رویکار آورد .

طلا تقریبا در هر سرزمینی پیدا میشود . مس، زغال‌سنگ‌وخاك های زردی‌که‌ماازان جهت آبادی عمارات خویش کارمی گیریم شاید دارای یکمقدار طلا باشند .

در هریك «تریلیون» آب شور بحر نیز یك فیصدی معین طلا وجود دارد .

طلا از نگاه استخراج اقتصادی بدو طریق بدست می آید .

یکی بصورت رگها ودیگر بطور پاشان و پراگنده . رگهای طلا عموما در سنگ لاخ های کوه‌ها وجوددارد‌که عموما با سنگ «کوارتز» از داخل زمین، طی دهها ملیون سال قبل، بیرون انداخته شده اند .

خاکه پاشان وریزه های طلانیز دربین همین سنگها وجود داشته تا آنکه تخریبات جوی با آن مصادف گردیده وپارچه های ریزوکوچك طلا در طول مسیر دریا ها ذریعه آب حرکت داده شده ودر برخی ممالك د ر کنار دریا ها انتقال یافته ومردم ازآن‌استفاده میکنند .

امروز تقریبا تمام نقاط طلا دارگیتی‌کشف شده است . استخراج معادن طلای کلیفورنیا در سال ١٨٤٨ توسط جیمز مارشال آغاز گردید . یك سال بعد ازاین تاریخ هشتاد هزار نفر در جستجوی طلا بطرف غرب سرازیر شدند .

معادن طلای افریقای جنوبی تقریبا هشتاد سال پیش از امروز مورد استخراج قرار گرفت . ازاین معادن سالانه تقریبا دو هزار تن طلا معادل نصف طلای جهان استخراج میشود .

روسیه شوروی در تولید بیست وپنج‌فیصد طلای جهان در بین کشور های طلادار جهان مقام دوم را دارد .

امریکا چهار فیصد طلای جهان را تولید میکند وبا این تولید سهمی در تولید طلای دنیا دارد .

طلابدرجه ٤ر١٩٤٥ فارنهایت ذوب میگردد اما اگر بصورت مایع در درایه تغییر رنگ نمیدهد . تماشای طلای مایع در فابریکات ذوب طلا، خیلی دلچسپ‌است ،طلای ذوب شده از ظرف های کوچك دارای دسته ای آهنی به قالب های آن میریزد . دسته های این ظرف، برای ریختن طلای مایع باید خیلی محکم باشد .

زیرا اگر یك قطره کوچك هم از آ ن بیرون افتد شاید در حدود یك اونس وزن داشته باشد . میله های‌که از قالب هابدست می آیند دارای نمرات مسلسل میباشند تا میله های مذکور از هنگامیکه توسط مو تر های مسلح از فابریکه خارج میشوند تاوقتی که بجا های مطلوب میرسند تعقیب شده بتوانند .

میله های طلا بعد از خروج از فابریکه ، ممکن است دچار حوادث گوناگون گردند. زیرا قرار تجاربی که بعمل آمده از هرهفت میله طلایی که از فابریکه خارج می گردد با آنکه حمل آن بطور خیلی مصئون ومنظم صورت می گیرد یك میله آن، از مسیرخود خارج شده اطراف واکناف جهان را می گردد.

در همه نقاط جهان بازار سیاه طلا وجود دارد مارکیت های عمده طلاکه در شهر های چون بیروت، داکار، هانکانگ وبمبئی‌موقعیت دارند مقادیر زیاد طلا را بفروش میرسانند. کسی‌که به‌خرید وفروش یك میله طلامیپردازد در حدود یکهزار دالر سودمی برد .

امروز هیچیك از کشور های جهان، طلارا بحیث پول رایج خویش در دادوستد بکا ر نمی برد. امابعضی ممالك برای فراهم نمودن قناعت افراد ذوقمند طلا، طلای مسکوك نیز دارند . چنانچه در بریتانیا مسکوك طلایی را ضرب می زنند ودربازار های آسیا به قیمت زیاد بفروش میرسانند .

همچنان طی سالهای اخیر سکه های بیست دالری امریکایی‌که در ایتالیا ویا لبنان ا ز طلای بهترضرب زده میشود واردبازارگردیده وبالای توریست هابه قیمت فی سکه شصت پوند بفروش میرسد در حالیکه ارزش آ ن چهل دالر میباشد .

مردم فرانسه میتوانند که سکه های طلایی را قانونا از هربانك کشور شا ن خریداری نمایند زیرا آنها طلا را بهترین تضمین در مقابل هرگونه خطر میدانند . از این ر و فرانسوی ها یك برچهار حصه طلای انفرادی جهان راکه در حدود پانزده بلیون دالرمیشود درخانه هایشان دارند .

میله های طلادارای نمرات مسلسل‌میباشد

سایتسدانان از قرن ها باینطرف ، ادعا

بقیه‌درصفحه٥٢

بااشتراك در روزنامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلا عات وکلتوربا فرو ریختن‌مرز تفاوت وجه اشتراك شهر وده در خدمت بیشتر علاقمندان روز نا مه‌ها جراید ومجلات است .

بخا طر اینکه در سال نو کلیه روزنا مه ها، جرا یدومجلات بتوانند در وازه های‌تمام مشتر کین راصرف نظر از شهری ورو ستا یی یکسان بکوبد ، مد یر یت عمو تو زیع روزنامه ها ومجلات وجه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذ یرد .

دستدا ران روزنا مه‌ها ،جرا یدو مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید ویا در دشت های گسترده وو سیع حیات بسر می برید ....

شما که در کابل هستید ویا در دره های پر خم وپیچ میتوا نید با پردا خت وجه اشتراك یکسان در جمله مشتر کین روز نا مه ها،جراید ومجلات مابا شید از داغ تر ین رویداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهی بیابید وسا عت هاسر گرم شو ید.

روز نامه حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روز نا مه حقیقت انقلاب‌ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغا نی واگر شا گرد ویا محصل **باشید با ارا ئه تصد یق در بدل** یکصدو پنجاه افغا نی یکسال بشما روزنامه میفر ستیم .

انیس:

اگر انیس میخواهید در هر گو شه میهن‌که با شیدباپرداخت دو صد وبیست افغا نی واگر شا گرد ومحصل هستید باپردا خت **یکصدو پنجاه وپنج افغانی‌یکسال روزنامه‌رسان درب منزل شمارا** میکو بد .

هیواد :

اگر روز نا مه هیواد را بخوا هید در هر کنار وطن که‌هستید دربدل یکصد افغا نی واگر شا گرد ومحصل باشید در بدل هفتاو پنج افغا نی یکسال روز نا مه درخدمت شمااست .

کابل نیو تایمز:

اگر روز نا مه کابل نیو تا یمز را انتخا ب کنید در هر نقطه کشور که با شید با پردا خت یکهزارو ششصد افغا نی واگر شاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق‌و پردا خت دو صدو پنجاه افغا نی یکسال شما مشترك ما هستید .

مجلات وجرا ید ما نیز حسب زیر یکسال درخد مت شما خوا هد بود.

مجله ژوندون :

سا لانه پنجصد افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارئه تصدیق چهار صد افغا نی .

کمکیانو انیس :

سالانه یکصدو بیست وپنج‌افغا نی.

مجلات پکتیا ، کندهار ، ننگرهار، بلخ ،کهول ،آواز ، فرهنگ خلق هنر، کتاب ،کو شا نی وجرا ید یو لدوز ، گورا ش وسوب دردا خل کشور سالانه شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارا ئه‌تصد یق چهل‌و پنج افغا نی .

مجله آر یانا بزبان انگلیسی:

سا لانه یکصدو شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغا نی. شمامیتوا نید در مر کز همه روزه از اول‌تا اخیر حوت بمد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات در جوار عمارت مطا بع دو لتی ، انصا ری‌وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجه اشتراك تا نرااز مر کز وو لایات به حساب (٦٠٠١) وا ردات دولت تحو یل و آو یز آنرا مستقیما عنوانی مد یریت عمو می تو زیع روزنا مه هاو مجلات انصا ری وات کابل بفر ستید .

شر ح اشتراك روز نامه‌ها: ومجله در خارج کشور :

وجه اشتراك روز نامه حقیقت‌ـ انقلاب ثور ، انیس ، هیواد وکابل‌ـ نیوتایمز در خارج کشور ،هوا یی صد دالر وزمینی سی دالر .

برای محصلین ،هوا یی هفتاوپنج دالر زمینی بیستو سه دالر .

وجه اشتراك مجله ژو ندون در خارج کشور هوایی صددالر ، زمینی سی دالر برای محصلین ، هوا یی هفتا وپنج دا لر ، زمینی بیستو سه دالروجه اشتراك مجله کمکیا نوانیس درخارج کشور ، هوا یی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه اشتراك مجلات‌پکتیا،کندهار، ننگرهار ، بلخ ،کهول،آواز ،فرهنگ خلق ، هنر ،کتاب ، کو شا نی‌و جراید یو لد وز ، گو را ش وسوب درخارج کشور هوا یی پا نزده دالر، زمینی پنج دالر ،برای محصلین، هوایی دوا زده دا لر وزمینی چهار دالر .

وجه اشتراك مجله آر یانا درخارج کشور، هوا یی دوا زده دا لر،زمینی پنج‌دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر زمینی چهار دالر .

مد یر یت عمو می توزیع رو زنامه هاومجلات‌از آغاز سال نو با وسایل بیشتر وجدی تردرخد مت‌علاقمندان روزنامه هاو مجلات است تا آخر ین اطلاعات روز وداغ تر ین حوا دث‌روز رابشما برسا ند ومجلات وجرا ید محبوب خانوا ده ها را در مو قعش برای‌آگا هی‌وسر گر می تان تقد یم کند .

وقت گرا نبها ست ، از زود ترین فرصت استفا ده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مر تب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراك پا یان میبا بد .

مرجع اشتراك :

مدیر یت عمو می‌تو زیع‌روزنامه‌ها ومجلات .

بقیه صفحه ۷

چشم اندازی بر پهنای...

«کا لبو یومادمیلوا «طراح رقص با لت،هنر- مند ورزیده قر غیز ستان دو سال‌در «اولان- با تور » پایتخت مغو لستان تعلیم با لت را فرامیداد ودر جنوری ۱۹۴۷ بنابر تقا ضا ی رفقای ویتنا می به «هانوی «پایتخت‌جمهوریت دمو کراتیك ویتنام رفت و در مکتب رقص بالت شهر هانوی هنربالت را میا مو ختا و «رو برت اراز کلد یف «از سا ل ۱۹۷۲ تا بعد از سال ۱۹۷۴ درتیا تر قاهره‌پایتخت جمهوریت عربی مصر شا گردان‌زیادی رادر رشتهٔ با لت تعلیم وتربیت‌آ مو خت.

در آذر بایجان شوروی :

بطور نمونهٔ از پیشر فت هنر با لـــت‌در حوزهٔ قفقاز (سر زمین پریان کوه قاف) ، جمهوریت سوسیالستی آذر بایجان شوروی را درینجا مثال میز نیم . از ورای معلومات دستداشته واضح میگر ددکه قبل از انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷) در آذر بایجان هنرمسلکی با لت وجود ندا شت ولی حالا در تیا تـــر او پراو بالت «باکو «پایتخت آذربایجان‌دسته بالت‌طراز اول‌مشغول فعالیت است• یکی از بز رگتر ین اسا س گذاران مو سیقـــی بالت آذربایجان وکمپوزیتورمستعد«فراقرایف» شاگرد «دیمتری شا ستا کوویچ «میبا شد که طا هر صلاحوف نقا ش آذر بایجانـــی تصو یر او را کشیده وتا بلوی مرسو می او در یکی از سالو نهای گالری نقا شـــی -«ترتیا کوف»باکو آویخته میبا شـــد . از بالتهای مشهور «فراقـــرایف» کـــه بیشتر شهر ت و محبو بیت دارد میتوا ن «هفت‌زیبا روی «و «باکوره راه رعد «رانام برد که در مسکو ، لیننگراد وبسیا ری شهر ها ی دیگر اتحاد شوروی و همچنا ن در کشور های خارجی از هرکدام آن بخوبی استقبال شده ومیشود .

همچنان در پایان این مبحث قابل تذ کر است که دریکی از مسابقات، هنرمنـــدان با لت کل شوروی ، پیغله «نا دیژداپاولوا» متعلمه صنف ششم مکتب خور پو گرافی‌شهر «برم» برنده گردید . موصوفه در آنوقـــت شانزده ساله بود و حالا بیست و دو سال دارد و یکی از با شند گا ن‌شهر«چیوکسار» پا یتخت جمهوری خـــو د مختار شوروی سو سیا لستی «چو واشیا «در جمهوری‌شوروی فدراتیف سوسیا لستی روسیه میبا شد .

این مو فقیتها ی فزایندهٔهنری مظهر ی‌از مظا هر فر هنگی اتحاد شوروی وروشنگر نیرو ی ابداعی پایان نا پذیر وجوا نی هنر با لت آن سر زمین پهناور میبا شد کـــه پدیده ها ی پر مایه آن روز تا روزمراحل متکا ملتر خود را در حلقه های هنر روان و مردم هنر پرورش بیش از پیش میپیما ید.

«ختم»

بقیه صفحه۲۷

آیا تیلفون برای...

چندی قبل نامه به ادارهٔ مجله رسید و نویسنده نامه از بر حرفی همسرش درتیلفون شکایت نمود .

ونوشته شده است که :... خدامیداندکه چقدر این وضع ناراحت‌کننده‌است برای‌کسی که بخواهد به منزلش تیلفون نماید ، اما ساعت ها انتظار بکشد تا لین تیلفو ن فارغ گردد. این نویسندهٔ محترم نوشته است : چندی قبل می خواستم به منزل خود تیلفون کنم چون کار خیلی ضروری داشتم و نمی توانستم که با دیگر وسیلهٔ خودرا بخا نه برسانم زیرا وقت زیادی را در بر میگرفت از این رویه منزل خویش تیلفون کردم اما هرقدر کوشیدم موفق نشدم که تماس حاصل کنم زیرا هر دفعه که‌نمره رادایل میکردم لین مصروف بود خلاصه اینکه بیش از یك ساعت انتظار کشیدم تا بالاخره موفق شدم‌که بامنزل خویش‌تماس‌حاصل نمایـــم.اما بدبختانه دیگر وقت گذشته بود زیرا آنقد ر معطل شده بودم که کار از کار گذشته بود وموفق نشدم که آن کار را به موقعش‌انجام دهم . زمانیکه با عصبانیت علت مصر و ف شدن لین تیلفون را پرسیدم زنم به من گفت که تیلفون به چه کار می آید که انسان نتواند خانه دوست وقوم خویش تیلفون‌کند بعد ها دانستم که همسرم با یکی از خواهر خوانده هایش قصه فلمی راکه شبی‌قبـــل‌در تلویزیون دیده بود به دوستش می نمود .

بلی قصه فلم از راه تیلفون، این هم‌شد راه استفاده از تیلفون !

خوب شما قضاوت کنید که آیا این کار منظورم این طور استفاده از تیلفون کـــار عاقلانه ومعقول است ؟

بدون شك شما هم با ماهم عقیده هستیدکه تیلفون وسیله ارتبا طی برای آسان‌سا ختن خانوده ها است ونباید از ا ین راه سوء استفاده شود .

یکی دیگر از مزاحمین تیلفونی ، استفاده از تیلفون های عامه است که بدون درنظر داشت موقعیت ومشکلات دیگران همینکـــه گوشی تیلفون را گرفتند دیگر خدا بدادآنان برسد تاگوشی تیلفون را بگذارند ، گاهی اتفاق افتاده که‌در پشت غرفه‌تیلفون عمومی صف طویلی از مردم تشکیل گردد تـانوبت بیابند . و این امر تـاز گـــی ندا ر د نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری ازکشور ها از این نوع استفاده های نا معقول صورت میگیرد .

هدف از این تذکر اینست که آنعده ا ز همشهریان محترم باید رعایت یك سلسلـه نزاکت هارا بنمایند وبا تیلفون های بی موقع وطولانی شان باعث ضیاع وقت دیگـــران نگردند .

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب ثور زمینه های کار ، مصروفیت‌درتمام شقوق حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهیا گردیده وبا این احیا در زمینه های مختلف حیات، دیگر موقع آن باقی نمی ماند تا با پرحرفی ها ووراجی ها وقت خودو دیگران را ضایع سازند .

در جوامعی که زمینه کاروفعا لیت وجـــود داشته باشد به همان اندازه مصروفیت هـــا خلق میگردد واین امر باعث میگردد که‌وقت وزمان که در امر سازندگی زندگی‌حیات‌نوین مانقش ارزندهٔ دارد بیهوده بهدر نرود .

بقیه صفحه ۲۳

یکبار دیگر...

ساله اش رادر خانه تنها گذاشت ، دخترك‌وقت کافی داشت تابه قرص های خواب آور رسیده وآنها را ببلعد • زیرا او فکر می‌کرد دواهاباید نوعی از شیرنی باشند اما دخترك به‌معجزه‌آسا استفاده وعمل کاربن فعال از کام مرگ‌نجات یافت •)

سال ها قبل دست اندر کاران طب ، مانند بیوشیمی ، معافیت و ایمنی شناسی و خون شناسی انستیتوت ثانوی طب اتحاد شوروی تحت نظر اکادمیسین یوری لوپوخین‌بر پرابلمی مبنی برسم زدایی موارسمی خون بر خوردند • این قدم بزرگی بودکه امروزبازده اش رامیتوان در خدمت مردم جهان به مشاهده گرفت • به صورت عمده خون محتوی مواد وسلول های تفاوتی است وشامل دو بخش جامد ومایع است وبر خلاف تصور بخش زیاد خون آب نیست• ووی باید بامحافظه استثنایی فلتر بشود • درین صورت خون باید یك تسمت عمده از ترکیب خویش رااز دست میدهد • در حالیکه سعی می‌شود با شیوه‌های نوازین کار جلوگیری گردد •

کاربن فعال به صورت خیلی جدی خون رااز توکسین ها (سم سزهر)تصفیه می نمایدکاهش میکانیکی برخی از تناسبات سلول های خون درین عمل مطرح بحث نیست برای کناره جویی ازین کار دانشمندان میخواهند کره‌های ازکاربن فعال رابا ماده مخصوص بپوشانند • تامانع انتقال آن به سلول های خون‌گردد •تابه آسانی اجسامك های زهری را رد نماید• درهمه‌مراحل تصفیه اساسا خون بیمار باایجاد یك کانال ارتباطی به وسایل مغلق میکانیکی میرود وبعد زیر عملیه رفته تادر جریان تعاملات حساس‌و مطمین تری‌تصفیه بشود •اینکار ناراحت کننده نبوده و حداقل نیم ساعت رادر شفاخانه دربر خواهد گرفت •

کاربن فعال در جریان عمل پیوند اعضا در دنیای جراحی نقش شایانی دارد •

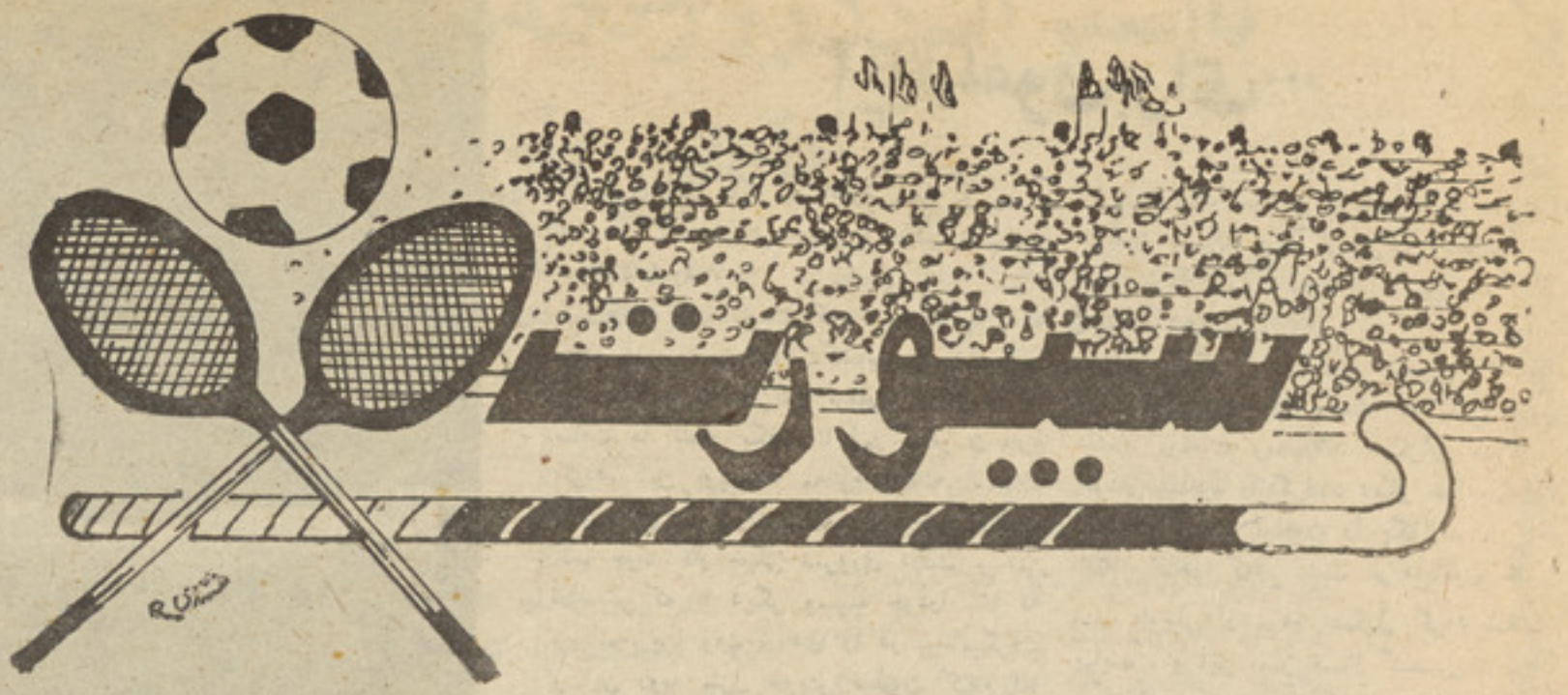

در کلپ ورزشی تعلیم و تربیه در حدود ۴۵۰ شاگرد همه روزه تمرین می نمایند

علاقمندان محترم ورزش باکلـــپورزشـــی تعلیم وتربیه آشنایی زیادی دارند ، ایـــن هفته سری به آن کلپ زدم تـــا ببینـــم شاگردان این کلپ در کدام رشته تربیـه می‌شوند وچه گفتنی هایی دارند . ابتدابا سر- پرست کلپ که خودش هم یك ورزشکـار خوش اندام به نظر می‌خورد به گفتگو مـی پردازم ، تا معلوماتی در باره چگونگی کلپ حاصل وبه شما خوانندگان صفحه ورزش تقدیم نمایم بعد از جور هستی وبخیر ... خود را چنین معرفی می‌کند :

اسمم محمدسلیم تخلص ایوبی و فعلاسر- پرست کلپ ورزشی تعلیم وتربیه می‌باشم . از محترم‌ایوبی می‌پرسم،بطور عموم‌شاگردان کلپ چه چیز تمرین می‌کنند ؟

- شاگردانیکه درین کلپ تربیه می‌شوند وتمرین می‌نمایند در رشته های پهلوانی ، بـوکسینگ ، وزنـه بـرداری ، جمناستیـك وپینگپانگ می باشد .

- شاگردیکه بخواهد عضویت کلـپ را حاصل نماید چطور می تواند شامل کـلپ شود ؟.

-چون کلپ تعلیم وتربیه یـــك کلپ رسمی می‌باشد ، شاگردیکه بخواهد شامل کـلپ شود به ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیـم وتربیه در خواست می‌دهد که بعد از موافقه ریاست مذکور ومعاینه دکتوران وزارت‌تعلیم وتربیه در صورتیکه وجود شاگرد سالم و صحت باشد به امریت کلپ معرفی میگردد، نظربه ذوق شاگرد درهر رشته ایـــکه‌خواسته باشد به ترینر همان رشته معرفی میگردد که ترینر همان رشته مدت یك الی دو هفته‌تعلیم تخنیکی وتکتیکی اش میدهد وبعد از معلوم نمودن استعداد، پابندی‌به حاضری وتمرینات اخلاق خوب سپورتـــی به حیـــث‌عـــضوکلپ شناخته می‌شود . نامبرده افزود :

درسابق شاگردان کلپ تا وقتی عضویت کلپ را می داشتند که شاگرد مکتب مـی بودند اما بعد از پیروزی انقلاب ظفرمند ثور شاگردان با استعداد ، در صورت موافقـــه ریاست تربیت بدنی تا هروقتیکـــه خواسته باشندمی توانند عضوکلپ باشندوبه تمرینات خود ادامه دهند . همچنان در مورد تمرینات شاگردان باید گفته شودکه تعداد شاگردان این کلپ نظربه گنجایش خود کلپ زیاد بوده وروز افزون می باشد بخاطر جذب زیادتر شاگردان، تمام ورزشکـــاران به گروپـــهای مختلف تحت یك پروگرام منظم در هفتـــه سه روز تمرین می نمایند .

حال داخل اطاق تمرین کلپ‌می‌شوم تـــا ببینم‌شاگردان در چه حال اند؟

اوهو، این چه حالست در حدود دو صـد شاگرد به تمرین پرداخته می ترسم زیرمشت ولگد ورزشکاران خرد وخمیر نشوم تا چشم دید خودرا به ورزش دوستان ژوندون حکایه نمایم درحدود سی نفر بوکسر داخل رینگ بوکس روبروی هم قرار دارند و مشت های به یکدیگر حوالت می کنند این طرف رینگ بوکس دوشك پهلوانی هموار است ودر حدود پنجاه پهلوان خردوبزرگ زور آزمایی دارند ودرتلاش اندکه ، که کـــی‌راجت می‌کندتـــا پاسینش نیز وپخته شود ودر میدان مسابقه‌هم حریف را چار پلاق به دوشك بزند ومدال را نصیب خود گرداند . آهسته آهسته بیش می روم وهمچنان در هراسم که مبادا یکـی از پهلوانان حریفش را غلط نکند ومن لنگ وردار نشوم به هر صورت خود را به ترینر شاگردان بوکس می رسانم وبعد از معرفی واحوال پرسی به صحبت می نشینیم. وی‌خود را چنین معرفی می کند :

نامم عبدالقیوم ونیرو لطیف تخلص می‌کنم مدت ۱۵ سال می شودترینر بوکس دریـن‌کلپ می باشم وفعلا ٤٥ سال عمر دارم .

- چه میشود اگر از سابقه ورزشی خـــود چیزی بگویید ! .

- تقریباً ۳۵ سال می شود ورزش می‌کنم، از صنف هفت الی صنف دوازده در سپورت های اجتماعی دیگر مانند هند بال ، باسکتبال ودوش کار میکردم البته در پهلوی آن کم- کم بوکس هم میکردم وبعد از صنف ۱۲ زیاد تر در رشته بوکس کار کرده ام باید بگویم که در مسابقات زیاد داخلی شرکت نموده وموفقیت هایی نصیبم گردیده است‌که درنتیجه‌تمام مسابقاتم به شمول بوکس ۱۳ کپ ۲ مجسمه بوکس و ۲۵ مدال به یاد- گار گرفته‌ام واینکه‌علاقه زیادم‌به بوکسینگ بوده خـــوا ستم تا آخرین قدرت و یاری حیات به‌این رشته قدم‌زنم‌و شاگردانی تربیه نمایم . ازجمله شاگرد های شناخته شده‌ام که فعلا هم در همین کلپ به تمرینات خود ادامه میدهند ودر پهلوی تمرینات خود با شاگردان نو آموز نیز کار می کنند مـی توانم از عبدالعلیم قهرمان وزن نهم فریداحمد قهرمان وزن ۱۰ وحمیدالله که هر سه‌افتخار عضویت تیم ملی را نیز دارند نام ببرم ، در پهلوی اینها چهره های شناخته شده‌یی دیگر نیز می‌باشند که خود شان فعلا استادان‌کلپ های آزاد هستند که در همین کلپ تربیـه شده اند اینکه خود انها فعلاء استادان کلپ خود می‌باشند نمیگویم که شاگرد من مـی باشند چرا که ... هستند شاگرد انیکه‌بعد از دو سه ماه تمرین یك اندازه ورزیده می شوند بعداًاین کلپ را برادر خوانده و به کلپ های آزاد متوصل می شوند ویا اینکه خود کلپ ساخته ومی‌شوند استاد کلپ (!)

به پاسخ‌سوالی‌می گوید: به‌پیشنهاداستاد

عبدالقیوم «نیرولطیف»: دروقت تمرین به‌حدتوان دقت می‌کنم تاشاگردان به سر وروی‌یکدیگر حواله نکنند .

اعضای کلب میگویند: ورزش بوکس هر وورزشکار را قوی‌پنجه، دلیر وخونسرد بار میاورد نه بدمعاش .

کلب (خودش) وتائید ریاست تربیت بدنی در بهار سال نو که سال فرخنده خواهدبود مسابقات عمومی بین تمام شاگردان بوکس تعلیم وتربیه دایر میگردد که در نتیجه آن شاگردان تیم منتخب انتخاب ودر پهلوی‌دیگر تیم‌های منتخب‌به‌تمرینات خودادامه خواهندداد نامبرده افزود : فعلادر حدود هشتادشاگردویا بالاتر ازآن درین‌کلب مصروف تمرینات‌مداوم هستند که در جریان سالهای تعلیمی بـــه تعداد شان همه ساله افزود میگردد کـــه میتوان این‌جارا کلب‌نه بلکه فابریکه‌بوکسر

سازی نامید (!)وباید بگویم‌شاگردان بوکس وهم چنان‌همه اعضای‌کلب چنان تربیه‌میشوند مثلیکه در مکتب درس می خو ا نند یعنی لحظه به لحظه به هر یك از شاگردان درس داده می شود که چه گونه بزند و چطور

دفاع نماید که هر شاگرد این کلب تا جای امکان برخوردار از هر گونه تخنیك وتکنیك بوکس می‌باشد البته تاجائیکه خودم یـــاد دارم .

از نظر من بازی بوکس یك‌بازی خطر ناك

می‌باشد چرا که بوکسر ها در وقت تمرین ومسابقه به سر وروی یکدیگر چنان حوالت می کنند که اگر دفاع نشود از نور چشم و کله ومغ بی بهره اش خواهد سا خـــت همینطور نیست ؟ قسمیکه شما فکر کرده‌اید غلط است بوکس کردن تنها حواله کردن مشت به سر وکله نیست بلکه بوکس هر ورزشکار را قوی پنجه ، دلاور وخونسرد می سازد . بر عکس اینکه به کله ودماغ‌نقصی برساند ورزشکار را ذکی وتیز هوش مـــی سازد . اما هستند استادانیکه شاگرد رابه عوض اینکه ورزشکار تربیه کند با حیاتش بازی می کند . مثلا وقتیکه شاگرد جدید

عضو کلب شان گردید دستکش رابدستش کرده ودر میدان تمرین رهایش می‌کند در عوض اینکه تخنیك وتکنیك رایادش بدهد می‌گوید به روی یکدیگر بزنید تا پختـــه شود (!) روی چه پختگی دارد ؟ نازك ترین جای روی انسان است پر از رشته هـــای اعصاب . چنانچه به پیکر درختـــی اگر روز ها زده شود روزی میرسد که درخت بدون تبر به زمین می افتد، همین طور اگر بوکسر هاهم در ابتدای آموزش به روی یکدیگـر بزنند رشته های اعصاب تکان خورده و کله راپوچ می سازد اگر خواسته باشند دست هاراقوی بسازند خریطه های چرمی ای است که‌بنام (زندك) یا مشك ریگ یاد می شود ویا اینکه کور توپ های فوتبال را از ریگ پرمی کنند وبرای پخته شدن دست از آ ن

کارمی‌گیرند نه اینکه به‌کله وروی‌یکدیگر. چنانچه خودمی بینید که درین جا مشك های چرمی پر ازریك وجود دارد ومن شاگردان را میگویم به مشك بزنید تا دست تان پخته شود ، ولی هرآن مراقب هستم که شاگردان به سر وروی یك دیگر حواله نشوند چنانچه درین مدت پانزده سال حتی بینی یك‌شاگردم خون هم نشده، موفق باشید استاد .!

بعد از استاد با سید یعقوب محصل‌پوهنځی پولیتخنیك که عضو این کلب می‌باشد بـه صحبت می پردازم ، نامبرده به پـا ســخ سوالهایم میگوید :

سه سال می شود که در کلب ورزشـی تعلیم وتربیه به تمرینات بوکس ادامه داده‌ام وآرزو دارم تاآخرین وقتیکه بوکس میکنم عضو همین کلب باشم، چرا کسانیکه وضع اقتصادی شان نسبتا خوب نیست می توانند تا هروقتیکه بخواهند درین کلب تمرین نمایند البته تمام لوازم سپورتی از طرف ریاســت تربیت بدنی تهیه وبه‌دسترس ورزشکاران‌قرار میگیرد در پهلوی آن بعد از ختم تمرین به همه ورزشکاران فعلا یك گیلاس شیر داده میشود، اما در کلب های شخصی مصـر ف زیادتری به کار است که هر عضو کلب در کلب های شخصی باید مخارج کـلب را بپردازد ، گرچه ورزش بوکس یك سپورت ثقیله است‌که یك گیلاس شیر بعد ازتمرین چندان انرژی ای برای ورزشکار نمیدهد اما اینکه عاید هیچ نباشد ومصرف به خروار ولوگنج قارون هم‌باشد به افلاس رو بـــرو می شود . نامبرده به سخنان خود چنین ادامه داد : در مورد تربیه شاگردان باید بگویم که‌هر استاد می‌تواند شاگرد خوب ویاخراب تربیه کند . اگر استاد خشن وتند خوباشد ویا شاگرد به تند خویی رفتار کند شاگردش هم پنجاه فیصد تنـد خـویـی استـــاد را جذب می کند. به هر صورت ورزشکاران به صورت عموم وبخصوص هر بوکسر بایددارای اخلاق نیکوی اجتماعی بوده وبرخورد انسانی ومردمی داشته باشد نه مانند کسانیکه ما و شما به چشم سردیده ایم چند روزی بوکس می‌کنند بعددر بازار ویا راه های مکاتب ...

به ناحق بهانه گرفته این ویا آن را مشك ریگ خیال کرده ودست های خودرابالایش پخته می سازند که این گونه اعمال خلاف نزاکت های سپورتی وانسانی می باشد . وی گفت : حال که مرحله نوین تکامل انقلاب ظفرمند ثوربه موفقیت رسیده امیدوارم گام های هرچه فراختر در ساحه ورزش درجامعه مابرداشته شود .

صحبت را با بوکسر ها ختم و با استـــاد پهلوانی از سر میگیرم .

ـ قسمیکه دیده می شود شما ترینر رشته پهلوانی می باشید، اگر خود رابه خوانندگان محترم ژوندون معرفی کنید ممنون میشوم!

ـ اسمم سیدمومن متخلص به ســاداتـــی می باشم، تقریبا مدت دو سال میشود ترینر تیم پهلوانی کلب تعلیم وتربیه می باشم .

ـ فعلا در حدود چند نفر شاگرد درین‌کلب تمرین میکنند ؟

ـ در طول سال تعلیمی که مکاتب شروع میشود تعداد شاگردان پهلوانی در حـــدود سه صدنفر میرسد اما در ایام زمستان تعدادی ازشاگـردان نسبت مشکـلات راه وسردی هو آمده نمیتوانند . وتعداد شان تقلیل یافتـه که فعلا در حدود صد نفر ویا بالاتر از آن مصروف‌تمرین‌اند . اماعضای تیم‌الف‌کلب‌همه روزتمرین می‌کنند که تمرینات آنها تحت نظر ترینران خارجی در جمنازیوم پولیتخنیك صورت میگیرد .

شاگردیکه به این کلب جذب می شـــود برای یك ویا دو هفته تخنیك وتکنیك می آموزد بعدا با یکی از شاگردان نوجذب‌دیگر که اندکی سابقه دارتر می باشد مسابقـــه میدهد درهمین وقت است که استعداد شاگرد برای پهلوانی معلوم می‌شود البته شاگردیکه نوجذب می شود مدت زیادی به کار دارد تا یك اندازه از تخنیك وتکنیك های خـــو ب برخوردار گردد .

ـ خوب استاد، ورزشکاران پهلوانی ازیـــن طریق چـــه کمکی به جامعه خود کـــرده می توانند ؟

ـ در قدم اول در مسابقات داخلی وخارجی همین پهلوانان است که د رفش افغانستـان عزیز را در پهلوی تمام ورزشکاران جهـان بلندکرده ومی کند ودوم اینکه از عایدات سپورتی شان میتوانند به ناتوانان جامعه‌کمك ناچیز اقتصادی کنند .

حال بایکی از اعضای کلب که زیادخسته به نظر میرسد به گفت وشنود می پردازم :

ـ برادر شما چرا اینقدر خسته ومانده به نظرمیرسید ، همچنان خودرا به خوانندگان صفحه ورزش معرفی کنید ؟

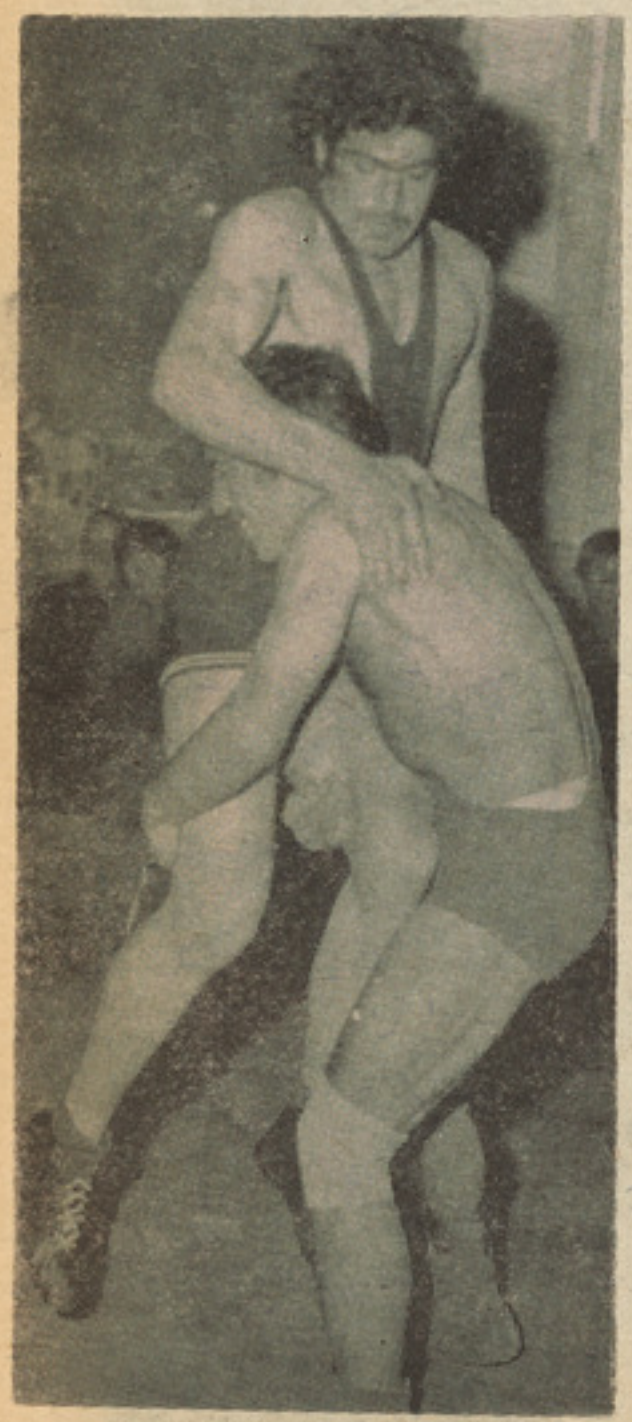

صرف تخنیك وتکنیك می‌آموزیم وبعد با حریف در میدان مسابقه زور آزمایی می‌کنیم

انتقام

زن وشوهر وارد اتاق شدند وزن رو به‌شوهرش کرد :

ـ عزیزم ... فردا هفتمین سالگرد ازدواج‌من وتواست ... پس تصمیم گرفته ام به‌این مناسبت یکی از مرغهای خود را که تخم می‌گذارد بکشیم !

شوهر سری تکانداد و گفت :

ـ خجالت بکش زن ... برای چه ؟ مـی‌خواهی انتقامت را از مرغ بیچاره بگیری ؟..

ـ من اگر به جای تو می بودم گردن‌برادرت را که باعث آشنایی ما شد مـی شکستم !؟

وزن

داکتر روبه مریضی کرده گفت :

ـ وزن شما چقدر است .

ـ هفتادو پنج کیلو گرام .

ـ حداکثر وزنتان چقدر بود ؟

ـ نودوهفت کیلو گرام .

ـ حداقل وزنتان چه حد بود ؟

ـ سه کیلو یکصد گرام .

داکتر با حیرت فریاد کشید :

ـ چه گفتید سه کیلو ...؟

مریض جواب داد :

ـبلی داکتر ! روز تولدم ؟

بدون شرح

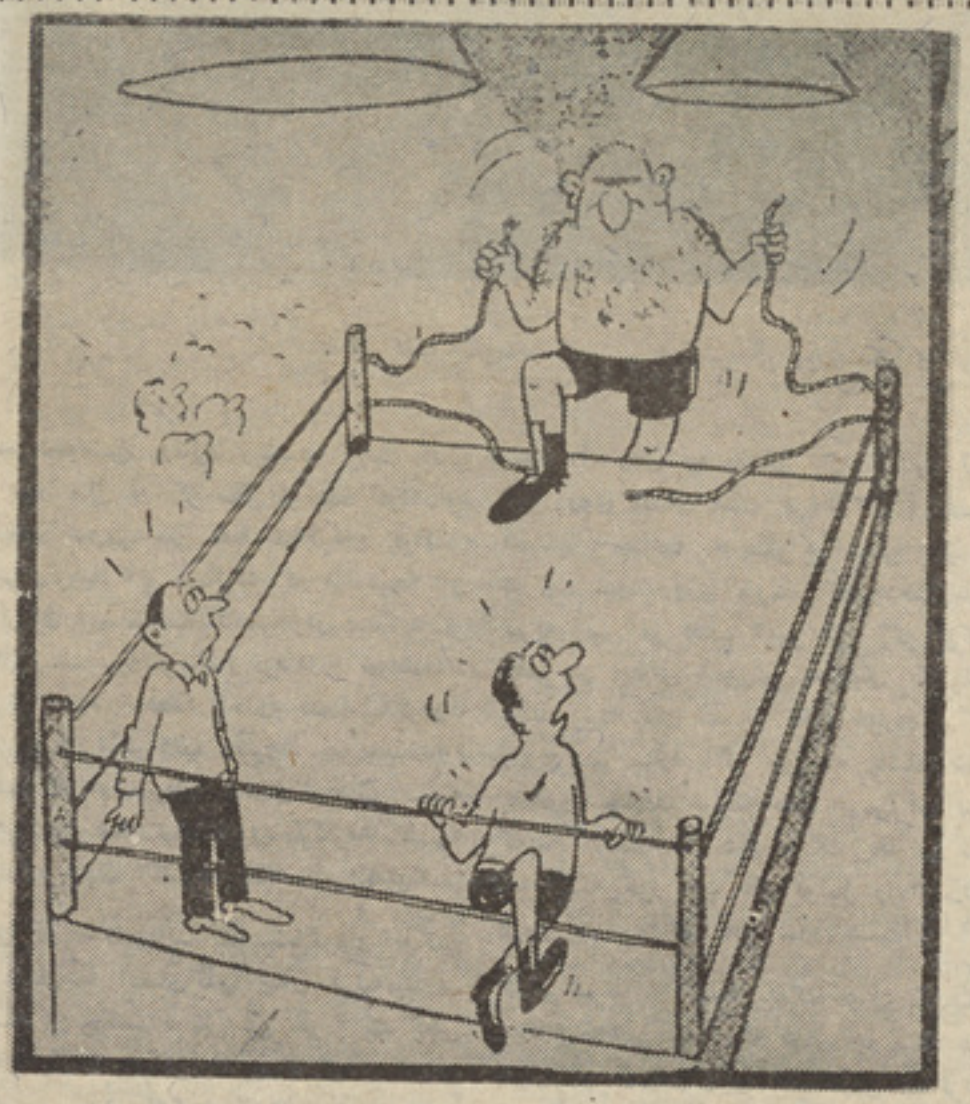

بدون شرح

استمداد

زنگ تلفون اداره پولیس یکی از شهر های امریکا بصدا در آمد وپیر دختری از آنطرف التماس کنان گفت :

ـ بکمکم بیایید ، دو مردناشناس بخانه‌ام آمده اند یکی پیر ودیگرش جوان . امید است هرچه زودتر یك پولیس بفرستیدکه مرد پیر را از خانه من بیرون کنند !

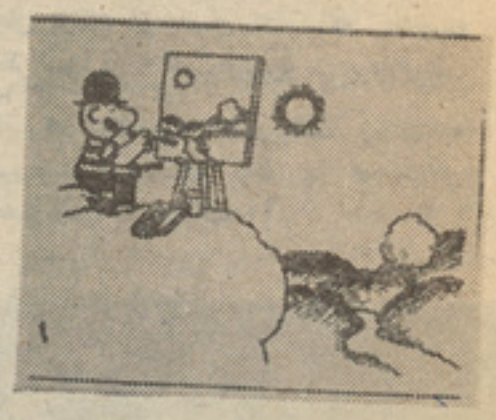

بدون شرح

مردمست

آقا نصفه شب مست بخانه برگشت ولی آرام وبا احتیاط وارد خانه شد که خانم‌بیدار نشود اما متاسفانه پایش به کدام چیـزی بند شد ودستگیردروازه صورت وی رامجروح کرد . بازهم با احتیاط از جایش بلند شد و نزدیك آیینه رفت وصورت خودرا پا نسمان کرد وخوابید . صبح خانم اورا با عصبانیت بیدار کرد که :

ـ باز دیشب مست آمدی به‌خانه ، اختیار داری یك قطره هم مشروب نخورده بودم .

خانم نگاهی بصورت زخم شده او کرده گفت :

ـ عجب است : پس ممکن است بگویی برای چه روی آیینه را با این دقت پانسمان کرده ای ؟

پسر هوشیار

پسر کانکشتر معروف از جلسه امتحان به منزل بر گشت وپدر با اشتیاق ببوی پسرش رفته پرسید .

ـپسرم بگو امتحان خوب بود پسر باغرور جواب داد :

ـعالی بود پدر جان ! آنها سه‌متمنی بودند دو ساعت تمام از من سوال کردند ولی یـك کلمه نتوانستند از من جواب بگیرند !

بدون شرح

دلیل آوردن یکجا

مادر از بچه اش پرسید :

ـ ببینم مربای آلوبالو را توخورده ای ؟

ـ نه بخدا .

ـ پس چرا خسته هایش روی زمین ریخته!

بچه باسر بلندی جوابداد :

ـ همین دلیلش است . برای آنکه مـن هرچه خوردم خسته هایش راهم قرت‌کردم .

اعتراف

تازه عروس باخجالت رو به شوهر جوان خود کرده گفت :

ـعزیزم حالا که زن وشوهر شده ایم و هیچ چیز را نباید از هم پنهان کنیم من‌ناچارم بتو بگویم که موهای من عاریه است :

داماد جوان با خونسردی جواب داد ناراحت نباش عزیزم انگشتر قسمتی را که من دادم هم بدلی داشت .

در دیوانه‌خانه

دو دیوانه گرم گفتگو بودند ... یکی ازآنها گفت :

ـ آه ... من با تو شرط می‌بندم کـه ازطبقه دهم این منزل خودم را در بین حـوض آب که برای مرغ آبی ها ساخته باندازم وهم آسیبی نبینم !

دیوانه دومی جواب داد :

ـ من هم حاضرم شرط ببندم که تونمیتوانی!پنج دقیقه بعد دیوانه اولی را به طبقه آخر ساختمان رساند واز پشت بام به بیرون خم‌شد وبدون تامل خود را در فضا رها کرد .

دیوانه دومی که از این عمل فوق العاده‌به حیرت افتاده بود بسرعت از آنجا فـرار کرد وباخود گفت :

ـ ممکن است خودش روی آن حوض‌غرق شود وآن وقت همه تقصیرش را به‌گردن من اندازد !!

بدون شرح

بهانه‌یی برای زن

زن جوان ، در حالیکه دستش پراز انواع بسته ها بود ، از فروشگاهی بیرون آمد وبه یکی از دوستانش بر خورد کرد وبا نگرانی گفت :

ـ او ، خواهر ... نمیدانم از بابت ایـن جنس ها که خریده ام به شوهرم چی بگویم ... امید وارم بتوانم بهانه ای پیدا کنم .

روز بعد دوستش به او تلیفون کـرد و پرسید :

ـ جریان خرید چطور شد ... بالاخره‌بهانه یی پیدا کردی ؟

ـ بلی ... آن هم چه طور .

خوب چی بود ؟

یك‌اتارموی طلایی‌بودروی‌یخن پیراهن‌شوهرم!!

از بالا به پائین ـ بدون‌شرح

اعتصاب

دو نفر مرد در باره زنهای خود صحبت میکردند ... یکی از آنها گفت :

ـ من تقریباً دو سال است که بازنم اصلا حرف نزده ام .

دوست دیگر با تعجب پرسید :

ـ عجیب است ... مگر با هم در این مدت قهر بودید ؟

مرد اولی آهی کشید وگفت :

ـ نه ... چون من نمیخواهم میان حرف او حرفی زد ، باشم . !!

سن خانم

خانم بعد از آنکه از حمام بیرون آمد و سر وروی خود را بدقت تمام آراسته ساخت وبه اتاق دیگر که شوهرش در آن مشغول روز نامه خواندن بود رفت وباو گفت :

ـ عزیزم ... سوال از تو میکنم که دلـم میخواهد جواب آنرا آنطور که واقعاً فکـر میکنی بدهی ... بگو بنظر تو قیافه من چند ساله نشان میدهد ؟

شوهر نگاهی به‌قدوبالای او انداخت وبعد فکر کوتاهی کرد وگفت :

ـ صبر کن بریت بگویم از طرز راه‌رفتنت بیست‌و پنج سال ...

از رنگ پوستت تقریبـاً بیست سال ... از موهایت در حدود هجده سال ... لبخند رضایت آمیزی چهره زن را روشن کرد وبا عشوه گفت :

ـ راستی میگوئی . یا فقط برای خوشحالی من این حرف را می‌زنی ؟

شوهر جواب داد :

ـ اوه ... ابداً عزیزم ... صبر کنی همه این اعداد را باهم جمع کنم تا بگویم بنظر من چند سال داری !!

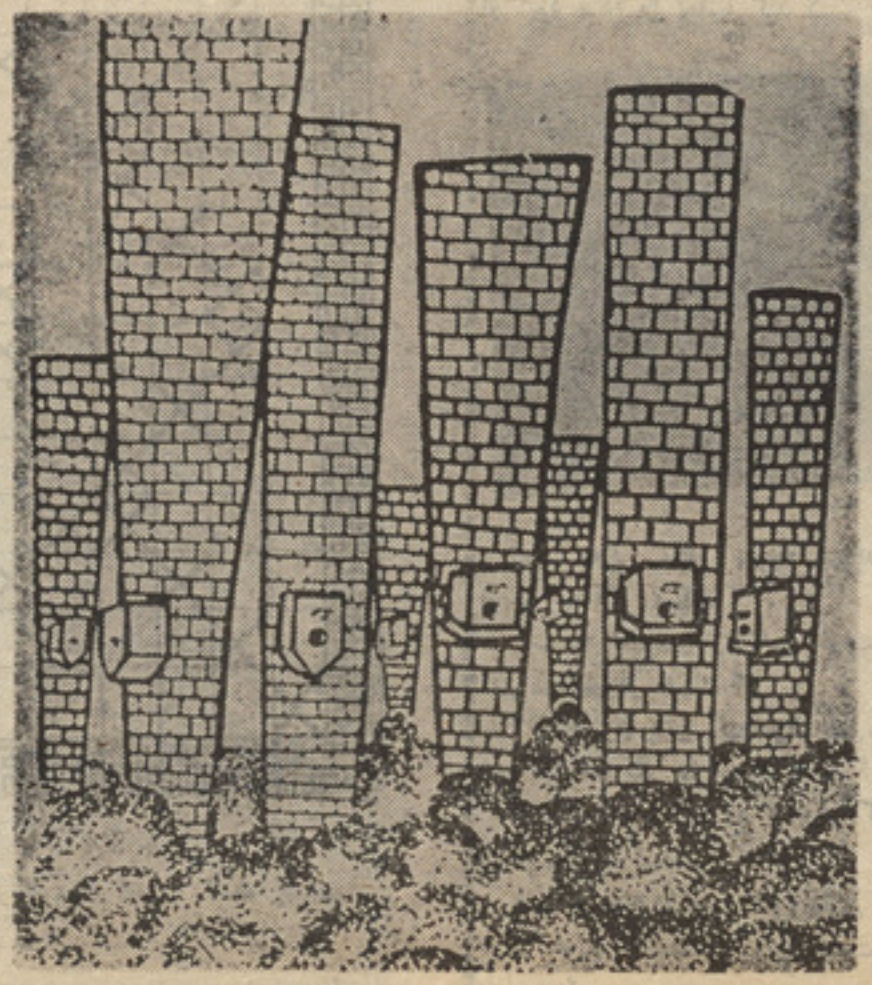

بدون شرح

فاصله‌عقل وابلهی

جـو ا ن پر گـو یی در بـرابـر و لتـر قرار گرفت که از آغاز مجلس همه رااز پرگویی وگفته های باطل وبیهوده خویش خسته کرده بود. ولتر از پرگویی اوبجان آمده بود ، ولی نمیدانست چه کند تادهان آن جوان یاوه گورا ببندد . ناگهان جوان از او پرسید : راستی بفرمایید بدانیم که‌فاصله بین‌عقل شخص‌خردمند وعقل آدم ابله چه اندازه است؟

ولتر بیدر نگ جواب داد: کاملا به اندازه این میزی که میان من وشما فاصله است.

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :ـ

۱ـ اثر بر جسته از نویسنده مشهور (جك لندن) ، این کتاب را نویسنده مشهور (ناتیل هائورن) نوشته است ـ۲ـ آنـرا کهواره انقلاب نامیده اند ، یکی از مناطق زیبـای کشور ماکه به آن یك ضرب المثل نیـزساخته اند ۳۰ـ از آنطرف کلمه ثبت پښتو، رعد نا تمام ، از خزندگان ، خودما، ازحیوانات وفادار ۰ ٤ـاز آلات تجاری ، ازابرپائیـن می آید، ماشین آنرا مور اختراع نمـود. گردنبند ، این به پښتو ، آغاز وپایان ولایت هرات ، آواز غیبی ـ٦ـ ازآن طرف خشك نیست ، شعر را می گوید ، بزرگترین آن در کشور ما آمو است ، نصف دیدن است.

۷ـاز گندم بدست می آید، وداع نکرده ،ازآهن آنرامی سازند،۸ـ وقت بزبان عـوام، شوخ بود مغشوش هم شد ، از سامان موتر،

۹ـ از آن طرف بالای دریا ساخته میشود ،منظم آن به پښتو محبت است ، آخرش را حذف کنید درس است ، خود ماست ۱۰ـمادر بزبان عوام ، مار دم بریده ، عدد بیگانه، معدن هم ردیف آن ست ۰ ۱۱ـهسته ناتمام،اثر یکی از نویسنده گان جهان ، عادت که آغازنداشت جدایی۱۲ـآغازوانجام رول، پروانه خود را به آن میسوزاند ، میازار که۰ ۰۰۰ دانه کش است ، مات شده اما بی آغاز ،نصف بحری ، ۱۳ـ یکی از فصول سـال ، جدای است ـ۱٤ـ اثری ازولتر نـویسنـدهٔ فرانسوی ، اثری از یك نویسنده مشهـور شوروی .

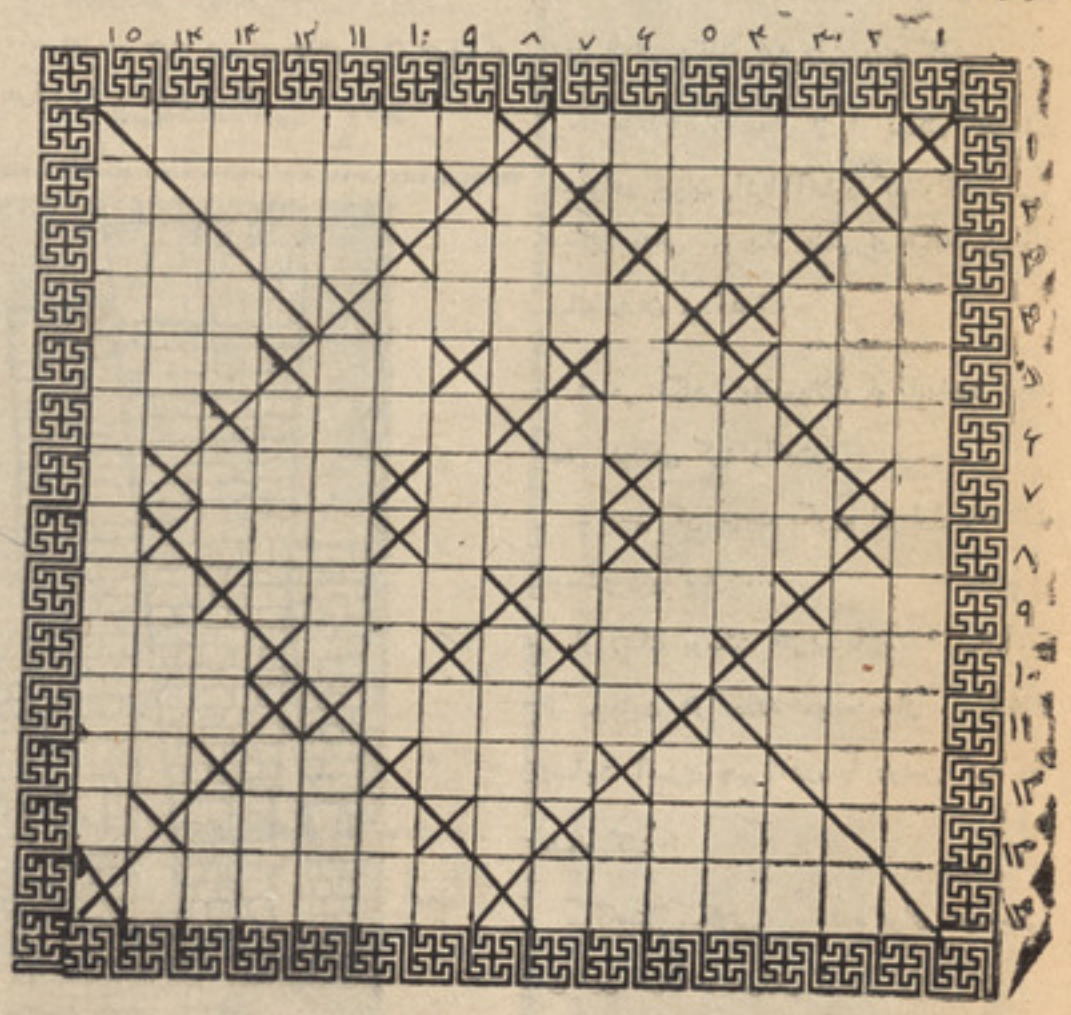

عمودی:

۱ـ یکی از رهبران بزرگ شرق که برای آزادی کشور خود تا آخرین لحظه کوشید . ۲ـسر زمیـن میناتور وسیاه موجـلالی،شاید در دستتان باشد ۰ ۳ـ عکه دم بریده، کلمه ربط ، دو چهاروئیم ، در بین بهترقراردارد، حرف ربط ۰ ٤ـرفیق سوزن ، ازآلات دهقانی است ، حاصل زنبور ، ۵ـ چهارم حصه

به عربی ، بدون حرف آخر نویسنده کتاب بی بی پیك ، سی روز است ، ٦ـ الف ناتمام ، بایك نقطه جای گل وبلبل میشود ، آزآنطرف درجم شهرت دارد ، مسترد کردن ۷۰ـنصف ماشه ، آفتاب بسیار است ، هستم به پښتو ، ۸ـ دارنده ، پنجه وریشه درخت ، صبـر کننده ـ۹ـ راه کوتاه ، قبل از انقلاب ثور این آدمکش بر کشور ما حکمروائی داشت، ثمر ۱۰ـ چاك سر بریده، جای عبور ومرور آب، برادربه پښتو ، هنر . ۱۱ـگندم بزبان پښتو ، بدون حرف آخر نویسنده آن نتوان چخوف است ، اکثریت. ۱۲ـ خیر، یکی از روز نامه های کشور ما ، در ردیف چهارم عمودی۰ ۱۳ـازآن طرف ضد مرداسـت: دویك ، رول میان تهی ، کار ناتمام ، نصف قادر۰ ۱٤ـ خط بین کشور ها، اثربرجسته ماکسیم گورکی ـ۱۵ـ او رئیس جمهـور کشوریست که مساحت ٦۷۱۰۸ میل مربع و ۱۸۸۰۷۰۰۰ نفوس دارد وواحد پول آن بیاستر است .

یک امتحان کامل خودشناسی

خوانندگان نهایت گرامی صفحه سـر گرمی‌هاومسابقات! مااین قسم تست‌ها را تا حدود امکان نشر مینمائیم واز شما هم تمنا داریم این قسم تست هارا برای ما ارسال‌دارید که‌با اسم ویك قطعه عکس تان آنـراچاپ بنائیم درینجا از شما میخواهیم که تست پائین را که با عکسهای آن بچاپ رسیده است به هر کدام جواب ارائه نموده وبـری ما ارسال دارید ـ تا بعداً برای تان بگوئیم کی هستید ؟این هم تست ما:

الف :ـ به‌این تابلو خوب متوجه شوید او چه میکند ؟

۱:ـ آیا به همسایگان خود متوجه‌میباشد؟

۲:ـ به‌تماشای اسپ دوانی مشغول‌است ؟

۳:ـ عسکری‌است که انتظار حمله‌دشمن را دارد ؟

٤:ـ آیا میخواهد بدون آنکه کسی متوجه او شود مردم را تماشا کند ؟

ب:ـ به‌این تابلو متوجه شوید وبگوئید او به چه فکر میکند ؟

۱:ـ به ناامیدی وناکامی خویش ، چون این مرد شوهر اوست ؟

۲:ـ حسرت این زن‌وشوهر را میخورد که این قدر همدیگر را دوست دارند ؟

۳:ـ از دیدن این زن وشوهر که همدیگر را دوست دارندحسرت می‌برد؟

٤:ـ به خود میگوید :«این‌وضع مدت‌زیادی دوام نخواهد داشت . بزودی محبت ما بپایان میرسد ؟

ج:ـ به‌این تابلو خوب متوجه شوید میان این دو چه میگذرد ؟

۱ـ او میخواهد به این زن بگوید که‌دیگر دوستش ندارد ۰ منتها نه‌میدانـد‌ایـن‌راز چطور افشا کند ؟

۲ـالبته برای زندگی آینده خود نقشه‌یی را طرح میکنند ؟

۳ـ زن میخواهد مرد را ترك کرده و از نزدش برود ولی جرآت‌ندارد؟

٤ـاین دو، زن وشوهری هستند که مدتی از عروسی شان گذشته ودیگر چیزی ندارند که برای یك دیگر بگویند ؟

د:ـخوب حالابه ایـن تابلوی دیگرمتـوجه شوید وفکر کنید میان این دوچه میگذرد ؟

۱ـ شخصی که‌ایستاده یك کارگر وتشنه کار فرما است که کار گر اخطاری دیده که

بموجب آن از وظیفه اخراج میگردد ؟

۲ـ شخصی که ایستاده یك کارگر بوده ومستحق پاداش گردیده است ؟

۳ـ این دو باهم دوست صمیمی بوده که بملاقات دوستش آمده وحالا میخواهد از او خدا حافظی کند وبرود ؟

٤ـ شخصی که ایستاده است برای انجام کاری ، وارد دفتر کارفرما گردیده است ؟

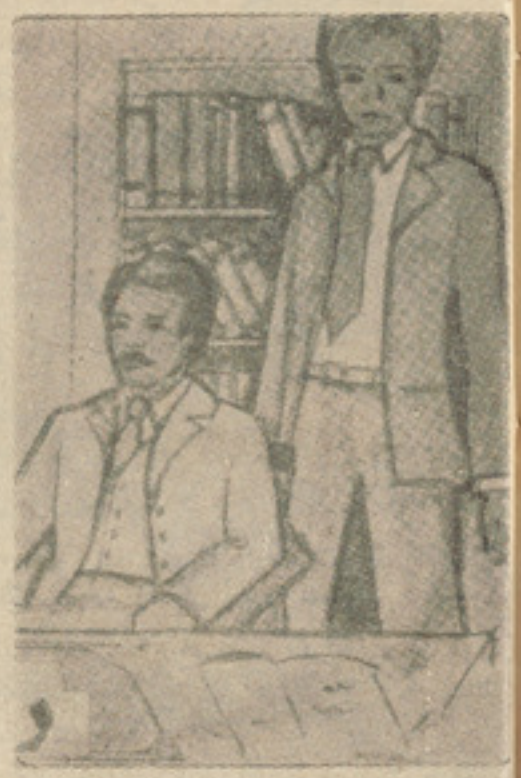

هـ:ـ به‌این تابلو نگاه کنید و بگوئید که این نگاه چه حالتی را بیان میکند ؟

۱ـ اضطراب و وحشت در مقابل یك‌منظره نا راحت کننده ؟

۲ـ استهزا ویا تمسخر ؟

۳ـ درستی و امانت ؟

٤ـ بی تفاوتی ؟

و:ـ خوب حالابگویید این دختر جوان چه میکند ؟

۱ـ آیا میخواهد از خطری فرار کند ؟

۲ـ مانند آهوی بیابان آزاده وبدون غم میدود ؟

۳ـ یا اینکه به‌وعده گاهی که برایش اهمیت دارد خود را میرساند ؟

٤ـ آیا برای دیدن وگفتگو باکسی که او را دوست دارد میشتابد ؟

بعد از اینکه به تمام سوالات ما جواب گفتید نتیجهٔ جوابات را به آدرس ژوندون صفحه مسابقات وسرگرمی ها مطبعه دولتی انصاری وات کابل بفرستید امید است که در ضمن یك‌یك قطعه فوتو های خویش را نیز ارسال دارید .

کدام پرنده ؟

این تابلو را یکی از رسامان ترسیم‌نموده است آیامیدانید که منظور از ترسیم‌تابلویش چیست وکدام پرنده رادرین جا ترسیم نموده است اسمای آنرا برای مابنویسید .

حل کنند گان

کسانیکه به سوالات ما جواب گفته اند . اندر پال سنگ «جنبش» ، حمیده ثمرمتعلمه صنف یازدهم ج اجتماعیات لیسه زرغونه ، شیرمحمد هوتکیار ، معروفه علی‌زاده ازیکه توت ، نادر ننگیالی علی‌زاده متعلم صنف هشتم مکتب یکه توت ، احمد فواد دامع‌متعلم صنف نهم ب مکتب‌متوسطه محمدایوب‌خان ، عبدالقیوم دانشام ، از ننگرهار ، نادره شریفی ازصنف یازدهم لیسه رابعه بلخی ، محمدکبیر میرحیدری ، نفیسه محبوب متعلمه صنف یازدهم لیسه مسلکی جمهوریت ، عبدالحی «غروب» از میرویس میدان ، محمود هنرمل از پوهنځی اکادمی خازندوی جمیله ، سلما رابعه، هما، کرام‌الدین ، عبدالمتین ، لطیف ، سید عبدالواحد ، شادولا ، فضل الرحیم ، شاه‌مین ، نصراله ، عبدالحمید ، مهمند ، «وفادار» اکبر ، یوسف ، قادر ، نعمت‌الله شهناز ، گل‌جان ، بسم‌الله ، شیرین‌آغا

کدام صحنه ؟

در جهان یکی برای عظمت طلبی وبعضی ها برای آزادی خود می جنگند ماهم میدانیم کسانیکه برای آزادی کشور خود میجنگند هیچ گاه تاریخ‌آزادی‌آنها را فراموش‌نمیکند

ماصحنه یکی ازاین جنگها را برای شماچاپ کردیم تنها شما بگوئید که این سرباز که به این حالت در آمده است از کدام کشور جهان میباشد

نگاه ؟

مادر هر شماره راجع به نگاه ویا کدام مطلب دلچسپ دیگر با شما حرف میزنیم و از شما در باره آن طالب مضامین نیز شدیم به این عکس متوجه شوید که‌به چه نگاه میکند ؟ به آینده خود ؟ به صحنه کدام

وحشت خوشی ویا ...؟ حالا از شما میخواهیم که راجع به نگاه او هر چیزی که مینویسید بنویسید وبرای ما ارسال دارید

این ستاره کیست ؟

یکی از ستارگان سینمای غرب میباشد او در بسیاری از فلمهای غربی اشتراك نموده است شاید یکی از فلمهایش را شما دیده باشید . مااین بار هم از ستاره های سینمایی عکسی را بچاپ رسانیدیم لطفاً برای ما بنویسید که اسم این ستاره غرب چیست ؟

این دختر زیبارا می شناسید ؟

او از زیبا ترین ستاره سینمای غرب‌میباشد شاید او را در بسیاری از فلمهای غربی رول های را به عهده داشت حالا از شما اسم فلمهای او را ویا کشورش را نه میخواهیم بلکه آرزو داریم که تنها اسم این ربیاروی سینما را برای ما بنویسید وبایك قطعه‌فوتوی خویش برای ما ارسال دارید ـ

اولین روز های عشق، آتشین می باشد

ترجمه : ع . س

اگر میخواهید ایدیال تان را از دست ندهید

اگر خواهیم ویانه، اما این یك واقعیت است که پرابلم های خانوادگی و ازدواج در ممالك پیشرفته بسیار حاد شده است . وقت آن فرا رسیده تا از توضیحات اضافی مبنی بر اینکه خانواده در اثر اتخاذ روش سطحی درقسمت ازدواج وشرایط مسکونی ناشی میشود بپرهیزیم . بطور مثال در ممالك متعددی شرایط مسکونی نظریه سابق بمراتب بهتر شده اما تعداد نابسامانی های فامیلی روبه افزایش است .

هویداست که باز گشت به عقب یعنی به زمانهایی که زن از حقوق ناچیز بهره مند بود امکان پذیر نیست . امادرمقابل مناسبات فامیلی واشکال آنها در کدام دفتر ساختمانی طرح ویا توسط «متخصصین در رشته دوستی وازدواج» ایجاد شود .

مناسبات مذکور را پراکتیك اجتماعی ملیون ها وآنهم توسط یگانه طریقه ممکنه یعنی آز مایش واشتباه بمیان می آورد . ملیون هاآزمایش وملیون‌ها اشتباهات‌صورت میگیرد .

از تعداد اشتباهات وعمق آن تاحدی‌میتوان کاست اما کار چندان ساده نیست . اینکار زمانی تحقق می یا بد که انسان در مورد «میخانیزم های» مناسبات فامیلی از دانش کافی بهره مند باشد .

یکی از خصوصیات بارز سیستم های حیه قابلیت آنها غرض بوجود آوردن نوع شان هست . اگرمردم علاقه شان را در قسمت باصطلاح «زندگی شخصی» از دست میداد آنجا بود که در اثر محو بشریت تولید ، سیاست، علم، هنر، ایدیالوژی و همه اشیا بطور مطلق مفهوم شان را می باختند . اینها تازمانی از مفهوم برخوردار اند که عشق ودوستی بین زن وشوهر موجود باشد . عشقی که معمولا آنرا «مقصر» مینامند .

ممکن است این حقیقت افسانوی شمرده شود که (۹۵) فیصد بالاخره به هدف خود نایل میشوند یعنی اولین وآخرینی راکه می خواستند بدست می آرند . اما حقیقت‌اینست که طبیعت در چنین موضوع جدی نمیتواند به معجزه متکی شود . همه امور بشکل تنظیم شده وبدون وقفه به پیش میروند .

این نکته که زن ویا مرد اعتراف میکنند محبوبش را به خاطر کدام خصوصیتش دوست میدارد در حقیقت خودرا فریب میدهد. این کار بسیار مثمر اما خودرا فریب دادن است. عشق گرچه از نخستین دیدار نباشد به شبکه اتصالی شباهت دارد وفلتر سرخ رنگی را بکار می اندازد که با تقویت کننده مجهز میباشد . جهات مثبت محبوب به بسیار شور و هیجان مورد قبول قرار داده شده و جهات منفی زیر پا میشوند .

اگر عشق ازنقطه نظراطلاعاتی مدنظرگرفته شود ناموزونی های زیادی را در بر دارد . فلتر سرخ‌نیز بعدازسپری‌شدن مدتی تااندازه از کار وفعالیت بازمانده واز آن اطلاعاتی فلتر میشود که از نقایص محبوب شهادت میدهند. اشخاصیکه (اقلا بکمك حس درونی) طرز وقوع پروسه ها را تصور کرده میتواند در مقابل از خود عکس العمل نشان داده وجدو جهد را بکار می برند .

ضرور است تا فلتر به حا لت اولی باقی مانده (تاجاییکه ممکن باشد) یعنی هرحرکت مثبت‌روانی‌دوست خوبش ارزیابی واز هیجان وقهر برهیز شود . یا بعباره دیگر انسان از لطف ومرحمتی برخوردار باشد وقتا فوقتا مکمل تر شود . بدون داشتن این همه صفات فامیل مانند موتری که گریس کاری وترمیم نشود یکانگی وصحت خودرا از دست خواهد داد .

به تاسف باید گفت از برهم خوردن عشق ودوستی از حد واندازه آن اضافه تربرداشت تراژیدی میشود . این حالت طبعا با برداشت عینی مساله مطابقت نمیکند . برداشت درین وقت مانند اوایل عشق آتشین مطلق یکجانبه میباشد . اما فلتر درین نوبت رنگ سیاه را بخود گرفته، نکات مثبت را زیر پا گذاشته واز اطلاعاتی که جوانب منفی داشته میباشند هرچه بیشتر وباقیل وقال یادآوری میشود .

بصورت عموم انسان طبیعتا سعی میکند تاحتی از زعم باطل خویش تا آخرین مرحله دفاع کند زیرا طوری تصورمیکندکه گفتارش روی واقعیت تام استوار است . این اوهام در ساحه مناسبات بین زن ومرد بخصوص مستحکم بوده ونمیتوانیم آنرا حتی به مرمی قوی ازبین بریم . اما لازم است تا بکلی محو شود .

در همه جا وهمه احوال زمانیکه از علل جدایی وبرهم خوردن فامیلی از زن و مرد پرسش بعمل می آید واقعیت را اظهار نمی کنند وتمام گفتار آنها انعکاسات مغرضانه در خفاء داشته میباشد .

ناسازگاری های روحی یعنی چه ؟

در موارد زیادی ازین لغت چنین برداشت میشود : «رضایت شهوانی دربین ما وجود ندارد .»

در نتیجه حالاتی ایجاد میشود که معمو لا آنرا «جنگ دوجنس» مینامند . این جنگ بالای رشد وکردار بعدی اطفال شان تاثیر منفی بسزایی دارد .

اغلبا با اندازهٔ معین جدایی وناسازگاری هارا به ارث می بریم . سوسیولوجست ها از قدیم به این نکته متوجه شده اند : اگر یك عضو جفت در فامیل ناقص تربیه شده باشد احتمال وقوع جدایی افزایش می یابد .

اغلبا از اطفال حتی بعد از جدایی منحیث وسیله انتقام گیری استفاده مینمایند .

نابسامانی هایی راکه در ینصورت اطفال در نتیجه جر وبحث زن وشوهر به ارث می برند بسیار خطرناك ودر ضمن در خور توجه است .

پرهیز از سوبژکتویسم (بی طرف نماندن) شدید وتعصبات در زمان توافق امکان پذیر نیست . این حس در انسان در اثر ضرورت احیای مجدد زندگی بطور مستحکم تنظیم شده است . لازم هم نیست زیرا از برکت این تعصبات انسان به عالی ترین نیك ومثبت دست می یابد .

اما روحیه بی طرف نماندن در زمان جدایی غرض احیای مجدد زندگی بسیار ضعیف‌بوده وتنها احساسات منفی را هدیه ما می کند . به این لحاظ مبارزه با سوبژکتویسم یکی از ضروریات زندگی شمرده میشود وموفقیت بالای آن از جمله ممکنات است سعی شود تاهمه الفاظ بی غرضانه ادا شود و در ضمن از تصدیق بلا تصور بپرهیزید .

محققین درین موارد معمولا از زنها جانب داری میکنند تا در «فضای همزیستی مسالمت آمیز» در مقابل زنان از حوصله کار گرفته شود زیرا تا زمانی که خیال های مشترك و در ضمن باطل محو میگردند زنها تسبتارنج های فراوان را متحمل میشوند . علاوتا زنها وجود نازك وزود شکن دارند ومرد ها مایست در مقابل آنها از لطف ومهربانی کارگیرند .

بازهم«سکوت»

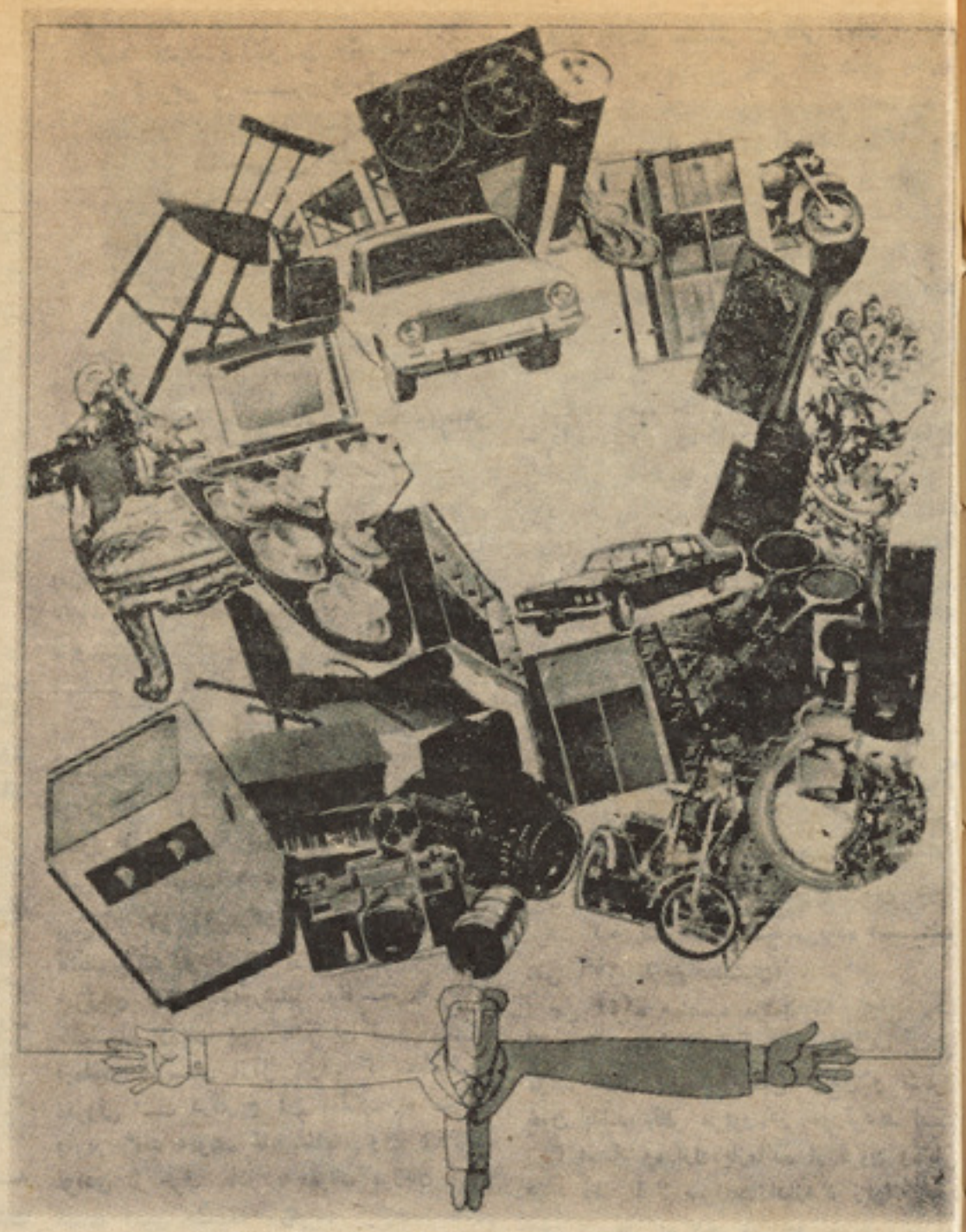

انها سهولت ایجاد مینمایند اما جنبه صنفی نیز دارند .

ترجمه : عبدالله

تاثیر روانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

مابه اشیای ماحول خود خو گرفته ایم . اینها شرایطمستریح زندگیرافراهم میکنند. تعداد اشیای مانند موتر ، تلویزیون ، یخچال ماشین رخت شوئی وغیره روبه افزایش‌اند. امابیایید لحظه توقف‌کنیم . انجام کاربالاخره به چه منجر خواهد شد ؟ ممکن است این همه مردم را تحت شعاع خود قرار دهد !

ضرب المثل معروفی است که میگویند «با اشیای خوب حتی در «کلبه محقر» زندگی آرام می‌گذرد .» ایا این ضرب‌المثل درعصر حاضر قابل تطبیق است ؟ به احتمال زیادتی . فامیل امروزه بااین همه اشیا زندگی را به بسیار مشکلات در «کلبه محقر» پیش خواهد برد . اشیا وباز هم اشیا به حدی افزایش یافته اند که علما در حال حاضر در کنار «فضای طبیعی ماحول» از «فضای اشیای‌ماحول» نیز نام می‌برند . این اشیا بطور بطی اما بتدریج فضای طبیعی را تنگ تر میسازند . انسان در فضای طبیعی فقط در اثنای تفریح در کنار دریا ویا جنگل قرار میگیرد وآنهم بایك عالم اشیای دیگر مانند موتر ، رادیو رخت خواب وغیره .

به‌این ترتیب مردم ازسلطه طبیعت خارج شده ودر تحت‌شعاع اشیائی قرار میگیرد که خود آنها را ایجاد کرده است . آیا این کار خوب است ؟

چندان عمل بدی نیست اگر ..... کلمه «اگر» بسیار وتقریباً در همه احوال ذکر میشود . یکی از آن اگر انسان از اشیای‌در دست داشته طوری استفاده کند که برای اجرای همان عمل تخصیص داده شده باشد بهتر خواهد بود نه اینکه بمقاصد مختلف . بطور عموم در بعضی جاها معمول این است‌که اشخاص توسط اشیای متعلق به خودشس دیگران را از موقعیت اجتماعی خود با خبر میسازد .

در یکتعداد جوامع مرکز ثقل این نوع نمایشات بسوی اشیای متعلق وقیمت بها انحراف مینماید . این اشیا یکی از عمده ترین معیار های تعیین موقعیت اجتماعی درین جوامع شمرده میشود .

در جوامع دومی مردم نه به اشیا همدیگر را ارزیابی میکنند وبوتنسیال مصرفی منحیث معیار موقعیت اجتماعی شمرده نمیشود . ایا این بدان معنی نیست که موثریت نمایشی درین جوامع بکلی محو است واشیا را کمتر از آنها ارزیابی میکنند ؟ درین جوامع نیز اشخاصی وجود دارند که در قسمت بدست آوردن اشیا با همدیگر مسابقه میدهند . لازم است تا سطح زندگی مردم بلند رود اما در پهلوی این همه امکانات باید سطح فرهنگی واخلاقی جامعه نیز بلند رود . اگر این‌عملیات همزمان صورت نگیرند سیکالوجی هرزه در جامعه مترقی عودت خواهد کرد .

این مساله عجیب نیست‌که اشخاص توسط پول های کمایی کرده‌شان میخواهند اشیائی بدست آورند که نظر به اشیای سابقه در دست داشته شان مکمل تر وبهتر باشند .

عمده این‌نیست که چرا این نوع کار ها صورت می‌گیرند بلکه مهم اینست که بکدام هدف پیش برده میشوند . اشخاصی که تصور میکنند اگر در خانه اشیای مجلل و قیمت بها داشته باشند از دیگران فوقیت‌دارند اشتباه بزرگ رامرتکب میشوند زیرا اشیا انسان رانه‌کدام شخصیت ونه‌کدام فهمیدگی می‌بخشد . حال جنبه دیگر پرابلم را مطالعه میکنیم .

این یك واقعیت است که بکمك اشیای در دست داشته فضای مستریح وسهولت درکار های روز مره خانه ایجاد میکنیم . اگر این کار همزمان منحیث هدف غائی قرار داده‌شود وقت گرانبهای ما را می بلعد .

طبق اظهار یکی از اقتصاد دانان امریکائی هلبر ایت در حال حاضر در بعضی جوامع غرض باز رسی از وسایل خانه لازم است تا کدام نفر مخصوص گماشته شود . ایااشیا ارزش اینقدر زحمت ومشقت را دارند ؟

نکته‌عمده که درینجا قابل تذکر پنداشته میشود اینست که بموقع از خریداری بیشتر اشیا جلو گیری شود ویا حتی صرف نظر شود . زیرا اشیای مصرفی دارای قابلیت‌اضافه شدن عجیب وغریب میباشند . همینکه یکی را خریدی دومی را باید نیز بدست آری (مالکین موتراین نکته‌را زودتر درك‌میکنند). بالاخره اشیا بعضی اوقات برای صحت‌وزندگی مردم مضر تمام میشوند . در بعضی ممالك پیشرفته پرابلم صدمه ترانسپورتی ومسکونی باسمأله امراض‌قلبی دریك‌ردیف قرارمیگیرد. اما بلند رفتن مصرف انرژی در منزل در اثر استعمال اشیای پیشرفته ، ترانسپورت شخصی، تلویزیون از قوای جسمانی بالای ارگانیزم انسان بطور قابل ملاحظه می کاهد (باید تذکر داده شود که بروسه کاهش مشابه قوای جسمانی وافزایش قوای روانی در فعالیت تولیدی انسان نیز بمشاهده میرسد) حتی اشیایی که وظیفه خود را انجام داده و غیر قابل استفاده میشوند نیز خطراتی را مواجه ما میسازد . بروسه های طبیعی اکسیده‌شدن کیمیاوی وبیولوژیکی در مقابل اینقدرفلزات، پولیمر ها ، ومواد پلاستیکی عاجز میمانند . مواد مستحکم در مقابل جنبه های مثبت خود از جوانب منفی نیز خالی نمیباشند . پرابلم استفاده از اشیائی که دارای اندازه های زیاد اند در همین حال در بعضی از ممالك مانند امریکا ، کانادا ، جمهوریت فدرالی المان و جاپان بسیار حاد میباشد . درین ممالك سالانه به ملیون‌ها موتر ، یخچال ، ماشین رخت شوئی ، تلویزیون از کار بازمی‌افتند .وکلام هائی که درین قسمت صورت می‌گیرد مشتری را مشتاق میسازد ، تاکالاهای هرچه جدیدتر ومدرن تربدست آرد . اما قیمت تمام شده محو اشیای سابقه با بدست آوردن اشیای جدید در یك خط قرار میگیرد زیرا قوای طبیعی خود قادر نیست تا اشیای سابقه را به کلی محو نابود نماید . ضرورت می افتد تا انسان نیز دست بکار شود .

راه چاره چیست ؟ چطور میتوان از عهده این کار موفقانه بدر آمد ؟ اشخاصی که بدین نظر اند گویا احتیاجات بشری تنها به طریقی رفع گردیده میتواندکه در دو راهی قرارگیرد: یااینکه‌ازشخصیت معنوی بی‌بهره شده وکیش سرکش خریدن وبدست آوردن بوجود آید ویا اینکه از رفاه ونعمت بخاطر رسیدن به تکامل موازین اخلاقی منصرف شود. این دورا هی در شرایطی صورت می گیردکه جامعه از عهده پرابلم حیاتی خود موفق بدر نیاید . درین جوامع شرایطی‌ایجاد میشود که انسان میتواند یخچال ویا موتررا تحت شرایط سهل بدست آورد . اما در مقابل نمیتوان اطفال را از نعمت سواد به آسانی بهره مند ساخت .

جوامع دومی ترك دنیارا تبلیغ نمی کنند ونمیخواهند که تولید اشیا به حالت اولی‌باقی بمانند بلکه میخواهند آنرا افزایش دهند .

هدف اینست که مناسبات احترامانه نسبت به اشیاداشته باشندوسعی شودتااینها منحیث هدف نهایی ویگانه هدف قرار نگیرند و فقط منحیث وسایل کمکی از آنها غرض رشد همه جانبه‌انسان استفاده شود .

جهان اشیا سریعا در حال تغییر است . اسلاف ما در جهان دیگری زندگی میکردند. جهان اشیای مابه جهان اشیای اخلاف ما ممکن است شباهت نداشته باشد . احتمال میرود بعد از بیست وپنج سال (۹۰) فیصد کالاهای مصرفی را اشیایی تشکیل خواهند دادکه مابا آنها هیچ آشنایی نداریم . سعی کنیم تا اطفال اشتباهاتی را که ما مرتکب شده ایم تکرار نه کنند .

نیلاب رحیمی

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت

قسمت اخیر

صفحه ۸۱ «در واقع وضع شاعران رقت بار بود، ودرست همان حاکمی که آنها را به اوج افتخار و بهز یستی رسانده بود بیك آن رأیش دگرمی گشت وایشان را به محبس می انداخت یا بدست جلاد می سپرد.» این ادعا را نمیتوان به حال همه شاعران صادق دانست زیرا در گروه مداحان سلاطین قرون وسطی ، شاعرانی بودند که از صلات- گران ممدوحان خویش در اوج ثروتمندی وعزت زندگی میکردند وهمین طرز زندگی راتاپای مرگ ادامه دادند . که میتوان از رودکی ، عنصری ، فرخی ، منوچهری، عسجدی ، امیر معزی وطواط، ظهیرفاریابی وغیره

که ازین همه شاعران تنها گریبان آرامش مسعود سعد ، درچنگ حوادث زمان با یك مشت اندك از شاعران دیگر وبس در حالیکه عزت وثروت مداحان تاآن اندازه بود که زبان زد خاص وعام گردید و حتی سبب رشك خاقانی شد که در باره عنصری ندادرداد :

به ده بیت صد بدره وبرده یافت
ز یك فتح هندوستان عنصری
شنیدم که ازقره زددیگدان
ز زر ساخت آلات خوان عنصری

گزیده اشعار خاقانی ص ۳۸۹ بکوشش سجادی (طبع تهران ۱۳۵۱) و همچنان خاقانی از بخشش گران سلطان محمود به فغان آمده گفت :

بس ای میکده جهانرا بشبیهت افگندی
که از زرسرخشت این یاشکسته‌تنگ وسفال
بس ای مکتب که ضیاع من عقاد مرا
نه آفتاب مساحت نه باد شمال
برای‌مکتب‌که من ازبس‌عطاب سیدشد)
نه زانکه نعمت برمن حرام‌گشت ووبال

(دیوان عنصری ص ۱۶۲، بکوشش دبیر سیاقی‌طبع‌تهران ۱۳۴۲ وحال فرخی ومعزی وسایر شعرا نیزبدین منوال بودکه ممدوحان برای جلوه دادن نام خویش، ایشانرا در دربارگرد آورده وبه کمك صلات گران به گفتن مدیحه های بلند بالا در قالب قصاید غرا تشویق شان میکردند .

ص ۹۲ «... دست آخر دردهکده یمگان از توابع پامیر متوطن شد ...» ومدفن ناصر خسرو هم در همین دهکده است . وتاامروز مورد احترام خاص وعام میباشد . مردم‌قبرش راکه بنام شاه ناصر معروف است زیارت میکند . ودهه یمگان از توابع بدخشان است نه پامیر وپامیر عبارت از سلسله کوهی است در شمال شرق بدخشان که از طرفی به پشتونستان چین و تاجکستان شوروی محدود گردیده ومربوط حکومت‌واخان‌ولایت بدخشان میباشد .

ص ۱۱۶ «نخستین قسمت «خمسه» او (نظامی مخزن الاسرار - ظاهرادرسال ۵۶۹ه نوشته شده است .» - «شاعر دومین مثنوی بزرگ خود - خسرو شرین- را در حدود۵۷۷ هنیزبیادگرامی همسرش‌اهداکرد.» در سال ۵۹۴ه پنجمین مثنوی خود هفت پیکر را سروده به طور تقریب در سال ۵۹۸ ه خمسه ر ابا سکندرنامه خود تکمیل کرد .» مولف در تعیین تاریخ‌های درست‌منظومه های پنجگانه نظامی اشتباهاتی کرده است وگذشته از آن هفت پیکر را پنجمین مثنوی شاعر نامیده است که از هر لحاظ قابل توضیح میباشد . نظامی نخستین مثنوی خود مخزن الاسرار را بنابه تحقیق جعفر محجوب در ۵۷۳ه (رساله هشت بهشت وهفت پیکر

ص ۵ از انتشارات هنر ومردم سال ۱۳۵۴) واز نظر (هرمان راته) در سال ۵۷۴ یا ۵۷۵ به رشته نظم کشیده است (ص ۷۲ تاریخ ادبیات فارسی) دومین مثنوی خودرا نظامی

باتفاق نظر محجوب وانه ص ۷۳ تاریخ) در سال ۵۷۶ منظوم کرده است . سال نظم هفت پیکر چهارمین مثنوی نظامی باتفاق‌نظر هر دو مولف وجعفر محجوب وهرمان اته - تاریخ ادبیات فارسی ص ۷۴) سنه ۵۹۳ ه است اسکندر نامه که پنجمین منظومه‌نظامی میباشد ، که با سرودن آن خمسه خود را

تکمیل کرد دو قسمت دارد . قسمت اول را

شرفنامه میگویند که بقول اته ، در ۵۹۷ ه وقسمت دوم که به اقبالنامه معروف است در ۵۹۹ ه ختم میشود . (رك تاریخ ادبیات فارسی، تالیف : هر مان اته ، ترجمه :رضا- زاده شفق طبع تهران سال ۱۳۵۱) وص ۵ هشت بهشت وهفت پیکر ، نوشته محمدجعفر محجوب طبع سال ۱۳۵۴) ومولف که هفت

پیکر را «پنجمین مثنوی» مینامد اشتباه‌بزرگی کرده است زیرا نظامی خود در دیباچه‌اسکندر نامه از خمسه خویش چنین یاد میکند :

بس گنجهای کهن ساختم
درو نکته های نو انداختم
سوی مخزن آوردم اول بسیج
که مستی نکردم‌درآن کارهیچ
وزو چرب و شیرین انگیختم
به شیرین و خسرو در آمیختم
وز آنجا سرا پرده بیرون زدم
در عشق لیلی و مجنون زدم
وزین قصه چون باز پرداختم
سوی هفت پیکر فرس تاختم
کنون بر بساط سخن پروری
زنم کوس اقبال اسکندری

(شرفنامه نظامی ص ۸۷ بکوشش وحید دستگردی طبع تهران ۱۳۳۵ ه چاپ دوم)

باتو جه‌بگفتار حکیم نظامی‌گنجوی‌سخن سالار شعرای عراق ، اشکالی در ترتیب‌خمسه او باقی نمی ماند .

ص ۱۳۴-«تاآنجاکه میدانیم نخستین نمونه این گونه داستان ها، در اوایل سال ۴۷۵ه نوشته شده است .» منظور مولف قابوسنامه ، عنصر المعالی کیکاوس، بن اسکندر از شهزادگان آل زیار میباشد .

اما این نکته را بایست ایضاح کرد که قابوسنامه نخستین کتابی نیست که مولف درآن به تدوین داستانهای اخلاقی وعبرت - اندوز جهت تقویه سجایای اخلاقی و تزکیه نفس پند آموزان، همت گمارده باشد ، بلکه

پیش از آن آثاری دیگری هم باین شیوه تالیف شده بودند که از آنجمله میتوان از «مرزبان نامه» یادآورشد، مولف مرزبان نامه «اصفهبده رزبان بن رستم بن شروین بریم ازملوك طبرستان ازآل باوند که سلسله معروفی است درتاریخ آن مملکت» ، میباشد وقرار گفته «مولف قابوسنامه، وی پیوند نژادی از طرف مادر به مولف مرزبان نامه داشته است چنانکه میگوید : «وجدة مادرم دختر ملك زاده مرزبان بن رستم بن شروین که مصنف مرزبان نامه است ...» پس دشوار است که قابوسنامه را نخستین کتاب درین شیوه قلمداد نماییم .

(رك مرزبان نامه، مقدمه ، تصحیح علامه قزوینی طبع لندن) ناگفته نماند که مرزبان نامه را مولف آن بزبان طبری تالیف کرده بود که در قرن هفتم هجری که بزبان دری بر گر دانده شد . صاحب چهار مقاله‌پسر نظامی ص ۱۳۵ «احمد بن نظامی» - نظامی عروضی ثمرقندی، صاحب چارمقاله پسرنظامی نیست بلکه نسب او در چار مقاله طبع معین «احمد بن عمربن علی نظامی سمرقندی» آمده است .

«... عیار سیاری بوده است به نام سمك که در سده۳هجری به گروهی‌دزدبی- خانمان که در سیستان فعالیت داشته و نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی بوده اند سرکرده‌گی می کرده ست .)

جملات بالا روشنگر این حقیقت اند که مولف - نور وظلمت ... در شناخت جنبش عیاران وجوانمردان سخت به خطا رفته است زیرا ایشان را «نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی ...» گفته است . تا آنجا که ا ز لابلای اسناد ومدارك دست داشته استنباط میشود روشن میگردد که جنبش های مبارزات ضدفیودالی وضد استبدادی ، بیشتر ازوجود عیاران وجوانمردان مایه داشته و مبارزات شهامت بار ایشان بود که کمر فیودالان غارتگررا می‌شکستند وجلوی خونخواری حکام مستبد را میگرفت . ایشان گذشته از آنکه مزدور نبودند خود علیه مزدوران می - جنگیدند . زیرا این فرقه هیچنوع پیوند باطبقات واقشار ستمگر وفوقانی زمان خود نداشتند . که بهترین مثال آن همان یعقوب لیث صفار، درخشان ترین چهره انسانی قرون وسطا - از هرجهت بحساب می آید . او زیر بار بیگانه نرفت جواب مزدوران ، خواجه پرست را با شمشیر داد و شمشیر خودرا بجای فرمان خلیفه عباسی قرار داد.. وسایر جوانمردان دیگر، میتوان درین باره به مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری را تکامل بن اثیرگردیزی ، تاریخ سیستان ، تاریخ بیهقی‌وتاریخ‌نامه‌هرات‌وغیره‌وغیره آثار مورداعتمادقرون وسطایی مراجعه‌کرد وحقایق متفقی را دستیاب نمود .

د ر سده سوم هجری از «عیار سیاری بنام سمك» مورخان نام نبرده اند ، واگر محتملا چنین کسی بوده، بیشتر از سده سوم هجری بوده، از نحوه بیان مولف این مطلب مستفاد میشود که این، عیار ساده، یا یعقوب لیث ویاکسی از هم ردیفان ویاران او میباشد ، این برداشت نادرست وغلط است و مولف بکلی تاریخ سیستان که از دو فر قه بنام «سمکی وصدقی» ذکری‌دارد ، خود علت‌بمیان آمدن این دونام ودو فرقه را بیان میدارد، که دشوار است از آن شرح چنین نتیجه گرفت که بنام سمك کسی‌بوده است» (ص ۲۷۶ تاریخ سیستان) .

ص ۱۴۴- «منصب مرشدغالبامورونی بود.» اگر از موروثی بودن منصب مرشد، منظور مولف همان پیوند بلافصل نژادی و اشتراك خون باشد، نظر مزبور در خورتردید است. زیرا اسناد ومدارك بازمانده از قرون وسطی، درد نظر با لا صراحت ندارد . زیرا ازنحوه بیان وسیاق تحلیل آن آثار مورثی‌بودن منصب مرشد، استنباط نمیشود .

در سلسله های طریقت چارگانه رایج خراسان وماوراالنهر ونیم قاره هند وفارس وبغداد وشام ومصر وترکیه مثل : قادریه . نقشبند یه، چشتیه، سروردیه، که‌سلسله‌هریك آن به یکی ازخلفای راشدین منتهی میشود مرشد موروثی اصلا وجود ندارد. هر گاه تصوف را در روند تکامل عرفانی موردپژوهش قرار دهیم، خواهیم دیدکه موروثی بودن اصولا، در دوران آندیده نمی‌شود.

اسنادومدارکی از تالیفات متصوفان بزرگ خراسان و ماوراالنهر و نیم قاره هند وفارس ما باقیمانده مثل : تذکرة الاولیا، کشف المحجوب، رساله قشیریه وطبقات الصوفیه شرح تعریف، خزینته الاولیانفحات الانس و غیره هیچکدام پیرامون موروثی بودن مرشد مطلبی ندارد تنها این قدر میتوان ازمحتوای آثار متذکره در یافت که حبیب عجمی رادر آستانه حسن بصری میبابیم وابوالحسن خرقانی را در سر گور بایزید بسطامی و یعقوب چرخی را صاحب الذن از طرف بهاوالدین نقشبند ... ونظایر دیگر از این قبیل که ذکر کردیم، که هیچ یك از این عرفا پیوند نژادی وموروثی ندارند اما این ارشاد را از طرف مرشد خود یافته اند که پس از مرگ مرشد ممند نشین اوشده‌اند کسانی که بیشتر، علاقه مند به داشتن معلومات مزید راجع به سلسله های تصوف باشند میتوانند به کتاب «خزینته الاصفیا - تصنیف وتالف غلام سرور لاهوری طبع لکنهو - ج اول و دوم» مراجعه نمایند .

بقیه در صفحه ۵۲

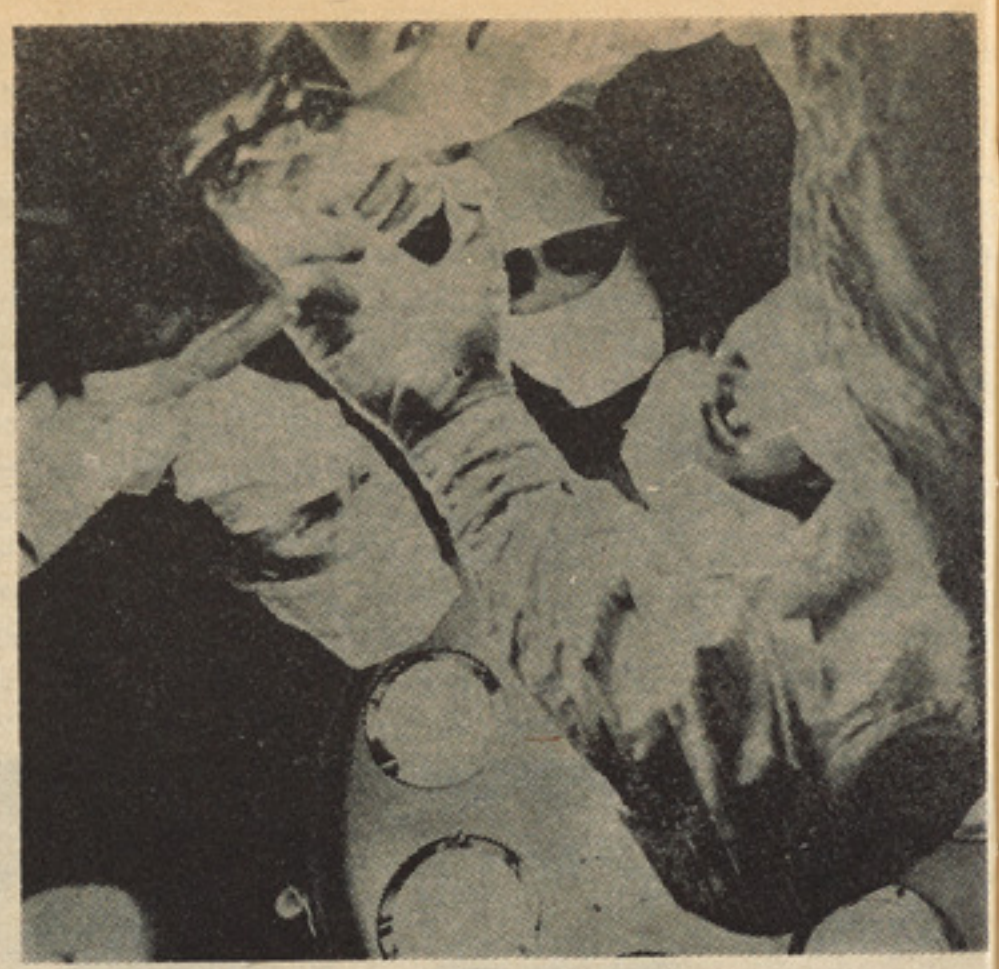

صحنه یی از عملیات جرا حی

ترجمه: عبدالله

مریض شدن ویا معالجه کردن، کدام یک بهتر است؟

تصور کنید طفل شما مریض شد، عطسه زد وسرفه کرد، خلاصه اینکه به ریز شس مبتلا شد، ریزشس را در حال حا ضر بنام پر معمای مریضی شد ید سیستم تنفسی نیز یاد میکنند.

فکرمیشود که هیچکدام وا قعه خطرناك رخ نداده است. ستون‌سیما بی از مو متر چندان بالا نمیرود ووضع طفل مانند دیفتیری ومخمللك‌چندان وخیم نمی با شد. اما طبق اظهار متخصصین ریز شس بسیار خطر ناك‌و نجات از آن چندان کار سا ده نیست. به این لحاظ به تا سف با ید گفته شود که غرض نجات از ین مریضی از آن‌وسا یل کار نمیگیر ند چیزهای را که پدر کلان های ما مورد استفا ده قرار میدا دند. گر چه در حال‌حاضر در طبا بت از چای با مر با گرم‌و جراب‌های پشمی استفاده میشو د اما دا کتران اغلبا برای معا لجه‌مریضان ازدوا های قوی حتی‌از انتی‌بیو تیك ها کار میگیر ند.

شما فکر نکنید که فقط غر ض معا لجه ریز شس از ین دوا ها کار میگیر ند بلکه غر ض تدا وی بعضی از مر یضی های معد وی نیزاستفاده میشوند. مریضی های که سا بق بکمك شور با برنج «شور ویابرنج» سوپ گو شت مرغ رفع میگر دند در حال حا ضر بعضی او قات بکمك دوا های مقوی نیز معا لجه نمی شوند.

تغیرا تی که درعلم طبا بت رخ‌می دهد تا اندازه نا گز یر است، که بالای جهان بینی طبی دا کتران نه تنها تا ثیرات مثبت بلکه منفی نیز وارد مینما ید.

اعلا نات مختلف که در قسمت‌دوا های تو لید شده صو رت می گیرد داکتران را تحریك میکند تا هر چه بیشتر از وسا یل‌معا لجوی عصری تراستفا ده کنند.

در جهانبینی طبی دا کتران پیشر فت های مهم‌عملیات جرا حی تاثیر مستقیم وارد میکند زیرامریضا نی‌که از مر گ چند قد می بیشس فا صله دا شته نمیبا شند به حا لت نور مال باز میگرد ند. همه اینها خوا هی نخوا هی عقیده‌داکتران رادر قسمت وسا یل عصری‌معالجوی را سخ تر سا خته وقوه محا فظوی ارگا نیزم انسان را روز بروز زیاد فرا موشی می سپا رند (هدف از قوه‌محا فظوی مقا ومت عضو یت انسان است).

تما یلات فوق با لای وا لد ینی که از طفل مر یض پر ستا ری می کنند. نیز تا ثیر مستقیم مینما ید. به تا سف باید گفت که وا لد ین زیاد مخصو صا وا لد ین جوان‌هنر پرستا ری از طفل مر یض را فرا موش کرده اند. اینها فکر می‌کنند هیچکدام تشو یش‌آ را با ید به خود راه نداد، رژیم غذا یی اطفال را مرا عات ننمو ده از دوا های‌مقوی وانتی بیو تیك ها استفا ده میکنند وخود را تسلی مید هند که همه کار هاوبشکل‌منظم آنهاپیش‌میروند.

به این تر تیب سطح انکشاف طبا بت به مر حله رسیده که‌پرابلم محدود یت طرق معا لجه در مقا بل‌ما ظاهر میشود. در ین صو رت با حواد ثی مقا بل میشو یم که‌تااندازه مارابه حوادث در سرك های عصری مو تر رو می اندا زد. از یك طرف مو تر هایی سا خته شده است که سر عت‌را تایکصدو پنجاه‌کیلو متر واضا فه تر از آن با لا برده می توا نند واز سوی دیگر قوا عدی وضع گرد یده است که نظر به آنها سر عت های مو ترهادر بعضی شهر های جهان از شصت کیلو متر تجا وز نکند.

چرا از محدو دیت‌ها در طبا بت سخن گفته میشود؟ این عمل‌دوعلت دارد. اول اینکه روز بروز ارگانیزم انسان قوه های کیمیا وی زیاد تر رادر اثر پیشر فت علم‌و تخنیك متحمل میشود. این قوه ها نه‌تنها در اثراستعمال ادو یه جات طبی به وجود بلکه مواد کیمیا وی که‌روزمره درتو لیدات ومنا زل از آن استفا ده میشود نیز با عث‌ایجاد قوه های فوق میگر دند. دوم اینکه میکرو ارگانیزم ها بیمار ی زا خود روز بروز به دوا ها عادت گر فته‌ودر مقا بل آنها مقا وم میشو ند. پس برای اینکه میکرو ار گا نیزم های فوق منهدم شوند باید از وسا یل معا لجوی تکا مل یافته‌استفاده‌شود. بعبا ره دیگر دایره یی تشکیل می شود که خروج ازآن بدون ضایعات همیشه امکان پذیر نمیبا شد امکان خو گر فتن انسان در ین مورد گرچه زیاد است اما تا لایتنا هی ادا مه‌پیدا نمیکند. در مقا بل عوا مل متعد دی که‌بالای ار گا نیزم انسان عمل می کنند فقطسیستم محدود دفاعی‌مقاومت میکند. یکی از سیستم های‌عمده وقایه است. این سیستم نه تنها در مقا بل میکرو ار گا نیزم های بیما ری زا مقا ومت نما ید بلکه‌انسان رادر مقا بل مواد کیمیا وی مصنوعی وهمچنین مواد ی که به مقاصد معالجوی تطبیق میشو ند. حفا ظه نماید قسمیکه دیده میشود دو عامل اخیر در اثر پیشر فت علم وتخنیك بو جود می آید که طبا بت نیز در همین مجرا انکشاف میکند. اینجاست که یك حا لت عمده دیگر ایجاد میشود. اگر سخن از موا دی گفته شد که باوجود انسان‌بیگا نگی دارد پس در قسمت تلقیح حفظ ما تقد م چطور عمل کرد وطور یکه هویداست در تعداد آنها در نیم قرن اخیر افزایش قا بل ملا حظه بیمان آمده است؟.

بطور مثال پیشر فت سر یع‌طب وقا یوی در اتحاد شو روی این امکان را بوجود آورد تا امراض‌خطرناك‌ایید میلو ژیکی بکلی محوگردد. در ین جا ازبعضی امرا ض اطفال مانند دیفتری‌میتوان نام‌برد، تجاربی که علمای اتحاد شوروی در ین قسمت بد ست دا رند این امکان را بو جود آورد تا سیستم مو ثر وقایوی ومعا لجه امرا ض ایجادشود.

بقیه در صفحه ۸۵

بهتر است از دوا های او لیه استفاده شود.

گازه هایی از هفت اقلیم

تنظیم‌وترجمه : میرحسام الدین برومند

مساعی لازمه درزمینهٔ رام ساختن طبیعت

سر زمین «کالمکیش» امروز دیگر آن سر زمین کوچی ها نیست ، مترو پول آن‌که بنام «مترو پول الیستا» یاد میگردد به‌معجزهٔ سبز کوچك مشهور است ، نمای منظرهٔ آن براستی هم معجزه میکند . در واقع این سر زمین از نوتولد یافته است . بار اول این‌شهر پنجاه سال قبل تغییر قیافه داد وبه جای آن سر زمین مهاجر نشین ، یك منطقهٔ کاملا گوارا ، خوش منظر ومعمور عرض وجود نمود . این سر زمین در جریان سال های جنگ جهانی دوم به ویرانه‌یی مبدل گردید . پس از سالیان جنگ در «الیستا» فقط یك عمارت تخریب ناشده مانده بود واین زیاد دل انگیز است که در کالمیکش در اطراف عمارت نو وجدیداً اعمار شده که زمین های آن سوخته بود ، اینك درختان پر برگ وسبز دیده میشود . الیستا اکنون یك سر زمین قشنگ آسیایی است که سر حدات‌آن را بترتیب از طرف شرق ولگا ، غرب توسط دون ودر جنوب بحیرهٔ کسپین تشکیل داده است ، مردمان آن به لسان منگولیایی‌بلدیت داشت وباران درینجا یك چیز نایاب میباشد، در واقع عوامل طبیعی بیشتر سرزمین مزبور را متضرر گردانیده ، بترتیبی‌که قلت باران وکمی آب ، توفان های شدید یکه گرد و خاك را معمولا به طراف شهر می چرخاند ، شیشه های عمارات راباخاك یکسان میگرداند. تابستان ها حرارت درینجا به (۷۰) درجه سانتی گرید بالا میرود حالانکه زمستان های بی برف آن نیز خنك شدید با خود همراه دارد اما از آنجاییکه زندگی در «کالمیکش» کاملا خوب وانسانی است ، مسکونین آن‌با جدوجهد کار نموده وبا اطمینان به خاك‌وسیهن مقدس خویش می اندیشند که اغلباً مشاغل باشند گان آنرا تربیهٔ مواشی میسازد . در کالمیکش نزده فیصد زمین زراعتی است ، در متباقی حصص آن گوسفندان می چرند . با تغییرات عمیقی که بخاطر بهبودی مردمان کالمیکش صورت گرفته ، کانال های آبی ساخته شده وقرار تازه ترین گزارش درسال ۱۹۸۰ سطح هموار آبیاری شده درین نقطهٔ کاملا خشك به (۱۱۰۰۰۰) هکتار زمین بالغ میگردد که (۷۰۰۰۰۰) هکتار چرا گاه هانیز تحت آبیاری گرفته شده که این چراگاه ها برای تربیهٔ گوسفندان اختصاص داده شده است انستیتوت بر رسی وتحقیقات در الیستا در پهلوی سایر فعالیت های عمرانی که در زمینه های تاریخ ادبیات زبان یك دسپلین تازه برای غنای امور اقتصادی نیز رویدست گرفته شده که شاخه های کوچك قدیم اقتصادی را انکشاف میدهد . تربیهٔ‌گوسفندو گندم کاری در مزرعه از مشاغل دلچسب و عمدهٔ باشند گان آن بشمار می آید . درهر ده روز تروپ های حفر کننده در جلگه ها خود شانرا رسانیده وبخاطرزیبایی وسرسبزی سرزمین مزبور بذل مساعی مینمایند . تپهٔ که شهر را محاط نموده زیاد تماشایی است. وظیفهٔ این تپه محافظت جلگه های الیستاء از تابش گرمای شدید آفتاب کاسته و د ر تقلیل بخشیدن گرمان آن رول ارزنده دارد چه از فرط گرمای سوزنده معمولا دریا های آن می خشکند ورفع مشکلات زندگی سی تا پنجاه هزار نفر سکنه در ینجا مدنظر گرفته شده بود حالانکه شمار سکنه کنونی آن به شصت هزار نفر میرسد چونکه محیط زیست کاملا مساعد گردانیده شده . «دورس هییف» یکی از معماران فعال این سرزمین میباشد که وی بدون شك همیشه طرح های ساختمانی خوبی برای این سر زمین داشته است . عمارات دوازده الی شانزده طبقه یی بسان یك کریستال بزرگ جلب توجه میکند . عمارات ورزشی بس جالب از هنر معمارچیره دست وی حکایت میکند. تا راحتی، وواقعاتی که ازناحیهٔ حرارت قوی، توفان های حرارت‌زا قلت آب وامثال این‌که متوجه مردم گردیده، استقامت وپشتکار ایشانرا بیشتر آشکارا می سازد . درین شهر تمام ریکلام ها با چراغ نیون میدرخشند . در قصر کلتوری آنجایك سالون رقص وجود دارد در تیاتر با شکوه آن شام ها نمایشات جالب نشانداده میشود. چندین سال قبل بیولوژست ها برای محافظت گیاهان ونباتات پس از مطالعات دامنه داری درینجا در صدد یافتن طرقی برای رشد و محافظت نباتات درین سرزمین گردیدند . اگر امروز گوشت های ملایم و اعلی در مغازه های آن بخشم می خورد بخاطرتوجه عمیقی‌است‌که به تربیهٔ مواشی خاصتا گوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظوی بود بعلاوه برای حل تمامی معضله ها درین جا معه یونیورستی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی وتحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده وتمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکونین «کالمیکش» قرار داده اند امروز درین نقطهٔ ازجهان به آلات تزئینی زیادتوجه شده، دیوار هاهمه مزین ومنقوش رنگ ـ آمیزی شده وصنعتگران وسازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفهٔ شان علاقمندی نشانداده وعلاقمندی ثابت کرده اند، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده‌که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسامبل مشهور بنام «تولپان» که رقص های چندین قرنه وباستانی را نشان میدهد بر غنای هنری (الیستا) افزوده است . امروز فرزند هزاران چوپان، ماهی گیر ، میخانیکر، کارگر ساختمانی از اطراف به الیستا آمده و در یونیورستی آن مصروف فراگیری تحصیل‌اند تا از اندوخته های فزیکدانان ، بیولوژست ها فلاسفه ، مربیون پیداگوژی وکیمیادان ها چیزی اندوخته ومستفید گردند . در واقع زندگی در کالمیکش یك الهام خوبی است برای ایمان به پیشرفت بشر ، چه کالمیکش که تانیم قرن قبل سرزمین خشك، فاقد آ ب ومحل زندگی مردمان آواره وکوچی ها بود امروز در اثر مساعی زیاد آنجا به‌یك مرکز بزرگ زندگی ، معرفت وعلوم مبدل گردیده است .

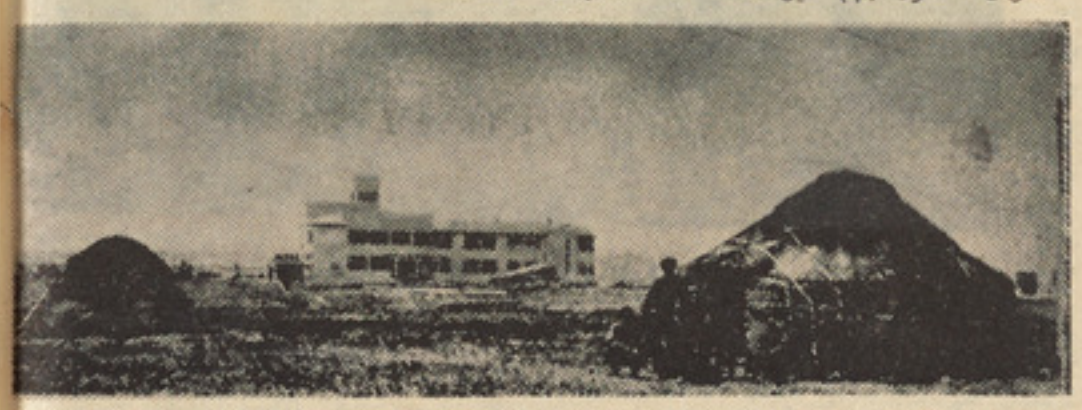

این تصویر زندگی چادرنشینان کالمیکش‌رانشان میدهد .

مبارزات پیگیر بخاطر رهایی از سطلهٔ رژیم فاشستی وضدانسانی پنوچت درچیلی

چرخش های عظیم انقلابی وسازنده د ر امریکای لاتین ، خاصتا در بیست سال اخیر زیاد چشمگیر ودر خور یادآوری است چه درطول این زمان تحولات عمیقی در عرصه های حیاتی وسیاسی مردم آن رونما گردیده است ، البته بیست سال اخیر از نگاه ناظرین سیاسی درین قاره ، سه مرحله را احتوا می نماید . انقلابی که در کیوبا به پیروزی رسید در واقع پیروزی نیرو ها ی مترقی وتحقق بخشیدن سیستم پسندیده و گزیدهٔ جهانی یعنی سوسیالیزم بجا ی مناسبات پوسیده بخصوص به‌عوض سیستم‌کاپیتالیستی درین قسمتی از جهان بود که این خود به منزلهٔ پیروزی بی همای خلق مبارز و انقلابی کیوبا ورهنمونی ایشان در جهت برقراری مناسبات صلح در روند تکامل جوامع بشری بحساب می آید . تلاش ها ی اهریمنانه امپریالیست ها هر چند که در سال ۱۹۷۳ منجر به استقرار رژیم فاشیستی در چلی گردید ، لاکن مردم چلی دیر یا زود به‌نیات وآمال نیك، انسانی وبشر دوستانهٔ خود دست یافته ویکبار دیگر به امپریالیزم و ارتجاع جهانی خواهند فهماند که دیگردوران آقائیت وباداری بسررسیده وتوده های تحت ستم هرآن در صدد گریز از سیطره های ضد مردمی وفاشیستی اند چه مردم خود میخواهند در فضای آکنده از آزادی ، دموکراسی و صلح ، فارغ از هرنوع ستم و استثمارزیست بدارند . یکی از مراحل ظفرمند دیگر د ر امریکای لاتین همانا پیروزی انقلاب در۱۹۷۹ در نیکاراگوا میباشد، این پیروزی بحیث یك جنبش دینامیکی تاریخی در جهت پیشرفت سیاسی واجتماعی واقتصادی، امریکای لاتین رادر مسیر نهضت های پیروزمندانه ترانقلابی قرار داد . این پیروزی وپیروزی های نظیر آن در امریکای لاتین به جهانیان بر ملا ساخت که هرکجا دیکتاتور ومستبدی است، سلطه اش خواهی نخواهی روبزوال است که مثال واضح آن واهمهٔ دیکتاتوری که در قسمت جنوبی «ریوگراندی» حکمروایی دارد از نیرو های مترقی است چه نیرو های آزادی بخش ومترقی بیهم زور گویان ودر بندکشان راتحت فشار درآورده ومجال نخواهند دادکه مستبدی ناتوان ها را درب ند بکشد . مگر ممکنست پنوچت مادام العمر وجاودانه خواهد توانست به دیکتاتوری اش در چلی ادامه بخشد؟ خیر، مبارزات برحق و رهایی بخش برای پایان دادن به مظالم اجتماعی، علیه رژیم خونین پنوچت با جدیت تمام روز تا روز اوج میگیرد . بیقین در برابر جبهه واحد و دموکراتیك مردم، پنوچت بزودی بزانو خواهد درآمد واین خلق چلی خواهد بود که وی را از مسند اش بدور افگنند . مخصوصا در سالیان اخیر گروپ هاییکه خواهان آرامش صلح ودموکراسی برای چلی اند، روز تا روز متشکل تر میگردند . مساعی این نیرو ها زیاد تر، در قدم اول در جهت پایان بخشیدن به‌عمال‌ننگین‌امپریالیست‌هاست تاباشدکه‌دستان

آغشته بخون هزاران بیگناه را از دامان زحمتکشان ورنجبران در چلی، کوتاه سازند، تا باشد که با ایدیالوژی مترقی و کاملا دموکراتیك وبشر دوستانه خویش، قاطعانهٔ برامپریالیزم پیروزی حاصل بدارند . باز هم این کشور های سوسیالیستی و دول مترقی اند که همبستگی شانرا با چلی اعلام و ایشانرا در راه طرد نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی تا آخرین سرحد آن، همراهی ومساعدت خواهند کرد . مخصوصا از سال ۱۹۷۶ بدینطرف با مساعی وجدیت های کاملا انقلابی طرح های اساسی برای پایان دادن به رژیم فاشیستی وضد انسانی پنوچت دنبال میشود که مرام اصلی همانا رسیدن چلی به یك جامعهٔ **ضد فاشیستی میباشد. جنبش های** افتی‌فاشیستی درچیلی، برای‌خلق چیلی بیشتر این امیدواری را می بخشد که رژیم فاشیستی پنوچت روبزوال است هر چند زمامداران فاشیست چلی یك آن از مقاومت دست نکشیده ودر راه‌مغلوب ساختن نیروهای ترقی وصلح سخت میکوشند و دست و پا میزنند غافل ازینکه این اصناف زحمتکشان ، کارگران، دهقانان وسایر نیرو های پیشرو ومترقی اند که باهم متحد شده اند ومحققاً سرانجام پیروزی بااقشارمتذکره خواهد بود واین کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان خواهند بود که با مشت های پولادین و کوبنده، بدهن امپریالیست ها و مرتجعین خواهند کوبید . از قرار معلوم نیرو های مترقی در چلی به رسیدن به پیروزی نزدیك گردیده اند . گرچه یکتعداد از همکاران حزبی از طرف رژیم پنوچت سربه نیست گردیده اند، لاکن مبارزین راه آزادی انسان در چلی که با ایدیولوژی مترقی مجهز میباشند .

با درك اشتباهات قبلی، بزودی به سیطره فاشیستی پنوچت پایان خواهند داد . مردمان وطنپرست چلی مدعی اند که آنان سراسر زندگی را علیه امپریالیزم ، نیوکلونیالیزم، راسیزم، اکسپانزیونیزم وسایردشمنان آزادی می رزمند . میهن پرستان چلی میگویند که ماعاشق استقلال وآزادی هستیم وتلاش ما آنست تا مزایای دگرگونی های شگرف سیاسی را که در اثر سوسیالیزم در اتحاد شوروی وسایر کشور های مترقی بوجود آمده، بمردم توضیح بداریم .

نتایج کار محققین در زمینهٔ دهکده کوهستانی گوسالت یا دهکدهٔ جواهرات

در ینجا مطالب تازه یی را درمورد دهکدهٔ گوسالت گزارش میدهیم ، دهکدهٔ که‌دامنه های بلند کوه های داگستان که در قسمت جنوب کوه‌های قفقازموقعیت دارد . دراطراف این دهکده گردنه ها وتنگه های عمیق ، مناظر فریبنده ای ساخته . دریاهای خروشان کناره های این‌کوه از شهکاری های دیگر طبیعت است که بردیدنی هایی این منطقهٔ تماشایی می‌افزاید . سرك های که به اطراف خانه های سنگی تراس مانند کشیده شده، راه مسکونین آنجا را بهمدیگر وصل ونزدیك میسازد . یك بخش دیگر این منطقه که بنام «بازالت» شهرت داشته‌وقلب دهکده‌رامیسازد، همه از سنگ شکسته ودرز یافته ساخته شده که با اینهم در میان آن سکنه آن بزندگی پرداخته واین خانه ها بسان یك بلاك درانظار جلوه میدارد . این دهکدهٔ کوهستانی به استنادتحقیقات مورخین معاصر دراعصارقدیم توسط سه‌معمارزبدهٔ آنروزگار، ساختمان‌منازل مذکور طرح شده بود . هدف ایشان تشکیل دادن بلاك های طبیعی سنگی یعنی در آوردن یعنی در آوردن سنگ ها ومغاره ها و در مجموع فرو رفتگی های کوه بشکل منازل بمنظور بقا وادامه حیات شان در آنجا بود و آرزو داشتند مسکونین بلاك های طبیعی را امتداد داده وتاقله های کوه مستقر گردند. گفته میشود که این مردمان ، مردمان‌فرهنگ دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر کلتور بخصوص وصنایع مختص بخودباشند. مسلما همین علاقمندی های ایشان بود که مسکونین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی ودرآوردن آن به اشکال تازه رفته رفته‌کسب شهرت نمودند ، عدهٔ دیگر، دهکده گوسالت را دهکدهٔ دیگ ها مینامند ، شاید بجهت آنکه خانه های مسکونی طبیعی که با اندکی تغییرات طرف بود وباش قرار گرفته، آنجا را بدین اسم یاد کرده اند وهم بجهت آنکه معمولا فلزات قیمتی خویش را دردیگ ها میگذاشتند ، دیگ هاییکه خود آنرا ازنقره وغیره درست میکردند .

بهمین منوال دهکدهٔ گوسالت را بنام های دهکده زرگران ودهکده جواهرات نیزمینامند که علت این نامگذاری آشکاراوهویداست . در منازل هریك از باشندگان این دهکدهٔ واقع شده دردامنه های مرتفع و حواشی وکنج وکنار کوه ها، لوازم و سامان آلات کاملا ناب وساخته شده از فلزات وناب که عبارت میشد از لوازم طعامخوری وچایخوری بازوبند ها وحلقه هایی طلایی، سگك های کمربند، بشقاب های تزئینی نصب شده در دیوار ها که از نقره ومرکبات آن درست میگردد، از داشته های مردمان آن محسوب میگردید که اغلب لوازم طرف ضرورت‌فامیل ها. بعلاوهٔ فلزات گرانقیمت ما قبل الذکر از فلزاتی چون نیلو وفلیگران نیز ساخته میشود . جواهرات دانه نشان دهکده، جای خاصی در میان مسکونین آنروز گارداشت .

مردمان آن از شاخها جام های آب نوشی ساخته وآنرا مرصع نیز میکردند . خم ها وکوزه های خرد وکلان که همه با دیزاین خاصی از برنج ونقره تهیه میگردید، بیانگر این واقعیت است که آنان از نگاه داشتن فلزات قیمتی غنی بودند . از قرار معلوم روی هریك از لوازم مذکور یکماه وحتی بیشتر از آن کار میکردند که از نگاه محققین معاصر بدون شك جواهر فروشان، زرگران،معماران وصنعتگران دهکدهٔ «گوسالت» با خلاقیت ابتکاری که داشتند ، بیقین معجزه میکردند واشیایی با آنهمه زیبایی ونفاست درست میکردند . مدارك قسمت زیاد این‌گزارش ها که پس از کاوش ها تثبیت گردیده، گواه این امر است که مسکونین دهکدهٔ مزبور مردم باکلتور ویا فرهنگ بوده اند و قرنها قبل توانست اند ، سطح ونحوه وچگونگی زندگی خویش را در آثار خو د که بجا گذاشته اند ، انعکاس داده وخود وسیله یی گردند برای انتقال چگونگی زیست خویش به نسل های مابعد . در دهکدهٔ «گوسالت» به فواید گیاهان توجه میشد وبرای طباعت نظافت ولطیف ساختن جلد از گل ها ونباتات کوهی استفاده بعمل می آ مد . ا ز ینکه بگذریم مطلب درخور توجه در بارهٔ مسکونین مذکور همانا دسترسی ایشان به صنعت ، بخصوص صنایع ظریفه است حس ابتکار و ژرفنگری در آثار ایشان نیز، توجه آدمی رابخود میکشد . بطور مثال یکی از قطعی های چای آنها که بتازگی بدست آمده، کاملا نقره یی بوده، بطور خاص دیزاین یافته . نتایج کار وزحمات وخلاقیت هنر ی این دهکده بوده که امروز بر غنای بسیاری از موزیم های کشور ی که موزیم مذکور آنجا موقعیت دارد، افزوده است . کنون نه تنها اینکه اشیای دهکده برای نمایشگاه و موزیم هاطرف مشاهده قرار گرفته، دهکدهٔ مذکور خود نیز ارزش تاریخی یافته که هر قسمت وبخش آن مبین کلتور وفرهنگ و هنرخاص میباشد که در ینمورد با بچاپ سپردن تصویری از اشیاییکه بتازگی هاازین دهکدهٔ کوهستانی بدست آمده وفعلا دریکی از موزیم های جهان قرار دارد ، بسنده‌میکنیم ومنتظر تحقیقات بعدی می باشیم .

این اشیا از دهکدهٔ «گوسالت» کشف گردیده است .

هغوی چی ژوندی دی

ژان لافایت

«دپیښونه ډکه سریزه»

په یو گرد چاپیر یال کی او دیوی نپی پرسر باندی چی یوی تنگی دری ته مخامخ واقع شوی دی ، دکاج و نی یی غوځی کړی دی تر څو چی د حاضری لپاره ځای جوړ کړی ، په هر ی خوا کی دونی پری شوی ټوټی او دودانو لو سامان پرا ته دی چی دسړی پښی پکښی بندیږی.

ددغه ځای په گرد چاپیر کی اوږ ده ودانی چی دیوی لویی ذوذنقی بڼه لری خنگله ته مخامخ پرته ده د خنگله له مینځه دنورو ودانیو بڼه‌بڼه لیدلی شو. موږته مخامخ په دری سوه متر یزه واټن کی یو غر چی مخ په آسمان جگ شوی دی ښکاری . زموږ په دوه کیلو متر ی‌واټن کی د بید یا هغه خوا ته چی موږ ته ښه ښکاری یو شمیر نور غرو نه واقع شوی دی چی دهمدغه غر سره یو ځای کیږی اویوه کړی جوړوی . اوموتهوزن د تیری کار ځای ته ډیره ورته ده. دغه نوی ځای دمو تهوزن په پر تله ډیره ار ته ده د ۱۳۰۰ مترو په اوږ دوالی دیوال زموږ په گرد چاپیر کی جوړ شوی دی اوله همدی‌امله سړی ته د (ژول ورن) حیرا نو نکی‌تاریخی کیسی را په یاد وی .

زموږ تر پښو لاندی د واوری پر مخ څو انسانی جسدو نه پراته دی . جسدو نه لو څ لپړ دی او دهر یوه پر ټټر باندی دخود کار قلم سره یو عدد لیکل شوی دی ما او (پل) وروستی جسد راوړل ددی لپاره چی جسدو نه مو پریو بړستن باندی ایښو دل او هغه مو کش کول ډیر ستړی شو داځکه چی دایومشکل کارو هغه (کاپو) چی موږ باندی مو ظف دی داطلاعا تو دلاس ته راو ستلو لپاره تللی دی. اوس موږ یواځی ددغه میدان ژوندی مو جودات یو . بیا هم زموږ تر پښولاندی شپږ جسدو نه چی ستر گی یی خلاصی‌دی اوآسمان ته گوری پراته دی دهغوی څنگ ته شپږ تا بو تونه چی تختی یی یو دبل نه لری لری میخ شوی دی دبند یا نو دا جسا دو څخه ډک دی . (پل)بی له دی نه چی متا ثر وی خپلی ستر گی یی پټی‌نیولی دی او وایی:

-سوچ کوم چی په څه حال‌لویدلی یو ؟ .

-هوکی . خو سره له دی باید ووا یم چی او س مو ږ ته هغی منظری عا دی بنه لری کو م چی پخوا تردی زموږ دو حشت او ویری سبب کید ل ...

-ښا یی داخبره ددی لپاره وی چی موږ به هم یوه ورځ یا ممکن دی سبا ددوی په سر نو شت اخته شو او ددوی په څیر.. همد لته و لو یږو .

-ښا یی .

-هغه ده ، کاپو موږ ته غږ کوی .

کا پو پدا سی حا ل کی چی نږ د ی کیږی . یو شمیر سامان او آلات زموږ په وړاندی گوزاروی او دستور را کوی چی تا بو تونه خلاص کړو . داکو م سخت‌کار ندی . تختی دځلورو دانو میخو نو سره پر تا بو ت با ند ی نښلی شوی دی . پل ماته وا یی .

-آخر دوی څنگه غواړی چی یو بل جسد هم دغه تا بو ت کی ځای کړی ؟ دلته خو دیوی گو تی په اندازه ځای نشته .

خود کا پو چر ت خرا به نده او موږ ته امر کوی چی په هغو تا بوتونو کی‌چی پخوا مو دوه جسدو نه ځای کړی و یوبل جسد هم ځای کړو . ددغه کار نه‌وروسته دتا بو ت سر نه ټینگیده نو ځکه دغه سړی (کاپو)دخپلو بوټونه سره تا بو ت با ندی پورته شو او دهغه تر پښو لاند ی دمړ و دهډوکود ما تیدو غږ پورته کیده... مو ږ ته کوم بل مهم کار پا تی نه و ه پر ته له دی نه چی تا بوتونه میخ کړو.

-شنل ، شنل .

یوه لاری موټر زموږ ډلی ته نږدی‌دریږی داهغه لاری ده چی هره ورځ یی موتهوزن ته دخواړه دراوړ لو لپاره مو ظفه‌وه او په عین حال دهمدغی لاری‌نه انسان‌سوځوو نکو کورو (کر ماتوریوم) ته دجسدونو دلیږ لو لپاره یی هم گټه اخستل .

اما او پل هره ورځ مو ما موریت درلود چی‌دهغو نا روغا نو جسدو نه چی پرو ن‌شپه په رو غتون کی مړه کید ل دغه ځای ته را وړو . دا پنځلس ورځی کیږی چی موږ پد غه کا ر بو خت یو .

نن د ۱۹۴۴ کال دآوریل لسمه نیټه ده .

روغتو ن ته ننو تل کوم آسا ن‌کار نه و دهغی ورځی په سبا چی (ابنسی) ته را غلو ټول هغه فرا نسو یا نو چی دموتهوزن څخه را غلی وو دلواز ما تو دوړ لو راوړلو په کا ر و گما رل شول او یوه ورځ‌وروسته موږ یی په بیلو بیلو (کما ندو)کی وویشلو . هغه ار دو گاه چی موږ او س پکی یو ، نوی جوړه شوی ده . ددغه اردوگاه و دانی دیوه څلور سوه کسیږی بند یانو دډلی په واسطه په تیر نوا میر میا شت کی پیل شوی او لاتر اوسه پو ری دو دانو لو کا ریی په بیړه سره جر یا ن لری . نوی کو ټی او خوب ځا یو نه جوړی شوی دی . داردوگاه غولی لو ئیږی داوبو دو تلو لاری کیند ل کیږی او دبر یښنا بر جو نه نو ی جو ړ یږی . په ډیر ه بیړه یو ه دډوډی پخولو او یو انسا ن سوځونکی کوره (کره ماتوار)دجوړیدو په حال کی ده . دغه اردوگاه با ید د می دمیاشتی‌ی ترلسمی‌نیټی پوری دلسوزرو کسو بند یا نو لپاره جوړه شی . مو ږاوس او س یوا ځی دری زره تنه یا ستو .

خو دغه ار دو گا ه یواځی دبند یا نو دسا تلو لپاره نه جو ړیږی ، بلکه د هغوی دبد نی قو ت او کا ر څخه هم گټی‌اخستل کیږی . دهمدغه منظور لپاره ددغه کا ر سر یزه داردو گاه په‌یوه کیلو متر ی‌واټن کی په یوه سیمه کی چی (اشتاین بروك) نو میږی پیل شوی دی . پد غه سیمه کی دبند یا نو ستری ډلی شپه او ورځ دنقب کیند لو په کا ر بو خت دی او په هغه تو نل کی چی دغره په منځنی برخه کی کیند ل کیږی په هرو څلور و یشتوساعتونو کی یوا ځی شپږ متره پر مخ ځی دا یوستر ریږونکی او تصور نه منو نکی کا ر دی، چی نو ی پیل شوی دی . (سیمون) چی هلته تللی و دهغو لکو مو تیفو نو ، ماشینو نو او سامان څخه کیسه کو له‌کوم چی په موقتی پټ ځایونو کی زیرمه شوی دی . او دهغه څخه هره ورځ یو ډک موټر دلته راوړل کیږی . دکا ر پر مختك دهغو و اورو د اوریدلو له امله چی زموږ دراتگ څخه را پد یخوا شیبه په شیبه اوری ، څند یږی او دکا ر خنډ مخ په زیاتیدو ده .

په ار دو گا ه کی داونی درخصتی خبره نشته . دادی دوی او نی کیږی چی پرله‌پسی کار کوو او یوا ځی دری اونی وروسته دیکشنبی په ورځ موږته رخصتی را کو ی خودکلمی په واقعی مفهو م په (ابنسی)کی رخصتی نشته . ددغه وخت په اوږ دو کی بند یا ن با ید دغو لی و اوره پا کی کړ ی او هره شپه د ورځنی کار دپای ته رسیدلو څخه ورو سته دپروژ کتو ر نو درنا په مر...

اید دهغو ونو ریښی او پا تی شو ی ځانگ نی دار دو گا ه دغو لی په مخ‌کی پرا ته دی‌بهرته ویسی.

کار دجریان‌څخه پرته په بل و خت ک لیدنی گتنی امکان‌نلری . زه «دلته‌به المانیانو باندی ښه تیره شی)دجملی ه یاد ولو ید م او متو جه شدم چی هغ شمیر فرا نسو یا نو چی مخکی له موږ لته را غلی وه ، ورووړو مړه کیږی ا لازمه ده چی پد ی هکله سو چ وکړو .

نور کا ر وانونه به ډیر ژر راورسیږی دکو ماندو گا نو او نورو ساز ما نو نو شمیر به ډیر شی .د پخوا نیو بند یا نو لپاره د ژغورنی یوا ځنی لاره داده چی خپلو ځانونو ته مناسبت ځای ترلاسه کړی تر څو چی په را تلو نکی وخت کړد خطر سره مخا مخ نشی او موږ هم دهمدغی نقشی د تنظیمو لو څخه وروسته په فعا لیت پیل وکړ .

(ما ینو س) داردو گاه رئیس یو آلمانی دی‌دهغه نه چی تیرشو . داردو گاه‌منشی (آلبر ت) نو میږی او اصلا دلو کزا مبورگ او سیدو نکی دی خو په فرا نسو ی ژ به غږ یږی او پخوا هم دمو تهوزن په پنځم نمبر بلاك کی مو ږ سره یو ځای و ،ښایی چی دهغه څخه مر سته تر لاسه کړو .اوس اوس دوه تنه فرا نسو یا نو د (کاپو) په توگه دنده سرته رسوی یو یی (ما ر سل) نو میږی او پخوا په‌یوه سودا گر ی‌شرکت کی مد یرو او بل یی یو کمو نیست کارگر دی او (ژوزف)نو میږی . دغه ورو ستی سړی ددی لپاره چی دالزاس اوسیدونکی و او په آلمانی ژبه پو هیده دغه دنده یی تر لاسه کړی دی .درو غتو ن داکتر هم یوه فرا نسوی دی چی (رنه)نو میږی هغه هم کمو نیست دی او دلو مړی کا ر وا ن سره دلته را غلی دی او دخپلو فدا کا ریو او زحمتو نو له بر کته ډیر محبو بیت لری . او په وروستی پړاوکی ښا یی چی (با با هانری)او دهغه دگا ونډی (امیل)په هکله وغږیږو ، د ی د (اشتاین بروك) په یوه کا ر ځای کی کا ر کوی دو ی دواړه کمو نیستان دی . دهمد غو دواړو په مرسته موږ وکولای شو ل چی خپل ډ یر

ملگری په هما غو لومړیو پنځلسو ورځو کی په آسا نو کو ماندو گا نو کی ځای په ځای کړو .

ویلی ،ژول او سیمون دژوزف په کوماندو کسی کار کـــوی.د«پل» یوه ملگری چـــی لوسین نومیږی د ۱٦ نمـــبر بـــلاك نـــه موږ سره راغلی و ، دالکتریـــسینانـــو په بلاك کی کا ر کوی . زه، پل او پتی لوئی دډاکتـــر رنه پـــه غو ښتنه په روغتـــون کـــی په کار گمارل شوی یو . یواځـــی «اندازه» په اشتا ین بروك کی کار کوی او تراوسه پوری مو ږ و نشو کړای چی دی دهغـــه ځای څخه وبا سو .

داسی بر یښی چی موږ به مقاومت وکړو خودغه کاربه ډیـــر آسان نـــه وی.

• • •

ما اوپل خپل ورځنی کا رونه سرتـــه رسو لی دی ، په روغتون کی یو ، او د کړ کی څخه دواورو او ریدو ته گورو . پل وایی :فرق نه کوی په هـــر صورت داشتاین بروك په پر تله آرام یو .

ـهو کی زموږ هره ورځ چی تیر یږ ی یو نوی بریا لیتو ب ترلاسه کوو ...

پل دیو جا روب پر دسته با ندی تکیه کـړ ی وی او مـاتـه گوری زه هم یوه صافی په لاس کی لرم . دلته هم با ید د موتهوزن په څیر سړی دکار یو افزار په لاس کی ولری تر څو چی داس اس له خواغافلگیره نشی . په همد غه وخت کی زموږ اس- اس هم پیدا کیږی . پل خپل جا رو ب ســـره ځان بو ختوی اوزه هم پـــه بیړه سره خپل صافی دښیښی پر مخ موښم پل بیا وایی :

ـهوکی په هر صورت دلته ښه ده .

ـآهای ، زه تاسو پسی گر ځیدم .

ډا کتر (رنه) دخپل سپین چپن سره زموږ په شاولاړ دی . هغه په رښتیا سره یو پـــه زړه پوری سړی دی دهغه اخلاق او مینـــی له امله چی ټولـــو نارو غانو سره یی لـــری ډیره په زړه پوری ده . دی خپل ټول قوت او ټول وخت دنا روغانو د سلامتیا په لاره کی مصر فوی .. (رنه) دخپلی جگی و نـــی او بزرگ منشا نه کړه وړه سره په رښتیا سره ددغه چا پیریال واکداردی په دا سی حال کی چی هغه په واقعی ټوگه هیڅ کاره او موږ غوندی یو بندی سړی دی. دی داسی یو بندی دی چی پوهه او عملی تجر بی یی تل داس ـاس د ملنډ ی سره مخا مـــخ کیږی .

ډاکتر په پسته ژبه موږ ته وایی .

ـښه کار مو وکړه !تا سو دواړو تـــه وایم .

ـڅنگه ؟

ـسره له دی چی څوو اری می تا سو ته ویلی و بیا مو هم نن سها ر دکثا فا تو ډبلی دبلاك تر څنگه خا لی کړی دی پداسی حال کی چی ما تل تا سو ته سپار ښتنـــه کړی ده چی دغه شیان و سو ځوی. له همدی امله اس- اس عصبا نی شوی اووایی چی دروغتون ټول کار کوونکی به وټکوی.

ـخو ته ډاډه واو سیږه چی دغه کـــار زموږ له خوا نده شوی .

ـ نـــو هر و مرو بـــه دپتـــی لویی کـــار وی .

دهغه کار هـــم نده څـــکه چی ما سره یی مړی کش کول .

په همد غه وخت کی اس- اس تا لار ته دننه را ځی ، منشی هم ورسره دی او خبری یی ژبا ړوی .

ـښا غلی رئیس غواړی چی پوه شی چی دکثافا تو ډبلی نن چا تش کړی دی.

ـموږ ندی تش کړی .

ـښا غلی رئیس وایی چی که تر پنځو- دقیقو پوری گنا هکار ځان معر فی نکر ی دروغتو ن ټول فرا نسوی کار کو نکی بـــه دمترو کو پنځه ویشت ضربی وخوری .

پل مخ ته ځی او وایی : که هرو مـــرو باید یو سړی ځان معر فی کړی زه حاضریم چی پنځه ویشت مترو کی وز غمم .

ډاکتر چغه کوی او وایی : هغه گنـــاه نلری !

ـاوس به څه وکړو ؟

اس ـاس (پتی لوئی)ته غږ کوی . دا غـــو څـــه خبره ده چی هغه هم گناه نـــلری. هغه اسپانوی سړی چی زموږ په څیر داطا- قونو مسوول دی هم گناه نلری . اس- اس موږته وایی :

ـډیر ښه . اوس چی هیڅوك نه غوا ړی اعترا ف وکړی تا سی څلور واړه با یـــد وټکول شی .

ـڅلور واړه دلیك څخه بهر را ځو. په را هروکی یو کټ ایښودل شوی دی .هغـــه پتی لوئی ته اشاره کوی چی پرکټ بـــاندی پر یوزی . یو لهستا نی پر ستا ر غو اړی چی دپتی لوئی اوږه ټینگ ونیسی او دوه کسه نور چی دمځکی پر مخ ناست دی غوا ړی چی پښی یی ټینگی ونیسی . خو پتی لوئی هغوی پو هوی چی مر ستی ته اړ ند ی اس-اس کمری ته ځی او یو کائـــو چو یی متروکـــه چی یوه او سپنیزه مزی یی هم په زبا نه کی لری له ځانه سره راوړی . دی دملنډی نه ډکه بڼه لری . موږ دری کســـه نـــور دخپل وار انتظار با سو او پیښی نه گورو ډاکتر (رنه) ددی لپاره چی دغه صحنه ونه گوری زموږ دډلی څخه لیری کیږی ،پداسی حال کی چی پو هیږی چی دده دغه عمـــل به هغه دجزا وړو گر ځوی .

اس ـاس ټوپ وهی او دخپل ټول قو ت سره دمترو کو پنځه ویشت ضربی دپتی لوئی پر کو نا ټی باند ی حوا له کوی . هغـــه دخپل مترو کی سره ښه نښه نیسی او هغه پر هد ف با ند ی حواله کوی .

پتی لویی خپـــل لاسونه دکټ په پایـــو با ند ی ټینگ نیسی خو خپل ځا نتـــه ټکان نه ور کوی دجزاد تطبیق څـــخه وروسته کپ کپ . جگیږی او گډ گډ ځی اولیری کیږی .

زما واردی . زه هم دهغه په څیر اجا زه نه ور کوم چی څوك را سره مر سته وکړی یواځی په هماغه بڼـــه ځان نیسم اوخـــپل سر لږ شا نته ټیت نیسم اس ـاس چـــی ستړی شوی دی یو چکو سلواکی پر ستار را غواړی . مترو که یی په لاس کی ورکوی او ورته د ستور ور کوی چی دهغه پر ځای ما وو هی . دغه سړی په لو مه کی لویدلی حیوا ن په څیر ما نه گوری ، خو بله چاره نشته با ید دستور اجرا شی (داس- اس دد ستو رنه اجرا کول په هره وجه چی وی داعدام جز الری)• زه انتـــظار باسم .هغـــه په وهلو پیل کو ی او دهری ضر بی څخه وروسته په آلما نی ژبه وایی .

ـیو !

لومړنی ضر به ډیره کلکه نه وه .

اس ـاس بو غاری وهی

ـپزوره یی ووهه !

ـدوه !

دا واری مترو که پرځان باندی مـــی ونښلید . ډیر زیات درد احسا سو م.

اس-اس دگواښ نه پـــه ډگ غږ سره وایی : په زوره ، لاهم په زوره !

ـدری ! ... څلور !... پنځه !...

دپتی لو ئی په شان د درد له زوره خپل لاسو نه دکت پر پایو با ندی ټینگو م درد زغم نه منو نکی کیږی .

(نوربیا)

بقیه صفحه ۱۲

کنترول توبرکلوز ...

برای ششماه دارای ذخیره میباشد.

رئیس انستیتوت ملی کنترول توبرکلوز در مورد فعالیت کنترول توبرکلوز چنیـــن معلومات داد :

اول : وقایه ذریعه واکسین بی‌سی‌جی .

دوم : کشف واقعه توبرکلوز در قدم اول بواسطه معاینه مستقیم بلغم ودر حوزه هـا بوسیله مکروفلم .

سوم : در تداوی مریضان توبرکلوز حق اولیت به مریضان بلغم مثبت داده میشـو د وبعضا مریضان بلغم منفی که از نگاه رادیو- گرافی فعال میباشد وتداوی مریضان خا رج ریوی درصورت ادویه کافی وبعد از تشخیص قطعی از طرف متخصص مربوط تحت تـداوی قرار گرفته می شود .

چهارم : تمام پرسونل که در پروگـــرام توبرکلوز فعالیت میکنند باید تحت تریننگ در داخل وخارج گرفته شود وهمچنان ا ز نگاه تبلیغات از وسایل مفاهمه جمعی مانند روزنامه ها ، رادیو، تلویزیون، جـــراید، پامفلت، کنفرانس ها وغیره استفاده گردد .

پنجم : تعقیب مـــریضان غیر حـــاضـــر ، مریضان دارای بلغم مثبت در صور تیکـــه تداوی خودرا ناقص وبدون هدایت داکترقطع کنند باید از طرف شعبه مربوط مـــر یـــضان را جهت دوام تداوی تشویق وکمك کنند .

همچنان تحقیق وریسرچ تنها در انستیتوت ملی توبرکلوز از نگاه نوع مکروب وغیره صورت می گیرد .

در ولایات فعالیت ازنگاه واکسین‌بی‌سی‌جی که توسط تیم سیار آمریت معافیت کتلـــوی صورت می گیرد وهمچنان واکسیناسیون در خود حوزه ها از طرف واکسیناسیون به اطفال نوزاد واشخاصیکه واکسین نشده اند اجـرا می گردد .

فعالیت کشف محراق توبر کلوز جهت بر آورده شدن این مرض همکاری تمـــام شعبات صحی‌وپرسونل صحی،شعبه توبرکلوز میباشد یعنی تمام اشخاصیکه دارای سرفـــه بیشتر از چهارده روز میباشد ویا علام دیگر توبرکلوز در آنها مشا هده می گردد بـــه شعبه لابرا توار معرفی وبلغم آنها بصـــورت مستقیم معاینه میگردد ودر صورتیکه بلغـــم مثبت داشته باشد تحت تداوی گرفته‌می‌شوند

تمام حوزه های توبر کلوز دارای دستگاه مکمل رادیو مکروفلم میباشد اشخاصیکـــه دارای بلغم منفی واز نگاه توبر کلوزمشکوك میباشد باید رادیو گرافی از آنها گر فتـــه شود که البته تشخیص آن تنها مربوط بـــه آمرحوزه توبرکلوز می‌باشد.

در قسمت تداوی مریضان دارای بلغـــم مثبت برای یك الی سه ماه استرپتو ماسیین روزانه یك گرام همراه بایك تابلیت‌تی‌بی‌یك (ایزو نیازید سه‌صد ملی گرام‌بایکصدو - پنجاه ملی‌گرام تیاسیـــد ازون بعـــدا جهت دوام تداوی آن از نوع تداوی روزانه استفاده می‌شوند دارای مراحل ذیل را بایدبپیما یند عبارت از تداوی مقطع یا تداوی مراقبتی نیز گویند بالای مریضان تطبیق می گـــردد . (استرپتو ماسیین هفته دو گرام ایزونیازید هفته دوازده صد گرام بادو تابلیت ویتامین بی ششم.

داکتر خیرخواه گفت :

ـ تمام مریضان که تحت تداوی گـر فته می شوند دارای نقاط ذیل می باشند .

۱ـ راجستر عمومی : مریضان توبرکـلوز دارای نمبر مسلسل می باشند

۲ـ کارت تداوی که از طرف انستیتوت تربیت داده شده واز نگاه نوع تداوی، معاینه بلغم ، تشخیص وشهرت مکمله خانه بری گردد تداوی برای یکسال می باشد یعنی چهار بار بلغم آنها بفاصله سه ماه منفـــی باشد .

۳ـ مریضان غیر حاضر به هر شکلی که باشد جهت تداوی جذب گردد و وسایـــل ترانسپورتی در اختیار شان گذاشته شود .

٤ـ به‌نزدیکان مریضان‌بلغم مثبت واکسین بی‌سی جی تطبیق گردد.

ازوی پرسیده شد که‌در ساختمان انستیتوت ملی کنترول کدام کشور باشما همکـــاری نموده است گفت :

ساختمان مجهز ومدرن انستیتوت ملـــی کنترول توبر کلوز در ساحه بیست جریب اعمار گردیده کمك بلاعوض حکومت جا پـان می‌باشد بمبلغ ۱۵۰ ملیون دالر که‌شامل‌سامان ووسایل اکسر یـز ، لا بـراتوار شعبـــات اپیدیو لوژی و شعبات تعلیمات صحی دفترو وسامان ولوازم دفتر وترانسپورت را شامـــل ترانسپورت می‌باشد

علاوه بر کمك های سامان ولوازم ، تربیه پرسونل فنی به سویه های مختلف تحـــت پروگرام فیلو شپ راهم مساعدت نموده وهم متخصصین راجهت کمك فرستاده‌اند.

بقیه صفحه ٤٦

کتاب نور و ظلمت

ص ٤٦ـ «خواجه‌عبدالله‌انصاری، بزرگترین وبقول خودش مهمترین تصنیف خودرا بـــه لهجه قدیم هراتی نوشته است» منظور مولف ازین تصنیف مهم همان، طبقات صو فـــیه، میباشد این کتاب مستقیما اثر پیر هر ا ت نیست : «گویا شیخ الاسلام مطالب آن‌کتاب را بحذف اسناد وعنعنه در مجالس تذکیر و تدریس خنیش املا فرموده ویکی از شاگردان آنرا مینوشت بنابران این کتاب مستقیما اثر خامه ونگاشته شیخ الاسلام نیست و مانند بسا کتب ورسایل دیگر از امالی شیخ است که این وجب آنرا بعبارت «مجالس التذکیـر بالفارسیه الحسنه»ستورده است . » (ازمقدمه پوهاند حبیبی بر طبقات الصوفیه ص ١٢) واز صفحه اول متن کتاب هم بخوبی پیـــدا است که کتاب، نوشته کس دیگر است نه از شیخ الاسلام زیرا مولف هیچگاه عباراتی راکه درین صفحه درج است راجع به خود نمی نویسد «رك طبقات الصوفیـه بکـو شش پوهاند عبدالحی حبیبی ـ طبع کابل ١٣٤١)

ص- ١٤٨ـ بهرامشاه غـز نوی ـ٥١١ـ٥١٢ه این تاریخ درباره دوره سلطنت بهـــرامشاه آخرین پادشاه مقتدال نـا صر در غزنـین از خطاهای سخت مشهود ونادرست است‌بهرامشاه نظربه‌قول منهاج السراج جوز جـانی مـدت چهل ویك سال سلطنت کرد . (طبقات‌ناصری ج ١ ص بکو شش حبیبی طبع کـابل ١٣٤١) وگذشته ازآن حکیم غزنوی حدیقه را درسال ٥١١ ویا ٥١٢ ه ، برای‌بهرامشاه اهدا نکرده است بلکه بروفق تحقیقاتی که اخیراء صورت گرفته ودر سیمینار سنایی در کابـــل اظهار گردید ، سال فوت حکیم غزنوی حوالی٥٤٥ هجری روی احتمال نزدیك به یقین تعیـــن گردید . بنا براین براهمین مولف نـور و ظلمت در ضبط تاریخ مزبور مرتکب خـــطا شده است که‌بایست تصحیح گردد.

ص ١٥٠ ـ «وحتی‌عده کثیری از این شعـرا کاملا مجذوب‌این اندیشه ها بودند بنا براین بابه پابدنبال سنایی وعطار واوحد الدین‌کرمانی متوفی به سال ٦٩٨ هجری در شعر خـــود «مصباح الارواح» خواننده را به سیر وسیاحت تمثیلی عرفانی در جهانهای نا شناخته‌ترغیب میکند .» ـدر جملات بین هلالین مابه نارسائی مترجم در روشن کردن مفاهیم خوبتر پـــی میبریم . زیرا مترجم در جمله به دزدی‌های که‌ز موده نه پیشوایان ودنباله روان رامشخص کرده است. جمله از «اوحد الدین کر مانـی از لحاظ مفهوم ، پیوند دارد وگذشته از آن به‌بعد دیگر جملات قبلی نه‌از نظرشکل ونه مولف محترم درسال وفات «اوحدالدین» سنه‌نا درستی را درج‌کرده است . او سال ٦٩٨ را سال وفات شاعر مزبور دانسته در حالیکه‌این سنه نظر به‌قول «ذکریا قزوینی»ـ در آثـــار البلادـ (ص ٢٤٨ طبع بیروت‌سال ١٩٦٠ م) سال فوت اوحدالدین کرمانی نیست ســـال فوت او سنه ٦٣٥ میباشد که در بغداد بوقوع پیوست وعلی اصغر حکمت نیز سال ٦٣٥ ه را سال وفات اوحدالدین کرمانی دانسته‌است.

(اك حاشیه ص ١٨٣ـ از سعدی تا جامی ـ تالیف بروان ترجمه علی اصغر حکمت طبع المان ١٣٣٩ هش) بنابه اسناد دست داشته ومدارك متذکره سال ٦٩٨ سنه ایست‌نادرست ونمیتواند سال وفات (اوحدالدین کرمانـی) باشد .

ص ١٥٣ـ بنابر افسانه او پس از مدتها سر گشتگی عاقبت به شهر قونیه در آسیا صغیر روی آورد .» اقوال مذکور در باره‌پدر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی صاحب مثنوی گفته شده است که قرار دادن شرح زندگی او را به‌مبنای افسانه سخت نا درست ودرخور تنقید است . زیرا اسناد ومدارکی که پیرا ـ مون زندگی آن عارف وواعظ معروف که‌صیت شهرتش در فضای سر زمین پهناوری ازبلخ تاقونیه طنین انداخته بـود معلـــو مـــا ت میدهند همه موثق محکم واستوار اند . بدین معنا که مولفان‌آن اثار از معاصران ومریدان سلطان العلما بهاوالدین محمد بـن حسیـــن خطیبی بلخی وفرزندش مولانا جلال الدیـن محمد بلخی بوده اند از آثر و شرح حال و جریان زندگی موصوف مبتنی بر اسناد موثق تاریخی است که‌محال‌است‌آن‌حقایق‌انکارناپذیررا افسانه پنداشت. کسانی که میخواهنـد در زمینه معلومات مبسوط داشته باشند میتوانند به‌کتب ذیل . «مناقب العارفین افلاکی ج ا ـ چاپ انقره بکوشش تحسین یازیجی ـسال ١٩٦١ م» ـ «ولد نامه انشاه بهاوالدین بـن مولانا جلال‌الدین بکوشش حسین اقبال طبع تهران «سورساله سپهسالار ـ تالیف .فریدون معروف به‌سپهسالار چاپ‌کانپورسال ١٣١٩ه» مراجعه فرمایند . تابین تاریخ وافسانه فرقی بگذارند .

ص ١٨٢ «اودرشهر کوچك جام درنزدیکـــی نیشاپور دیده بجهان کشود.» منظور مولف ازین دیده کشوده مولانانورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرون نهم هجری است محل تولد اوجام در نزدیکی نیشاپور نیست بلکه نزدیك هرات ودرآن روزگاران خـود از توابع هرات بود. وحالا بین هرات ومشهد واقع شده است که از نیشاپور نه تنها امروز بلکه درزمان تولد جامی هم بسیار فاصلـه داشت .

علی الرغم آنچه گفته شد جام در عصـر تیموریان وآنهم دوران حیات عرفانی وهنری مولانا جامی‌از توابع ومربوطات هرات بود وبنام جام هرات شهرت داشت بعد ها مرز های که دراثر تثبت ناجوانمردانه وغارتگرانه استعمار غرب بین ممالك تعیین گردید . در پیکر سرزمین ما نیز تاثیرد کرد .

امادر مطالعه حوزه های فرهنگی در نظر گرفتن این مرز های تحمیل شده مشکلاتی را ایجاد میکنند بایست این مواقع را نادیده انگاشت وساحه پژوهش را گسترش داد .

بقیه صفحه ٥

عشق زناشویی ...

انسان کار های روز مره خود را به بسیار سهو لت انجام داده میتواند مگر درعین حال حس میکند که تا کدام اندازه انکشاف رو حی او فقیر است .

پرا بلمهای موا زین اخلا قی بـا خوا ندن کتا بها ومجلات مخصو ص حل شده نمیتواند. ضرورت است‌تا جا معه بطور مکمل نیروی خود را درین مورد بسیج نماید .

زمانی که ازدواج فقط اکمال‌منا ـ سبات اقتصا دی‌را ارا ئه میکردنو جو نان حتی به ایجاب وقبول‌والدین به ازدواج آماده میشد ند .

این نوع ازدواج نظـر به ازدواج های عصر حا ضر مثال گا دی یـك اسبه را دارد . عشق ودو ستی‌ضروز است تا سا زما ند هی شود.عشق‌و محبت بدون جدو جهد ساز ما ندهی مفهوم ندارد .

یکی ازعلمای مشهور از پیرز نی پرسید : آیا خود را خو شبخـــت احساس می کند ؟ پیرزن جواب‌داد: خوشوقت‌در صورتی مـــی بـودم که‌شو هرم تااکنون زنده‌می بوددرین موارد در مما لك پیشرفته کلچر ها ترتیب داده میشود مشوره های مفید در موارد مختلـف بـه اشخا صـــ داده می شود که تازه عرو سی کرده اند. سعی میشود تا دو نفر را به فرهنگ مناسبات در ازدواج آماده سا زند .

بطور مثال بعضی ها نزد اشخاص مجرب مرا جعه کرده وسوال مـــی کنند : نمیدا نیم‌چرا با هم منا قشه میکیم. مسله بسیار سا ده است‌اینها تا حدی رسیده اند اما از نکات‌روانی یکد یگر هیـــچ اطلا عی نیا فته اند. اینهمه از مسا یل بسیار ابتدا یی شروع میشود .شو هر بدون اینکه متو جه شود از بعضی لطا فـــت هایش‌در مقا بل خانم می کا هـــد . خانم اگر در ین صو رت انتظاربدنیا آمدن طفل را دا شته باشد بسیار کم حو صله میبا شد . اگر شو هر در اینصورت از صبر وتحمل کار نگیرد مسله‌به‌جا های دیگرکشانیده میشود .زنها به نو به خود نیز به این نکته متو جه شوند که‌شو هربه فا میل وپدر شدن بزو دی‌عا دت‌نمی گیرد واز بعضی وظایفش با خبـر نمیباشد . پس وظیفه به سبك واسلوب مخصو ص‌شوهران شا نرا بـو ظایف مر بوطه ملتفـت سا زند. اینجا ست که زند گـــی مشترك دو تن ممکن است به بسیار خو شی وآرا می سپری شود واز مزا یای زند گی لـذت‌ببرند.

بقیه صفحه ١٥

اقلم آینده...

پیش بینی گردیده است .

مطالعات مشابه توسط کونتر بارت هـــای شان در دیگر ممالك هم تماس حاصل‌گردیده است . در سال ١٩٧٧ یك کاغذ تحقیقاتـی به عنوان انرژی واقلیم جوی ، در امریکـا طبع گردیده است . جمع کننده های مقالات این را هم نشان داده اند که ممکن گرمی عمومی منحصر به تزئید در کتله کاربن‌دای‌ـ اکساید درقناء باشند . علمائی امریکامعتقدند که گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن٢١ احساس کردند ویك نتیجه (یا همیت)جدائی عظیم در قرن ٢٢ دارد . بس اینطور نتیجه گرفته میتوانیم که محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یك امر مسلم وضروری بشمار میرود که خود منحصر ووابسته به احتراق فوسیل های مواد سوخت میباشد .

زیرا بصورت آشکارا یك چیزی غیر قابل استفاده است . بسیاری از علماء در کوشش هستند تا راه حل برای تهیه‌وسایل محافظوی اقلیم جوی که فعلاء همین طور است پیـدا کند این هم یك وظیفهٔ مغلق است . هیـچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجودندارد.

بقیه صفحه ٣٥

طلاسلطان فلزات

می کردند که میتوانند طلای مصنوعی بسازند اما هیچکس بالجام این‌کار قدرت نیافت و سوال چگونگی ساختن آن لاینحل باقـی ماند .

«الکمسیت» ها از زمانهای قدیم، درصدد آن بودند تا سنگی را پیدا کنند که بتواند فلزات رابه طلا تبدیل کند .

امروز که با داشتن وسایل عصری می توانیم از نیروی اتمی کار بگیریم بـازهم ساختن طلای مصنوعی ساده نیست . زیرافزیك دانان وکیمیادانان، باید برای ساختن طـلای مصنوعی ازیك مقدار سرب وپلاتین کـــار بگیرند ومدت هارا صرف نمایند تابه اندازه یك نوك قلم خودکـار طلا بدست آورند . اما ارزش همین طلای ناچیز معادل با چندین تن طلای طبیعی خواهد بود .

به‌هرحال این کـــار باهمه دشواری کـــ دارد خیلی دلچسپ وجالب است زیر ا این طلای ساخت دست بشر نتیجه یك سلسله کارها وتجارب طولانی است .

زمین شناسان بما اطمینان میدهند که در معادن موجوده طلای کره ارض یك مقدار کافی طلا وجود دارد . بهر صورت خواه‌تولید طلا بلند برود ویا نزول کند . یا قیمت هر اونس آن بلند برود ویا بگذارند که پا یین بیاید ، تقاضای طلاهمیشه نسبت به عرضه‌اش بیشتر وانسانها همیشه مجذوب رنگ زردین فلز بوده وخواهد بود چنانکه طی شش هزار سال بوده اند .

ژوندون

مردم ماداوطلبانه ...

ولی هما نطور یکه مردم ما باز
ن‌بردن حفیظ الله امین وبا نـــد
سد شن‌در عمل ثابت سا ختندکه
ـــنج اجنت ودست پرورد. استعمار
ستبداد را تحمل کرده نمی‌توانند
این تبهکا ران نیز در عمل ثابت
ا ختند که برای اخلال گری هاو
جاد فضای ترور واختناق شان‌فر-
ت نخوا هند داد وآنها را نیزچون
لف خاین شان از بین میبرند و
واهند برد، صدق این حقیقت در
کا ری های مردم وشهر یـــان
بل با دو لت انقلا بی شان در
ریان حوا دث اوا یل حوت وبعـد
آن بخو بی مشهود است و به‌مثابه
ست محکمی است بد هان همـــه
خوا هان ودشمنان انقلاب وپیشر-
ت صلـح آمیز کشور ما. وا قعیت
ر هم‌اینست که دشمنان حالادیگر
ملا نا امید شده اند واز آخر ین
ربه‌های بی‌تاثیر وبی نتیجه که در
انته های‌شان با قی ما نده است
رای سنگ اندا زی در راه‌پیرو زی
دم‌ما استفا ده می کنندواین حر به
ماناهمان حر به‌ی کهنه ورنگ‌ورو
نته ی دهها سال قبل است که‌با
نگ ورو غـن دادن آنرا می‌خواهند
ردیگر برعلیه کشور ومردم مـــا
ستعمال‌نما یند یعنی می خوا هنـد
زیر پرده‌ی دفاع از دین وآیین‌مقد-
س مردم ما(که هر گز صا دقانـه
ین کار را نمی کنند) امیال خودرابر
ورده سازند ولی طور یکه قبـلا
ختیم این حر به نیز کار گرنیافتاد
نمی افتد زیرا مردم مادر عمل مـی
بینند که دو لت از خود آنهـــا
در خد مت خود شان است واین
ولت انقلا بی ما است که بحیـث
ا دق‌ترا ین حمایه کننده ی‌همـــه
عتقادات وسنن پاك مردم کشور در
مل وفا داری خود را ثا بت‌سا خته
ست.هکـذا دو لت انسان دو ست
هیوما نیست ، یعنی دو لـــت
هوری‌دموکراتیك افغانستان‌بامردمی‌که
آگاهانه فر یب این‌اخلال گران و
ما شتگان استعمار وامپر یا لیزم
عناصر یکه بد ستور امپر یا لیزم
ار تجاع منطقه حوا دث شوم اوایل
وت را بمیان آورد ند) را خورده

بودند با مدارا وگذ شت بر خورد
نمود وکسا نی را که سند و دلیـل
قاطـع مبنی بر سو نظـر وعمل‌شان
موجود نبود فورا از حبس رهـــا
سا خت‌چنا نچه تا حال ۹۹۲نـفراز
کسا نیکه فر یب دشمنان مـردم‌و
انقـلاب افغا نستان را خورده‌بودند
وناآگاهانه آله ی‌دست اجنبی شـده
بودند از حبس رهاشده اندوقـرار
گفته های عده از ین‌فریب‌خورده‌هادر
جریان تحقیق ومدت قلیل حبس‌بـا
ایشان بر خورد کا ملا انسا نـی‌و
شرا فتمندا نه صو رت گر فتـــه
است وهکـذا عده‌ی از آنها به نما-
یندگی‌دیگر هم قطاران خود پس از
اظهار ندا مت همبستگی کا مل‌شانرا
از دو لت وانقلاب ملی‌ودمو کرا تیك
افغا نستان ابراز دا شته اند.

از ینجا ست که می گو یم: دولت
ماامروز از مردم است واین حقیقت
راخود مردم نیز به نیکی درك کرده
اند وحا ضرند با نثار جان ومـــال
خود از آن‌دفاع وپشیبا نی‌نمایند.
مر حله ی دوم تکا ملی انقلاب‌ثور
که کینه ودشمنی امپر یا لیزم ودر
را س امپر یا لیزم‌امر یکا،منحرفین
وخائنین چینی وار تجاع سیاه منطقه
متوجه آنست واین کینه تو زی آنها
دراعمالی منعکس است که در قبال
دولت مردم وانقلاب مر دمی مـــا
روامیدارند.این‌اعمال پلید شا مـــل
چور وچپاول ،کشتار دسته جمعی
کشتار پیر زنان وپیر مردان‌واطفال
صغیر نیز است‌و علا وتـا نیروهای
امپریا لیستی وار تجا عی به این‌هم
بسنده نشده ومزدوران ورهز نـان
زر خر یدخود را با مقا دیری زیـــاد
سـح ناریه وجا ر حه سا خـــت
زراد خانه‌های‌پنتاگون، پیکنگ‌ولندن
بکشور ،صادر می نما یند تـــا ان
نقشه های شوم شا نرا عملی سازند
ولی‌امروز وطن وانقلاب مادیگرپـا-
سدا ری‌دارد شکست نا پذ یـــرو
دلیر وسلحشور آری‌مردم ، اینجـا
ودانه صخره ی شکست نا پـذ یـر
مد افع وطن وانقلاب ما ست وچون
به شهادت تا ریـخ مردم معد وم‌نا
شند نی وشکست نا پـذ یرارست
انقـلاب ثور نیز چون از دفـــاع

وپشتیبانی مردم ما بر خور داراست
شکست ناپـذ یر وجا ودان است.
بهتر ین نمایا نگراین‌دفاع‌وپشتیبانی
تشکیل دسته های داو طلب دفاع‌از
انقلاب ووطن می باشد که بشکـــل
رضا کارا نه‌وبا شورو شوق فرا وان
از طرف مردم وطنپر ست وآزا دی
دوست ما صو رت می گیرد .
حزب دمو کرا تیك خلق‌افغانستان
که عا مل اصلی وگر دان‌پیش‌آهنگ
این عمل انقلابی است در طول‌مو-
جودیت پر افتخار خود وبخصو ص
بعد از پیرو زی انقلاب ظفر آفر ین
ثور در عمل ثابت سا خته است‌کـه
می توا ند مردم وطن را بد نبال‌خود
بکشاند تا از وطن ،انقلاب ودسـت
آورد های انقلاب‌با شها مت‌ودلیری
دفـاع نمایند .
زند ه‌باد مردم افغا نستان ایـــن
حماسه آفر ینان تا ریـخ منطقه

بقیه صفحه ۱۹

و یتامین ها

و کم شدن قوای تدافعی بدن در مقا بـــل
بیما ر یها ی عفو نی .
چه کسانیکه بایدبیشتر ویتامین‌سی صرف
کنند ؟
اشخا صیکه د خا نیات دود می کنند به
پیمانه‌زیاد به ویتامین سی‌ضرورت‌دا رنـــد
چه طبق آزما یش های که صورت گر فته
، بد ن این قبیل اشخا ص ویتا مین را زود
تر ازبین می‌برد.
کسا نیکه بیشتر خنك وسردی احسا س
می‌کنند و یابه بیماریهای کـــبدی د چـار
اند مقدار بیشتر ی از این ویتا مین‌ضرورت
دارند .
آنها نیکه وجود شان در مقا بل امراض
مقا و مت ندارد و نیز کسا نیکه در دورهٔ
نقاهت بسر می بـــرند وهمچنان اشخا صیکه
فعا لیت دما غی شان زیاد است با یـــد
بیشتر از ویـــتامین سی استـــفاده کنـــند
ویتا مین د : برای دا شتن دندا نها ی
خوب ، اعصاب کا ملا را حت ویك خواب
آرام از این ویتا مین لازم دارید . اگروجود
تا ن فا قد و یتا مین د با شد کلسیم و
فسفر دربدن تا ن جذب نمی شود و از
بیماری نرمی استخوان (را سیتیسم)رنـــج
می برید ، کمبودی این ویتا مین در اطفال
مرض ریکتن ودر اشخاص بـــالـغ مرضـ
اوستو مالیسارا بوجـــود آوردکـــه‌دراثر
این امراض استخوانها شکـــنـــده و تـــاب
خورده به نظر ی آیند . زنان با ر دارکه
تما می ذخیرهٔ ویتامین (د) خود را به جنین
مید هند باید در دوره حا ملگی ویتا مین‌د
بیشتر صرف کنند و اطفـال باید بیشتـــر به
این ویتا مین تو جه داشته با شند .
در منا بع که این ویتا مین را جستج و
کرده میتوا نید : اشعهٔ آفتاب ، جگر ،ماهی
زردی تخم، رو غـن ، مسکه و شیر مـــی
با شد .

ویتا مین ك : این ویتامین زیاد تر برای
لخته شد ن خو ن در بد ن ضرور است
زیرا قلت آن خطر نا ك بوده واگر نا حیه
از بد ن قطع ویا پاره شود خو ن بمقدار
زیاد فواره می کند که با ختن و ضا یع
شد ن مقدار زیاد خو ن سبب مرگ می
گر دد .
ویتا مین ك تو سط محیط رودهٔ انسا ن
تو لید شده می تواند و کبد بدو ن این
ویتا مین قادر به تولید پرو ترو مبین‌نیست
منا بع مهم ویتا مین ك با دنجان رو می
قسمت سبز گیا ها ن، تر کاری و زرد ی
تخم می با شد .
ویتا مین ای : یکی از ویتا مین ها ی
محلو ل در چر بی ومو ثر در اعما ل بد نی
است بهتر یـــن غذا های که ویتامین ای ،
دارد کاهـــو ، روغن هـــای نباتی ونطفه
گند م است این ویتا مین برا ی تکا مل
حجرات بصورت نورمال ضرور یست .
اگـــر غذای یو میه شما حـــاوی‌ویتامیـــن
ای ، باشد عضـلات شمـا ضعیـف و لاغـــر
نخوا هد شد وهر گز از عدم توا نا یی
جنسی مفهوم نخواهید بود .

ویتا مین ب : اگر بد ن شما فا قداین
ویتا مین با شد ، خطر پاره شدن، وریدها،
خونریزی و کمی فشار شما را تهد ید می
کند پس جهت رفع خطر لازم است از پوست
نارنج ولیمو استفاده کنید . این ویتا مین
برای بر قراری فشار طبیعی شر یا نها و
جلو گیری از حملا ت فشار نا منظم آنها
ضرور است .
ویتامین ها وپوست :ویتامین هـــا جزء
دارای ویتا مین ها ی مختلفه می با شند
اما اکثرا شا مل ویتا مین، هستند چنانچه
میوه ها ی تر ش وآبدار اکثرا حا مل
ویتا مین می با شند مثل لیمو ترش ،نارنج
گیلاس ، انگور ، تو ت زمینی .
ویتا مین ها و پوست : ویتا مین هاخبرء
مهم تند رستی بد ن است ، طوریکه تما م
اعضای بدن ووظا یف آن تحت تا ثیرویتامین
ها قرار گرفته و کمبود آن با عث بروزبیمار
یهای گونا گون می شود . مادر پا یین
مفید بت ویتا مین ها را در امر اض‌جلد ی
ذکر می کنیم :
اگر دانه ها ی سیاه کو چك در قسمت
عر یا ن بد ن شما مثلا در صورت ودستهای
نان بروز می کند از و یتا مین (پ،پ)علاج
آنرا جستجو کنید .
اگر مبتلا به بثورا ت سرخ که رو ی
آنها را فلس سفیدی پو شا نیده و بیشتر
در قسمت خا رجی مفا صل آرنج قرار دارد ،
برای درمان آن از ویتا مین ۲ب کمك
بخوا هید .
در صور تیکه مبتلا به سر خی دایم در
رخسار مخصوصا در گونه ها وبینی هستید
از ویتا مین (پ) استفاده کنید .
اگر مو ها ی شما زود سفید می شو د
ویتا مین (اچ) را از یاد نبر ید و آنرا از
غذا ها ی چو ن جگر وجیو با ت بد ست
آورید .

پر همت خورشید

گاهی بنشین ، بنگر
در لحظه‌ی مقدسی که کوشش جاری است
رویش زرد ، بینور ، بیرنگ میاید
درو یك نقطه ـ نقطه‌ی متمرکز (ایمان) میجنبد
با قامت نحیف وپاهای لاغرهم که‌شده لنگر
میاندازد
کوشش مقدس ـ کوشش برحق‌جاری‌است
میخواهد ، میکوشد ـ میخواهد ، میکوشد
بیرون میتابد ـ میاید
پر همت خورشید

از غ . ح . چولی پای

امشب!!!

خدا را ! سخت سرگردانم امشب
شبیخون زد غمش ، بر جانم امشب
چـونی ، خیزد فغا ن از بند بندم
ز هجـر آن گـل ریحـانـم امشب
زدست این‌دل خو شبا ور خـود
به حسر ت د ید ۀ گریانم امشـب
بهـار حسن او بنمـوده تو فا ن
اسیر پنجـه‌ی تـو فا نـم ا مشب
شگفته غنچـه اش ، در عین مستی
چـو بلبل خسته و نا لا نم امشب
شنیدم با ر قیب سفله آ میخـت
شکسته از جفا پیما نـم ا مشب
ز رشك افتاده ام د ر بستر تـب
چه باشد ، چاری و درمـانم امشب
بـرفت از من قـرارو صبرو آرام
نیاید خواب در چشمانـم امشب
زبس بارید اشك ار غـوانـی
بخون غلتان بود ، مژ گانـم امشب
توان یکبارگی از من شده سلب
خلیده در جگر پیکانـم امشـب
چه نقصانی رسد در دولت حسـن
شود گر از وفا ، مهمانـم امشب
جفای گلرخان عمـری کشیـدم
فگنده از نظر خـوبانـم امشب
به گرداب عمیق عشق ، غـرقـم
«نصیب» از بخت خود حیرانم امشب

از : محمد ناصر «نصیب»

از عبدالرحیم احمد پروانی

دوبیتی‌ها آیینهٔ تمام آرمان‌های مردم ما

کسی نیست که دو بیتی نشنیده ویانخوانده باشد . چراکه دو بیتی ها آیینه تمام نمای آرمان های مردم ماست وبه این علت مردم مابه این گوهرهای پرارزش فلکلور یك‌و ملی علاقه فراوان دارند .

دوبیتی ها دارای چهار مصرع می باشند که دو مصرع آن به قسم یك بیت تفهیم گردیده . اما بعضی آنرا چهار بیتی هم میگو ند . در بعضی دوبیتی ها دو مصرع اول دارای یك وزن وقافیه میباشد و بر خلاف دو مصرع دوم دارای وزن و قافیه علیحده می باشد . وبدین علت آنرا دوبیتی یاد می کنند مثل.

سرم درد میکند از غم جانان
نیست سون مارحم جانان
الا یار جان تویار بی وفاستی
بد گرا یار وبه مابی اعتنا ستی

دوبیتی هابه‌زبان جاری نشده بلکه در اثر واقعه یا پیش آمدی قریحه ذا تی گوینده بجوش آمده و دوبیتی این فی‌البداهه سروده وبه این علت اکثر دوبیتی ها موضوعات تاریخی وعشقی را احتوا میکند .

واین دوبیتی ها منعکس کننده احساسات وطنپرستی ـنفرت، بدبینی ویابر عکس‌نشانه دوستی ومحبت گوینده میبا شد . در اینجا نا گفته نباید گذاشت که این دو بیتی‌ها تنها احسا سات خاص یك نفر نیست .بلکه احسا سات عقاید و مرام های یك ملت میبا شد .

درینجا بطور مثال میتوا نیم از واقعه جنگ های انگلیس وافغان نام ببریم طوریکه میدانیم فرنگیان سه باربه خطه مقدس ما حمله نموده اند اما با جواب دندان شکن مردم افغانستان رو برو شده اندو این مردم با جنگ های غیورانه احسا سا ت‌وطن‌پرستی خود را به تجاوز گران خا رجی فهما ند ه اند . درین دوبیتی ذیل اززبان یك افغان و طرز فکر افغانیان را مقیاس بزنیم .

از زبان یك افغان طرز فکر افغا نیان را

صدایی توپ وآواز تفنگ است
جوانای غیور مشغو ل جنگ است
خدا سرخ روی‌بسازیشان به‌انگریز
که‌پاچایشان‌امان بانام وننگ‌است

در دوبیتی دگر ناز جانان بر گو ینده گران تمام شده وهم چنان از خونخوا ری واز ظلم بی حد فرنگیان بتنگ آمده و به این وحشی گری چنین نفرت نشان مید هد که ناز جانان راچون ظلم فرنگ میدا ندو می گوید :

ای یار چقدر قشنگی تـو
با ما دایم به جنگی تـو
بسی ظلم کر دی بر مـا
گما نم از ملك فر نگی تـو

ویا عاشقی که در عشق شکست خو رده ویا جوا نی که عاشق شده در کو ی‌جانان دوبیتی ها ی دلکش میسرود. وحال دل را بوی تفهیم میکرد مثلا :

برو بایار بگو یارت غریب‌است
پشت در گای مردم‌هردم‌شهیداست
برای بیرون که دیدار ت ببینم
نگو بهانه که مسکین وفقیر است

جای تعجب اینجاست که این دو بیتی اکثر توسط اشخاصی سروده شده که‌از نعمت سواد بی بهره بودند ما چنان ظرافیت‌ـ بلاغت وفصاحت وخصوصا صنایع بدیعی

بقیه درصفحه۵۸

کارگر

ای کار گر دلیر !
ای که توئی افتخار خلق ها
ای که تویی جرس کاروان ها
ای که تویی موج پشیتاز طوفان ها
عزم تو بود آهنین
رزم تو بود خشم گین
قهر تو بود مواج وخرو شان
خشم تو بود غرنده چون رعد شتابان
عزم تو بگسلد تاروپود بندگی
رزم تو آرد ببار دشمنان راشرمندگی
کنون که کاخ ستم در افگندی
کنون که طرح نو درانداختی
دلیرانه پیش رو !
مردانه پیش رو !
بی ترس وبی هراس
به سوی یك زندگی شرافتمند
عاری از بندگی
بی رنج و بردگی
هرگز مکن هراس
در پیچ وخم زندگی
رزمنده پیش رو
به سوی افق های روشن وتابناك
تا آن سوی افلاك
به پیش رو !
ای کارگر دلیر !

شعر از اسدالله مفتون

عشق به‌میهن ودفاع از آزادی از جمله سنن ملی خلق‌های کشور ماست

توده های ستمدیده وزحمتکش کشور محبوب افغانستان از گذشته‌های‌دور تا اکنون‌درقلب یا خار چشم استعمار وامپریالیزم بوده و سد دسایس وتوطئه های این خشن ترین شیان ونمایندگان امپریالیزم مبارزه بی‌امان ستگی ناپذیر کرده وآنرا رهسپار گودال یق ابدی نموده است •

درآوا نیکه انقلاب پرافتخار ثوربه‌رهبری ب‌واحد دموکراتیک خلق افغانستان)حزب ه کارگر کشور) به اراده خلق های ستمکش نجدیده به پیروزی رسید یکبار دیگر اخگر سم وانتقام دشمنان سوگند خورده خلق انستان دشمنان آزادی و ترقی اجتماعی به یان آمده وبه‌کمك ارتجاع منطقه،شئونیزم‌چین یالیزم امریکا دراین جاوآنجا علیه انقلاب ر سنگ‌اندازی می‌کنند وموانعی علیه اعمار امعه شکوفانی در افغانستان ایجاد می‌کنند خبر از اینکه حزب پرافتخار خلق افغانستان پشتیبانی و همبستگی توده های‌میلیونی هن ماو جهان برخوردار بوده وتا آخرین رمق ات از آن دفاع وپشتیبانی می‌کنند •

عشق به میهن ، علاقه‌به‌استقلال واقعی ودفاع ان ازجمله سنن نهایت عالی وپرافتخار خلق ی کشور عزیز ما افغانستان است که نیاکان واجدادقهرمان ومبارز ما همچومیراث ی مانده است• باقیام‌پیروزمندانه‌شش جدی ده‌های وسیع رنجدیده‌وستمکش افغانستان رد مرحله نوین تکامل تاریخی انقلا ب کوهمند ثور گردیدند •

که‌باموفقیت آن حفیظ الله این نما ینده شناس وشناخته شده امپریالیزم امریکا• نماینده سازمان جاسوسی سی،آی،ای‌ودشمن فع خلق های ستمدیده افغانستان برای‌همیش دیارکهن سال افغانستان محو ونابود دید •

ودژ استبداد دود مان فاشیست امین وامینیها انسانان حیوان صفت ونوکرمنش‌امپریالیزم یکا برای ابد واژگون گردید •

مرحله جدید انقلاب پرافتخار ثور که منجر شکست ماشین زجرو شکنجه باند سیاه‌امیر ظ الله فاشیست گردید• انقلاب رادرمسیر ملی اصولی سالم وقانونمند آن قرار داد• کام باتحول کیفی نوین درزندگی اجتما عی ق افغانستان تمام زندانیان سیاسی که ساطور خونین امین میرغضب سربدر برده ند از سلول های سیاه وننگین امین جلاد تمام کشور با احساس مسرت و خوشنودی رها شدند وبه کاشانه های خویش برگشتند حال که‌درفش آزادگی بر فراز قله های‌سر-بفلك کشیده افغانستان در اهتزاز است، به تمام خلق های شریف وزحمتکش افغانستان به تمام ملیت های برادر افغانستان ، به تمام کارگران ، دهقانان ، روشنفکران مترقی پیشه-وران ،به افسران ، خورد ضابطان وسربازان اردوی قهرمان وبه تمام وطنپرستان لازم است که در روشنی بیانیه نجات بخش وتاریخی ببرك کارمل تحت رهبری حزب‌واحد موکراتیك خلق افغانستان در جبهه وسیع‌ملی پدر وطن باهم متشکل شوند •

درماحول کمیته مرکزی وشورای انقلابی‌حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان همچو حلقه آهنین ، محکم ، شکست ناپذیر وبادسلین قرار گیرند • ودر این مرحله مشخص تاریخی به عملی کردن وظایف حزب دموکراتیك خلق افغانستان کمربسته باشند واجازه ند هند که دشمنان‌داخلی و خارجی خلق افغانستان به سردمداری امپریالیزم پلان شوم خود را درمورد انقلاب ، آزادی وطن ، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی عملی بسازد•

هم اکنون که خلق‌ستمدیده میهن مابه آزادی واقعی‌خویش نایل شده اند وظایف بس مبرمی دارند ،که یکی هم دفاع‌از دست‌آوردهای انقلاب شکوهمند ثور وناموس مادر وطن است •وهمچو توده های مبارز وباشهامت مانند نیاکان‌فداکار شان از آن دفاع خواهند کرد و هم تمام نهضت های مترقی جهان از آن منحیث خلق برادر پشتیبانی می‌نماید •

دوست و همسایه شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی اولین‌کشوری بود که استقلال ملی افغانستان را به رسمیت شناخت واز همان‌آوان همبستگی بی امان خودرا با خلق افغانستان اعلام نمود • و همچنان افغانستان هم اولین کشوری بود که اتحاد جماهیر شوروی رابه رسمیت شناخت•

دوستی بی شائبه شوروی ، افغان خار چشم عظمت طلبان چینائی ودیگر کشور های امپریالیستی منجمله‌امریکاشده ومی‌خواهندعلیه افغانستان انقلابی‌توطئه‌بچینند ونقشه‌شوم‌خویش راعملی سازند•

توده های زحمتکش وباشهامت افغانستان بااتکابانیرو مندی خود وبا همکاری کشورهای آزادیخواه ، صلح دوست ومترقی درراس‌آن اتحاد جماهیر شوروی درراه تحکیم واستقرار صلح در منطقه ، درراه استقلال کامل‌افغانستان از اسارت مادی و معنوی ، در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ، درراه اعمار افغانستان‌آزادآباد وسربلند ،در راه مبارزه‌علیه شیونیزم، فاشیزم وامپریالیزم ، شجاعانه وبی هراس‌موفقانه وپیروزمندانه به پیش می‌روند •

مبارزات خلق افغانستان عادلانه است

پیروزی از آن‌خلق افغانستان است

-بگذار که خار مبارزات آزدیخوا هی‌خلق چین راکور نماید•

-مرگ بر تجاوز گران ، اشغالگران وعظمت طلبان •

پیروز باد جنبش های آزادیخواهی درسراسر جهان

درفش مبارزات توده ای درسراسر گیتی‌در اهتزاز باد

نوشته : اقبال محل پوهنځی انجنیری

ای هیواده

ای هیواده
ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ته زمونږ ښکلی وطن ئی
ته زمونږ روح‌ئی اوتن‌ئی
مونږبه تا باندی ویاړیږو
مونږبه تاباندی نازیږو
تابه لوړساتو هیواده
په لوړتیادی مونږ خوښیږو
زمونږ ټول فخربه تاده
ای زمونږ دژوند بنیاده

ای هیواده
ای هیواده
خوچی ژوند لرو هیواده
تا پخپلو مټو ساتو
چی سمسور شی ای هیواده
تاپخپلو وینو پالو
ای هیواده ته پوهیږی
پس له دی به زرغونیږی
دلوړتیا په لور به درومی
خپل منزل ته به‌رسیږی

ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده ستا دټولو
پرګنو اولسونو
ستا دغیږی دزیار کښو
دخواره واره قومونو
آزادی به‌دا سی تل وی
خپلواکی به داسی تل وی
نور به دغه انقلاب وی

نوربه ته‌ئی ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده

نور به‌ته جنت جنت شی
تازه‌گی به درکی زیات شی
هرخلمی به‌دی شباب وی
غم خپلی ستا خواران به
ستا تپاکی پښی بزگران به

دا ناداره مزدوران به
ستا دغیږی کارگران به
په‌یوه تغرتولیږی
په‌یو لار به‌روانیږی
یودبل ته ای هیواده
له وحدته به خاریږی
دوی به‌ټول په‌یو تغرشی
په یو فکر لروبر شی
ددی ټولو زیار ګالونکو
یوئی زور او یوبی شان شی
په قوت د دوی دمټو
تار په تار به ظالمان شی

په‌ژوندون کښی به‌شی ښاده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
نور په‌تاکی ای هیواده
دخوندونو ژوند جوړیږی
لوږه ، تنده به‌شی ورکه
هر سړی پټ او مړیږی

خکه تاکی ای هیواده
دژوندنوی باب راغلی
مفت به منته چی خوړله
اوس پری سور سیلاب راغلی
نوخو ښیره ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده

ای هیواده
ای هیواده

فاروق (حریق)

ارزش‌های حیاتی شیر مادر

بشر یت در هر جاه وهمه حال به مادرا ن شیرده خوب محتاج ونیا زمند است وشیر مادر در زند گی طفل از نگاه کمیا وبیولوژی وسو سیو لو ژی وروا نشنا سی نقش بـه سزای دارد که خلاصه آن یکایك عر ض میشود .

۱ـشیر مادر یك غذای طبیعی است کـه مانند دیگر حیوانات پستا ندار نظر بـه احتیاج و ضـرورت نو باوگـان انسان از نگاه کمی و کیفی در پستان مادر از ماهای اخیر حاملگی تهیه شده و برای استفاده با شرا یط مکیدن طفل چند سا عت بعد از تو لد قا بل استفاده است وهیچ غذای‌نمی توا ند جای شیر مادر را بگیرد زیراجستجو های مکر ر علمی ثابت نموده که شیر همه مادران از شیر حیوانات فرق فا حشـی دارد .

۲ـ شیر مادر رایگان وبرای تهیه آن محتاج کدام عایدات اضافی نیستیم هر گاه شش صد کالوری اضافی غـذای برای مادر نیز تهیه نما ئیم مصا رف پولی واقتصادی‌آن با تهیه شیر گاو وغذای مصنو عی قا بل مقایسـه نیست چه یك‌طفل برای سه روزیك پو ند (یك قطی) شیر پودری با زار را صرف مینما ید که شصت تا هفتاد افغا نی قیمت آنست ووسا یل وشرا یط تهیه آن‌پول هنگفتی را ضا یع میسازد .

۳ـشیر مادر همیشه وهمه وقت بدون‌تکلیف حاضر وآماده استفاده است و در تهیه آ ن وقت مادر ضایع نمیشود و طفل تاتهیه نمودن آن احسا س ناراحتی وزجر نمی نما یدمادر بحیث‌یك فکتور اقتصادی واجتماعی میـتواند وقت خود را به آبادی کشور و کا رمفید اجتماعی صرف نماید.

٤ـچون هدف از خوردن غذاتنها موجودیت نیو ترنیت ها یا مواد مفیده غذایی نیست بلکه این مواد باید به اسا نی قا بـل هضم ، جذب بوده و بدرستی در ساختمان و نشو نمای عضو یت بغرض بهبود توازن قوا ی ذهنی فزیکی واجتما عی بکار رود.که از این نگاه مواد مفیده شیر مادر تما مابه آسانی قـابل هضم وجذب واستفاده است و بد ین منظور در سینه های مادر تهیه شده است .

٥ـشیر مادر پاك وعاری از مکروب ها ی مرض وآلود گی بوده وبرای پا ك نمود ن، حنا ظت وموا ظبت آن از آلود گی ومکروب احتیا ج به وسایل وجو ش دادن و پختـن نداریم فلهذا مواد مفیده آن در عملیه های جو ش و پخت و سا مان ضا یع نمیشود.

٦ـپرو تین ها که مهمتر ین گروپ مواد نا یترو جن دار غذایی است و بدون آ ن نشو نما و سا ختمان اعضا وانسا ج‌ومایعات حیا تی عضو یت نا ممکن است در شیر مادر از نگاه کمی (۱،٥) فیصد و کمتر از شیر گاو بوده اما از نگاه کیفی پرو تین شیرمادر البومین ۱ر۲ دارد کـه بهتر بـر ا ی کودك قابل جذب وهضم است .

فیصدی بیشتر پروتین های شیر گـا و کـه کاسیـن آن بمراتب زیاد است(۱،٦) به مشکل قابل هضم و جذب بوده و بعضا باعث انسداد روده های طفل وتولید نفخ‌وبـاد میشودکه‌تکلیف ده‌است وهرگاه‌کلیه‌های‌طفل به‌خوبی‌فعال‌نباشد باعث ازدیاد یوری‌خون شده وکشنده است .

۷ـچربی شیر مادر که بعضا از نگـاه مقدار معادل شیر گاو است از نگاه ترتیب از شیر گاو فرق فاحشی داشته بهتر یـن منبـع انرجی وویتامین های منحل درشحم قابل استفاده و اسید های شحمی اسا سی برای نشو نما وزندگی طفل بوده نسبت به چر بی شیر گاو با سانی قابل هضـم وجـذب است .

۸ـ مقدار زیاد شکر شیر مادر با ساس احتیاج انرژی طفل تهیه شده و قابل‌استفاده اعظمی است (٦،٥) فیصد .

۹ـ مرض رشتیزم که در ابتدا ء با عث نارحتی های بیـداری وخـواب طفل ، درد های زیاد و عر ق شبا نه وبعد ها با عث سوء تشکیلا ت استخوانها میشود در اطفال بیشتر دیده میشود که به شیر گاو تغذیه میشو ند زیرا نه‌تنها مقدار ویتا مین د ی شیر مادر بیشتر از شیر گاو است بلکه در شیر مادر ویتا مین های منحل درشحم بهتر قابل استفاده بوده واحتیا ج‌اطفا لیکه باشیرگاو تغذیه میشوند نـظر به دلایـل نامعلو م بیشتر است .

۱۰ـ مقدار زیاد از احتیا ج‌سو دیم شیر گاو که برای گو سا له تهیه شده برا ی طفل انسان قابل تحمل نیست بخصو ص اطفال قبل المیعاد ونا پخته را معرو ض به خطر زیاد شدن سود یم خون وبا ر هم‌خوردن توا زن آب والکترو لیت ها میسازد کـه بعضا کشند ه است .

۱۱ـشیر مادر بیشتر آهن ومس دارد که عنا صر عمده خون ساز و تنفس حجر وی وحیا تی است .

۱۲ـشیر گاو مقدار بیش از احتیاج طفل انسا ن فا سفو رو کلسیم دارد و مقـدار تنا سب بیش از حد فاسفو رس با عث‌انحطاط تر کیبی کلسیم خون شده و لهذا اطفا ل که محروم از شیر مادر انـدمعروض‌خطر تیتانی (اختلاج کمی کلسیم)میباشند..

۱۳ـمقدار مواد دیگر مدنی وهمه ای‌مواد معد نی که بمقدار های کم آن عضو یت احتیا ج دارد در شیر مادر مطابق به‌احتیاج کودك تهیه شده که اندازه معین آن طور طبیعی برای کلیه اطفال مضر نیست درشیر گاو کنترول و تهیه آن با سا س ضرورت واحتیا ج طفل تا حال ناممکن است .

دانید ه‌است .

سچا لر کشف کرده که در بین این‌یحیوا نات‌که هنوز هم بصو رت وحشی وآوا ره زیست مینما یـند نظـم ودسپلین مرا عات‌میگردد.آنها از بین شان یکی‌دو سگ را، وظیفه مید هند تا از نو زادان حفا ظـت بعمل آورند ودیگران عقب شکـار میرو ند .

همچنان دا نشمند مـذ کوراظهار میدا رد :

«سگهای در نده افر یقا یی‌صیدو شکاری را که بچنگ می آورندمسا ویانه بین شان تقسیم مینما یـنـد وهر گز یك سگ‌به‌حق سگ دیگـر تجاوز نمیکند ».

سچا لر پیشنهاد نموده که چـون هنوز این حقیقت روشن نگرد یـده که آیا سگهای مذ کور به میمون ها نیزقرابت دارند ؟ پس باید مطـا لعات بیشتر وعمیق تری صـو رت بگیرد .زیرا با مطا لعات وتحقیقات دامنه‌دار برعـلاوه ایکه‌میتوان‌باسرار زندگی این موجودات پی برد برا هی‌که انسان در طول تا ریخ‌زندگی خو یش پیموده است بیش ازپیش آشنا یی حا صل کرد .

این سگهای گرگ نما، در روز دوبار دنبال شکار میکرد ند وهمیـن که‌صیدی را بچنگ آوردند چنگال زندگی او را ترك نگفته آنرا منقس می سا زند واز آن استفا ده مـی نمایند .

سگهای افر یقا یی در تقسیـم کردن شکار شان مها رت زیا دی خرج مید هند .یکی در قسمت سر شکار می چسپد وپوز آنرا مید ر دیگر شس از یك جناح صید رایـا می‌کند، سو می از جانب دیگـ چهار می شکم شکار را می شگا ف ودر مدت کمتر از نیم سا عت صـ مظلوم از بین میرود .

هر سگ در نده افریقا یی روزا شش پوند گو شت مصرف‌مینماید غـذای این سگهای در نده خوراگو شت حیوانات تشکیل مید هد.

در او قا تی که سگهای مذ کـو سیرباشندباهمدیگر عشق میور زند مستی میکنند .این حیوا نات خیلـ بند رت همرای یکد یگر جنگ مـ نمایند. صلح وآشتی وعشق دوست را، در میان شان دو ست میدا رند

آنها در بین گلها ومرداب هـ سورا خهای برای خود بو جود م آورند وزند گی مینما یند .

زمانیکه سه وچهار ماه از عمـ نوزاد این جانور سپری گرد یـ از کبله خارج میشود در جستجو شکار می افتد وزند گی شگفـت انگیزی راآغاز مینماید .

بقیه صفحه ٤

ما باشما ستیم

خارجی این وطن بزرگ قهرمان آفر یـن ودر راس آن امپر یالیسم امریکا با یـد بداند که حتی تهدید مسلحا نه خلق وطن‌را نمیتواند از راه انسا نی ایکه در پیش گرفته وافتخار آمیز در آنراه طی طریق مینما یـد منصر ف سازند ، تما می مرد مان وطن از هر ملیت و هر قو می که هستند سو گنـد یاد کرده اند که وطن خو یش را ، و طـن بزرگ و قهر ما ن خو یش را آباد سا زند واین وطن بزرگ شان بسان کشور هـای آزاد، مترقی و سر بلند ودر قطار کشورهای پیشر فتـه و معمور وآبـاد قرار گر فـته و افتخار آمیز در جاده وسیع زندگی اجتماعی به‌پیش رفته وموانع نا بکـار رایـکی پـی دیگر از میان بردارد.

زحمتکشان قهرمان وطن که تـا ر یـخ پر افتخار مبارزات قهر مانانه آنها ما یـه فخر ومبا هات میهن‌بزرگ ما ست و در طول تا ریخ با قهر ما نی ها ی خو یش تاریخ وطن را زرین ساخته انـد ، پس ای توده ها ی زحمتکشا ن افغانستان با نیروی متحد بر دشمن یورش برده و همه‌نابکاران و دون صفتان را به یکبا ر گی سر بـه نیست نمایـید: ■

قابل تـذ کار که‌جنبش ومبارزه خلقهـ در وضع کنو نی شکل و ما هیت تا زه‌تر کسب نموده است ، جنبش ها درسابق‌همینکـ به استقلال سیاسی نایل میگر دیدند ،وظایف خـویش را ختـم شده مـی پنداشتند ا مـ غا فل از اینکه استقلال ملی کا مل‌نمیگرد مگر اینکه به استقلال سیاسی و اقتصادی نایل آمد ،چه امپر یالیسم با وجود یکـ درعرصه سیاسی بـه شکست مـو ا ـ گردیده و میگردد در پایگاه اقتصادی جامعه مواضع برای خو یش نگهمیدارد و سخـ در تلاش می افتد تا از موا ضع اقتصادی برضد کشور هـای نو به استقلال ر سیا حیلات خصما نه خویش را سازمان بخشد

همشهریان دلیر کابل بخاطر د ارندوخو شا هد دهشت افگنی ، خرا بکاری وا یجا رعب و ترس توسط جنا یتکا را ن وعما فاسد امپریالیزم ، این نـوکران چـاکرمنش فرو خته شده در مقابل دالر ، پوند وکلدا با کمسانی بودند که زندگی آرام مرد بخصو ص اهالی شهر کابل را بر هم ر ودرنظر دا شتند تا با بکار بستن پروگرامها منحط خویش زمینه رابیش از پیش بـرا اجرای پرو گرا مهای بعدی خو یش مـ نما یند ، اما خلق ها ی شریف وطن ازجمل شهر یان غیر تمنـد ماهیت سیاسی ایـ دشمنا ن را درك کرده وبه اهداف شو ملوس شان پی‌برده‌اند.

بقیه صفحه ۲۱

ماهی ایکه در حال نابودیست

تونا تقریبا به آخر رسیده و اکنون موازنه شکار ماهی بزرگ و کوچك در نظر گرفته نمیشود .

همچنان از ما هیانی که اکنون بدست می آیند معلوم میشود که یا خیلی پیر اند یا خیلی جوان .

کشور ناروی در سال ۱۹۶۲ هشتاد و پنج ملیون پوند ماهی تونای بلو فن را شکار کرد . در حالیکه در سال ۱۹۷۰ این مقدار به یك عشاریه هفتاد و پنج ملیون پوند رسید . ریکارد ، گرفتن ماهی های ماده (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۲) نوع تونا در سراسر جهان نشان‌میدهد که ماهی بلوفن دارای وزن وسطی صد تا سه صد پوند تقریبا بدست نیا مده است .

شاید انواع دیگر ماهی تونا نیز مواجه با خطر نابودی باشند . در جنوب بحر او قیانوس نوع ماهی تونا دارای شاهپر زرد و آن نوع دیگرش که دارای چشمان بزرگ میبا شند تحت‌فشار شکار و نابودی قرار دارند . در شرق بحر الکاهل با وجود تو صیه های کمسیون حما یه ما هیان فشار زیادی‌برماهی های شا هپر زرد هنوز هم ادامه دارد و ماهی‌گیران مقررات رانادیده می گیرند .

اقدام تازه حکومات جهان در مورد تو سعه سر حدات بحری نیز مو جب تولید خطر بزرگ‌برای ماهی تونا شده و کشور های که‌به ماهی گیری می پردازند سرحدات بحری خود را تا دو صد میل در میان بحر پیش برده اند تاخوبتر به میل خاطر به شکار ماهی ادامه بدهند این عمل موثریت توصیه‌های چندین کمیسیون بین المللی را در مورد حمایه ماهی نوع تونا تقریبا از بین برده است .

یك تعداد کشور های جدیدجهان که بدسته شکار چیان ما هی نوع تونا شامل نشده نیز بر منابع این نوع ماهی فشار زیادی راوارد نموده اند .

اکنون این سوال پیش می اید که چه باید کرد تا این نوع ماهی را از خطر نا بودی نجات بخشید.

یك متخصص ورزیده که در کمیته تجارتی شکار ماهی عضویت دارد از موقف خو یش استفاده کرده اصرار می ورزد که باید هر چه زود تر حکو مات جهان داخل اقدام شوند و زمینه حمایه همه جانبه وتنظیم منابع ما هی تو نا را فرا هم گر دانند .

متخصص مذکور علاوه نموده اظهار میدارد که وضع مقررات همه جانبه بین المللی ، وسیله موثری برای انجام این عمل شده میتواند.

باید هرچه زود تر موافقه بین ـ المللی در مورد حمایه ماهی نوع‌تونا صورت بگیرد . تا جمله کشور ها بخصو ص کشور های که از تکنا لوژی عصری در گرفتن ماهی تونا استفاده مینمایند و به صادرات این نوع ماهی می پردازند مجبور شوند که به گرفتن این نوع ماهی مبادرت نورزند و مکلف گر دندکه تاظرین با صلا حیت بین المللی را در کشتی های شان بپذ یرند.

در راه یك طرح جهانی ممکن است اقدا می صورت گرفته بتواند تا منبع آینده جهان از نگاه این‌نوع ماهی تامین شده بتواند .

همچنان در باره حفظ منابع‌ماهی تونا نظریات زیادی ابراز گردیده‌که توجه اقتصاد یون فلا سفه ،سیاـ ستمدا ران و سا ینتست ها راجلب نموده است .

دانشمندان و متخصصین اظهار عقیده مینمایند که باید طرحی جهانی با ساس تنظیم این منبع حیاتی روی دست گرفته شود،البته در این طرح لزوم کنترول ، در رسیدن به آب های که این نوع ما هیان در آنها زندگی میکنند یك امر لازمی است .

همچنان در این طرح باید احتیا جات اساسی مردم جهان در نظر گرفته شود و سهمیه برای هر کشتی . ما هیگیری تعیین گردد و قیودی بر این کشتی ها وضع گردد و فیس ماهی گیری ، ماهی گیران بلند برده شود و کمیسیون با صلا حیتی بو جود اید و ماهی های ابحار را بررسی ، سواحل بحری را سروی و مناطق اقتصادی آنرا تثبیت نماید و یك اجنسی جهانی تنظیم ماهی تونا ، را بوجود اورد .

عملی گردیدن این نظریات ممکن موجب گردد که این منبع خو ب حیاتی از جهان محو ونا بود نگردد این پیشنها دات در کنفرا نس های بین المللی و ملی مطرح بحث و غور بوده است .

هر گاه طرح حما یوی ماهی‌تونا طرف قبول‌اعضای کشور های‌ذیدخل قرار گیرد امکان آن وجود دارد که تمام کشور ها در جهان فردا، از آن سود سر شاری ببرند و برای انسان فردا منبع خوب حیاتی وجود داشته باشد .

اما امروز چون شکار این ماهی در سراسر جهان بی رحمانه‌صورت میگیرد فشار زیادی در جهت‌نابودی این منبع غذایی صورت میگیرد .

همچنان متخصصین و دانشمندان پیرا مون این مو ضوع پیشنهاد مینمایند که هر گونه اقدامی که درین باره صورت میگیرد بایدتمام ملل جهان در آن شرکت داشته باشند .

بقیه صفحه ۳۳

اسباب سؤ تغذی

عمر زیاد می با شد . ودر اشکا ل مختلفه آن از ۳٫۳ فیصد تا۶٫۶ فیصد واقعات تثبیت وبا ید خا طر نشا ن گردد که علل عمدهٔ مرگ ومیر درچنین اطفال عبارت اند از :

۱ـ ضعیف بودن وکم خونی شدید .

۲ـ اسهالات دوامدار وضایعات مایعات‌وجود واملاح ضروری .

۳ـ سقوط درجه حرارت بدن .

٤ـ عدم کفایهٔ دوران محیطی .

٥ـ سقوط شکر در خون .

بصورت عمومی در اشکال پیشر فته سوء تغذی ووکمبود پرو تین که علایم جلد ی داشته با شد مرگ ومیر زیاد است .

سوال ـ لطفا در مورد تداوی اطفال مصاب سوء تغذی معلومات دهید؟

جوا ب : با ید گفت که نسبت کثر ت واقعا ت ،تداوی با لخا صه آن خیلی قیمت تما م شده و هم مدت زیاد ایجا ب بیشتر شفا خا نه را می نما ئید که معمو لادر چنین جوامع وارسی آن از نظر مسایل اقتصادی و موجو دیت پر سونل وتجهیزات و غیره مشکل می با شد .

با نهم البته واقعا ت منفرد در شفا خانه با یست تداوی شوند ، لاکن اسا سا درمورد جلو گیری وو قایه آن با ید پرو گرا م های وسیع بسویه ملی اتخاذوانرا انکشاف‌داد.

تا در مورد عوا مل مختلفه و مضره اقتصادی ـاجتما عی ـعنعنوی ـاز طر یق تعلیما ت صحی مجادله شود که در اینصورت میتوان اطفال مصاب بـه سوء تغذی را از پنجه مر گ نجا ت داد . با نهم احیا وبکار انداختن چنین پرو گرام ها ی و قا یـو ی دراطفال قبل المکتب ودوره های ابتدائی مکتب تا سیما ت خیلی زیاد ، پو ل وافر، ومقادیر زیاد مواد غذائی را از قبیل تخم‌ـ شیر ـ گوشت ـحبو با ت ـمینرا ل ها وغیره غرض توزیع ایجا ب میکند اکثریت چنین پرو گرام ها در مکا تب با ید متو جه‌دو هدف عمده با شد :

۱ـ تعلیمات‌صحی یعنی‌از طرف کار کنان صحت طفل وپرسونل فنی برای اطفال و ما درا ن ضمن کنفرا نس ها فلم ها ودیگر تجهیزات دردست داشته تعلیمات صحی‌داده شود وباطفال ووالدین فهمانده شودکه نظافت رادر نظر گرفته با طفال شان علاوه از شیر مواد غذائی متممه را با در نظر داشت و قت شروع آن تو ضیح نمایند.

۲ـ تهیه وتوزیع مواد غذائی متممه :

در زمینه تعلیما ت صحی با ید تو جه زیاد در مورد تبلیغات مثبت و مفید ادامه شیر مادر و تغذی با شیر مادر عطف گردد.

ودر زمینه تهیه و توزیع مواد متممه غذائی باید کوشش بعمل آید که‌برای‌والدین اطفال تفهیم‌شودکه‌درسنین ٤و٦ماهگی برعلاوه‌شیر از غذا ها ی دیگر نیز استفاده بعمل آید ـ وهم چنان در زمان جدایی از شیر بهر اندازه که اقتصاد فا میل ایجاب نما یدباید کو شش شود تا از منا بع مهم پرو تین حیوانی از قبیل تخم‌ـ شیرـ گوشت و غیره استفاده بعمل آید .

و بصورت عمومی با ید در زمینه تعلیمات صحی مادرا ن وقتا فو قتا در مرا جع مختلفه پروگرام ها و ضع و ایشانرا در مورد ارزش غذا و طرز تهیه آن کمك نما یند.

وهم چنا ن چو ن نگهدا شت تعداد کثیر چنین اطفال در شفا خانه ها مشکل می باشد با ید در مو سسا ت مخصو ص دیگراحیای مجدد غذائی ، تداوی و را هنما ی شوند.

بقیه صفحه ٤٧

مریض شدن و یا...

امامتا سفا نه که اطفال ازاوا یل روزهای تو لد خود تا سنین هفده‌الی هجده سالگی علاوه از دوا هایی که درمقا بل امرا ض میگیرد در حدود بست تلقیح وقایوی نیز میشود یا بعباره دیگر مواد اجنبی در وجو د تزریق میشود.این‌همه عملیات‌زمانی صورت میگیرد که وجود انسان به علت قوا نین بیو لو ژیکی معا فیت تام‌را حا صل کرده نمی باشد. از طرف دیگر با گذشت تقر یبا هر ده سال ادو یه جات معا لجوی وواکسین های وقا یوی با اشکال مختلف‌وموثریت بهتر در بازار طبا بت ظاهر میشود . واکسین های سیاه سرفه‌و سرخکان تطبیق میشود. در حال حاضر پروتیت اپید میلوژیکی نیز وقایه شده میتواند واز ورم‌لو زتین گوش که در سا بق‌ظهور آن‌تقریبا حتمی شمرد ه‌میشد نیز جلو گیری میشود .

فعلا تا ثیرات سو که از تجو یز بعضی دوا ها در عضو یت بو جود می آمددر دست‌است بطور مثال الرژی «حساسیت» ، پایین آمد ن مقا ومت عضو یت‌بمقا بل امرا ض، ظهور امرا ض قلبی وغیره اعراض، (تا ثیرات سو بعضی مواد کیمیا وی درایجاد امرا ض قلبی ووعا یی به اثبات رسیده است).

این نکته عجیب بنظرمیخوردمگر وا قعیت است که از عوا قب بعضی ادو یه‌جات وقا یوی ومعا لجوی به استثنای جنتیك در نشر یه ها تقریباهیچ سخن گفته نمیشود .

منا سبات وعکس العمل های‌ما در مقا بل تلقیح وقا یوی مانند ده سال قبل با قی ما نده حال اینکه در طول این زمان تحو لات بز رگ اجتما عی بو قوع پیو سته است.به طور مثال در بعضی مما لك سطح زند گی بلند رفته ، شرا یطزیست بهتر شده یا بعبا ره دیگر علل اجتما عی که باعث ایجاد امرا ض سا ری‌میشد ند محو گرد یدنداماطرق وقایه تقر یبا به حال سا بق‌خودباقی مانده است .

طوری تصور میشود که درقسمت وقایه امرا ض سا ری تطبیق واکسین ها برای امرا ض مختلف روز بروز مورد استفا ده قرارمیگیر د.این تمایل تا یك انداز ه منحیث‌هدف نهایی جامیگیرد .

اگر به معیا رهای حفا ظه صحت نظر انداخته شود قا نو نمندی عجیب مشا هده میشود.این یك وا قعیت است که اطفال در حال حاضر از امراض «حتمی اطفال» نجات یافته اند .اما اگربطور عموم فکر کنیم آیا اطفال به این تر تیب کمتر به امرا ض سا ری مبتلا می شوند؟ قسمیکه دیده میشود نی .

پس راه نجات کجاست ؟ طر یق حل مسله این است تا به مقدارقوه کیمیا وی که طفل آنرا متحمل میشود متو جه شو یم وآنرا ار زیا بی‌نمایم. این‌نکته در قسمت اطفال شهری قا بل اهمیت بسزا ی است زیرا دیده میشود اطفال شهری از دواهای مختلف کار گر فته ووا کسین های متنوع را تطبیق میکنند . از سوی دیگر فضای شهر نظر به قریه‌جات کثیف تراست. این ار زیا بی به آن ملحوظ است تا از حد معین‌مدا فعه طبیعی تجا وز نه شود .حدی که به ار گا نیزم انسان امکان مید هد تا درمقا بل‌اثرات نا مسا عد طبیعت ما حول از خود دفاع کند . فکر میشود وقت آن فرا رسیده تا بعضی نقطه نظرات در قسمت تدا وی‌ووقایه ازامرا ض سا ری مورد تجد ید نظر قرارگیرد .این نکته به‌مر حله‌نسبت داده میشود که انسان در حال تقویه جسمی خود با شد .

نکته جا لب در ینجا ست که متخصصین در قسمت حفظ طبیعت‌به این نتیجه رسیده اند که قوه های مدافعوی طبیعی سیستم ایکالوجیکی باید به حال خود با قی بما ندوهم‌زمان عملیات کیمیا وی با لای آنها تاحد امکان کا هشی یابد . تاجائیکه به انسان مر بوط است در ین قسمت کدام نتیجه گیری نه شده است .

انسان در طول زند گی خو یش‌نظر به‌فضای ما حول اضا فه تر تحت اثرات عملیا تی قرار میگیرد که جنبه مصنو عی دارند . پس چه چیز باعث میشود که از بعضی تدا بیر وقا یوی واستعمال یکتعداد دوا ها صرف نظر نه شو د؟یگا نه ما نع درین راه یکی از خصو صیت های مردم (ودر ضمن دا کتران) یعنی تفکر بر حسب عا دت است . پس برای اینکه ما نع بر طرف شود ضرور است تا این طرز تفکر دور شود .

باالاخره این مسله با ید حل گردد که انسان چه وقت وبه کدام امرا ض به رضا و رغبت خود مبتلا شود .چه میشوداگر انسان‌به این گر تیب فقط صحت مندترشود؟

بقیه صفحه ٥٤

دوبیتی ها..

در آن بکار رفته که طرف مقابل رابه‌تحسین وامیدارد . در اکثر دوبیتی ها ئیکه دیده شده وصنایع بد یعی اعم از صنایع لفظی وصنایع معنوی چنان با استادی. و پختگی استعمال شده که راستی قابل تعجب است مثلا در دوبیتی زیر صنعت ارسال المثل چنین بکار رفته .

الاآهوی دشتی رام نمیشه
به یکدیدن دلم آرام‌نمیشه
خطت را بوسه‌کردم‌یادم‌آمد
که (بوسه با پیغام نمیشه)

در دوبیتی دگر از صنعت سوال و جواب ذیلا استفاده گردیده .

سیبی باشد که سیب آبی باشه
لبت بگزم که یادگار باشه
لبمه نگز ما د ر م می فامه
دستمه بگز که زیرآستین‌باشد

ویا :

ای دخترك لطیفه بوی بهار
شو یت بکشم تراکنم بیوه و زار
شو یمه نکش مرا نکوبیوه‌وزار
خر بوزه بخور تر ابفالیز چکار

در دوبیتی بالا بر علاوه (صنعت سوال و جواب) صفت (ارسال المثل) نیز استعمال شده که تقر یبا کم نظیر می با شد .

از جمله صنایع معنو ی مثال طباق در ودو بیتی ذیل چه خوش نکوسروده شده :

دلی دارم دل آزرده دارم
فراق زنده «داغ مرده‌دارم
که داغ‌مرده حکم خدا بود
جدالی زنده ره طا قت‌ندارم

در بیت زیر مثال « موفوق المعانی» چه خوب تارهای قلب آدمی را به طپش می آرد :

اگر باد صبا پیدانه‌می‌شد
دهان غنچه گل وا نمیشد
چو میدادند لیلی رابه‌مجنون
صدای عاشقان بالا نمیشد

به جز از دو بیتی های فوق الذکر دگر دو بیتی های هستند که هر کدام حکایه از صنایع بدیعی دارند اما در مقاله کوچك ما که صرف از برای شنا خت دوبیتی ها ترتیب شده گنجا یش ندارد.اما اساسی ترین نکته بوجود آمدن دو بیتی محرو میت گوینده از نعما ت مادی‌ومعنوی در جا معه مبیا شد چنا نکه انسان همیشه در تلاش است تا کمبود زندگی خویش را مرفوع سازد و درین راه مبارزه نماید وگا هی هم تضاد ها ی طبقا تی جوا مع فیو دالی وامپریالیستی در دوبیتی ها چنین متبلور گردیده .

روی سفید ت خال دا ره
غریب کی خانه و اموال‌داره
به هرکس دست دادم‌دردکرد
مگر دست غریبا خار دار ه

در جایی دیگر عا شق فقیری که ر قیب پولداری دارد میگو ید !

چرا یار بامابی وفاست خدایا
رقیبم با مال دنیا ست خد ا یا
مه خو از جور دنیا گله ندارم
صحبت یار ازمه جداست خدایا

به همین ترتیب دوبیتی ها زبان گو یای مردم بوده‌است که ازرنج شان، از فقرشان، از خواسته های شان حکایه مینما ید.به این سلسله یکی ازمشکلات به‌وصال نرسیدن دو دلدار در گذشته ها مصارف گزاف عرو سی و پول گرفتن بیجا یی طو یا نه مبیا شد . مردی که پول طویانه را ندارد چنین گفته شده :

به جان دخترك پیران‌گلدار
سرش عاشق‌شدم میرم‌طلبگار
سرش عاشق شدم‌پولی‌ندارم
که‌بابیش‌میخوا یه‌پیسای‌بسیار

در قدیم دختر حق نداشت مرد زند گی خود را انتخاب کند و به این علت کانون گرم خانوادگی محل جنگ زن و شوهر میشد . از ینجا ست که دختران به مادر خود زاری نموده و خواسته های خود راکه عبارت از یافتن شریك خوب برای زندگی مبیا شد در قالب موزون دوبیتی در آورده‌به مادرخود چنین التماس می کنند .

الامادر مه قربانی سرو موی تومیشم
مه قربان اداو خو یی تو میشم
مره بتی به یکجوان خو ب و کا که
که شب تابه سحر دعا گوی تومیشم

از تمام مطالب فوق چنین نتیجه گر فته می شود که

(دوبیتی ها آئینه تمام نمایی آرمان ها احسا سات ، خوا سته های بشری و بازگو کننده عوا طف ، حالت اجتما عی و مو قف عنعنوی شان در جا معه مبیا شد)

در اخیر دوبیتی خد مت تان پیشکش‌میشود تا با خواندن آن به معنی وارزش معنوی فرهنگ توده ها پی برده لبخند شا د ی بر لبان تان بشگفد :

کتی مه وادهٔ ها کر دی گل من
دروغ گفتی خطا کر دی گل من
گرفتی تیغ هجران را بدستت
مره بنداز بندجداکردی گل من

جواب به نامه های شما

لام علیکم همکا ران عزیز

د از اینکه سلام گفتیم ، چه چیـــز
ز با ید بگو ییم ، حتما عرض میدا رید
بجواب نامه ها بپر دازو به مطلب‌مادرنگ
ه کو ،و بگو که شعر و داستان مـن
نه است ؟آماده نشر میگر دد یا جای
یی جز کاغذ دانی ندارد ؟ بگـذاریـم
حر فها را بسته به شعرو دا ستا ن
ت کنیم و چند سخنی از رفتن ها وآمدن
با ییدن ها و کو چیدن ها بگر ییم .
م زمستان سخت جان و سختگیر بـه
ردی میرود و سو کمندانه واضطرارا نه
یشواز بهار طی طریق میزند و بز با ن
ض از گفتن ، حال میگو ید که‌دیگر،
را جا یی نیست و حال نو بت تو ست،
بیاور و جهان را مژده ده که‌زمستان
نیست ... «یکی دوروز دیگر بـــهار
» بهار یکه طراوت و شا دابی بـه
غان میا ورد وهر جارا به رنگ دیگری
ید ، لطف وزندگی ، در وجود زندگـی
ما ند ، شور و جنبش می آفر یند و
ی دو باره ، زندگی را جان تازه مـی
د یا از نو باز، متو لد ش میگرداند،
ی به سوی آغازیدن وطـــلوع،زندگیی
وی تازگی ودر خشنـــدگی، زندگیـی
سوی روشنی و بهتری ... ای خواننده
تو هم با پرتو و جلوه بهار سر بـه
و بیرون بیا فکن وکار انجام شده‌یی
ا به‌حساب بزن . تو خواننده‌یـــی‌کـه
ت بقلم است ، وجود و حضورت میـان
و فکر ت بر انگیخته از مردم ...

وست عزیز ناصر آرین

طلب فر ستا ده یی شما رسید ، وتحلیل
خوبی را از شعر در بر دا شت .شرح
مبسوطی را کـــه دربـــیان انـــفکاک
بری شعر نو از «شعر مادر » یا بـــه
همکا ن شعر کهنه و قدیم ، نموده
ید «که آرزو مندیم این ارزیا بی از
شما با شد » قابل دقت است ولاز مه
دن که از سوی قلیل بود و بـــا
.

مین مصراع ، سخنی بهتر ازخداحافظی
ن به طنین افتید که‌در بغمان آمد کـه
کاران و خوانندگان دریغ گردد :

ب خـــوش نوابگـــو تازه به تازه‌نوبه‌نو
دهٔ دلگشا بجو تازه به تازه نو به‌نو

دوست عزیز عبدالغنی از لیسه نادریه

جدول مطرو حه شمابه اداره موا صلـت کرد . وبا نظری که افکند یم مر بع های کوچك را چیز های نا موزونی اشغا ل کرده اند که بایست نمیکردند ، من با ب مثال، در ستون افقی میخوا نیم ستاره فلم ، نام فلم .. دانستن این‌بزرگـــان کاغـــذی‌قریب به اکثریت که هم نادان اندو هم ما یـــه فا سد به چه درد و مشغو لیت فکری‌خوانندگان میخورد و آشنایی و شناسایی‌شـــان جز مایه درد سر چـــه میتواند با شـــد ، غیر اینکه دیوار و فضای اتاق را از خلوت مصون خا لی گر داند و لق‌لق نظاره نماید وگوشه از فـــکر نوجوانان وجوانان‌مـــا را بخودسرگرم بسازد، چـــه کاری کـــرده میتوا ند ، ای عوام النا س !

دوست مهر بان ، ستو نهای این جدول را به مسا یلی اختصا ص بد هید که هـــم خر ما با شد و هم ثواب یا به سخن دیگر هم فا ل با شد و هم تما شا ... به امیـــد مطا لب‌دیگر تان . خدا همرای تا ن .

دو ست عزیز شیر محمد هو تکیار محصل اکادمی تربیه معلم

جـــدول متقاطـــع‌ارسالی شما، رسیـــد امیدواریم که درطـــرح جداول آیـــنده، نکات بالا نیز زیر نظـــر شما باشد وبـــا التزام ومسوولیـــت جدول بریزید وطـــرح نودر اندازید.مطلـــب تانرا به‌مـــتصـــدی صفحه مسابـــقات وسر گـــرمیهاسپردیـــم که هر گاه مناسب صفحه بـــاشـــد بـــه نشرش اقدام‌ورزد ،،پیروزی‌نصـــیب‌تـــان، خداحافظ

دوست عزیز «؟» متعلم صنف یازدهـــم ك ساینس لیسه انصا ری

مطلب ارسا لی شما را مرور کرد یـــم از بس قلیل واندك بود ، جایی بـــرای «الما سیدن » نیا فت . به شوخی علاو ه نما ییم که، تحقیق و تجسسی در مـــورد «الما سك » میکنید و لی نام خود را، در روی پا کت یاپایان نو شته ، به درخشیدن زود گذر الما سك نمی نو یسید و ما را نا گزیر و ادار میساز ید که بگو ییـــم دوست عزیز سوا لیه مطالب تحقیقی رادرست وتما م تجسس نما و نا م خو یش را زیبا وخوا نا بنو یس .. خدا حافظ همکارعزیز.

دوست عزیزهمایون‌خاموش محصل صنف‌اول بو هنخی طب

مانیز سلام میگو ییم ، امید واریم خوب با شید . پا سخ سوالات صفحه سرگرمیها و مسا بقات ضم یك قطعه فو توی شما به اداره رسید ، وآنرا به متصدی صفحـــه مسا بقات و سر گرمیها سپر دیم که در نشر ش ترتیب اثر بدهد و شما را ممنون بسا زد ، ولی نا گفته پیدا ست که دراین طلو عی بهاری ، خا موشی گنا هست . بر خیزید ، هر سو بنگرید ، تولدی دو بـاره دیده میشود و سخن بسیار است که بایست گفت ، پیرا مون خویش را ببینید ، کـــه گفتن بسیار است و خا موشی گناه..ازمزاح و مشوره دو ستا نه ماکه حتی به تخلص شما نظر داشته ایم ، امید واریم تعبیر سو دست ندهد . والسلام . به‌امید همـــکاری شما .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه ،مساعـــد خارنوالی ولایت غور

چند پارچه ربا عی، سروده طبع شمـــا دوست عزیـــز به ما رسید و آرزومندیـــم که همکا ر دایمی ما با شید و با ارسال مطا لب گزیده و خو ب ، مجله ژوندون‌را، به همکا ری همقلما ن دیگر ، زنده نگهه دارید و بر «شکوه وجلالش » بیا فزا ید.. شعر «بهار برف » را که چند روز ی‌بیشتر، به عمر برف نمانده است ، در همین صفحه به نشر میسپا ریم واشعار بهتر وخو بتـــر تا نرا انتظار میبر یم :

زمستان ده ، بار برف و باران
زمستا نی : بهار بر ف وباران
بهار ویا سمین قد ری نـــداره
به سیمین روز گار برف‌وباران

• • •

ـراستی همینگو نه است ، بهار یاسمین قدری نداره به سیمین روز گار بر فـوباران مشروط و منو ط به اینکه همه در پرتوسعادت زند گی کنندو شکم بی هنر بیچیچ رالب نا نی با شد وبی خانگان را سر پنا ه‌یـــی. **،نه‌سرپناهٔ کـــه حوالـــه داران مسکـــن** در سر ماه به سر وقت بندگـــان بـــی ـ خانه بر یزند که تك روزی از ماه سپری شده ... واز اینرو سیمین روز گار بر فـو با ران ، نیارزد به تابستان گرم بها ران!

به رنگ شیر ، باران وشکربرف
به «بارش»باز شد شیروشکربرف
بهشت رو ستا چو ن جا م خنـــدد
اگر با ران میبا رد ، اگر بر ف

• • •

بگو تا آسمان گو هر بباره
فراوان بیشتر بهتر بباره
اگر در شهر میبارید نم‌نم
به دهستان ما «شرشر»بباره

• • •

دوست عزیز محمد رحیم

مطلب ارسالی شما به اداره رسید ،وآنرا جهت ارزیا بی به متصدی صفحه مسا بقات وسر گر میها سپر دیم که اگر در ست با شد به چاپ آن مبا درت ورزد ، موفق با شید .

دوست عزیز شاه محمدنور

سلام میگو ییم وخو شحا لیم که بامجله ژوندون همکا ری میکنید . مطا لبی را که برا ی مطبو عات میفر ستید ، کو شش‌نمایید که به یك سوی کا غذ بنو یسید ، مضمون شما را به متصد ی صفحه جوا نا ن‌سپردیم که اگر توا نست ، از نو به یك رو ی ورق بنو یسید ،در نشر ش بکو شد ، در غیر ، مضمون دیگری بفر ستید که‌چا پش کنیم .

دوست عزیز احـــمدالله رهین داغ

بپذیرید سلام ما را نیز . پارچه شعرشما را مطالعه کردیم واینك چند بیتی از آن:

چـــه تدبیری کنـــم جا نادل داغم قرارآید
فراغت سخت دشواراست قلبی را که‌شیداشد
ندیدم هیـــچ دل کـــزدام بدبختی رهاباشد
یکی در عشق ودیگـــر درغم سامان‌دنیاشـــد
رهید پودو قراردل زسـعـــــی‌بیدریغ‌من
زتار قلب داغ من هزاران نغمه پیـــداشد
ازاین پس درپی مقصود خود جهدی‌مکـــن
شب و روزش نمایانست کوری را که بیناشد

خدا حافظ

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

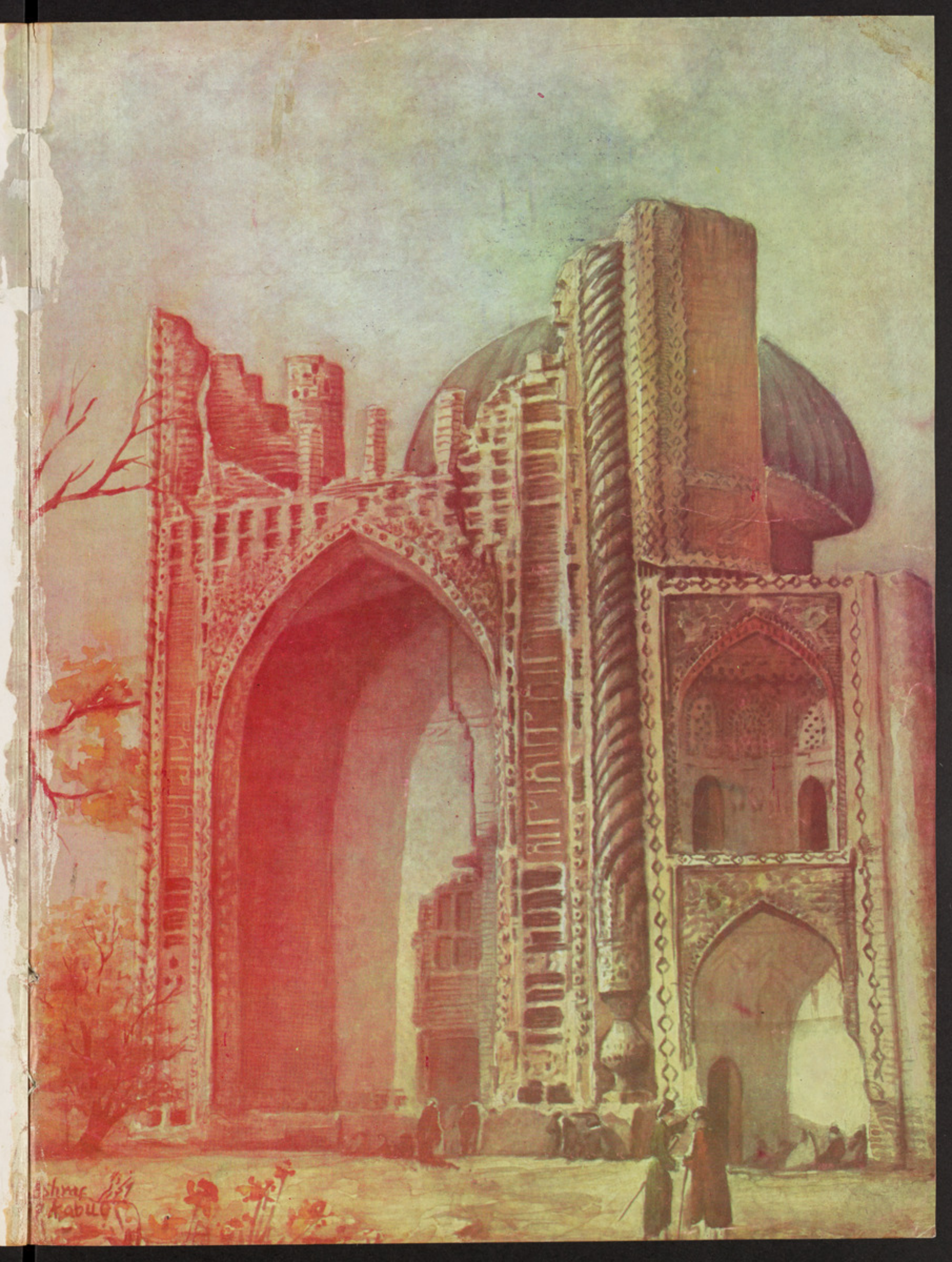
Ashraf
Kabul